



Insta and Telegram ID : @MH_HABIBI_FX

Insta : xamiidof

گرد اورندگان این مجموعه : محمد حبیبی - حمیدرضا حنیفه



این جزوه استاد محمد علی پور صمدی شامل : ۱- بخش اول شامل ویدیوهای مقدماتی و اصلی : ۲- بخش دوم درباره گزارش های هفتگی و همچنین استراتژی معاملاتی (نحوه نوشتن و خود استراتژی) : ۳- بخش سوم ویدیوهای تکمیلی : ۴- بخش چهارم هایلایت های اینستاگرام می باشد .

فهرست مطالب

بخش اول ویدیوهای اصلی

- ۱- چرخه بازار ----- صفحه ۷
- ۲- تعاریف ----- ۱۱
- ۳- بازیگران بازار ----- ۱۵
- ۴- راه های در آمد زایی از بازار ----- ۱۶
- ۵- مفاهیم اصلی ----- ۱۸
- ۶- لوریج یا اهرم ----- ۱۹
- ۷- انواع اردر گذاری ----- ۲۰
- ۸- بروکرها و بانک ها ----- ۲۲
- ۹- سايست های مورد نیاز ----- ۲۳
- ۱۰- تعريف تکنیکال و فاندامننتال ----- ۲۶
- ۱۱- کندل ها و تایم فریم ----- ۲۸
- ۱۲- نصب و وارد کردن فایل ها به متاتریدر ----- ۳۰
- ۱۳- ویو و درج اندیکاتور در متاتریدر ----- ۳۰

۳۴	۱۴- تریید
۳۸	۱۵- HFT
	--- شروع مباحث اصلی ---
۳۹	۱۶- مقدماتی پرایس اکشن
۴۳	۱۷- کندل استیک
۴۷	۱۸- ترندها و روندها
۵۱	۱۹- سطوح حمایت و مقاومت
۵۸	۲۰- کانال ها پارت یک
۶۳	۲۱- الگوهای کلاسیک قسمت اول
۶۶	۲۲- الگوهای کلاسیک قسمت دوم
۶۸	۲۳- سیگنال بار و کی بار
۶۹	۲۴- الگوهای کلاسیک قسمت سوم
۷۱	۲۵- شخصیت شناسی قسمت اول
۷۶	۲۶- شخصیت شناسی قسمت دوم
۸۴	۲۷- مارکت سایکل
۸۵	۲۸- کانال ها پارت دوم
۹۲	۲۹- کانال ها پارت سوم
۱۰۵	۳۰- کانال ها پارت چهارم
۱۱۶	۳۱- اخبار اقتصادی

- ۱۲۴ ----- ۳۲- مدیریت سرمایه - مدیریت ریسک
- ۱۲۵ ----- ۳۳- مدیریت سرمایه - انواع ریسک کردن
- ۱۲۶ ----- ۳۴- تریدینگ رنج پارت اول
- ۱۳۳ ----- ۳۵- تریدینگ رنج پارت دوم
- ۱۴۱ ----- خلاصه نکات مهم و تیپس تریدینگ رنج ها
- ۱۴۲ ----- ۳۶- میکرو کانال ها
- ۱۴۸ ----- ۳۷- بربیک اوت پارت اول
- ۱۵۵ ----- ۳۸- بربیک اوت پارت دوم
- ۱۵۹ ----- ۳۹- بربیک اوت پارت سوم
- ۱۶۲ ----- ۴۰- گپ ها
- ۱۶۹ ----- ۴۱- اخبار اقتصادی پارت دوم
- ۱۷۰ ----- ۴۲- مدیریت حد ضرر پارت اول
- ۱۷۲ ----- ۴۳- مدیریت حد ضرر پارت دوم
- ۱۷۴ ----- ۴۴- آنالیز تایم پارت اول
- ۱۷۷ ----- ۴۵- آنالیز تایم پارت دوم
- ۱۷۸ ----- ۴۶- روانشناسی ترید (اضطراب)
- ۱۸۰ ----- ۴۷- روانشناسی ترید (تسرس)
- ۱۸۲ ----- ۴۸- روانشناسی ترید (خشیم و غرور)
- ۱۸۴ ----- ۴۹- روانشناسی ترید (طمع)

- ۵۰- چگونه معامله کنیم (داوجونز به نمایندگی از cfd ها) ----- ۱۸۶
- ۵۱- چگونه معامله کنیم (uerud به نمایندگی از ارزها) ----- ۱۸۷
- ۵۲- چگونه معامله کنیم (مولتی تایم فریم) ----- ۱۸۷
- ۵۳- چگونه معامله کنیم (فلزات گران بها) ----- ۱۸۷
- ۵۴- جمع بندی ----- ۱۸۸
- خلاصه نکات مهم و تیپس عمومی ----- ۱۸۹

بخش دوم - گزارش های هفتگی

- گزارش هفتگی ۵ و ۶ و ۷: ----- ۱۹۱
- گزارش هفتگی ۱۱ ----- ۱۹۷
- گزارش هفتگی ۱۲ ----- ۱۹۸
- گزارش هفتگی ۱۳ ----- ۱۹۹
- گزارش هفتگی ۱۴ ----- ۱۹۹
- گزارش هفتگی ۱۵ ----- ۲۰۰
- گزارش هفتگی ۱۶ ----- ۲۰۱
- گزارش هفتگی ۲۰ ----- ۲۰۲

بخش سوم - ویدیوهای تکمیلی

- نگاه کامپیوتر محور قسمت اول و دوم ----- ۲۰۳

- ۲۱۴ ----- پیدا کردن ســــتاپ معاملاتی (تک تایم فریم)
- ۲۱۸ ----- پیدا کردن ســــتاپ معاملاتی (مولتی تایم فریم)
- ۲۲۲ ----- اگر چرخه پیدا شد چگونه ترید کنیم
- ۲۲۵ ----- اگر چرخه پیدا نشد چگونه ترید کنیم
- ۲۲۵ ----- تاثیر هر نوع گپ در هر نقطه از چارت
- ۲۲۹ ----- اسپایک تریدینگ ، کانال تریدینگ قسمت اول و دوم
- ۲۳۳ ----- اسپایک تریدینگ ، کانال تریدینگ قسمت سوم
- ۲۳۸ ----- اسپایک تریدینگ ، کانال تریدینگ قسمت چهارم
- ۲۴۰ ----- دام تریدینگ رنج ها
- ۲۴۲ ----- نقاط استاپ گذاری بهینه
- ۲۴۵ ----- استراتژی بهینه

بخش چهارم : هایلاست های اینستاگرام

- ۲۵۰ ----- استراتژی کلوز روز قبل بازار نیویورک
- ۲۵۲ ----- معامله معکوس
- ۲۵۲ ----- نحوه ترید
- ۲۵۴ ----- مفهوم پین بار
- ۲۵۷ ----- معامله لایو ششم
- ۲۵۸ ----- استراتژی پوزیشن معکوس سه برخورد
- ۲۶۱ ----- ورود اشتباه با الگوهای کلاسیک

معامله لایو ۱ ----- ۲۶۲

معامله لایو ۱-۳ ----- ۲۶۳

معامله لایو ۲-۱ ----- ۲۶۵

معامله لایو ۹ ----- ۲۶۷

معامله لایو ۷ ----- ۲۷۱

معامله لایو ۱۱ ----- ۲۷۲

بخش اول: ویدیوهای مقدماتی – اصلی

ویدیو ۱: چرخه بازار یا چرخه اقتصادی Fundamental(Part1)-Cycle

۱. خانوار: خانوارشمایی، پدر و مادر ما خواهر و برادر ما و همه ما که داریم در یک کشور زندگی میکنیم و تشکیل خانوار میدهیم.
۲. بازار کار: تمام افراد نیروهای آموزش دیده سده توسط خانوار هستند که در یک سبکی، رشته ای متخصص شده اند و به بازار کار تزریق شدهاند ما به این ها میگوییم بازار کار که شامل نیروهای کار هستند.
۳. بنگاه های اقتصادی: ما به دو الا چند نفر تا چند هزار نفر که تشکیل یک شرکت میدهند بنگاه اقتصادی میگوییم برای مثال حتی آن دونفری که نشستند در یک زیر پله و دارند کفش تولید میکنند هم از دیدگاه اقتصاد کلان جزو بنگاه اقتصادی هستند.
۴. بازار عرضه کالا و خدمات: در این بازار ، کالاها و خدمات ارائه میشود خدماتی که توسط بنگاه های اقتصادی تولید میشود.
۵. بخش خارجی

این چرخه از کجا شروع میشود؟

چرخه از آنجایی شروع میشود که خانوارها نیروی کار را برای ورود به اجتماع و بنگاه های اقتصادی ایجاد میکنند و نیروی کار را به بازار کار در هر سطحی تزریق میکنند و باتوجه به تخصصی که دارند در بنگاه های اقتصادی استخدام میشوند و کار میکنند از کارگر،مدیر،مدیر داخلی ،مهندس و... شامل این موارد میشوند.

وظیفه بنگاه اقتصادی چیست؟

وظیفه بنگاه اقتصادی تولید کالا و خدمات است.

بنگاه های اقتصادی کالا و خدماتی که تولید میکنند ، قرار است کجا ارائه دهند؟

به بازار عرضه کالا و خدمات! بستری باید وجود داشته باشد که کالاها و خدمات آنجا ارائه شود که به آن میگوییم بازار عرضه کالا و خدمات

حالا وقتی که ارائه شد چه کسی قرار است از این بازار عرضه کالا و خدمات استفاده بکند؟ خانوار! خانوارها هستند که در نهایت باید این چرخه را تکمیل بکنند و از آن بازار عرضه کالا و خدمات همان خانوارها استفاده میکنند.

حالا این چرخه یک چرخه معکوس هم دارد! چرخه ای که به آن میگویند پرداخت دستمزد یعنی:

بنگاه اقتصادی به ازای کاری که توسط بازار کار و نیروی کار برایش انجام شده به آن ها دستمزد و درآمد ارائه میدهد ، بازار کار آن درآمد را به خانواده تزریق میکند و هزینه های خانوار را با آن پوشش میدهد.

پس درآمد در این چرخه دارد معکوس عمل میکند برعکس آن اتفاقی که اول افتاد!

حالا این درآمد در بخش عرضه کالا و خدمات به صورت مخارج عمل میکند (بلاخره هر خانواده ای یک سری مخارجی دارد که باید این مخارج را در بازار کالا خدمات ارائه بدهد تا نیاز خودش را برطرف بکند) حالا وقتی آن مخارج ارائه شد و کالا خدمات چرخش چرخید باعث تولید ملی میشود یعنی تولید ما ملی افزایش پیدا میکند.

اگر تولید ملی بخوابد کل کشور میخوابد ، و اگر من و شما جنس ایرانی مصرف نکنیم و واقعا از بازار عرضه داخلی مصرف نکنیم دقیقا برمیگردد به خودمان! خانواده خودمان بیکار میشوند طی همین چرخه ساده ای که مشخص کردیم. البته این چرخه به این سادگی نیست!

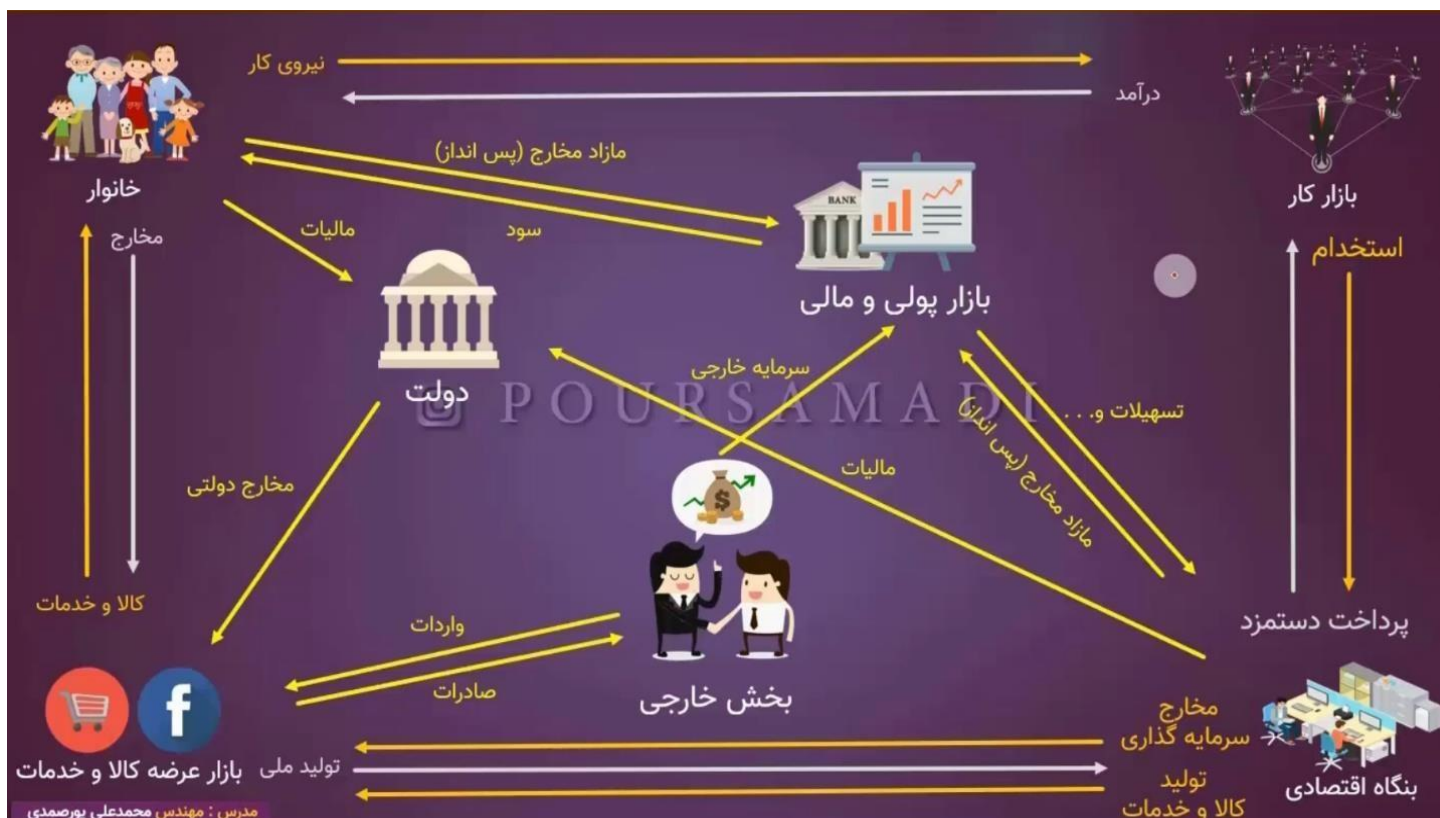
دولت از مالیاتی که از خانوار و بنگاه های اقتصادی میگیرد هزینه ها و مخارج دولتی را تامین میکند و اینطوری هست که چرخه اقتصاد را میچرخاند و میگوید که این وظیفه من است پس شما باید مالیات بدهید تا من این چرخه را اداره کنم و اگر دولت کارش را درست انجام دهد منطقی هم است که مالیات بگیرد .

بنگاههای اقتصادی وقتی تسهیلات و سرمایه ای میگیرند این مخارج سرمایه گذاری شان را در بازار کالا و خدمات تهیه میکنند یعنی یک بنگاه اقتصادی به میز و صندلی ، کامپیوتر و تجهیزات دیگر نیاز دارد این بنگاه هم می رود از بازار کالا و خدماتی که احتمالا توسط یک بنگاه اقتصادی دیگر ارائه شده استفاده میکند.

یک بخش دیگر وجود دارد به اسم بخش خارجی؛ این بخش خارجی کارش چی هست!؟

بخش خارجی واردات و صادرات را از بازار کالا و خدمات داخلی واریز و برداشت میکند یعنی هم به این بازار تزریق میکند هم از این بازار برداشت میکند و آن اقتصاد، اقتصاد خوبی است که نسبت صادراتش از وارداتش بیشتر باشد این اقتصاد اقتصاد پویایی است .

بخش خارجی سرمایههای خارجی را به بازار پولی و ارزی میاورد این مورد میتواند برای ما و چرخه اقتصادی سود ده باشد.



گفتیم چند قسمت در اقتصاد هر کشوری وجود دارد: خانوار؛ بازار کار؛ بازار عرضه کالا؛ خدمات؛ بنگاه های اقتصادی؛ بخش خارجی. مگر اینها گوشه هایی از اقتصاد نبودند؟ خب! بالاخره باید یا یک چیزی سنجیده بشوند که بفهمند اقتصاد دارد درست کار میکند.

برای اینکه بفهمند در اقتصاد وضعیت خانوار در چه وضعی است با یکسری شاخص ها آن را میسنجند مثلا:

شاخص قیمت مصرف کننده یا CPI این شاخص چه کار میکند؟

این شاخص تغییرات قیمت در سبد خانوار را نشان میدهد و عملا در این سیستم ها برای اینکه تورم را بسنجند از شاخص CPI استفاده میکنند و با سیاست های پولی و مالی آن را تغییر میدهند. منظور از سیاست پولی این است که سیاست هایی که بانک مرکزی لحاظ میکند (مانند نرخ بهره). اقتصاد هایی که سازو کار درستی دارند بانک مرکزی این شاخص ها را مشخص میکند و به بازار ارائه میدهد.

سیاست هایی اند که دولت مشخص میکند مانند مالیات ، یارانه ها ، بسته های حمایتی و... سیاست های مالی میگویند.

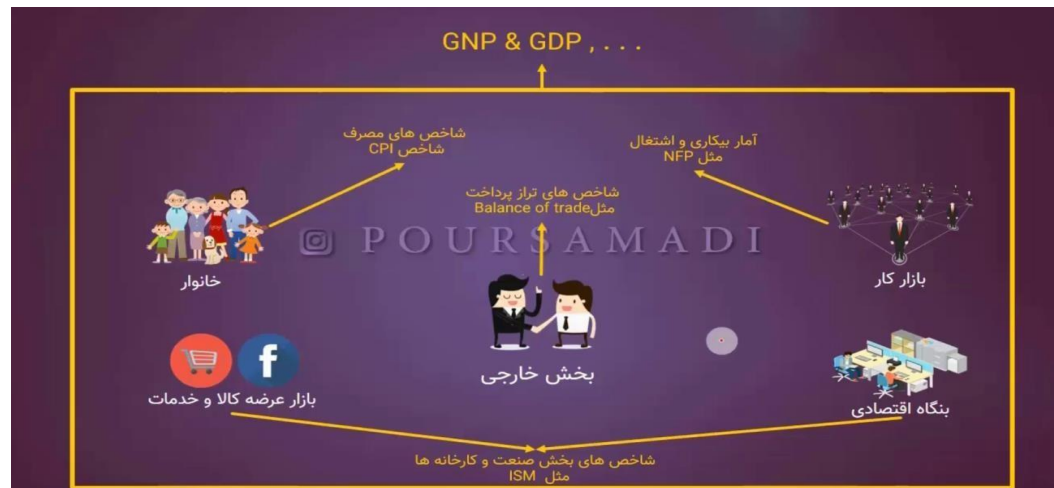
* بخش بازار کار را با شاخص هایی مانند NFP آمار بیکاری و اشتغال می سنجد ؛ که بیکاری را برای بخش غیر کشاورزی میسنجد در واقع نیروی کاری که نسبت به ماه قبل کم و زیاد شده را میسنجد و یکی از خبرهایی است که خیلی مهم است.

* بنگاه های اقتصادی و بازار عرضه و کالا و خدمات را می آیند با شاخص هایی مثل ISM شاخص های بخش صنعت و خدمات(که وضعیت شاخص صنعتی کل کشور را از نظر صنعت و وضعیت اقتصادی کشور را از نظر مدیران می سنجد).

* بخش خارجی هم با یکسری پارامترها مثلا Balance of trade شاخص های تراز پرداخت (این شاخص مقدار پولی ، دلاری که از کشور برای صادرات وارد میشود و مقدار پولی که بخاطر واردات خارج میشود را میسنجد اگر این نرخ مثبت باشد یعنی اقتصاد دارد درست کار میکند.)

* کل این مجموعه هم باید با یکسری شاخصها سنجیده شود که نرخ GDP و GNP که تولید ناخالصی کشور هستند حالافرقشان چیست؟! GNP تولید ملی آن کشور را بررسی میکند حالا مهم نیست که داخل آن کشور ایجاد شده باشد برای مثال میتواند فرد امریکایی باشد که در اروپا کار میکند و این فرد و کمپانی اش روی GNP تاثیر میگذارد. ولی GDP فقط می آید بنگاهها و شاخص و خدمات و تولیدات رشد داخلی کشور را میسنجد.

پس این دیدگاه کلی شد در مورد اقتصاد کلی که در هر کشوری حاکم است و ما میتوانیم از آن استفاده کنیم برای کسب شود درون معاملات خودمان. خب دیدید همه اینها چه ساده بود خوب!وقتی ما همه این هارا کنار هم میگذاریم تولید یک دیدگاه میکند و ما با آن دیدگاه میتوانیم ترید بکنیم و نیازی نداریم آنقدر توهم برمان دارد و با کلی سیستم های عجیب و غریب بخواهیم کار بکنیم به همین سادگی میتوان یک دیدگاه فاندامننتالی تمیز داشت.



بازار جهانی چیست؟

برای شروع باید برگردیم به صدسال قبل جایی که جنگ جهانی دوم روی گرفت و خیلی از کشورها مشغول جنگ با یکدیگر بودند و عملاً وقتی که جنگی در آن سطح ایجاد شد پس عملاً سیستم مالی نیز وجود نخواهد داشت. چون وقتی که همه جا در صلح و ثبات است ما کلی داستان های حاشیه ای داریم که سیستم های مالی به درستی نمیتوانند کار بکنند حالا فرض بکنید که صد سال پیش هیچ تکنولوژی مدرنی وجود نداشته و جنگ هم ایجاد شده است!

پس نیاز بود که یک سیستم ایجاد شود و افراد بتوانند در آن فعالیت بکنند و اینطور شد که خیلی از کشورها در نشست شرکت کردند به اسم نشست برتون وودز که حاصل آن سیستم مالی برتون وودز شد که کشورهایی مانند آمریکا، بریتانیا و 42 کشور دیگر که در جنگ شرکت داشتند و... (برای اطلاعات بیشتر در گوگل سرچ کنید)

این کشورها کنار هم جمع شدند تا به یک سیستم مالی برسند تا بتوانند در کنار همدیگر به تجارتشان برسند چون جنگ تمام شده بود. این نشست توافق نامه ای داشت، این توافق نامه ایجاد شده بود که بتواند ارزشهای کشورهای را به طلا وابسته کند؛ برای شروع تجارت اینگونه میتوانستند یک بستری ایجاد بکنند که خیلی مستحکم باشد و اگر نیاز بود درون قدرت ارزشها تغییری ایجاد شود با نظر دولت ها و سیستم مشورتی (سیستم برتون وودز را به اسم سیستم مشورتی میشناسند و از آن یاد میکنند).

شکل گیری برتون وودز



1. مشکل کمبود ذخایر طلا

2. مشکل عدم اطمینان

3. مشکل تعدیل تراز پرداخت ها

4. قطع رابطه دلار آمریکا با طلا

اصلی ترین دلیلی که سیستم برتون وودز از بین رفت همین قطع رابطه دلار آمریکا با طلا بود که از یک جایی به بعد آمریکا اعلام کرد پشتیبانی دلار آمریکا طلا نیست و همین باعث شد که پشتیبانی ارزی از کشورهای دیگر کشورها دلار آمریکا شود و اینگونه سیستم برتون وودز از بین رفت.

نرخ ارز شناور:

نرخ ارز شناور میگوید که اگر میخواهد تراکنشی انجام شود بین یک ارز باید این نرخ ارز شناور باشد و اگر میخواهیم خرید و فروشی در سطح کلان انجام دهیم باید براساس عرضه و تقاضا باشد و هیچ دخالتی توسط بانک مرکزی و هیچ پشتیبانی مالی اضافی وجود نداشته باشد که بخواهد روند درست تغییرات قیمت را عوض بکند.

این سیستم در سال 1971 ایجاد شد و باعث شد که سیستم قبلی برتون وودز از بین برود؛ همچنین این سیستم تا سال 1991 در انحصار بانک ها قرار داشته است.

نکته: وقتی که یک کشوری میخواهد در جهان تراکنش های درستی در سطح کلان انجام دهد میبایست که به بازار فارکس وصل باشد یعنی عرضه و تقاضا نرخ ارز این کشور را تعیین بکند نه دولت ها.

مزایای بازار های مالی :

۱- عدم نیاز به مکان ثابت

۲- تجارت بر اساس دانش

یک اولویت بزرگ بازارهای مالی این است که همه چی شفاف است و اگر شما بخواهید یک روزی تصمیم بگیرید برای معاملاتتان براساس تحلیل فکری و منطقی میتوانید روی آن حساب بکنید و اگر حتی هم شکست بخورید این شکست محسوب نمیشود چون شما یک جایی اشتباه کردید که منجر به ضرر شدید و اگر دفعه بعد آن اشتباه را انجام ندید دیگر آن ضرر تکرار نمیشود و میتوانید روی سودهای بعدی حساب باز کنید.

شما به یک جایی وصل هستید که همه بانک های دنیا دارند درونش معامله میکنند و همهی ثروت دنیا اینجا است حالا این ثروت یک علم، مغز، فکر و از همه مهمتر کنترل احساسات و کنترل پولتان است این موارد را اگر داشته باشید بینهایت از این بازار پول در می آورید یعنی پول هایی میتوانید در بیاورید که الان که شروع کردید نمیتوانید تصورش را هم بکنید چون از تصورتان بزرگتر است.

دسترسی برای عموم به اطلاعات بازار : اگر علم کسب در آمد و کنترل و احساسات و کنترل پول رو داشته باشیم میتونیم تا ابد پول دربیاریم.

۳- بازار ۲۴ ساعته

درست است که این بازار 24 ساعته است اما این به این دلیل نیست که ما بخواهیم هرساعتی از شبانه روز ترید کنیم. این یک مزایای خوب است برای کسانی که به عنوان شغل دوم به این بازار بنگرند. ما داریم معامله گر میشویم که 24 ساعته یکجا بند نباشیم و از زندگیمان بتوانیم لذت ببریم که یکی از قشنگی های این بازار همین است.



۴- حجم بالای معاملات

حجم بالای معاملات باعث میشود که بفهمیم خریدار و فروشنده زیادی در این بازار وجود دارند. یک بازار وقتی که حجم معاملات درونش زیاد میشود بازاری میشود که قابل پیش بینی است. حجم این بازار انقدر زیاد است که حتی یک بانک هم نمیتواند وضعیت بازار را تغییر دهد و این برای ما یک مزایا حساب میشود چون ما میدانیم که این بازار دارد منطقی عمل میکند و اگر ما براساس علم پیش برویم میتوانیم سود بکنیم چون کسی نیست که براساس نظر شخصی خودش بازار را تغییر دهد.



۵- سرمایه اندک

یکی مزایای دیگر فارکس سرمایه اندک است. شما میتوانید در این بازار با مقدار پول کم ترید کنید. در این بازار شما نیاز نیست پول داشته باشد شما فقط به این لول برسید که بتوانید ماهانه ده تا بیست درصد مستمر سود کنید آنقدر سرمایه گذار هستید که روی شما سرمایه گذاری کنند .

۶- بازار دو طرفه

ما در این بازار هم میتوانیم از بالا رفتن قیمت سود بگیریم هم از پایین آمدن قیمت شاید سوال کنید که چگونه میشود که چیزی را که نداریم میفروشیم؟؟ در ویدیو بعدی به این بحث میپردازیم *حجم تراکنش مالی بازار های مختلف (اعداد به میلیون دلار) اینجا بحث تراکنش است نه ارزش.) ارزش داستانش فرق دارد(اینجا درباره ی تبادل پول بحث میکنیم.



نکته: خودتان را محدود نکنید به جفت ارز معامله کردن شما شاخص های بورس، سهام های خارجی ، طلا، نفت و... را دارید و میتوانید روی آنها هم معامله انجام دهید. مثلا طلا نمودارهای قشنگی داره ، جفت ارزها زیاد الگوهای خوبی نمی بینیم .

ویدیو ۳: بازیگران بازار Fundamental(Part2)-Actors

تا به اینجا متوجه شدیم یک، بستری وجود دارد که ما میتوانیم در این بازار معامله انجام دهیم و میتوانیم خیلی از پارامترها مثل ارزها، نفت، طلا، بیتکوین، سهام هایی که درون بازار عرضه می شود، نقره و... نکته: قرار نیست ما روی همه اینها معامله بکنیم این نکته ای است که باید از الان مد نظر تان باشد ما فقط روی بعضی از این ها معامله میکنیم مثله جفت ارزها، طلا، شاخص هاو... چون همه اینها آنقدر پتانسیل خوبی برای سودآوری ندارند و شاید رفتار قیمتشان رفتاری نباشد که ما دوست داریم بخاطر همین قرار نیست که ما روی همه اینها معامله بکنیم و هر جا که موقعیت معاملاتی دیدیم معامله باز کنیم. ما برای اینکه به یک سطحی برسیم که بتوانیم سودآوری داشته باشیم باید خیلی تخصصی تر کار بکنیم یعنی بیاییم روی یکی از پارامترها تخصصی کار بکنیم که بتوانیم در دراز مدت روی آن سود ده باشیم.

بازیگران این بازار چه کسانی هستند؟ و چه کسی پشت این داستان ها است؟

بانک های مرکزی اکثر کشورها: در مرحله اول بانک های مرکزی بزرگترین بازیگران این بازارند.

چون ارزهای کشورهای مختلف در این بازار خرید و فروش میشود و این وظیفه بانک های مرکزی است که روی آنها نظارت داشته باشند و بتوانند با اعمال سیاست ها به ارز کشور خودشان جهت بدهند و اگر ببینند که ارز کشورشان در خطر است یا دارد به سمتی میرود که برای کشور مشکل ایجاد میکند با یکسری از پارامترها، اهرم ها آن جهت را تغییر میدهند. اگر بخواهیم به این اهرم ها اشاره کنیم بزرگترین آنها نرخ بهره هست که بانک های مرکزی با اعمال نرخ های بهره و کم و زیاد کردن آن به وضعیت اقتصادیشان جهت میدهند. بانک های بزرگ جهان هم کار می کنن چون خودشون هم سیاست پولی خاص خودشون رو دارن.

سخنرانی ها: بانک های مرکزی در خیلی از تایم ها یعنی خیلی به صورت مستمر در مورد سیاست های خودشان سخنرانی انجام میدهند که این سخنرانی ها میتواند جهت بازار را تغییر دهد و این دلیل هایی هست که میتوانیم به آن اشاره کنیم از این که بانک مرکزی دارد تغییراتی درون جهت روند ایجاد میکند مانند نوسان قیمت و... که در بحث فاندامنتال تخصصی به آن میپردازیم.

بانک های بزرگ: بانک های بزرگ دنیا یکی از بزرگترین بازیگران این بازارند چون نرخ معاملاتی خیلی بالایی دارند، بانک های مرکزی خودشان اعمال سیاست میکنند اما این بانک های بزرگ اند که بر اساس آن نرخ ها دارند معاملات خودشان را انجام میدهند چون عملا این بازار شبکه ای از بانک های متصل به هم است و اگر بخواهیم درصد بندی بکنیم چیزی حدود ۹۵ درصد از این بازار را بانک های بزرگ و موسسات مالی انجام میدهند و در مرحله بعدی است که شرکت های تجاری میانند به آن ها می پیوندند.

شرکت های تجاری: موسسات مالی هم به همان صورت که بانک ها معامله میکنند آن ها هم معامله میکنند چون خیلی از منافعیشان در انجام معامله است عمده فعالیت این بانکها موسسات در بازار فارکس است.

شرکت های تجاری عمده فعالیتشان در هج کردن است.

هج کردن یعنی چه؟ یعنی اینکه یک بانکی یا یک موسسه ی تجاری برای مثال از کشور های حوزه یورو میخواهد یک چیزی خریداری و وارد کشور خودمان کند مثلا اگر آن جنس را با یورو بخرند در اصل به اندازه مقدار آن جنس یورو داده اند حالا اگر ارزش یورو بیاید پایین این شرکت ضرر کرده است.

حالا چه راهکاری برای این مورد وجود دارد!؟ برای این مشکل یک راه حل وجود دارد که شرکت های تجاری میابند در اینجا عمل هج انجام میدهند یعنی به همان مقداری که در بازار جنس خرید کرده اند در بازار فارکس با لورجی که دارند استفاده میکنند و به همان مقدار در بازار فارکس پوزیشن بای میگیرند و مثله یک اله کلنگ عمل میکند و هرچقدر در بازار ضرر کنند به همان مقدار در فارکس سود میکنند و اینها یکدیگر را پوشش میدهند.

معامله گران و سرمایه گذاران: ما معامله گرها جزو این دسته نیستیم چون حجم معاملاتی ما در مقابل این بازار با این حجم بزرگ بسیار کم است. وقتی حرف از معامله گر و سرمایه گذار میزنیم داریم از عدد بالای ده بیست میلیون دلار حرف میزنیم یعنی خرده سرمایه گذاریشان ده بیست میلیون دلار در حسابشان پول است و این افراد هستند که 5٪ از بازار را تشکیل میدهند نه افرادی مثل ما که سرمایه های خیلی کمی داریم.

* نکته: خواهشا این تفکر اشتباه را دور بریزید که الان ما داریم در بازار معامله میکنیم، بازار میخواهد از ما سود کسب کند درست است اگر دربارهی بازار بورس ایران بخواهیم این حرف را بزنیم قبول است چون بازار بورس بازار کوچکی است اما این بازار انقدر بزرگ است که شما اصلا به چشم نمیایید.

ویدیو ۴: راه های در آمد زایی از این بازار Definitions(Part2)-Make Money Solutions

اینکه صرف معامله کنیم تنها راه در آمد از این بازار نیست حداقل ۱۰ مورد در آمد وجود داره . بازار های مالی واقعا اگر چیزی از تمام رشته بیشتر نداشته باشد کمتر ندارد چون این بازار بازاری است که مستقیم با پول در ارتباط است.

معامله گری:

۱- کسب سود از معاملات خود

شمار روزهای ،ماه ها یا حتی سال اول معامله گریتان نباید انتظار سودهای زیاد داشته باشید. چون شما مثل یک دانشجو هستید که تازه وارد دانشگاه شده است و از یک تازه کار نباید انتظار داشت مثلا دانشجوی حقوق ترم یک یا دو نمیتواند برود دادگاه و از فرد مورد نظرش دفاع کند چون هنوز چیزی نمیداند.

۲- کسب سود از حساب های متصل شده

شما در هر جمعی که بنشینید (دوستان، آشنایان و...) یک پولی دارند پولی که نه برای وام یا خرید هیچ چیزی نیست و منفعل مانده و نمیدانند چه کارش کنند و در بانک مانده که سالی 20٪ سود بگیرند میشود ماهی 5.1٪ درصد که عملا سود بزرگی نیست و اگر شما تنها فقط ماهی ۵ درصد روی آن پول سود کنید حدود چهار، پنج برابر سود بانکی میشود.

۳- کسب سود از کمیسیون حساب های متصل شده

وقتی که شما میخواهید یک سری از افراد را به حساب خود وصل کنید، چون شما آن افراد را وصل کردید به حساب خودتان آن سرمایه گذار را به آن کارگذاری و شما معرفی کردید، پس خود کارگذاری هم به شما قول دادن بخشی از کمیسیون های آن افراد را به شما میدهد.

تحلیل گری:

۱- ارائه تحلیل به صرافی ها

اگر شما دیده شوید و صرافی ها بفهمند که تحلیل های شما به درستی و به سود ختم میشود با شما همکاری میکنند و شما در ازای گرفتن مبلغی برای آنها تحلیل ارائه میدهید صرافای تحلیل نه سیگنال و...

۲- استخدام در بانک ها موسسات و کارگزاری ها

شما وقتی که بعد از مدتی نمودار کسب سود خوبی میسازید یعنی توی حساب سرمایه گذاری خودتان کسب سود میکنید. و نیاز نیست که خیلی خفن سود کرده باشید تنها کافی است که سودتان را منطقی رشد داده باشید مثلا ماهی ۱۰الی ۱۵ درصد سود کسب کرده باشید. در این صورت یا خود کارگزاری با شما تماس میگیرد یا خودتان میتوانید هیستوری معاملاتتان را به کارگزاری ها یا بانک ها بفرستید و میتوانید با آن ها کار کنید قطعا و بدون شک اگر شما بتوانید ماهی ۱۰الی ۱۵ درصد سود بگیرید شما را روی هوا میگیرند.

۳- ارائه تحلیل به افراد شخصی

خیلی از افراد هستند که معامله گر هستند اما هنوز به یک سطح مناسبی نرسیده اند که بتوانند درون بازار معاملات خوبی انجام دهند حالا چرا؟! چون خیلی ها به دلیل اینکه دیتاهایی را میخوانند که غلط است و به طوری منسوخ شده اند. شما میتوانید با جذب این افراد و در ازای گرفتن مبلغی تحلیل بهشان ارائه دهید تا زمانی که خودشان حرفه ای شوند و بتوانند به درستی معامله کنند.

۴- ارائه تحلیل در قالب سایت و فروش اکانت

شما میتوانید تحلیل هایتان را در سایتتان بگذارید و برای دسترسی دیگران به این تحلیل ها اکانت سایت را در اختیارشان بگذارید و مبلغی دریافت کنید.

۵- ارائه تحلیل در قالب سایت و جذب تبلیغات

خب خیلی از جاها شما نیاز نیست که بیاید اکانت بفروشید شما میاید یک بستری را آماده میکنید و تحلیل های خوبی را در سایت یا هر جای دیگر که میخواهید فعالیت کنید و خوده این کارزارها می آیند به شما تبلیغ میدهند چون که میدانند چشم تعدادی معامله گر به شماست و میخواهد این افراد جذب خودش کند در ازای این تبلیغات به شما مبلغی میدهند.

آموزش:

۱- آموزش افراد

اگر واقعا خوب آموزش دهید افرادی که شما آموزش دادید شمارا به دیگران معرفی میکنند و میتوانید درآمد خوبی داشته باشید.

۲- آموزش رایگان در فضای مجازی

شما میتوانید آموزش رایگان انجام بدهید و برای مثال در اینستاگرام فالورهای خود را زیاد کنید و تبلیغ کنید.

سیگنال دهی :

این کار زیاد مناسب نیست چرا؟! خب آن فردی که دارد سیگنال میدهد اگر انقدر که حرفه ای است و به سیگنال خودش مطمئن است یک حساب **pamm** باز کند (این قابلیت فقط مخصوص بروکر آلپاری است) و این افراد را در غالب این حالت وصل بکند و چه کاری است که شما سیگنال به افراد بدهید و حالت های روانی را در نظر بگیرید زیرا میتوان سیگنالی داد که فرد در یک نقطه وارد شوند اما یک نفر سود کند و فرد دیگر ضرر کند زیرا حالت های روانی ۷۰ درصد کار است برای همین متفاوت است.

۱- سیگنال دهی و فروش اکانت

خب چون که متقاضی در این حوزه زیاد است شما میتوانید در ازای گرفتن مبلغی و فروش حق اشتراک اکانت های خصوصی سیگنال ارائه دهید.

۲- سیگنال دهی و جذب تبلیغات

شما میتوانید رایگان سیگنال دهید و مخاطب جذب کنید با جذب مخاطب زیاد شما میتوانید تبلیغ کنید و پول دریافت کنید.

راه های دیگری نیز وجود دارد اما جمع بندی کلی این بود.

ویدیو ۵: کانسپت ها یا مفاهیم اصلی Definitions(Part3)-Main Concepts

در متاتریدر وقتی پوزیشنی باز می کنیم در قسمتی به ترمینال وجود داره که همونطور که می بینیم موارد زیر وجود داره :

Order /	Time	Type	Size	Symbol	Price	S / L	T / P	Price	Commission	Swap	Prof
6811078	2019.10.21 15:22:24	buy	0.20	eurusd	1.11665	1.11605	1.11784	1.11651	0.00	0.00	-2.80
Balance: 7 126.50 USD Equity: 7 123.70 Margin: 55.83 Free margin: 7 067.87 Margin level: 12759.06%											-2.80

Terminal

Trade | Exposure | Account History | News 99 | Alerts | Mailbox 26 | Company | Market | Signals | Articles | Code Base | Experts | Journal |

سواپ : اگر معامله یا پوزیشن ما بیش از یک شبانه رو ز باز بمونه به مقدار پول رو کم می کنه .

بالانس : مقدار پولی که قبل از اینکه بخوام پوزیشنی رو باز کنم تو حساب من بوده رو نشون میده .

اوکوییتی : مقدار پولی هست که با توجه به این معامله که الان باز هست برای من حساب میشه . بالانس رو منهای سود یا ضرر میکنه و به ما عدد اوکوییتی رو میده .

مارجین : مقدار پولیه که از بالانسم گرو گذاشتم تا معامله مورد نظر رو انجام بدم .

فری مارجین : همون پولی که منهای مارجین برای من آزاده (مارجین - اوکوییتی) تا بتونم برای معاملات بعدی ازش استفاده کنم .

مارجین لول : درصدی هست که توی این معاملات توی ریسک هستم . این درصد هر چی بزرگتر باشه کمتر توی ریسک هستیم . در بحث قوانین مدیریت سرمایه زیاد درگیر این ها نیستیم .

اسپرد : مابه تفاوت قیمت خرید و فروش ---- اگر اون خط قرمز از اون خط پوزیشن ما رد نشه ما توی سود نمی ریم .

***** اگر همزمان معامله سل وبای داریم (خرید و فروش) روی چارت و هر دوتاش بازه بهش میگن هج کردن .**

لاتیج : به ازای هر یک لات یعنی ۱۰۰ هزار دلار (از اعتبارمون) . اگر اون عدد رو روی یک بزاریم انگار به اندازه ۱۰۰ هزار دلار یک شاخص معامله کردیم .

* نکته : اگر با حجم یک لات وارد معامله شدیم ، به ازای هر واحد یا هر پیپ تغییر ۱۰ دلار وارد سود یا ضرر میشم (توی هر شاخص این مقدار تغییر قطعا فرق می کنه ممکنه بیشتر و کمتر باشه که این عدد مربوط به شاخص داوجونز آمریکاست) .

اسکرول موس یا کراس چیر رو برنیم قیاس رو می تونیم انجام بدیم ، کلیک می کنیم بعد هر کجا که بخواییم میکشیم .

***** عدد اول توی کراس چیر : تعداد کندل ها ؛ عدد دوم : تغییرات واحد که مثلا تو فیلم ۲۵۸ بود ، ۸ پیپت هست . ۲۵ پیپ ما هست . (شاخص طلا)**

ویدیو ۶ : لوریج یا اهرم Definitions(Part4)-Leverage

لوریج یا اهرم ، برای کسانی هست که سرمایه اولیه خیلی محدود دارند ، بروکرها به افراد می دن تا بتونن چند برابر پول و اعتبار اولیه که تو اون بروکر دارن بهشون اعتبار میدن تا بتونن سطح مارجین یا سرمایه شون به حدی برسه که با پیغام NOT Enough Money مواجه نشوند و بتونن معامله کنن (بیشتر مواقع اهرم برای این موضوع استفاده میشه و فقط برای این دلیل نیست) .

موقع افتتاح حساب هم قابل تنظیم هست که چقدر باشه و برای هر بروکر متفاوته و معمولا از ۵۰ برابر مارجین اولیه شروع میشه تا ۱۰۰۰ برابر . نکته مهم اینه در هیچ کدوم از معاملات بیشتر از ۲ درصد کل سرمایه مون رو درگیر نمی کنیم .

ویدیو ۷: انواع اردر گذاری (Part5)-Orders Definitions

توی بازار چند نوع اردر گذاری (پوزیشن گیری) داریم :

۱- راحت ترین راه و اصلی ترین روش معامله در ۹۵ درصد مواقع؛ معامله مستقیم هست که گوشه چارت، بالا سمت چپ راحت میتونیم پوزیشن بای یا سل بزنیم که اگر روی کل چارت کلیک راست کنیم با زدن گزینه **one click trading** این امکان برامون فراهم میشه .

۲- روش دوم : **pending order** : پندیدنگ اردر خودش به ۴ قسمت **buy stop , sell stop , buy limit , sell limit** دسته بندی داره .

در بعضی جاها میدونیم که قیمت میخاد بره بالا ، مثلا توی یک سقف کندلی برسه میدونیم باز همه میخاد ادامه پیدا کنه . میاییم روی این قیمت یک اردر **buy stop** می زاریم ؛ بنابراین اگر نقطه خرید ما بالای قیمت بود یا دستور خرید ما بالای قیمت لایو بود ، این میره به عنوان درخواست خرید منتها هنوز اجرا نشده ؛ ولی اگر قیمت برسه بهش خود به خود فعال و معامله خرید باز و پوزیشن اجرا میشه و حتمن هم باید حد ضرر داشته باشه .

نتیجه کلی :

Buy Limit قیمت خریدی که از قیمت خرید کنونی پایین تر است

Buy Stop قیمت خریدی که از قیمت خرید کنونی بالاتر است

Sell Limit قیمت فروشی که از قیمت فروش کنونی بالاتر است

Sell Stop قیمت فروشی که از قیمت فروش کنونی پایین تر است

در دو جدول زیر لیستی از تعاریف اولیه و ساده تا اینجای دروس گرد اوری شده است :

توضیحات	معادل فارسی	تلفظ	نام انگلیسی	
در معاملات، اگر مثلاً 2000 سهم در پوزیشن خرید باشیم و در همان زمان 2000 سهم در پوزیشن فروش باشیم، به این حالت ایجاد شده هج کردن گوئیم	****	هج	hedge	1
مابه التفاوت قیمت خرید و فروش	****	اسپرد	Spread	2
مقدار موجودی داخل حساب	موجودی	بالانس	Balance	3
کوچک ترین اعشار تغییرات قیمت ارزها	****	پیپت	pipet	4
به واحد اصلی تغییرات قیمت می گویند، هر ده پیپت یک پیپ است.	****	پیپ	pip	5
مقدار ریسکی که انجام شده نسبت به پاداش مورد انتظار	ریسک به پاداش	ریسک به ریوارد	Risk/Reward	6
به بالا و پایین رفتن ریتمیک قیمت روند می گوئیم	روند	ترند	trend	7
تحلیل بر پایه قیمت	تحلیل فنی	تکنیکال	technical	8
تحلیل بر پایه اطلاعات بنیادی	تحلیل بنیادی	فاندامنتال	fundamental	9
به اعدادی که توسط مراجع فاندامنتالی ارایه می گردد ریت گوئیم	نرخ	ریت	Rates	10
مثال: اگر برای تشکیل هر کندل 5 دقیقه زمان نیاز باشد یعنی در تایم فریم 5 دقیقه ای هستیم	دوره زمانی	تایم فریم	Timeframe	11
زمانیکه قیمت مورد انتظار برای انجام خرید، بالای قیمت کنونی قرار داره	خرید در بالا	بای استاپ	Buy Stop	12
زمانیکه قیمت مورد انتظار برای انجام فروش، پایین قیمت کنونی قرار داره	فروش در پایین	سل استاپ	Sell Stop	13
زمانیکه قیمت مورد انتظار برای انجام خرید، پایین قیمت کنونی قرار داره	خرید در پایین	بای لیمیت	Buy Limit	14
زمانیکه قیمت مورد انتظار برای انجام فروش، بالای قیمت کنونی قرار داره	فروش در بالا	سل لیمیت	Sell Limit	15
نوعی کندل برای انتخاب Signal بار و key بار	مهم نیست	پین بار	Pinbar	16

17	Engulfing bar	انگولفینگ بار	مهم نیست	نوعی کندل برای انتخاب Signal بار و key بار
18	Doji bar	دوجی بار	مهم نیست	نوعی کندل برای انتخاب Signal بار و key بار
19	High Frequency Trading	های فرکانسی تریدینگ	معاملات فرکانس بالا	معاملات سرعت بالایی که توسط بانک ها انجام می شود
20	CandleStick	کندل استیک	الگوی شمعی	نوعی از نمایش قیمت است
21	Volume	والیوم	حجم معامله	به حجم مورد معامله توسط معامله گران اشاره دارد
22	Trade	ترید	معامله	به انجام معامله ترید کردن میگویم
23	Breakout	بریک اوت	*****	تعریف اصلی را در ویدیوی مربوطه
24	Buy Low Sell High (BSH)	بای لو سل های	خرید در کف فروش در سقف	زمانیکه میبایست در پایین محدوده مشخص بخریم و در بالای محدوده مشخص بفروشیم
25	Sideway	سایدوی	بدون جهت	به پی جهت بودن بازار میگویم
26	SPIKE	اسپایک	*****	تعریف اصلی را در ویدیوی مربوطه
27	TPTAKEPROFIT	تیک پرافیت	گرفتن سود	به بسته شدن قیمت با رسیدن به حد سود شما میگویم
28	SLSTOPLOSS	استاپ لاس	برخود ضرر	به بسته شدن معامله با رسیدن به حد محافظ شما میگویم
29	context	کانتکست	حالت کلی	به حالتی که توسط پرایس اکشن تشخیص می دهیم میگویم
30	edge	ادج	مرزهای تصمیم گیری	به مرزهای قیمتی برای تصمیم گیری به ورود به معامله میگویم

ویدیو ۸: بروکر ها و بانک ها Fundamental(Part3)-Brokers and Banks

به وسیله کارگزاری ها یا بروکرها می توانیم حسابمون رو شارژ کنیم و با بستری که اونا فراهم می کنن می توانیم به مارکت یا بازار متصل بشیم و معامله انجام بدیم .

از بروکرهایی که به کاربران ایرانی خدمات ارائه می کنند ، بروکرهای Alpari ، Windsor broker و lite forex اشاره کرد . برای انتخاب یک بروکر خوب به—تره موارد زیر رو مد نظر داشته باشیم :

۱- تعداد سال های سابقه بروکر رو چک کنید . توی سایت forex factory لیستی از بروکرها هم وجود داره .

۲- نظرات مشتریان بروکر در سال های گذشته را در سایت ForexPeaceArmy چک کنید

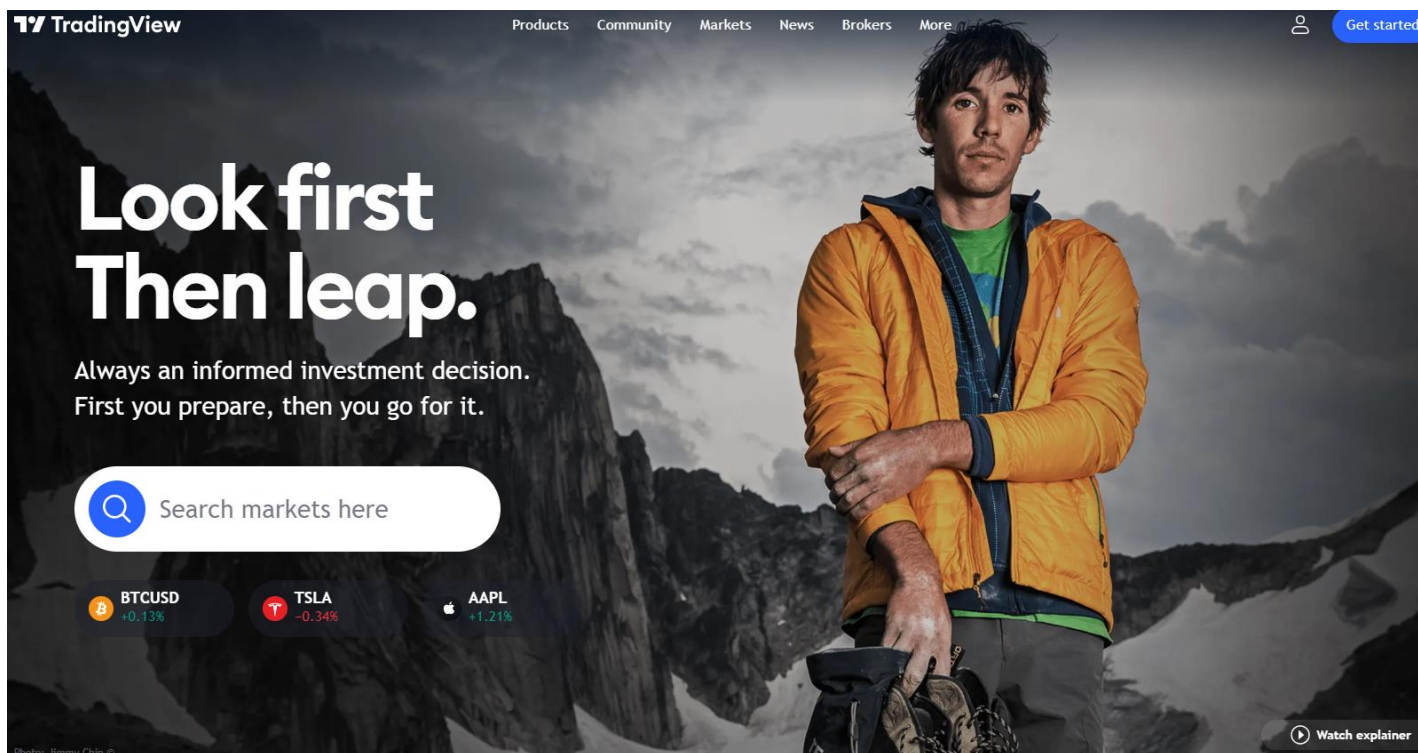
۳- و در نهایت کمیسیون و اسپرد هست به ازای هر معامله که بروکرها از ما در هنگام معاملات دریافت می کنن .

Ask : عرضه و **bid** : یعنی تقاضا . تفاوت قیمت خرید و فروش هم این دوتا اسپرد می گن . بین بید و اسک همیشه یک واحد اختلاف وجود داره که سهم بروکر هست که باعث میشه ما تو این بستر معامله بتونیم انجام بدیم .

پس هر بروکر = اسپرد + کمیسیون + سواپ هست که مجموعا تقریباً ۲ واحد مجموع کمیسیون پرداختی میشه .

ویدیو ۹: سایت های مورد نیاز Soft wares(Part1)-Sites

۱- اولین سایت **trading view** هست که یک جورایی شبکه اجتماعی معامله گر هاست . در این پلتفرم معامله گرانی هستند که هر روز تحلیل خودشون رو می زارن اما ما فقط باید با توجه به دانشمون تحلیل کنیم و کسب سود کنیم . گزینه ریلای هم میتونم بک تست بگیریم که خیلی مهمه . توی متا تریدر با **f12** میشه به صورت لایو بک تست گرفت .



۲- سایت فارکس فکتوری **forex factory** . مهمترین قسمت این سایت تقویم اقتصادی هست که قسمت کلندر هست . هر روز هم باید این سایت رو چک کنیم چون اخباری که منتشر میشن روی قیمت ها تاثیر گذار هستن . در کل استفاده از اخبار صرفا مکمل تحلیل تکنیکال هست . در قسمت کلندر موادری که :

- ۱- با رنگ **قرمز** مشخص شده ان اخبار بسیار مهم ،
- ۲- موادری که با رنگ **نارنجی** مشخص شده اند از اهمیت متوسط ،
- ۳- موادری که با رنگ **زرد** مشخص شده اند اهمیت کم
- ۴- موارد خاکستری صرفا جهت اطلاع رسانی هستند .

FOREX FACTORY

Forums Trades News Calendar Market Brokers Login Join 6:54am Search

Scanner Live About Settings

Online Now

- 18,978 Traders
- 2,436 Members
- 19 High Impact
- 106 w/ Trade Explorers
- 10 w/ Posted Systems

It's how smart traders find a broker.

Visit the [Forex Factory Broker Guide](#)

FOREX FACTORY

EUR/USD 1.05576
Bid
Chart: Last 6 hr
Pip Chg: 6 hr -21
% Chg: 6 hr -0.20%

GBP/USD 1.22690
Chart: Last 6 hr
Pip Chg: 6 hr 9
% Chg: 6 hr 0.07%

USD/JPY 135.814
Chart: Last 6 hr
Pip Chg: 6 hr -31
% Chg: 6 hr -0.23%

USD/CHF 0.93240
Chart: Last 6 hr
Pip Chg: 6 hr -12
% Chg: 6 hr -0.13%

USD/CAD 1.36121
Chart: Last 6 hr
Pip Chg: 6 hr 22
% Chg: 6 hr 0.16%

AUD/USD 0.67854
Chart: Last 6 hr
Pip Chg: 6 hr 1
% Chg: 6 hr 0.02%

NZD/USD 0.64025
Chart: Last 6 hr
Pip Chg: 6 hr 2
% Chg: 6 hr 0.03%

GBP/JPY 166.631
Chart: Last 6 hr
Pip Chg: 6 hr -26
% Chg: 6 hr -0.16%

Today: Dec 9 Up Next Filter

Expected Impact (all, none)

Currencies (all, none)

Event Types (all, none)

اخبار مهم رو هر روز از این قسمت چک می کنیم

Date	6:54am	Currency	Impact	Detail	Actual	Forecast	Previous	Graph
Fri Dec 9	4:30am	GBP	📁	Consumer Inflation Expectations	4.8%		4.9%	
	8:30am	CAD	📁	Capacity Utilization Rate		82.2%	83.8%	
		USD	🔴	Core PPI m/m		0.2%	0.0%	
		USD	🔴	PPI m/m		0.2%	0.2%	
	10:00am	USD	🔴	Prelim UoM Consumer Sentiment		56.9	56.8	
		USD	📁	Prelim UoM Inflation Expectations			4.9%	
		USD	📁	Final Wholesale Inventories m/m		0.8%	0.8%	

Apply Filter Cancel

۳- سایت های خبری **cnbc news** و بخش اقتصادی بلومبرگ هست .

۴- آخرین سایت هم **market24clock.com** هست که مشخص میکنه کدوم بازار از منطقه زمانی بازار در حال حاضر باز هست .



Trading Hours Updated: 2022/06/01

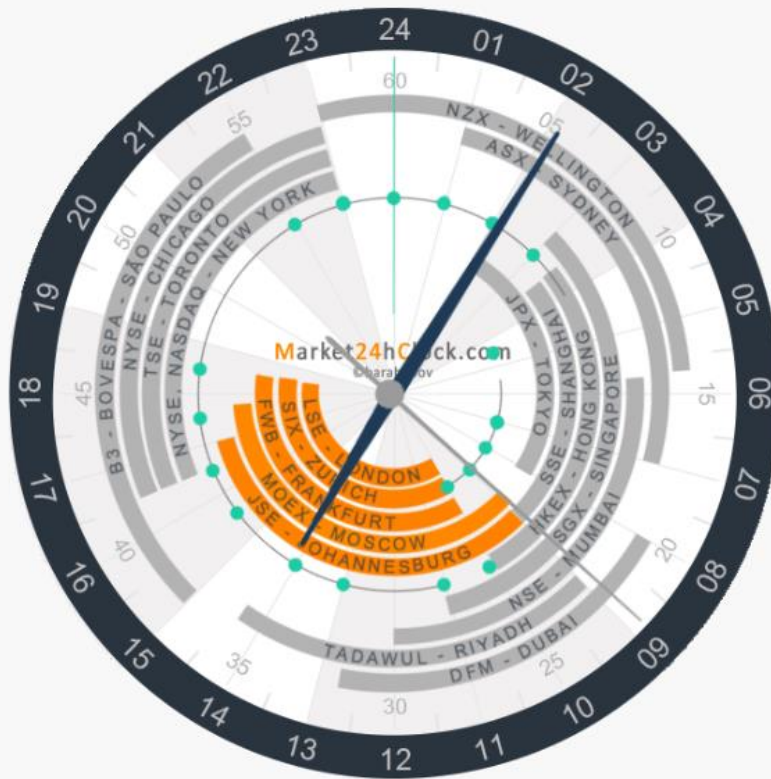
Bitcoin

Markets Countdowns and Alerts

Economic Calendar

 **2 Million** Clients are already trading with Alpari [Open Account](#)
Trading is risky.

Market 24h Clock ⚙️



NEW
Market 24h Sentiment Clock
PRO

APP
Market 24h Clock

مسابقه معاملاتی
180 هزار دلاری

این فرصت را از دست ندهید و هر ماه تا 30 هزار دلار جوایز نقدی برنده شوید. اکنون معامله کنید

Windsor Brokers

- Commodities
- Equities
- Cryptocurrencies
- Forex

Symbol	Last	Change (%)
EURUSD	1.05563	+0.00017 (+0.02%)



کلا دو شکل تحلیل داریم که اولی فاندامنتال و دومی تکنیکال

۱- **تحلیل فاندامنتال**: این نوع تحلیل به ما میگوید که ما میتوانیم با توجه به نرخ های اقتصادی و با توجه به اخبار و شایعات تحلیل کنیم مثلا طلای جهانی براساس اخبار روندش صعودی میشود و در همان جهت معامله می کنیم.

نقطه قوت: نقطه قوتش این است که بر اساس دیتا، علم واقعی و اطلاعات واقع بینانه است.

نقطه ضعف: نقطه ضعفش این است که نقطه های ورود خوبی ندارد مثلا شما میدانید که نفت قرار است صعودی شود و نقطه ورود خوبی نداریم در این حالت ما می آییم از تحلیل تکنیکال کمک میگیریم.

نکته: همه چیز درون چارت است و اگر شما مدت زیادی چارت ببینید و تمرین و تکرار کنید به راحتی میتوانید حرکات چارت را مشخص کنید در این صورت شما نیاز به تحلیل فاندامنتال ندارید. از تحلیل فاندامنتال اکثرا برای سرمایه گذاری و معاملات بلند مدت استفاده میشود.

۲- تکنوفاندامنتال

در این نوع تحلیل هم از تحلیل تکنیکال و هم از تحلیل فاندامنتال استفاده میکنیم. ما زمانی اسم خودمان را معامله گر میگذاریم که بتوانیم براساس اخبارنرخ های اقتصادی و تحلیل تکنیکال یک روندی را برای خودمان تصور کنیم. دیگه شما باید این باشد که سود کم اما درازمدت داشته باشید سود ماهی ۵٪، ۰۲٪ راضی باشید که این خودش سود بزرگی است.

نرخ های اقتصادی:

- ۱- Interest rate نرخ بهره
- ۲- The unemployment rate نرخ بیکاری
- ۳- The inflation rate نرخ تورم
- ۴- Business balance موازنه تجاری
- ۵- GDP growth rate نرخ رشد تولید ناخالص داخلی
- ۶- Government debt to GDP بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی

نکته: این نرخها برای ما مهم اند، نرخ های دیگری هم وجود دارد اما ما با همهی نرخها کار نداریم و فقط با نرخ هایی که بتواند به ما سود خوبی دهند سروکار داریم.

۳- **تحلیل تکنیکال**: در تحلیل تکنیکال رو از روی نمودارها و الگو و رفتار کندل ها تحلیل می کنیم؛ اطلاعات مورد نیازمون در تغییرات قیمت نشان داده شده است. در تحلیل تکنیکال می دونیم که قیمت ها تصادفی نیستند و بر اساس روندها تشکیل شده اند؛ که در کدام نقاط وارد یا خارج بشیم تا سود آور باشیم برای اینکه تحلیل تکنیکال بتونه خوب عمل کنه نیاز به حجم بالای معاملات هست، یا حجم بالایی از بازیگران دخالت داشته باشن.

انواع روش تحلیل تکنیکال:

۱- اندیکاتورها و اسیلاتورها

+ اندیکاتورها و اسیلاتورها چطور کار می کنند؟ این دوتا یه جور برنامه هستن که میان قیمت های واقعی بازار رو میدن به کامپیوتر، میدن به یک فرمولی و از این فرمول یکسری مشتقات بدست میاد، یک ریتی بدست میاد یک سری خطوط به وجود میاد که براساس اون میاییم تحلیل و در نهایت خرید و فروش می کنیم. حتمن باید بدونیم یک اندیکاتور معمولا تنهایی کارایی نداره و با چند اندیکاتور باید استفاده بشه که باعث میشه چارت خیلی شلوغ در نهایت درصد اشتباه خیلی بره بالا، همچنین در خیلی از موارد هم تاخیر دارند که باعث میشه خیلی از اون ها استفاده نکنیم.

۲- امواج الیوت

خود امواج رو سرچ کنید. دلایلی که از امواج الیوت استفاده نمی کنیم: اول اینکه تشخیص امواج از همه دیگه واقعا سخته؛ دوم این که عدم کارکرد در تایم فریم پایین؛ سوم اینکه تاخیر در تولید سیگنال خرید و فروش دارند؛ چهارم اینکه حد ضرر خیلی بزرگه.

۳- الگوهای شمعی

براساس یکسری از کندل ها، الگوها میگویند که وقتی قیمت به یک سطح رسید و این الگوها در آن سطح مشاهده کردیم وارد معامله میشویم بعضا این روش جواب میده و به صورت ۵۰ ۵۰ است.

۴- هارمونیک تریدینگ

در این روش براساس فیبوناچی اشکال M و W شکل در چارت پیدا میکنند که در نقطه اخر وارد معامله میشوند.

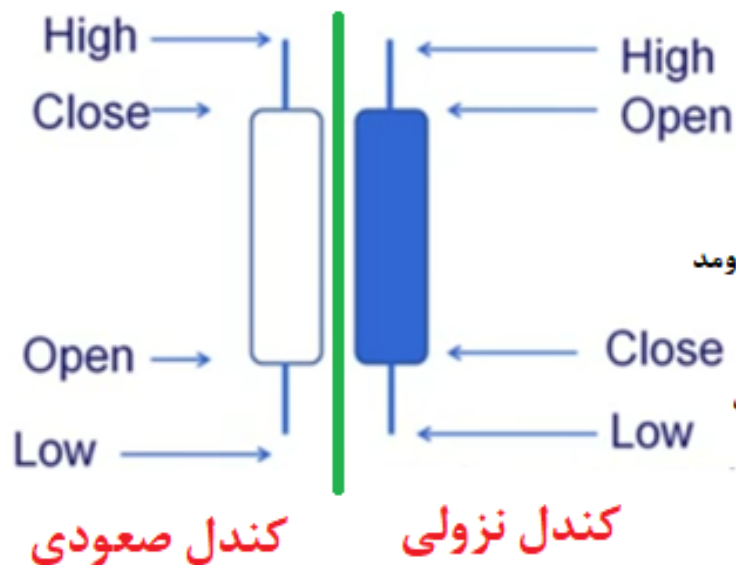
۵- فیبوناچی

سری زمانی ریاضی هست. اعداد فیبوناچی از جمع دوتای عدد قبلیش تشکیل میشه. این مورد در اینترنت سرچ کنید.

۶- خود پرایس اکشن

* نکته حمایت و مقاومت **support & resistance**: به صورت قراردادی به خطوطی که بالاتر از قیمت کنونی قرار دارند خطوط مقاومت (عرضه) و به خطوطی که پایینتر از قیمت کنونی قرار دارند خطوط حمایت (تقاضا) می گویند.

این ویدیو توضیح و تعریف خود کندل هست که چیه و چطوری به وجود اومده چرا اصلا جایگزین نمودار خطی شد. روانشناسی کندل و بازار برامون خیلی مهمه و به عنوان پرایس اکشن کار؛ چون کندل ها نمایان گر قدرت بین فروشنده ها و خریدارها هستن. توی کندل های نزولی و صعودی جای **low** و **high** همیشه ثابته ولی تو کندل های نزولی قیمت **open** و **close** بر عکسه.



Open : یعنی قیمتی که که اون کندل در اونجا باز میشه .

Close : قیمتی که کندل در اونجا بسته میشه.

Low : یعنی کمترین قیمتی که کندل دید. قیمت تا اونجا پایین اومد ولی نتونست بمونه و در نهایت برگشت.

High : یعنی بیشترین قیمتی که کندل دید. قیمت تا اونجا بالا رفت ولی نتونست تا اونجا بمونه و در نهایت برگشت.

در کندل نزولی جای باز و بسته شدن بر عکس کندل صعودی هست

* در کندل ها سایه نشانگر شک / قدرت بیشتر یا کمتر طرفین هست و خود بدنه بدون سایه نشانگر قاطعیت تو بازار . پس :

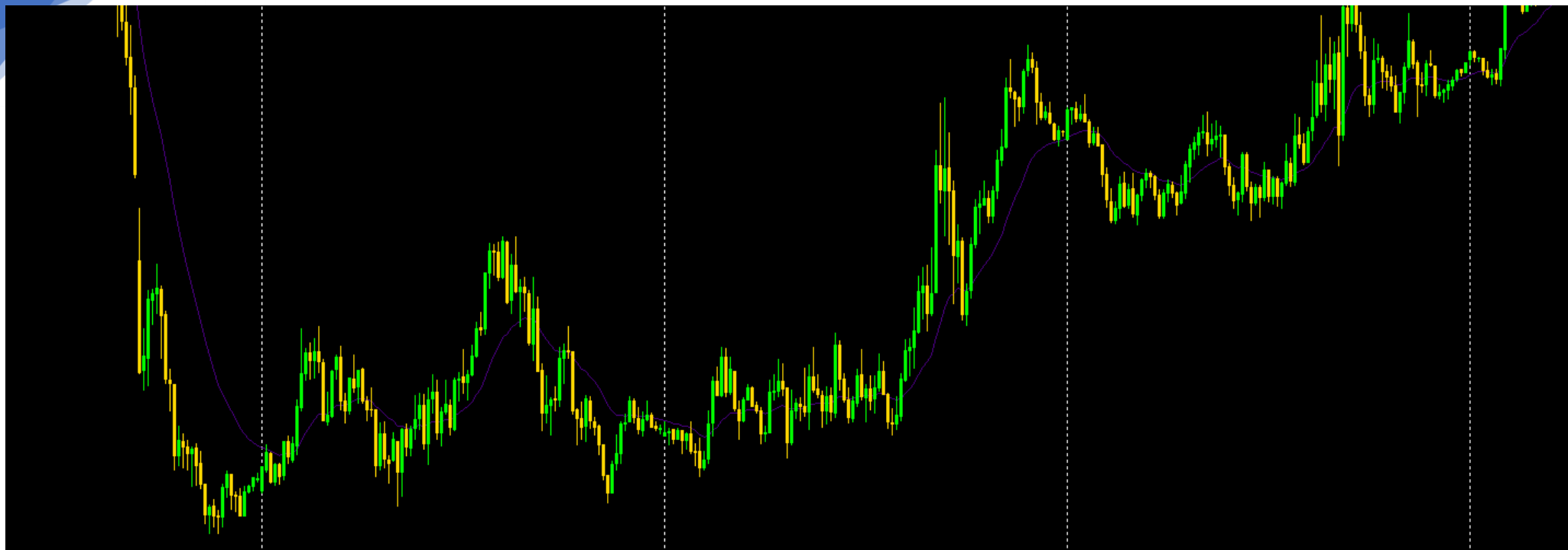
۱- در کل چه توی کندل صعودی یا نزولی فرقی نمی کنه سایه پایینی بیشتر باشه قدرت خریدار رو می رسونه ؛ سایه بالایی بیشتر باشه قدرت فروشنده ها رو می رسونه .

۲- بدنه بزرگتر : روند قویتر / بدنه کوچکتر : روند کنون ضعیفتر ، قیمت در حال تغییر جهت

۳- سایه بزرگتر : نوسان بیشتر، سردرگمی بیشتر / سایه کوچکتر : نوسان کمتر، سردرگم کمتر

*** **تایم فریم** : وقتی صحبت از تایم فریم می کنیم یعنی این هر کدام از این کندل ها چه زمانی رو نشون میدن به ما ؛ یا چه بازه زمانی هستنند . هر چقدر تایم فریم رو ببریم بالاتر نمودار جمع میشه که باعث میشه اطلاعات کمتر داشته باشیم . در واقع به ما نشون میده هر کندل تو چند دقیقه ساخته شده بر حسب اون تایم فریمی که ما انتخاب می کنیم . (تایم فریم ۵ دقیقه ای هر کندل تو ۵ دقیقه ساخته میشه و ۴ ساعته هر کندل تو ۴ ساعت و ...)

* به محدوده سفید رنگی که جدا کننده هستن توی چارت می گیم سپریتور **separator** . مثلا اگر تایم فریم دیلی یا روزانه رو انتخاب کنیم بین هر دو خط سفید یا سپریتور ما ۲۲ تا ۲۵ کندل هست که باعث میشه ساخته بشه ؛ بین دو جدا کننده همیشه یک ماه کاری ؛ اگر بریم روی ۴ ساعته همیشه هر دو خط همیشه یک هفته . یک ساعته همیشه یک روز . در چارت زیر خطوط سفید رنگ عمودی همان سپریتورها هستنند .



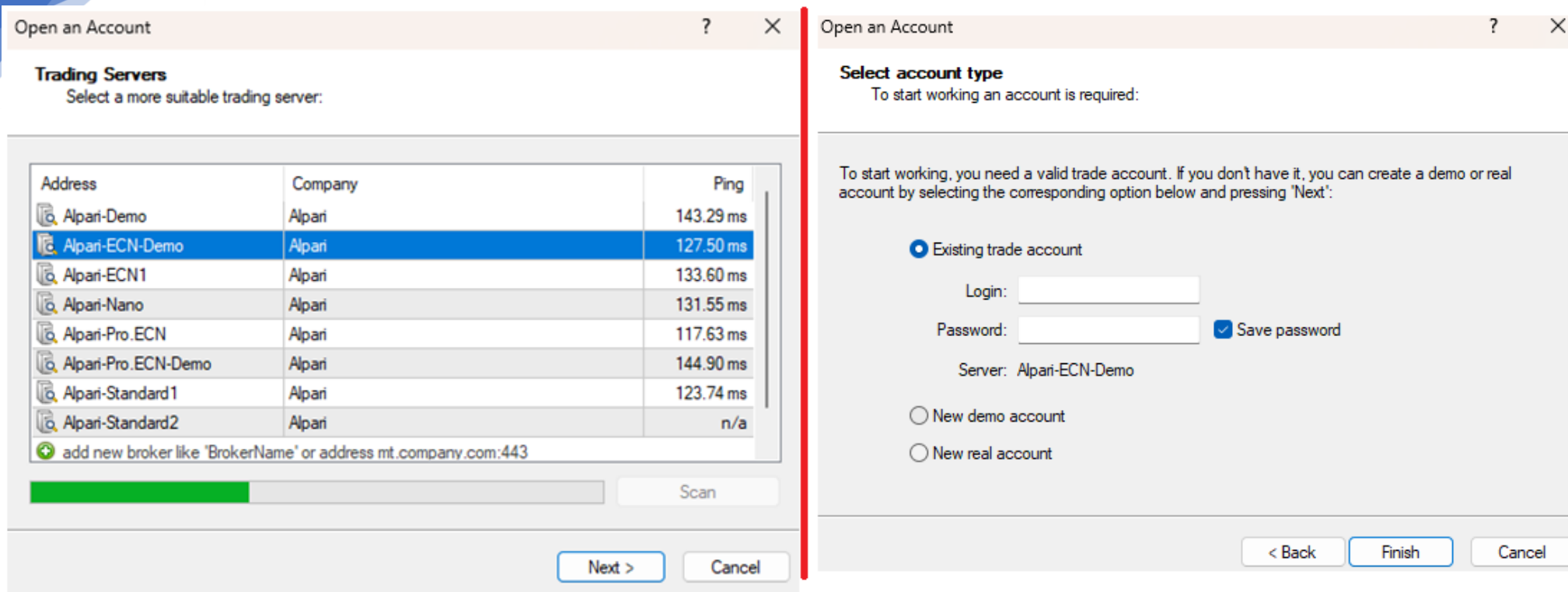
در کل تایم فریم پایین تر نقاط ورود خیلی بهتر و در نتیجه بازه سود آوری بیشتر دارد .

*** توی فیلم دقیقه ۲۴ خط روند میکشه که سه برخورد کندل ها با اون روند ما رو به نتیجه می رسونه که قیمت میخاد بره بالا .

*** ریسک به ریوارد : یعنی اینکه توی هر معامله سود بکنیم ، ایکس برابر ریسکی که کردیم سود گیرمون میاد در مقابل ضرر .

ویدیو ۱۲ : نصب و وارد کردن فایل های متا تریدر (Part1)-MT4-Soft wares(Part2)

اول های ویدیو راجب نصب نرم افزار و خاموش کردن فایروال ویندوز هست . بعد نصب نرم افزار باید بریم گزینه **open an account** تا حساب دمو یا واقعی رو باز کنیم . یک پنجره باز میشه که سرورمون رو سرچ می کنیم . بعد از انتخاب گزینه سرور نام کاربری و پسوردی که از بروکر دریافت کردیم رو می نویسیم و وارد اکانت خودمون خواهیم شد .



* زیر منوی اصلی گزینه ای هست به اسم **market watch** که میتونیم همه موارد معاملاتی بروکر رو در اونجا ببینیم .

* مهمترین بخش گزینه منوی اصلی فایل **file** دوتا گزینه **save as a picture** هست و دومی **open data folder** که با دومی میتونیم دیتا وارد متا تریدرمون کنیم . آخرین گزینه مهم که از همه مهتر هست **open an account** هست که می تونیم حساب ریل یا دمو باز کنیم .

ویدیو ۱۳ : ویو و درج اندیکاتور در متاتریدر **Soft wares(Part3)-MT4(Part2)-Views and Insert**

دومین گزینه ایشن بار هم ویو هست که چیز خاصی نداره و می تونیم زبان رو انتخاب کنیم و نحوه ایشن ها رو تغییر بدیم .

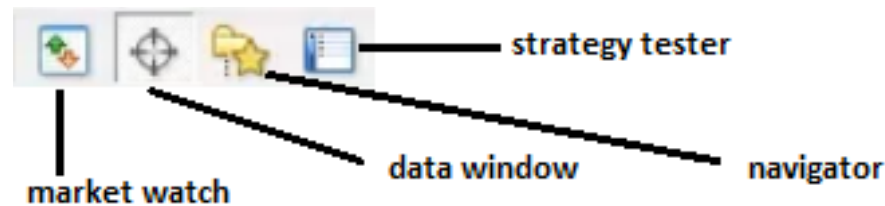
۱- **toolbar** : تو گزینه **view** این گزینه هست که می تونیم با این گزینه چه چیزهایی تو قسمت منو بارمون بالای چارتمون به نمایش در بیاد ؛ همچنین کاستومایز کردن رو داریم که مهم هست .

۲- **market watch** : اگر کلیک کنیم می تونیم ببینیم که بروکر ما چه چیزهایی رو ارائه میده برای معامله کردن . اگر دیدیم که چیز زیادی توش نیست باید کلیک راست بکنیم تا گزینه **show all** رو بزیم تا همش نمایش داده بشه . حالا هر کدوم رو که بخواییم معامله کنیم روش کلیک راست می کنیم و گزینه **char window** رو می زنیم ؛ راه دومش اینه که درگ کنیم و یا بکشیم سمت راست تا بیفته روی چارت .

Symbol	Bid	Ask
USDCHF	0.93329	0.93347
GBPUSD	1.22762	1.22781
EURUSD	1.05537	1.05548
USDJPY	135.852	135.864
USDCAD	1.36089	1.36103
AUDUSD	0.67865	0.67876
EURGBP	0.85957	0.85975
EURAUD	1.55484	1.55527
EURCHF	0.98503	0.98525
EURJPY	143.378	143.394
GBPCHF	1.14563	1.14626
CADJPY	99.808	99.839

این لیست بسیار زیاد و بروکر با بروکر این لیست فرق می کنه

۳- **data window** : هست که اون چیزی رو که داریم معامله می کنیم رو نشون میده اطلاعات مختلفی بهمون میده که شامل دیتا ، زمان اوپن و کلوژ و... این هاست هم چنین اندیکاتور هایی رو که روی چارتمون باز هست رو نشونمون میده . **volume** ولیوم حجم معاملاتی هست که در اون کندل اتفاق افتاده رو نشونمون میده . در کل دیتا ویندو **data window** کاربردی نیست .



۴- **navigator** : اگر کلیک کنیم ۴ تا گزینه توش هست که شامل حسابمون ، اندیکاتورهامون ، اسکریپت ها و اکسپرت ها به صورت درختی لیست شدن تو این قسمت و همه این اطلاعات رو بهمون نشون میده.

۵- **strategy tester** : با این گزینه هر استراتژی مد نظرمون هست رو می تونیم تست کنیم . این گزینه مخصوص کسانی هست که استراتژی خاصی دارن و یا اکسپرت نویسی کردن .

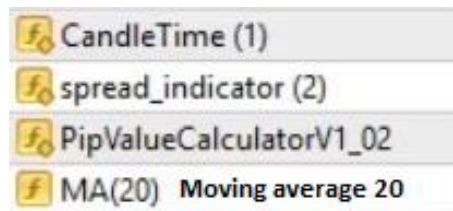
----- دقیقه ۱۶ به بعد گزینه و منوی **insert** رو درس میده -----

insert** که معنوی لغوی < درج کردن > رو میده میتونیم : اندیکاتور ، خط ها ، کانال ها ، فیبوناچی و ... رو درج کنیم یا بندازیم و بکشیم روی چارت.

اندیکاتور : اندیکاتور معنی لغوی (نمایان گر) رو میده و به ما توی چارت اطلاعات خاصی رو نشون میده . کل اندیکاتورها توی نرم افزار متاتریدر ۴ ، پنج دسته هستن که به ترتیب شامل:

ترند یا روند trend / اسیلاتور ها / حجم ها یا ولیوم volume / بیل ویلیامز bill williams / دسته کاستوم custom . همه اندیکاتورها تنظیمات خاص خودشان رو دارن و می تونیم اونا رو اون جور که مد نظرمون هست تنظیم کنیم . غیر از مووینگ اوریج از هیچ اندیکاتوری در متاتریدر ۴ استفاده نمی کنیم ، چون همشون قدیمی و منسوخ شده هستند .

* غیر از اندیکاتورهای بالایی ، اندیکاتورهایی دیگه ای هم می تونیم دانلود و اونا رو وارد متاتریدر کنیم . ۴ تا اندیکاتور خیلی مفید داریم که حتمن باید داشته باشیمشون که خیلی برامون توی تصمیم گیری کمکمون می کنن (این ۴ اندیکاتور رو باید دانلود کنید و به متاتریدر اضافه کنید) :



اندیکاتور ترند ها : کلا اندیکاتور های این دسته میاد برای ما نمای کلی روند رو نشونمون میده ؛ با اندیکاتورهای ترند ، حالت کلی روند رو پیدا می کنیم و اسیلاتور ها ماشه ای که میگه الان موقعیت خرید یا فروش هست رو بهمون میگه . مهمترین اندیکاتورها این دسته **میانگین متحرک و باند بولینگر** هست :

+ مووینگ اوریج : تو ویدیوی شماره ۱۹ کامل و مفصل توضیح داده شده .

+ باند بولینگر : یک باند در دو طرف میانگین هست که چگونگی پراکندگی قیمت رو حول متوسط قیمت رو بهمون نشون میده . اگر این اندیکاتور رو باز کنیم سه تا سطح بهمون میده که سطح پایینی ، مرکزی و بالایی هست . که میگه بر اساس این سقف ها و کف ها میتونیم بای یا سل رو بزنییم ، کجا به اشباع خرید یا فروش می رسه . ۱۸:۳۰

اسیلاتورها :

اسیلاتورها اندیکاتورهای ثانویه هستن و هنگامی معنا پیدا می کنن یا وقتی می تونیم ازشون استفاده کنیم که از آنها در جهت اندیکاتورهای اولیه مثل میانگین ها استفاده کنیم . معروفترین اسیلاتور ها ، macd ، stochastic ، RSI (Relative strength index) هستند .

ولیوم ها

دسته بعدی اندیکاتورها ولیوم یا حجم معاملاتی هست که بر اساس حجم معاملات نوشته شدن .

Obv : مخفف on balance volume هست . این اندیکاتور همانند یک فشار سنج ، فشار عرضه و تقاضا رو می سنجه .

Money flow index : که براساس حجم معاملات برامون نوسان گیری می کنن .

Volume : حجم کلی معاملات بروکر ما هست رو نشون میده نه خود بازار .

در کل اندیکاتور های این دسته هیچ کاربردی ندارند ؛ همچنین دسته **bill Williams** و **custom** هم توضیح خاصی ندارند

مبحث بعدی در منوی **insert** منوی خط ها یا **line** هست . بیشترین کاری که ما داریم با این لاین هاست . تو پرایس اکشن مدام از ترند لاین ها استفاده می کنیم می تونیم بگیم که ما ترند لاین تریدر هستیم .

از خطوط مورب <<< برای کشیدن روند کلی بازار یا ترند ها و کانال ها

از خطوط افقی <<< برای کشیدن خط و ناحیه مقاومت و حمایت (**support & resistance**)

از خطوط عمودی <<< توی تحلیل زمانی خیلی به کارمون میاد و ازش استفاده می کنیم .

مبحث بعدی در منوی **insert** منوی کانال هاست که می تونیم با این گزینه کانال بکشیم .

مهمترین بخش این گزینه کشیدن **کانال فیبوناچی** هست که می تونیم رسمش کنیم . بعد از رسم خط می تونیم هر کدام از خط ها رو به هر شکلی که بخواهیم خط رو تکون بدیم . همچنین می تونیم در پنجره تنظیمات روی خط کلیک راست می کنیم گزینه **channel properties** رو انتخاب میکنیم که در پنجره باز شده در قسمت **parameter** بریم و گزینه **Ray** رو تیک بزنینم تا خط برامون ادامه دار بشه . برای خط های روند هم این گزینه وجود داره مخصوص کانال فیبو ناچی نیست .

← دسته بعدی گن هست که توضیح خاصی نداره .

← دسته بعدی فیبوناچی هست که با کانال فیبوناچی کلا فرق داره جور دیگه ای ازش استفاده می کنیم . مهمترین قسمت این بخش که خیلی مهم هست **retracement** و **fibonacci** هست .

* اولین گزینه در فیبوناچی گزینه **retracement** هست که می تونیم سطوح بازگشتی فیبوناچی رو رسم کنیم ؛ منتها ما در بحث پرایس اکشن تنظیماتش رو کل تغییر می دیم تا بتونیم با این گزینه ریسک به ریوارد رو بدست بیاریم .

← دسته بعدی اشکال هست که کارایی خاصی نداره که میتونیم شکل مختلفی رو روی چارت رسم کنیم .

← دسته بعدی و دسته آخر ، دسته نشانه گذاری هست که مثلا یک نقطه ای خیلی برامون مهم هست ، مثلا نقطه آینده هست و پیش بینی می کنیم که در این نقطه واکنش برگشت بازار رو داریم ، میاییم از قبل مشخص می کنیم و علامت گذاری می کنیم ؛ همچنین قابلیت لیبل گذاری رو داریم که اگر استفاده کنیم عدد سمت راست توی لیبل به نمایش در میاد و می تونیم هر کجا که بخواهیم بزاریم .

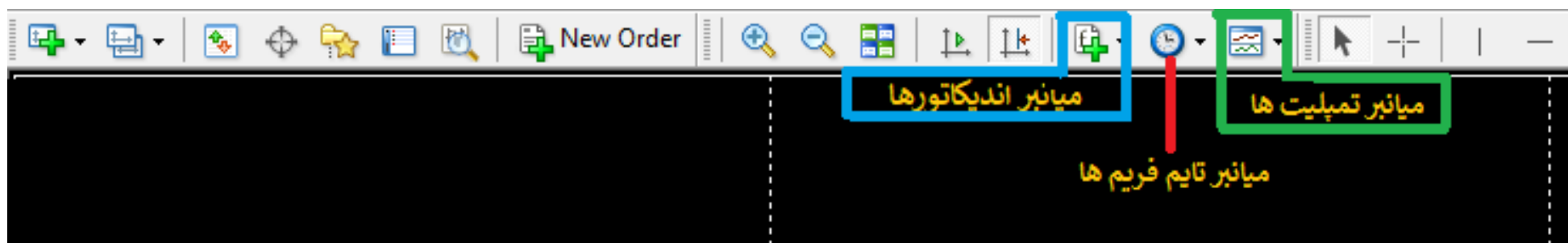
* اگر بخواهیم منوی آپشن بارمون رو اضافه کنیم توی آپشن بار یک منوی همبرگری هست که می تونیم روش کلیک کنیم با **customize** کردن گزینه های بیشتری رو به آپشن بارمون اضافه کنیم.



این ویدیو بحث منوی **chart , tools, window , help** رو درس میده . توی منوی **chart** گزینه آبیکت فقط به این درد میخوره بریم آبیکت خاصی مثل فیبوناچی و... رو حذف کنیم . (۷ تا ۸ تا گزینه اول مهم نیستن ببینید متوجه میشید). در این قسمت گزینه مهم قسمت تمپلیت هست که در نرم افزار متا تریدر به انی شکل می بینیم :



این گزینه رو اگر بزنی تمام چارت هایی رو که باز کردیم میاد کنار هم دیگه پنجره پنجره نشون میده از شکلش هم مشخصه : اگر هم تعداد پنجره و چارت ها زیاد باشه ، وقتی یک پنجره رو حذف می کنیم و ضربدر رو می زنیم برای مرتب شدن پنجره ها باید روی این گزینه مرتب کلیک کنیم.



* معنی تمپلیت اینجوری میشه گفت که چارتمون رو جوری تنظیمش کنیم که ما دلمون میخاد ؛ مثلا رنگ کندل ها چی باشه ، رنگ پس زمینه چارت چی باشه و.... هر تمپلیت رو می تونیم ذخیره کنیم تا بعدا اگر چارت جدید باز کردیم بلافاصله تمپلیت مورد نظرمون رو اعمال کنیم .

برای تنظیم تمپلیتمون روی چارت کلیک راست می کنیم و گزینه **properties** رو می زنیم . تو پنجره باز شده دوتا تب هست اولی مال رنگ هاست و دومی مال تنظیمات کلی مثل نشون دادن گرید ها و.... هست. تمامی گزینه ها مشخص هست بر حسب سلیقه می تونیم تنظیمات مورد نظرمون رو اعمال کنیم .

The image shows a trading software interface with a candlestick chart for XAUUSD, M15. A menu is open on the left, and a 'Properties of XAUUSD, M15' dialog box is open on the right. The 'Properties' dialog shows various color and style settings for the chart.

Property	Value
Background	Black
Foreground	White
Grid	Teal
Bar Up	Lime
Bar Down	Gold
Bull candle	Lime
Bear candle	Gold
Line graph	FireBrick
Volumes	MediumAquaMar
Ask line	LightCoral
Stop levels	MediumSlateBl

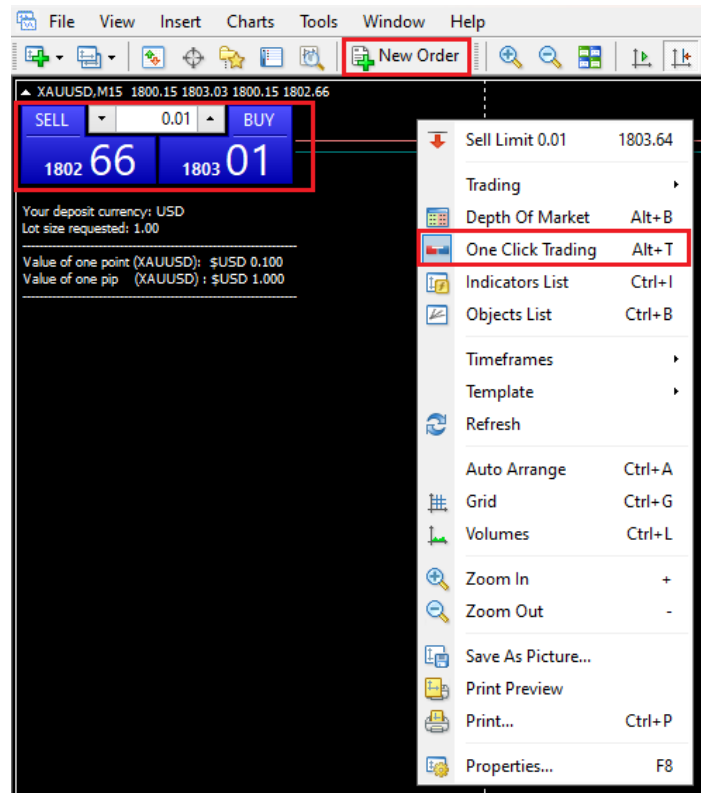
نکته ۱: گزینه refresh برای وقتی هست که وقتی ارتباطمون با نت قطع شده اطلاعات روی صفحه رو آپدیت می کنه . گزینه های بعدی گزینه auto shift و auto scroll هستند :

The image shows a trading software toolbar with a text overlay in Persian explaining the 'auto shift' and 'auto scroll' options.

مربع آبی همان گزینه auto shift که چارت رو کمی به سمت راست شیفیت تا راحت تر بتونیم تحلیل کنیم.
 مربع سبز همان گزینه auto scroll هم اگر توی چارت رفته باشیم عقب چارت میاد خودش خود ب خود میاره اول چارت جایی که کندل ها دارن ساخته میشن.

نکته ۲: گزینه step by step برای فوروارد تست و بک تست تست گرفتن خیلی مهمه برای گذشته بازار که اگر F12 رو بزنین میاد دونه دونه کندل ها رو میاره جلو .

نکته ۳: وقتی روی چارت کلیک راست می کنیم گزینه **one click trading** هست روی همون صفحه اصلی چارتمون یک گزینه میاد بالا سمت روی چارت باعث میشه خیلی سریع پوزیشن سل یا بای بگیریم تا اینکه بریم سراغ گزینه **new order**.



نکته ۴: در نهایت گزینه ترمینال رو داریم که این شکلی هست و قسمت پایین چارت رو نشونمون میده. ترمینال در پایین چارت اطلاعات مهم و زیادی از نوع پوزیشن نشونمون می داد. اگر روی این بخش کلیک راست کنیم و گزینه **save as detailed report** رو بزنیم می تونیم استیتمنت معاملاتی مون رو تو کامپیوتر ذخیره کنیم.

Order /	Time	Type	Size	Symbol	Price	S / L	T / P	Price	Commission	Swap	Profit	
6563613	2019.10.03 03:11:19	sell	1.00	us30.z9	26045	26112	25966	26045	-10.00	0.00	0.00	
Balance: 50 010.00 USD Equity: 50 000.00 Margin: 813.91 Free margin: 49 186.09 Margin level: 6143.21%											-10.00	
Trade	Exposure	Account History	News ⁹⁹	Alerts	Mailbox ²¹	Company	Market	Signals	Articles	Code Base	Experts	Journal
For Help, press F1					Default	2019.10.02 22:30	O: 26079	H: 26102	C: 26094	V: ۴۵۰	13608/28 kb	

* دقیقه ۲۰: راجب گذاشتن حد سود و ضرر در هنگام پوزیشن گیری با استفاده از one click trading رو توضیح میده .

* دقیقه ۲۳: ریز گزینه های ترمینال رو هنگام باز کردن یک پوزیشن توضیح می ده .

* دقیقه ۲۴: کراس چیر cross chair رو با اسکرول وسط موس رو اگر بزنیم روی هر جای چارت بزنیم بعد با موس بکشیم هر کجا که دلمون میخاد چن تا دیتا بهمون میده (به ترتیب از چپ به راست): ۲۶۰۴۹/۳۴/۱۸ اعداد فرضی هستن . عدد ۱۸ نشون میده از جایی که کراس چیر رو زدیم تا جایی که کشیدیم یا درگ کردیم چن تا کندل وجود داره ؛ ۳۴ یعنی تعداد تغییرات واحدمون یا پیپ تغییرات ؛ عدد ۲۶۰۴۹ عدد سمت راست چارتمون هست .

*** توی پوزیشن سل اگر از خودش بگیریم بکشیم بالا حد ضررمون رو مشخص میکنه . بکشیم پایین حد سودمون رو مشخص می کنه . و برعکس

نکته ۵: برای درست تنظیم کردن خط روند باید بریم منوی tools گزینه آخر option بعد توی پنجره باز شده عدد گزینه magnet sensitivity رو بزاریم روی عدد ۱ .

نکته ۶: گزینه account history در قسمت ترمینال تاریخچه تمام معاملات ما رو بهمون نشون میده .

تعریف draw down در استیتمنت (statement یا همون گزارش معاملاتی): در استیتمنت اگر ببینیم یک قسمتی وجود داره به اسم draw down که به معنی میزان ضرر پشت سر هم معنی میده . اگر درصد دراو دون :

۱- زیر ۵ درصد باشه یعنی معامله گر حرفه ای ؛

۲- زیر ۱۰ درصد باشه معامله گر خوب ؛

۳- زیر ۱۵ درصد باشه معمولی ؛

۴- اگر بالای ۲۰ درصد بود دیگه نباید ترید کنیم چون استراتژیمون استراتژی خوبی نیست و فقط سرمایه رو از دست میدیم.

تعریف پرافیت فکتور: کل معاملات رو در نظر می گیریم که مجموعا X تومن سود کردیم روی معاملات سود ده ؛ مجموعا Y تومن ضرر کردیم در معاملات ضرر ده ؛ تقسیم X بر Y پرافیت فکتور به دست میاد که اگر این عدد بالای یک باشه یعنی سود ده هستیم اگر این عدد بالاتر از یک باشه یعنی بیشتر سود کردیم:

۱- پرافیت فکتور ۱.۵ تا ۳ یعنی معقول کار می کنیم

۲- پرافیت فکتور ۳ تا ۶ یعنی نتیجه معاملاتی ما عالی است

۳- بالاتر از ۶ هم خیلی عالی هست ولی این مورد باعث کمال گرایی می شود .

Working Orders:

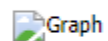
Ticket	Open Time	Type	Size	Item	Price	S / L	T / P	Market Price
--------	-----------	------	------	------	-------	-------	-------	--------------

No transactions

Summary:

Deposit/Withdrawal:	1 000.00	Credit Facility:	0.00		
Closed Trade P/L:	34.83	Floating P/L:	0.00	Margin:	0.00
Balance:	1 034.83	Equity:	1 034.83	Free Margin:	1 034.83

Details:



Gross Profit:	101.44	Gross Loss:	66.61	Total Net Profit:	34.83
Profit Factor:	1.52	Expected Payoff:	1.45		
Absolute Drawdown:	0.00	Maximal Drawdown:	40.73 (3.79%)	Relative Drawdown:	3.79% (40.73)
Total Trades:	24	Short Positions (won %):	18 (44.44%)	Long Positions (won %):	6 (50.00%)
		Profit Trades (% of total):	11 (45.83%)	Loss trades (% of total):	13 (54.17%)
Largest		profit trade:	24.54	loss trade:	-28.18
Average		profit trade:	9.22	loss trade:	-5.12
Maximum		consecutive wins (\$):	2 (39.18)	consecutive losses (\$):	4 (-36.08)
Maximal		consecutive profit (count):	39.18 (2)	consecutive loss (count):	-36.08 (4)
Average		consecutive wins:	2	consecutive losses:	2

ویدیو ۱۵: Price Action(Part1)-HFT

High frequency trading رو می تونیم اینجوری تفسیر کنیم: معامله تعداد یا معامله فرکانس بالا

✳ **جبر مارکت یا بازار**: مارکت توسط برنامه های تریدینگ، ابر کامپیوترها، ربات ها، الگوریتم ها و.. کنترل می شود. به همین موضوع هر قیمت و هر نوع روند در مارکت به هیچ وجه اتفاقی نیست. **ما تنها در مسیری می تونیم پولسازی کنیم که در مسیر اونا معامله کنیم.** برنامه ها یا ربات ها نمی تونن مخفی کنن که چه کاری دارند انجام می دهند. اگر یاد بگیریم چطور چارت بخونیم، ما هم می تونیم هم جهت با اون ها ترید کنیم.

✳ مارکت تمایل دارد کاری را که اکثریت انجام می دهد را انجام دهد. مارکت همیشه به سمتی میره که حجم بزرگتری از بازار به اون سمت بره.

**** ما برای اینکه ببینیم بازار به کدام سمت میره به سمت چپ نمودار نگاه می کنیم تا ببینیم احتمال داره سمت راست نمودار به چه شکلی درمیاد.**

* تو بازار همیشه ما دنبال پیش بینی و بررسی احتمالات هستیم نه قطعیات ؛ چون توی بازار به هیچ وجه قطعیتی وجود نداره . بررسی احتمالات و مدیریت سرمایه می تونه ما رو به سود دهی مستمر برسونه . به خاطر همین هم استمرار و ماندگاری در بازار مهمه که به نتیجه کلی میرسه .

۳- در بازار با از دست دادن مقداری زیادی از سرمایه خود ، خیلی ها مستاصل شده دنبال کمک می گردن ؛ در نتیجه به هر چیزی ایمان میارن ، نتیجه مهم همیشه اینه با علم درست و اصول مدیریت سرمایه این ترس رو کنترل کنیم .

✓ سوال مهمی که پیش میاد اینه که اگه کندل استیک نه پس پرایس اکشن چیه؟؟ ما تریدرها بر حسب موارد زیر ترید می کنیم :

۱- فشار خرید و فروش ؛ قدرت روند ؛ احتمال برخورد و نسبت ریسک به ریوارد ؛ مدیریت معامله و مدیریت سرمایه

سوال دیگه اچرا باید به سبک پرایس اکشن کار کنیم (الگوها ، کندل استیک ها ، اندیکاتور ها همه غیر ضروری هستن ولی می تونن جزئی از پازل موفقیت باشند). وقتی خیلی ها اون رو می دونن؟؟ چون که :

مارجینی که برای خطا هست خیلی کوچیکه و همه اشتباه کوچک رو تکرار می کنیم . ۲- بهترین آنالیزهای پرایس اکشن تنها در ۷۰ درصد مواقع درست هستند . ۳- با بهترین تریدرهای جهان رقابت می کنیم . ۴- تمرین مستمر اطلاعات و در مجموع کل پرایس اکشن باعث موفقیت میشه نه فقط صرف دونستن اطلاعات .

این خیلی مهمه است چون وقتی شما روزهای اول وارد بازار می شوید اگر علم درست اینکار را نداشته باشید اولین کاری که میکنید این است که پول از دست میدید و این پول انقدر از دست میرود تا جایی که پولی برایتان نماند و مجبور می شوید از بازار خارج شوید برای همین استمرار و ماندگاری در بازار مهم است.

ویدیو ۱۶: مقدماتی پرایس اکشن Price Action(Part2)-Intro

* قانون ۴۰-۶۰: هیچ چیزی همیشه کار نمی کند . همه چیز بعضی زمان ها کار می کند. بیشتر چیزها ۴۰ تا ۶۰ درصد مواقع کار می کند. به تحلیل های خیلی خوب ۶۰ درصد در نظر می گیریم و تحلیل های که خیلی مطمئن نیستیم ۴۰ درصد در نظر می گیریم .

* در مواقع معاملات اگر ایمان نداشته باشیم که دقیق تحلیل شده احتمال دارد این همون ۴۰ درصد مواقع باشه که در دام یک معامله اشتباه افتادیم.

پرایس اکشن چی هست ؟

خود پرایس اکشن رو می تونیم اینجوری دسته بندی کنیم : ۱- هر نوع حرکت قیمت را نشان می دهد ؛ ۲- ابزاری است در هر بازار مالی؛ ۳- هر چارتی رو پوشش می دهد ؛ ۴- در هر تایم فریم قابل اجراست ؛ ۵- هر تغییر قیمت مثالی از پرایس اکشن است ؛ ۶- اغلب چیزی که فکر می کنیم کوچک است در نهایت به ترید و معامله بزرگی منجر می شود .

**** لوازم مورد نیاز برای کار: فقط لپ تاب ، اینترنت ، چارت ۵ دقیقه.**

پرایس اکشن چارت را به سه قسمت تقسیم میکند:

۱- اسپایک یا Spike

۲- قسمت روند دار بازار یا Trend

۳- بدون روند trading range



تمام چارت ها و روندها این قسمت را دارند و چرخه ای است که همیشه در بازار وجود دارد و وجود خواهد داشت و و اگر این را بدانید شما می توانید همیشه برای حرکات بعدی آماده باشید.

قبل از اینکه وارد بحث اصلی پرایس اکشن بشویم نیاز است که شما با بحث های زیر آشنا شوید:

HH: higher high سقفی بالاتر از سقف قبلی

LL: lower low کفی پایین تر از کف قبلی

HL: higher low کفی بالاتر از کف قبلی

LH: lower high سقفی پایین تر از سقف قبلی



زمانی که HH,HL داریم روند صعودی است.



زمانی که LH, LL داریم روند به صورت نزولی است .

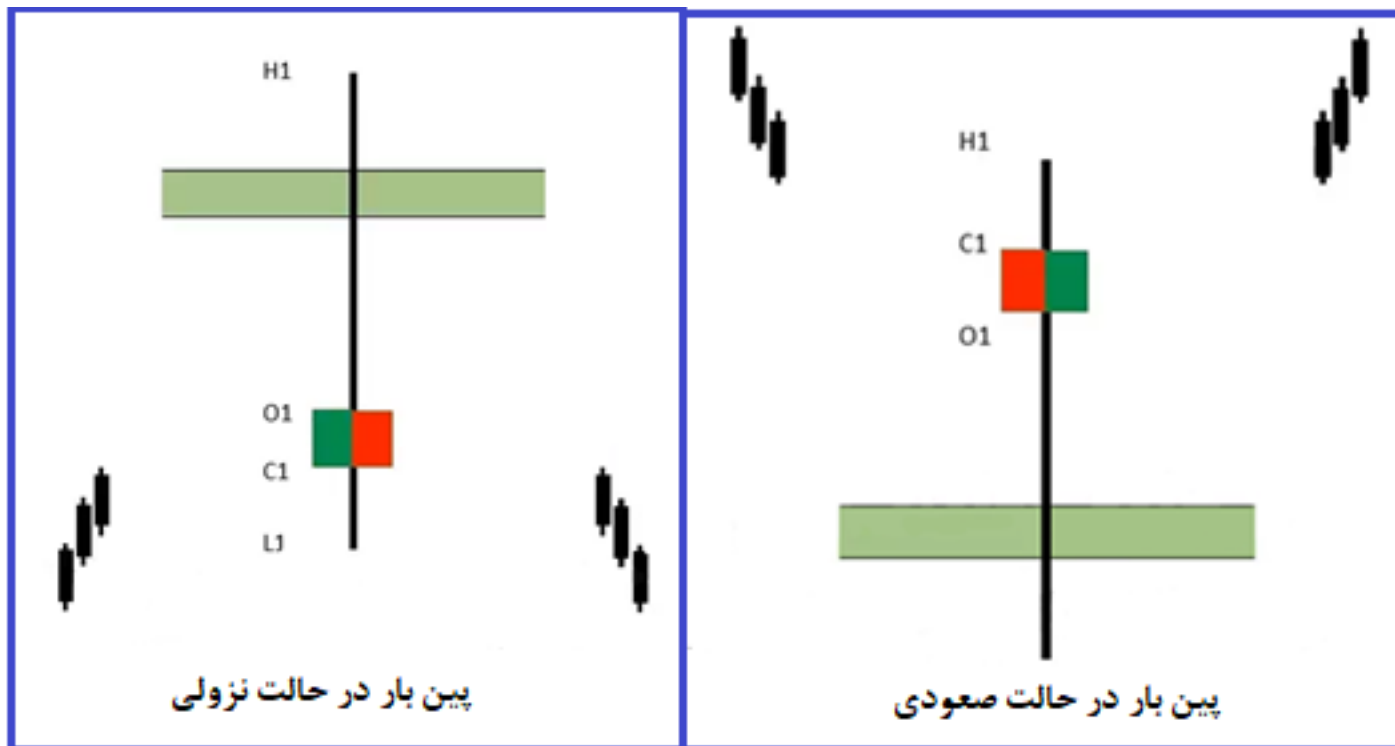
ویدیو ۱۷ : کندل استیک Price Action(Part3)-Candlestick

الگوهای کندل استیک یا الگوهای شمعی خیلی زیادی در کتاب ها و.. وجود دارند که اسم های مختلف و زیادی هم دارند ، اما نحوه سود دهی با استفاده صرف از این الگوها ۵۰-۵۰ هست . کلا ۴ تای الگوی رفت و برگشتی از کندل استیک ها ما رو مجاب می کنه برگشت / ادامه روند داشته باشیم و بر اساس اون ها و بقیه عوامل وارد پوزیشن بشیم .

*** اولین الگوی کندل استیک و مهمترین نوع الگوی کندل استیک که یاد می گیریم الگوی پین بار در حالت صعودی یا نزولی هست

این الگو مهمترین الگوی هیست که باهش خیلی سرکار و داریم و خیلی از استراتژی ها بر مبنای این کندل هستن ؛ چون 95% سیگنال بارمون و مهم ترین کندل برگشتی در خیلی از جاها (سطوح حمایت و مقاومت ویدیوی ۱۹ رو ببینید) محسوب میشه . در شکل صفحه بعد شکل این الگو رو می تونیم ببینیم که اگر این شکلی بود برای ما کافیه (بین بارها سایه های بلند و بدنه های کوچکی دارند .)

چند نکته خیلی مهم در رابطه با پین بار :



نکته ۱ : پین بار صعودی تمایل به افزایش قیمت داره ؛ پین بار نزولی تمایل به ریزش قیمت داره (رنگ بدنه تو هیچ کدام از موارد مهم نیست مثلا پین بار صعودی چه رنگ بدنه اش سبز که صعودیه و زرد که مثلا نزولیه باشه ، باز هم تمایل به افزایش قیمت داره) (اینکه این کندل کجای چارت تشکیل میشه هم خیلی مهمه و باز هم تاکید می کنیم خود صرف کندل مهم نیست) .

نکته ۲ سایه پین بارها : پین بار هر چقدر قدرتش بیشتر باشه برابر است با تاییده بهتر برای ورود به پوزیشن ! باز هم در اینجا رنگ بدنه هیچ اهمیتی نداره و فقط برای ما مهمه که پین بار صعودی هست یا نزولی . در پین بار هر چقدر سایه بزرگتر باشه یعنی قدرت اون طرف در بازار خیلی بیشتر بوده و با خیال راحت بیشتر وارد میشیم .

نکته ۳ : به کندل هایی که سایه های بلند و بدنه های کوچکی دارند ، داجی **doji** می گویند . پین بار از خانواده دوجی ها ست . داجی ها همونطور که می دونیم حالت بی تصمیمی در بازار رو می رسونه . بدنه در پین بار باید متمایل به بالا یا پایین باشه ، بدنه وسط داجی محسوب میشه .

نکته ۴: یکی از نشونه‌هایی که متوجه می‌شدیم قیمت داره تموم میشه یا آخرای قیمت هستیم (مثلا در روند ریزشی) همین بین بارها هستن یا کندل‌ها سایه‌های بلندی می‌زدن؛ مثلا روند ریزشی رو داریم که نزدیک سطح مهم بین بارهای صعودی پی در پی می‌بینیم که این یعنی قیمت دیگه تمایل به افزایش قیمت داره (برای برگشت قیمت با استفاده از این کندل تاییدیه می‌گیریم).

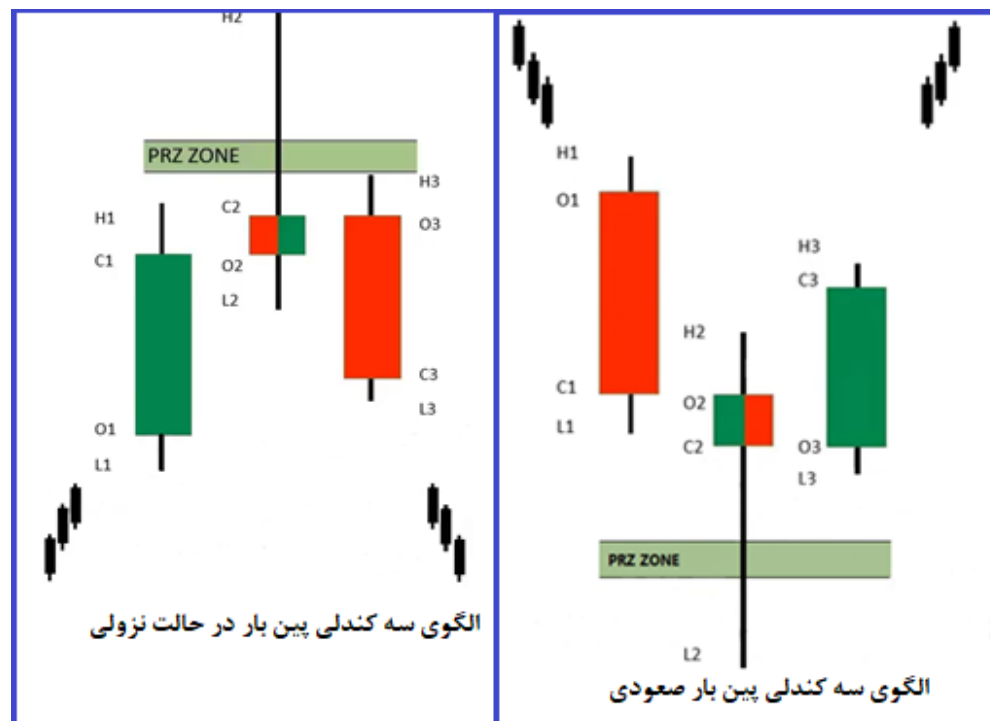
نکته ۵: این بین بار به این معنی است که فروشنده‌ها فشار خود را آورده اند اما فشار خریداران قویتر بوده و در حال حاضر این را گوش زد میکنند که احتمال برگشت قیمت زیاد است.

نکته ۶: الگوهای کندل استیک فقط در نواحی حمایت و مقاومت به کار می‌روند **زیرا بانکهای بزرگ از کندل استیک ها در نواحی حمایتی و مقاومتی استفاده می‌کنند.**

الگوی شماره ۲: الگوی سه کندلی بین بار:

این سه کندل به ما میگویند که قیمت افزایش خود را داشته و در کندل بین بار به ما اخطار برگشت قیمت را داده است؛ یعنی احتمال اینکه قیمت برگردد زیاد است و در کندل بعدی نیز این تثبیت شده است و

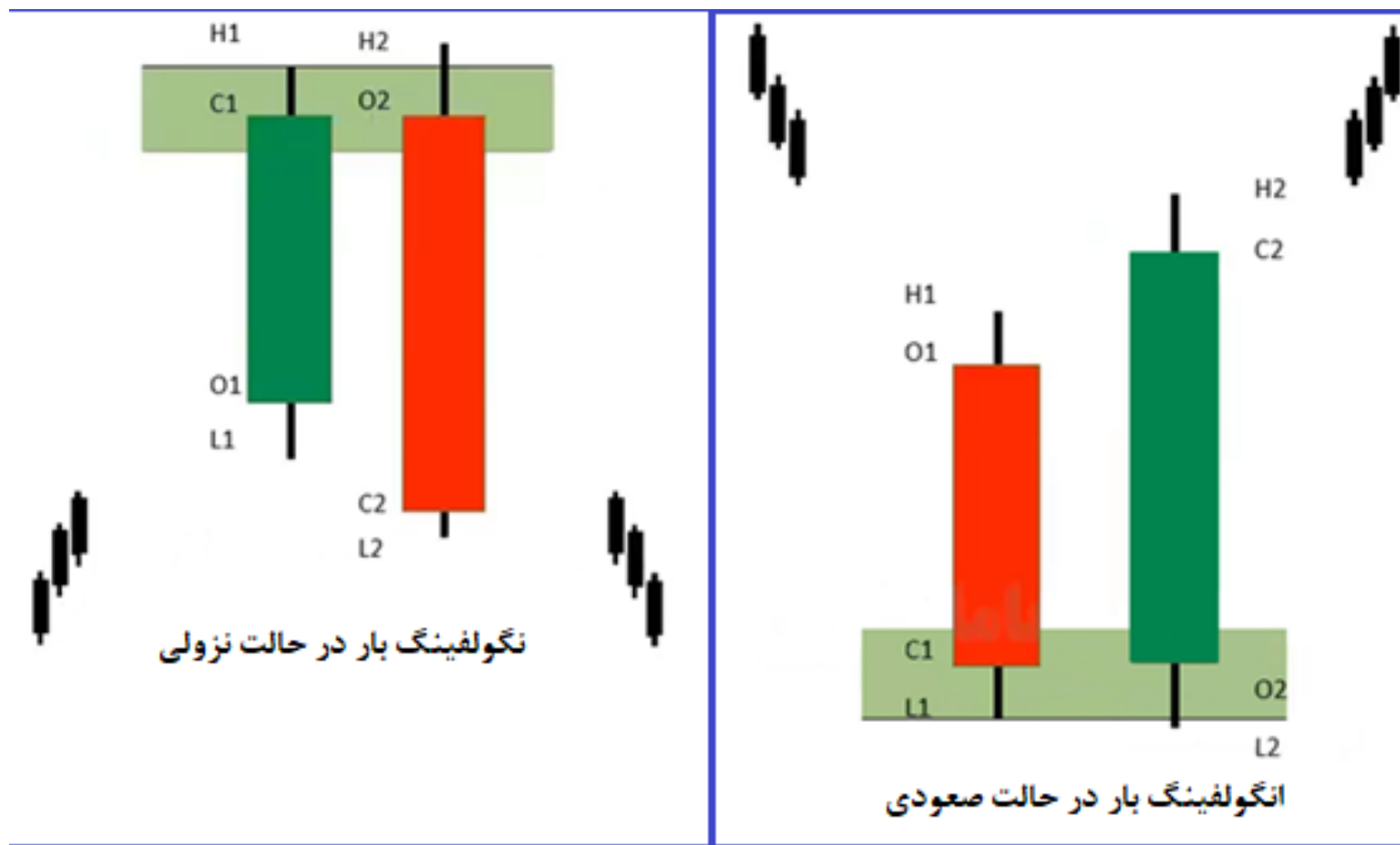
این یعنی **تاییدیه قطعی برای برگشت قیمت رو می‌گیریم.**



توضیح **prz zone**: منطقه یا ناحیه یا قسمتی که ما احتمال برگشت یا پتانسیل برگشت قیمت رو از اونجا داریم (سطوح ۷ گانه حمایت و مقاومت در ویدیوی شماره ۱۹).

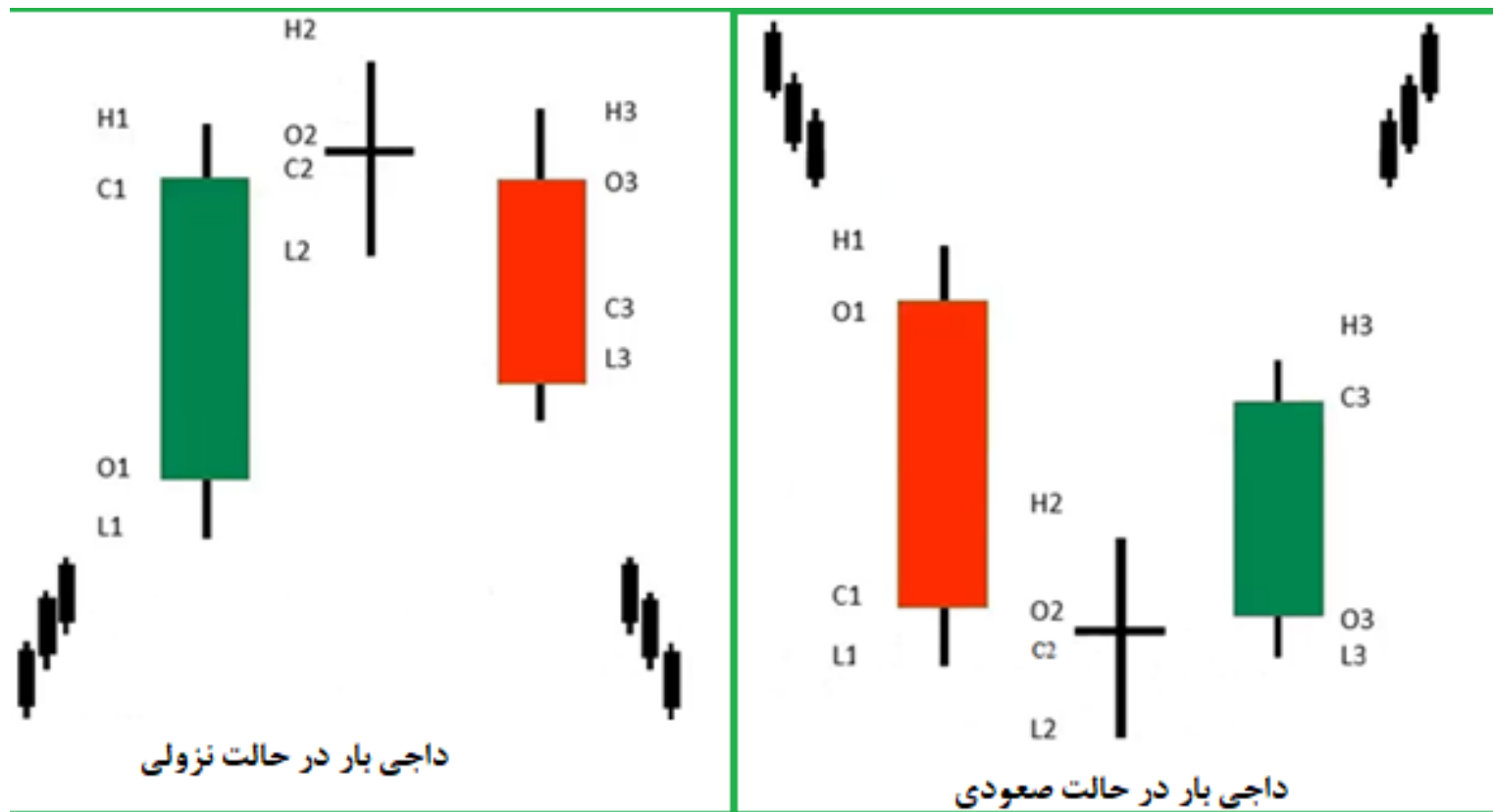
مورد به خصوصی که در این الگو وجود دارد و به نوعی مهمترین نکته هست اینه که: قیمت بسته شدن یا کلوز کندل بعد از پین بار زیر لو **low** پین بار باشد. در مورد الگوی پایینی هم باید قیمت بسته شدن **C3** باید بالاتر از های **h** پین بار باشد.

الگوی شماره ۳: انگولفینگ بار Engulfing bar



در انگولفینگ بار کندل دوم در هر دو حالت کل کندل قبلی رو پوشش می دهد . در حالت نزولی فروشندگان قدرت بیشتری داشته اند و در حالت صعودی خریداران قدرت بیشتری داشته اند . اگر در یک کندلی چه افزایشی چه کاهشی به صورت ناگهانی قیمت شروع میکند ریزش میکند (در روند صعودی) و طوری که کل کندل قبلی را پوشش میدهد این یعنی اینکه فشار فروشنده ها به حدی بوده که خریداران نتوانسته در مقابلش دوام بیاورند. (ترکیب این دو کندل با یکدیگر همان پین بار را تشکیل می دهد) .

الگوی شماره ۴: داجی بار



*** در داجی بار و پین بارها ممکن است که ۲ کندل در کنار هم دیگه تشکیل بشن .

ما صرفا با این کندل ها معامله نمی کنیم و عوامل دیگه هستن که با توجه به نوع کندل ها و سایر عوامل وارد پوزیشن خرید یا فروش می شویم .



نتیجه اخر و کلی اینه که پین بار سیگنال ها هستنند یا کندل ها با سایه های بلند ، و کندل ها انگولف تاییدیه اون روند .

Price Action(Part4)-Trends **ویدیو ۱۸ : ترند ها یا روندها**

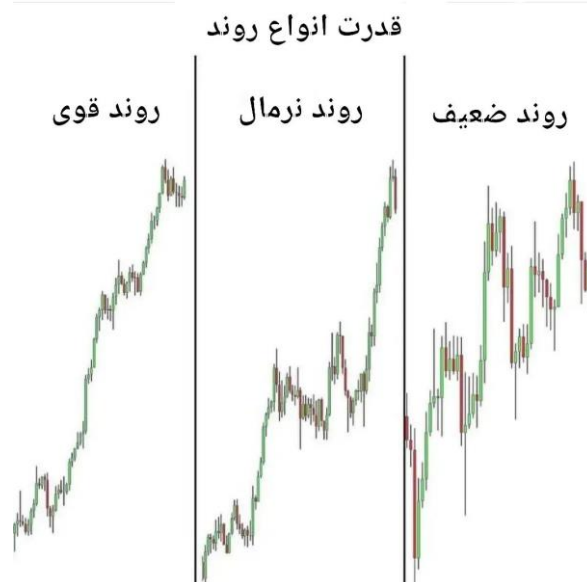
قیمت توی بازار هیچ وقت به صورت خطی حرکت نمی کنه . یکی از مهمترین کارهایی که باید انجام بدیم نحوه تشخیص ترند هاست . در مورد روندها یا ترند ها این نکات مورد توجه هستند . **قیمت ها همیشه نیازمند اصلاح هستند ، مثلا وقتی روند صعودی ، یک مقدار نزول می کنه و بعد دوباره صعودی میشه که به این قضیه اصلاح گفته می شود .**

۱- جابه جایی بالا یا پایین به صورت قطری در چارت

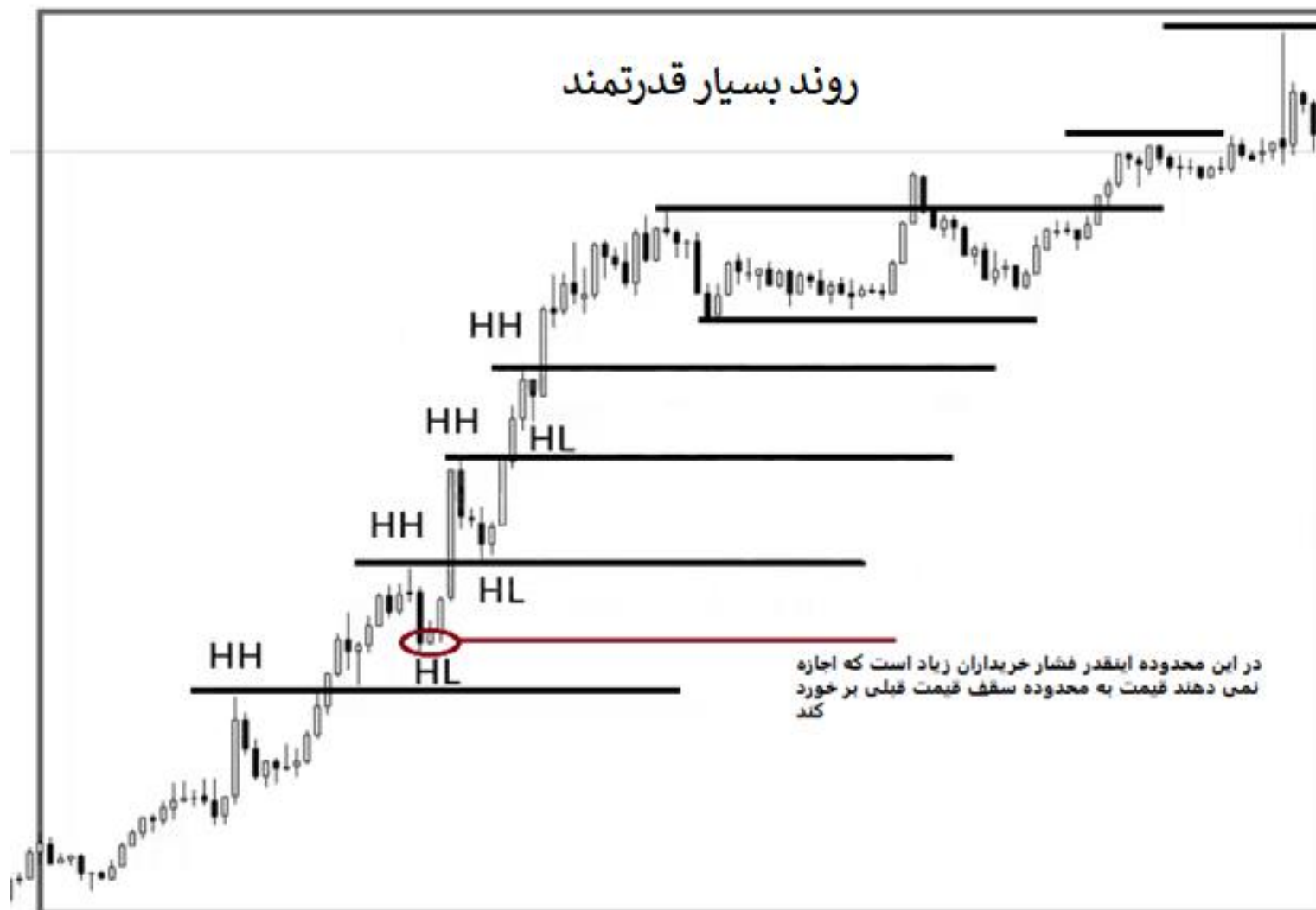
۲- اشغال بیشتر صفحه نمایش توسط روند اتفاق می افتد

۳- اگر بیشتر از ۲ روند در صفحه وجود داشته ، اصطلاح دیگری مناسب این وضعیت است ، مثلا اگر بازار صعودی  بود و بعد از صعود رو به نزول  شد به این اتفاق می گوییم **swing** بازار سویینگ شده است .

بررسی قدرت انواع روندها : برای ما مهم هست که بدونیم کدام روندها قدرت زیادی دارند و کدام یک قدرت کمتر . این را از کجا میتوانیم بفهمیم؟ اولین چیزی که میتوانیم بفهمیم فاصله اصلاح قیمتها از همدیگر است . (سقف قبل اصلاح تا کف اصلاح بعدی) . همچنین ما در ابتدا باید بدانیم که روند بازار به چه شکل است و بعد وارد بازار بشویم .



۱ - روند بسیار قدرتمند: در این روند فاصله اصلاح قیمت ها از هم دیگه قدرت روند رو به ما می رسونه . در این روند اگر سقف ها و کف ها جدید رو رو رسم کنیم متوجه قدرت زیاد اون خواهیم شد . به عبارتی high low فاصله داشته باشه با high high قبلی .



دقیقه ۱۴:۳۰ خیلی مهم: وقتی قیمت چند مرتبه، سقف های پایین تر از سقف قبلی میزنه، به نتیجه می رسیم که قیمت میخاد شروع به ریختن کنه طبق شکل زیر:



۲- روند قدرت مند: این روند نسبت به روند قبلی قدرتش کمتر است اما سبک معامله کردنش شبیه به همان است. و تفاوتش با روند قبلی این است که در این روند قیمت برمیگردد و سطح قبلی را تاچ میکند (لمس یا قطع می کنند) و به نوعی به آن احترام می گذارد و در ادامه صعود یا نزول می کنند.



نکته : در روندهای بسیار قدرتمند و قدرتمند خلاف جهت روند به هیچ وجه خرید یا فروش نمی کنیم ولی در روندهای متوسط و ضعیف ، هم به موقعیت فروش توجه داریم و هم خرید ، یعنی دو طرفه معامله می کنیم ؛ در روندهای متوسط درسته که خیلی قوی نیست ولی همچنان روند خودش رو داره و خیلی نباید بر خلاف روند سماجت کنیم ؛ ۹۰ درصد مواقع در جهت روند خرید یا فروش انجام بدیم .

روندهای متوسط : قیمت وقتی سطحی رو بریک می کنه بیشتر توی اون سطح گیر می کنه و می تونیم بگیریم خیلی زور نداره که بخاد اون سطح رو بشکنه و صعود یا نزول کنه .



* در روندهای ضعیف هم بازار انگار افقی در حال حرکت هست و ولی همچنان روند خودش رو داره . در این مواقع می تونیم BLSH کنیم (یعنی در کف بخر و در سقف بفروش buy low , sell high). این مورد برای بازارهای رنج و روندهای ضعیف کاربرد زیادی دارد . جاهایی که با خط قرمز کشیده شده می تونیم در کف بخریم و سقف بفروشیم .



نکته ۱: بهترین خط روند ها را میتوان در روند های ضعیف کشید که با شکسته شدن آن وارد پوزیشن شد.

نکته ۲: اولین قانون و بزرگترین قانون معامله گری این است که **خلاف جهت روند به هیچ عنوان نباید معامله کرد.**

ویدیو ۱۹: حمایت و مقاومت ————— Price Action(Part5)-Support and Resistance

سطوح حمایت و مقاومت خیلی برامون مهم هستند اطلاعات مهمی جهت تصمیم گیری اینکه قیمت به کدام سمت میره رو در اختیارمون می زارن؛ و اگر درست یاد بگیریم این سطوح رو پیدا کنیم مشکل آنچنانی در پیدا کردن نقاط کلیدی نخواهیم داشت.

*** **در کل جاهایی که قیمت ها برگشته برامون خیلی خیلی مهمه حالا چ کف چ سقف؛** چون این جاها همون لبه های قیمتی هستند و ما هم ————— یشه در لبه های قیمتی تصمیم می گیریم و تحلیل می کنیم که قیمت صعودی میشه یا نزولی.

* از خطوطی مورب / که برای ————— ترند و کشیدن کانال استفاده می کنیم ؛

* از خطوط صاف _____ که برای پی ————— دا کردن منطقه حمایت یا مقاومت از خط صاف استفاده می کنیم

برای معامله در روندها و همچنین پیدا کردن نقطه مناسب پوزیشن، ۶ عدد سطح مهم داریم که همگی سطح **حمایتی و مقاومتی** محسوب می‌شن که برای معاملاتمون از بعضی هاشون و نه از همشون استفاده می‌کنیم که بهشون اشاره شده است:

۱- سطوح افقی

سطوح افقی هم بالاترین سقف ها HH و پایین ترین کف ها LL رو باید پیدا می‌کردیم و اون رو امتداد می‌دیم تا یک نمای کلی روند رو بهمون نشون بده. چون این سطوح برامون مهمن قیمت واکنش نشون می‌دهد دقیقه ۳:۱۹ می‌گه که توی سطوح حمایت مقاومت می‌تونیم وارد پوزیشن اسکالپ بشیم.

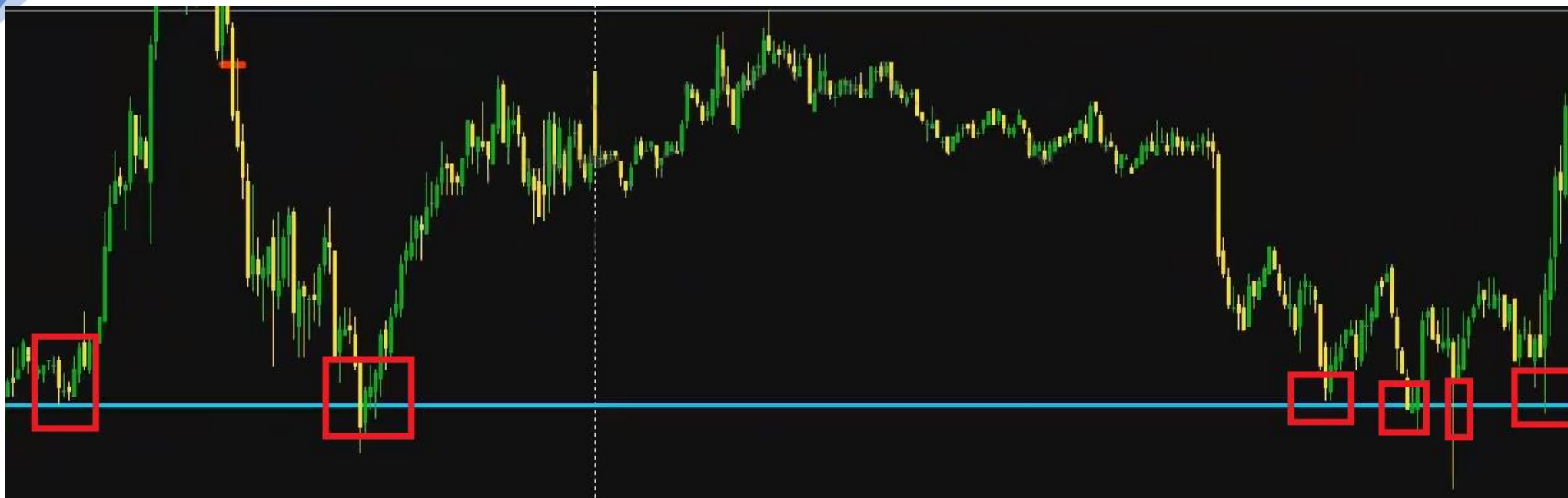
نکته خیلی مهم: وقتی سطح مقاومتی تبدیل به سطح حمایتی میشه می‌تونیم تو منطقه حمایت وارد پوزیشن بشیم! دقیقه ۵:۲۰ (یک نوع استراتژی معاملاتی)



* الان در چارت بالا مربع های آبی رنگ سطح مقاومتی هستند که این سطح مقاومتی در مربع نارنجی تبدیل به سطح حمایتی شده است، پس در مربع زرد می‌تونیم وارد پوزیشن خرید بشیم.

نکته: بین بارهای در جهت روند همشون نقطه ورود هستند اگر جا موندیم از روند. (دقیقه ۵ تا ۹ خیلی مهم). (یک نوع استراتژی معاملاتی)

نکته ۲: برای شناسایی نقطه اصلی سطوح افقی و منطقه حمایت و مقاومت ، ببینیم که چند بار به اون سطح مهم واکنش نشون داده شده . مثل چارت زیر

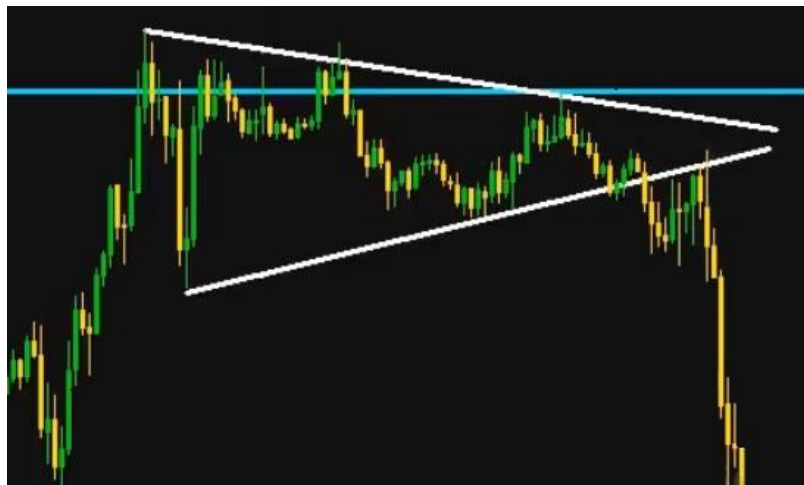


۲- سطوح روند

توی سطوح روند وقتی قیمت نزدیک یا روی سطح روند یا منطقه حمایت مقاومت **پیروان** بار میداد وارد پوزیشن می شدیم . (یک نوع استراتژی معاملاتی)

در سمت راست چارت اعدادی هستند که روند بودن اون ها برامون خیلی مهمه مخصوصا توی شاخص داو جونز آمریکا . سطوح روند همیشه قابل اعتماد هستند ؛ **چون بازار به لحاظ روانی نسبت به این اعداد واکنش نشون می ده** . توی شاخص طلا اعداد روندش این شکلیه به طور مثال : ۱۵۳۳ . ۱۵۲۲ . ۱۵۱۱ و ... اما روی داو جونز این شکلیه : ۲۵۰۰۰ . ۲۵۵۰۰ و سطوح افقی همزمان با سطوح رونده . خود سطوح روند نقاط برگشتی قیمت هستند .

دقیقه ۱۶ تا ۱۸ خیلی مهم . دقیقه ۲۳ اشاره کرد که الگوی مثلث هم تراز شده بود با عدد روند که نقطه خوبی برای ورود هست اگر توی چارتمون ببینیم:



۳- سقف و کف روز قبل

این موضوع مهمترین نوع حمایت و مقاومت هست که در گزارش های هفتگی و ویدیوهای تکمیلی کامل بحث شده .

۴- میانگین متحرک (دقیقه ۳۰:۰۰ به بعد مووینگ اوریج رو توضیح میده) .

مووینگ اوریج ۲۰ یا میانگین متحرک میاد نحوه رفتار بازار که شامل : **قدرت روند ؛ صعودی و نزولی بودن روند ؛ الگوهای که با این میانگین تشکیل میشه رو می تونیم پیدا کنیم** رو نشونمون میده .

*** برای تنظیم میانگین متحرک یا مووینگ اوریج **moving average** باید تو پنجره تنظیمات این اندیکاتور باید پرورد رو عدد **۲۰** بزاریم و همچنین گزینه **MA Method** رو روی **Exponential** قرار بدیم **(EMA 20)** . میانگین متحرک بعضی هاشون خاصیت برگشتی دارن (مثل میانگین ۵۰ و ۱۰۰)؛ ولی توی پرایس اکشن ما فقط از مووینگ اوریج ۲۰ استفاده می کنیم .

نکته ۱ : تو بحث moving average قیمت اگر بالای این خط باشه تمایل به افزایش قیمت و یا صعود داره و برعکس .

نکته ۲ : مووینگ اوریج **سطوح برگشتی و سطوح حمایت و مقاومت هم محسوب میشه** . در میانگین متحرک بیش تر از اینکه سطوح حمایت و مقاومت پیدا کنیم ؛ ترندها را با استفاده از اون پیدا می کنیم . (در روندهای خنثی یا بدون روند این قضیه مستثنی هست) . **نکته خیلی مهم اینه مووینگ اوریج رو باید به عنوان تاییدیه روند در نظر بگیریم** .

نکته ۳ : اصلاح تا مووینگ اوریج : در جاهایی از روند که نسبتا قوی هست و روند فاصله می گیره از مووینگ اوریج ، در قسمتی از روند الگوهای کندل استیکی تشکیل میشن (به خصوص **پین بار**) که ما ۶۰ درصد احتمال میدیم روند میخاد یک اصلاح تا مووینگ اوریج بزنه که ما می تونیم در این نقاط هم وارد بشیم . چارت زیر نمونه خوبی از این نکته هست :



نکته: وقتی که کلوز یا قیمت بسته شدن کندل زیر خط یا بالای میانگین متحرک تشکیل میشه میتونیم وارد پوزیشن بشیم (با توجه به کانتکست و کندل). دقیقه ۳۱ و ۳۵ ویدیو خیلی مهم

نکته ۴؛ در نظر گرفتن مووینگ اوریج به عنوان سطح حمایت و مقاومت : در مواقعی در روند ها پیش میاد قیمت به سطح مووینگ اوریج برخورد می کنه ولی نمی تونه اون رو بشکنه و در واقع مووینگ اوریج در این مواقع مثل سطح حمایت و مقاومتی عمل می کنه ، که قیمت از اونجا به صعود یا نزول خودش ادامه می ده که ما می تونیم در این مناطق هم وارد پوزیشن بشیم . ۲ نمونه زیر نمونه خوبی برای این نکته هستند:





۵- خطوط مورب کانال ها

این مبحث توی ۴ ویدیوی مربوط به کانال ها کامل توضیح داده شده است .

۶- WEEKLY MAP

با استراتژی نقشه هفتگی میایم یک هفته قبل رو با خط عمودی کامل جدا می کنیم تا ببینیم ، توی هفته گذشته از کجا تا کجا تغییرات داشتیم ؛ یعنی بالاترین قیمت و کمترین قیمت رو با استفاده از اعداد سمت راست چارت در میاریم و این دو تا عدد بیشترین و کمترین رو معیار در نظر می گیریم .

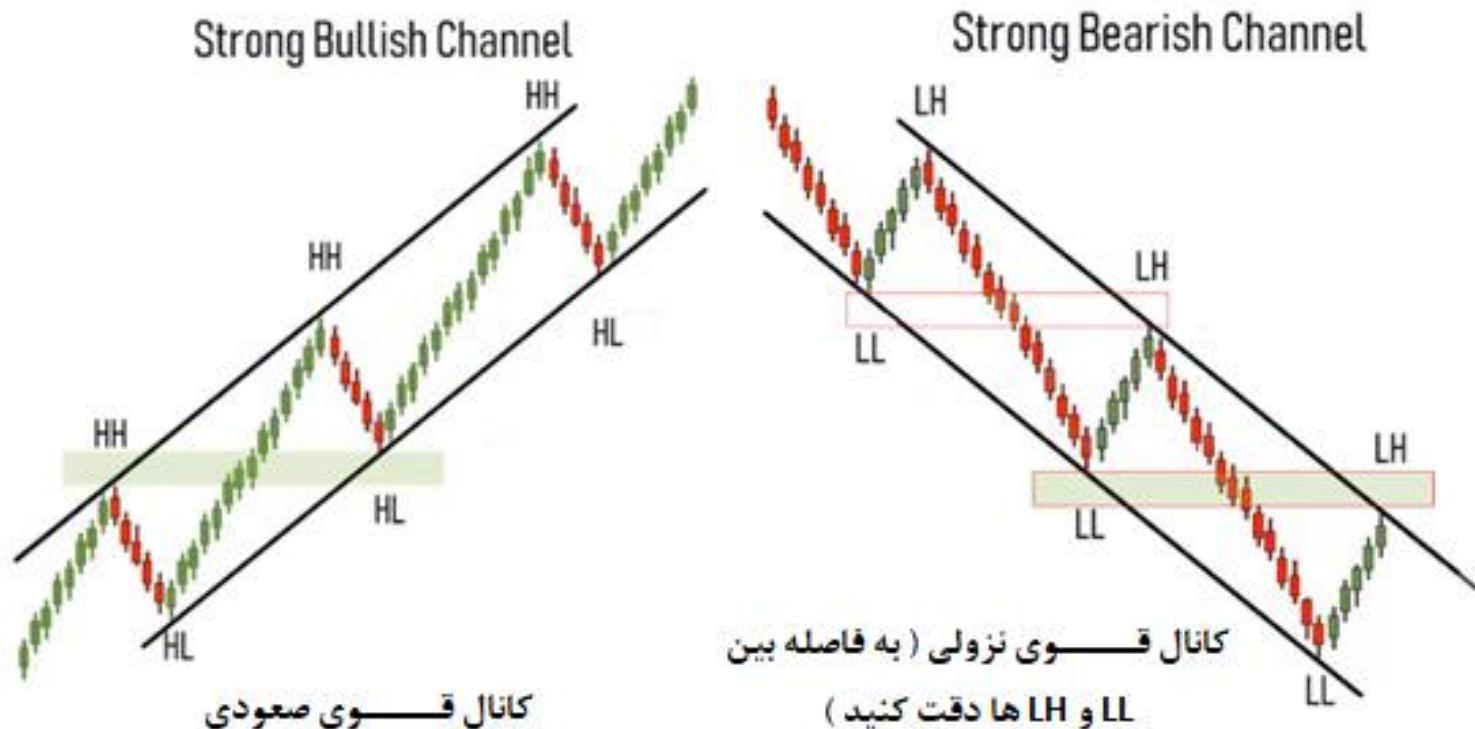
نکته ۱ : حتمن سعی کنید از ترند لاین با سطوح افقی در کنار همدیگه استفاده کنید که نتایج خیلی بهتری در اختیارمون میاره .

نکته ۲ : علاوه بر سطوحی که در اینجا و این درس ذکر شده ؛ ۱- آخرین قیمت بازار نیویورک (کلوز نیویورک) ، ۲- آخرین قیمتی که روز قبل اون نماد به خودش دیده ، ۳- بریک ایون ها ، ۴- گپ های قیمتی در شروع هر روز در نماد ها هم نوعی سطوح حمایت مقاومت هم محسوب می شوند .

Price Action(Part6)- Channel(Part1) ویدیو ۲۰ : کانال ها پارت یک

وقتی صحبت از کانال ها می کنیم منظورمون همون ترند هاست که جهت بازار مشخص می شود . برای پیدا کردن و کشیدن و رسم کانال ها و ترند ها ۲ نکته حائز اهمیت هست :

- ۱- برگشت های قیمتی اولین معیارمون برای کشیدن کانال محسوب میشه :
- ۲- مبدا کانال کشی ما همیشه پایین ترین قیمت و بالاترین قیمت هست .



پس می توانیم از جاهایی که قیمت برگشته ، بالاترین قیمت و پایین ترین قیمت خط کانال رو رسم می کنیم.

نکته ۱: برای رسم کانال **اولین HL رو که می بینیم (کفی بالاتر از کف قبلی) به دومین HL که دیدیم وصل می کنیم** (در روند نزولی ما به دو LH نیاز داریم) دقیقه ۱۲:۰۸ اولین رسم کانال اولین LL که مال چند ساعت قبل بود رو به HL بعدی که مشخص بود رو وصل کرد و کانالمون رسم شد.

نکته ۱: سطح مقاومت یا حمایت جایی هست که قیمت بر می گزیده! حتی می توانیم بگیم: **قیمت از کجاها و گشته؟؟؟؟؟ اونجاها رو می توانیم سطح حمایت و مقاومت در نظر بگیریم.** (به شکل بالا دقت کن مثلا در کانال صعودی قیمت از HH برگشته.)

نکته ۲: برای حد و هدف سود از خطوط بالایی در کانال های صعودی (به طور مثال طبق شکل های بالا)؛ و در کانال های نزولی از خط پایین استفاده می کنیم. همچنین کف ها و سقف ها محدوده های **تصمیم گیری و نقاط کلیدی هستند.**

نکته ۳: تو کانال های صعودی یا روند صعودی خط پایینی کانال مهمه و کشیدن خط بالایی کانال خیلی نیاز نیست پس برای رسم کانال HL ها رو به HL بعدی وصل می کنیم تا خط ترند رسم بشه؛ ولی تو کانال های نزولی خط بالایی مهمه و خط پایین الزامی نیست پس LH ها رو به LH رسم می کنیم. کانال های ضعیف صعودی و نزولی هم هستند که شیب ملایم تری نسبت به دوتا عکس بالا دارند. (دقیقه ۱۶ میاد از رو چارت شروع می کنه کانال کشیدن)

نکته ۴: دقیقه ۱۹:۰۵ ابزار بدست آوردن ریوراد همون ابزار فیبوناچی هست؛ برای این کار باید ابزار فیبوناچی خودمون رو تنظیم کنیم، برای این کار باید بریم توی آپشن بار گزینه draw Fibonacci retracement رو بزیم. توی پنجره باز شده روی تب fibo levels کلیک می کنیم و همه level ها رو دیلیت می کنیم و پارامترهای زیر رو جایگزین می کنیم:

level	description
۰	SI مخفف stop loss که همیشه حد ضرر
۱	E مخفف ENTRY که یعنی نقطه ورود
۲	1 ریوارد
۳	2 ریوارد
۴	3 ریوارد
۵	در صورت لزوم باز هم به سطح level اضافه می کنیم.

دقیقه ۲۳ تمرین ترند لاین. دقیقه ۲۵:۱۳ چرا بین باری که روش موس هست برامون مهمه و قابل اتکاست؟ ولی بقیه بین بارهایی که با مربع قرمز مشخص شدن بدرد نمی خورن؟؟؟؟؟ چون خاسته ترند لاین رو بشکنه نتونسته و در ادامه اش هم شروع کرده به ریختن پس تو کندل بعدیش وارد پوزیشن می شیم و ادامه روند رو می گیریم. (فیک بربک اوت هست به نوعی)



نکته ۵: بین بارهای در جهت روند (با در نظر گرفتن کانتکست) اگر در ترند لاین ها وجود داشته باشن نقاط ورود خیلی خوبی هستن برامون.

چند نکته برای رسم خط ترند یا کانال یا روند :

نکته ۱ : اسپایک ها یا هیجانان بازار رو نباید کشیم . چون خط کانال درست و منطقی از آب در نمیاد .



نکته ۲ : اگر دیدیم خط ترند که می کشیم ۲ حالت برای اون پیش میاد : اول اینکه وقتی لبه خط کانالمون می شکنه (معمولاً هم در این مواقع کندل ها ضعیف هستند) یعنی وارد تریدینگ رنج شدیم ؛ دوم اینکه توسط کندل های پر قدرت می شکنه که اون رو به عنوان الگوی برگشتی **break out** ها و یا **mtr** در نظر می گیریم .

برای تغییر روند در نمودار به خصوص الگوی های بریک اوت که تو جزوه هست و ام تی آر خط ترندی که کشیدیم باید توسط کندل پر قدرت بریک بشه تا اون رو بتونیم بریک اوتن در نظر بگیریم .



نکته ۳: extend شدن یا گسترش کانال : قیمت سعی می کنه خط ترند رو بشکنه و نتونست برگشت داخل کانال اون موقع می تونیم کانال رو گسترش بدیم . ۲۷:۰۰ دقیقه . به نمودار زیردقت کنید :



نکته مهم : در نمودارهای بالا در نظر داشته باشید که مواقعی هم که خط ترند توسط کندل ضعیف می شکنه نگاه می کنیم اگر پولبک های متوالی بود یعنی وارد تریدینگ رنج شدیم .

نکته ۹ : وقتی شیب خط روند خیلی زیاده و ریزش هم خیلی زیاده از همون خط روند می تونیم به عنوان تارگت قیمتی یا هدف قیمتی استفاده کنیم که قیمت میخاد برگرده سمت همون خط ترند لاینمون .

نکته ۱۰ : می تونیم یک خط روند رو توی دل خط روند دیگه رسم کنیم (خیلی وقت ها خط ترند لاینت گزینه Ray رو روشن بزار).

نکته ۱۱: فیک بریک اوت : کندلی که سعی می کنه ترند لاین رو بشکنه ولی نمی تونه و بر می گرده توی ترند لاین و در زیر ترند لاین کلوز میشه .

نکته ۱۲ : وقتی قیمت بریک می کنه و پولبک می کنه به یک سطحی ؛ ۹۰ درصد مواقع با توجه به کانتکست و فشار خرید و فروش می تونیم در پولبک ها وارد پوزیشن بشیم . (یک نوع استراتژی معاملاتی)

نکته ۱۳ : با شکست ترند لاین ها می تونیم وارد پوزیشن بشیم . تاچ هایی که به ترند لاین ، مووینگ اوریج میشه و همچنین ادامه یا برگشت از اون ها برامون خیلی خیلی مهمه . در تاچ ها اگر ادامه ترند لاین بود با توجه به شرایط می تونیم ادامه روند رو هم بریم .

تحلیل زمانی: زمانی که قیمت به ترند لاین یا سطحی برخورد کرده ولی هنوز حرکت خود را آغاز نکرده، به این دلیل است که هنوز زمان آن نرسیده؛ که اگر در ترند لاینی) صرفا در خلاف جهت آن (بکشیم، زمان آغا ز حرکت مشخص می شود.

کانال اکستند شده: زمانی که دو نقطه را برای رسم کانال کشیده ایم و قیمت کانال را رد میکند و به اصطلاح فیک بریک انجام میدهد، میتوانیم نقطه جدید (نقطه حاصل شده از فیک بریک) را برای کانال در نظر بگیریم.

دقیقه ۳۸ تا ۴۰ ویدیو مهم .دقیقه ۳۹:۲۰ شروع می کنه از پایین ترین کف شروع می به کشیدن الگوها //// دقیقه ۴۴ و ۴۵ مهم ////دقیقه ۴۸ خیلی خیلی مهم

ویدیو ۲۱ : الگوهای کلاسیک قسمت اول (Part 1)- Classic Patterns(Part7)- Price Action

الگوها غالبا **مکمل** : کانال ها و خطوط ترند و سطوح حمایت و مقاومت هستند و استفاده تنها از این ابزار کاربردی نیست و موفقیت چندانى ندارد . الگوها در ذات کانال هستند .

۱- اولین الگو که یاد می گیریم پرچم انتهایی هست **Final flag** . در رابطه با این الگو وقتی در روند های صعودی هست ، این الگو شباهت زیاد به الگوی MTR دارد .

در اصلاحی که صورت می گیرد فاصله سقف ها و کف ها به طوری نیست که بگوییم قیمت درجا روندش عوض میشود! (در واقع شبیه به اصلاح قیمت است و سقف و کف ها فاصله کمی نسبت به هم دارند.)

Final Flag (IN AN UPTREND)



Final Flag (IN A DOWNTREND)



نکته ۱: وقتی در چارت اسپایکی رو می بینیم ، بعد از اسپایک جهت کانال حتمن باید در جهت اسپایک باشه ؛ اگر غیر از این بود حتمن این الگو تشکیل می شه که خیلی راحت می تونیم در بریک اوت همین الگو هم ادامه اسپایک رو بگیریم .

نکته ۲: این حرکت برای چندتا سقف و کف زدن ادامه پیدا می کند و چارت به صورتی در می یابد که به شما اجازه می دهد که در بالا و پایینش دو تا خط بکشید این دو تا خط شبیه یک پرچم می شود.

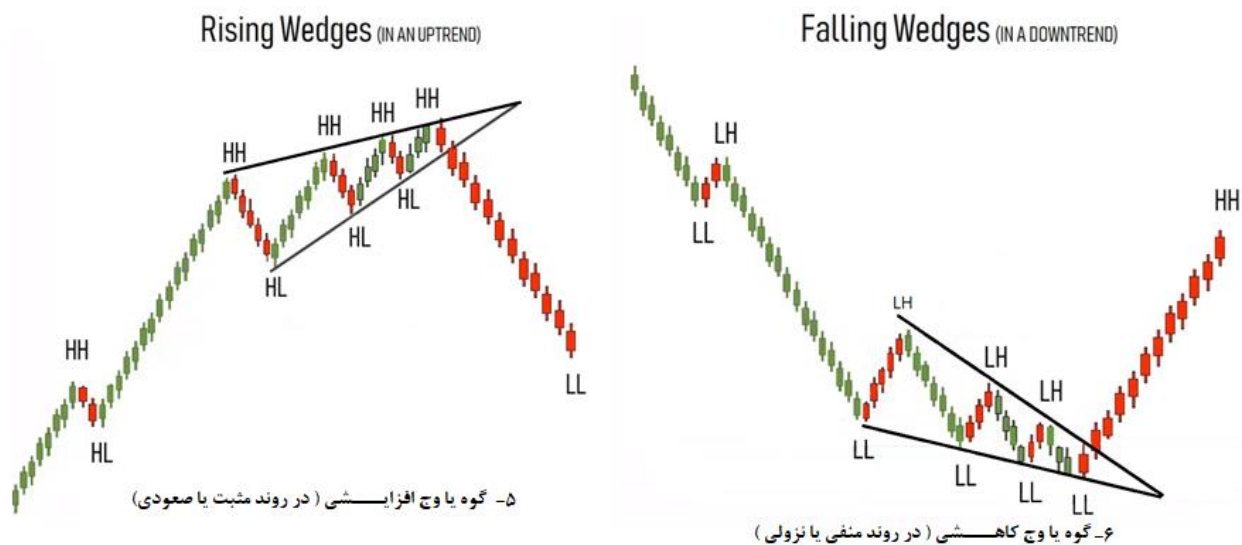
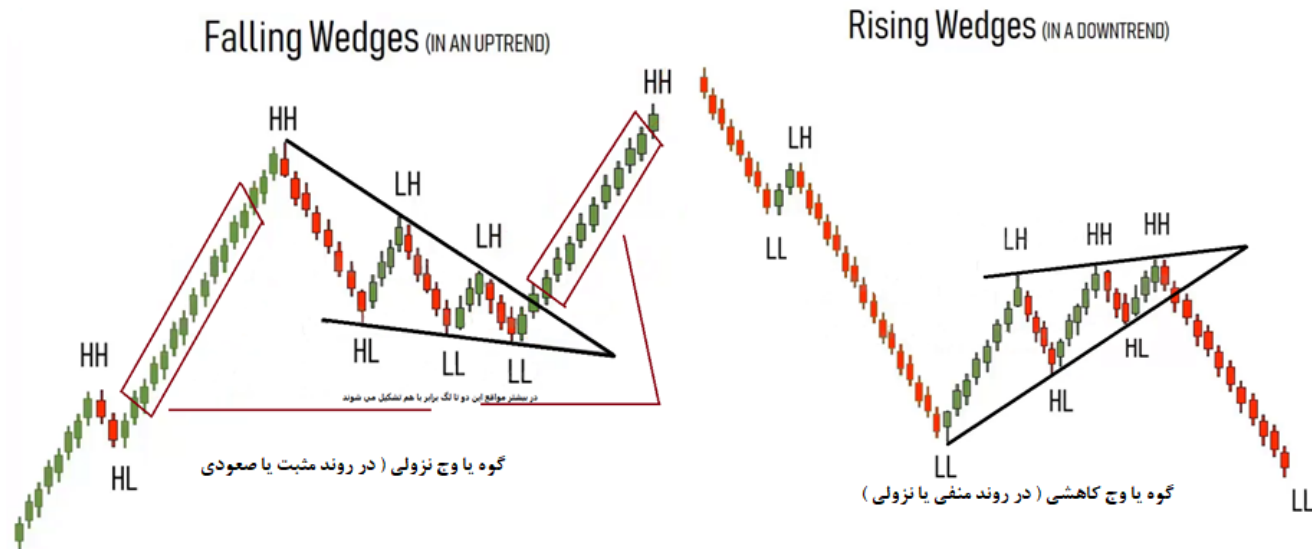
نکته ۳: احتمال اولش این است که از پایین پرچم شکسته شود اما این هم میشود که اگر پرچم در یک ناحیه حمایتی تشکیل شود به سمت بالا شکسته شود.

نکته ۴: ما Flag را منظورمان این نیست که فقط باید دقیقا آن حالت استاندارد را که گفته شد باشد Flag می تواند با کمی تغییرات باشد هر آنچه که دید شما را به صورتی ایجاد کند برایتان که انگار حس می کنید آن اتفاق مد نظر شما می افتد برای آن الگو و شک نکنید که آن الگو دارد رخ میدهد.

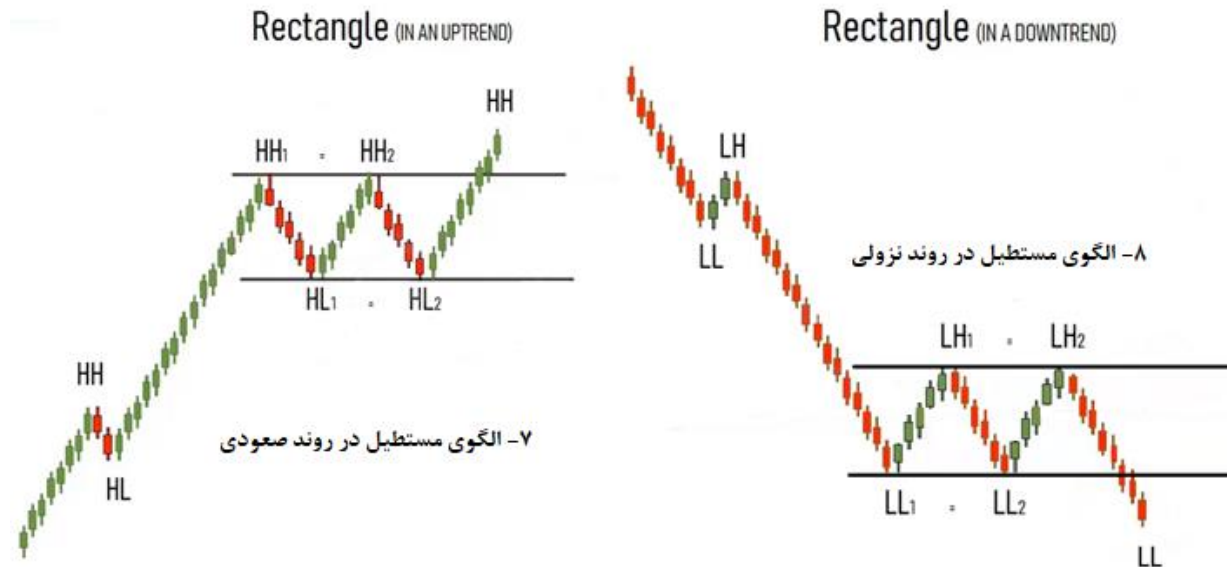
نکته ۵: Flag می تواند در یک کندل باشد.

نکته ۶: انتظار اولمون خط کانال رو به سمت بالا بشکنه و سقف های جدید تر بزنه (در روند نزولی بر عکس) .

– الگوی بعدی که بررسی می کنیم انواع گوه ها هستند. گوه ها یک کنج می سازند طبق شکل. در این الگو انگار قیمت در یک گوشه ای جمع و فشرده می شود. دقیقه ۲۵ مه —
نکته: این الگو از نظر روانی فشار زیادی به معامله گر میاورد. احتمال بیشتر شکستن را در جهت روند میدهدیم.



نکته: در الگوی **falling wedges (down trend)** کف های پایین تر زور ندارند و با فشار زیاد خریداران تشکیل میشود که نشان دهنده کاهش قدرت فروشندگان و افزایش قدرت خریداران است.



در این الگوی مستطیل در روند صعودی بعد از اینکه **hh** تشکیل شد ، هم ممکنه روندش صعودی باشه ، هم نزولی . هر چند طبق این الگو انتظار اولمون شکست از بالا هست و ادامه روند به سمت بالاست . **فقط و فقط در این الگو ۲ طرفه معامله می کنیم .**



ویدیو ۲۲: الگوهای کلاسیک قسمت دوم (Part 2)- Classic Patterns(Part8) Price Action

ویدیو مخصوص الگوهای مثلث هاست.

اولین الگو الگوی مثلث متقارنه که طبق شکل نوعی بی تصمیمی و جنگ بزرگ بین خریداران و فروشندگان در حال انجامه و قیمت توی یک کنج جمع میشه. احتمال اول در این الگو شکست از بالا هست و به نوعی اندازه لگی که پایین زده ، دوباره قسمت بالایی خواهد زد .

نکته ۱: توی کشیدن الگوهای مثلث توی چارت همیشه اولین لگ رو طبق عکسی که بالا هست نادیده می گیریم و از اولین اصلاحی که می زنه شروع به کشیدن الگو می کنیم تا به نتیجه برسیم .

نکته ۲: وقتی که قیمت کف های بالاتر و سقف ثابت تشکیل میدهد نشان دهنده ای ن است که فشار خریداران خیلی زیاد است و احتمال اول ما شکست از بالا است و ما باید به دنبال تاییدیه هایی باشیم که به ما سیگنال خرید بدهد.

Symmetrical Triangle (IN AN UPTREND)



Symmetrical Triangle (IN A DOWNTREND)



دومین الگوی دو الگوی زیر هستند که از نظر پرایس اکشنی که این الگو به یک سطح حمایتی یا مقاومتی رسیده و در این سطوح احتمال برگشت قیمت زیاد است.
 نکته ۱: اگر این مثلث از بالا بشکند خیلی با قدرت میشکند و قدرتش بیشتر از شکست در جهت روندش است نکته: اگر مثلث با تایید شکسته شد به معامله ورود میکنیم.
 نکته ۲: شکست الگوها باید شکست خوبی باشد و به کندل ها دقت زیادی کنیم.

Ascending Triangle (IN AN UPTREND)



Descending Triangle (IN A DOWNTREND)



طبق الگوی مثلث افزایشی احتمال شکسته شدن قیمت هم از بالا بیشتر است.

طبق الگوی بالایی اگر یک وقت لگ آخر بخاد بر عکس بشکنه (برگشت قیمت به سمت بالا) با قدرت خیلی بیشتر از اونی میشکنه که توی تصویر هست (لگ آخری که رو به سمت پایین هست) .



ویدیو ۲۳ : سیگنال بار و کی بار Price Action(Part9)-Signal and Key Bar

نکته مهم که راجب این دو وجود داره بدون دیدن این دو مورد اصلا معامله نمی کنیم و وارد پوزیشن نمی شیم .

توی دقیقه ۸:۴۰ میاد میگه اون بین باری که می بینی تو اون سطح یعنی سیگنال میده که روند نزولی که ی اصلاح زده بود دوباره داره نزولی میشه پس منتظر کی بارش باش ؛ **در کل بین بارها سیگنال برگشت قیمت هستند یا این رو هم می تونیم بگیریم که روند تموم شده است .**

نکته ۱ : برای درک مفهوم سیگنال بار و کی بار به الگوهای کندل استیک نیاز داریم و این دو مکمل هم دیگه هستن . سیگنال بار و کی بار مفهوم هستن و شکل و قیافه خاصی ندارن .

نکته ۲ : توی چارت اتفاقی میفته که نتیجه می رسیم قیمت میخاد برگرده . دقیقه ۱۲:۳۰ خیلی مهم . در چارت پایین کندلی رو می بینیم که سایه پایینی بزرگتره به نسبت کندل قبل تر از خودش و ما اون رو به عنوان سیگنال بار در نظر می گیریم ؛ ولی کندل بعدی کی بار خیلی خوبه نبوده چون بدنه به نسبت کوچیک بوده ولی دو کندل بعد می بینیم که کندل بزرگ فول بادی تشکیل شده که این رو کی بار در نظر گرفته و وارد پوزیشن می شیم .



سیگنال بار : یعنی کندل یا کندل هایی که ما میبینیم و به نوعی احساس و یا هشدار میده که روند در حالت برگشته ؛ کندل هایی که سایه های بلندی دارن ؛ یا کندلی که سایه بلندتری نسبت به بقیه کندل ها و کندل های قبل تر دارن یک جور سیگنال بار محسوب میشه برامون . (بین بارها)

نکته ۳: برای اینکه سیگنال بار و کی بار رو توی نقاط مهمش پیدا کنیم میاییم از الگوها استفاده می کنیم .

نکته ۴: فقط وقتی که سیگنال بار و کی بار را در نواحی حمایتی و مقاومتی دیدید می توانید وارد معامله شوید.

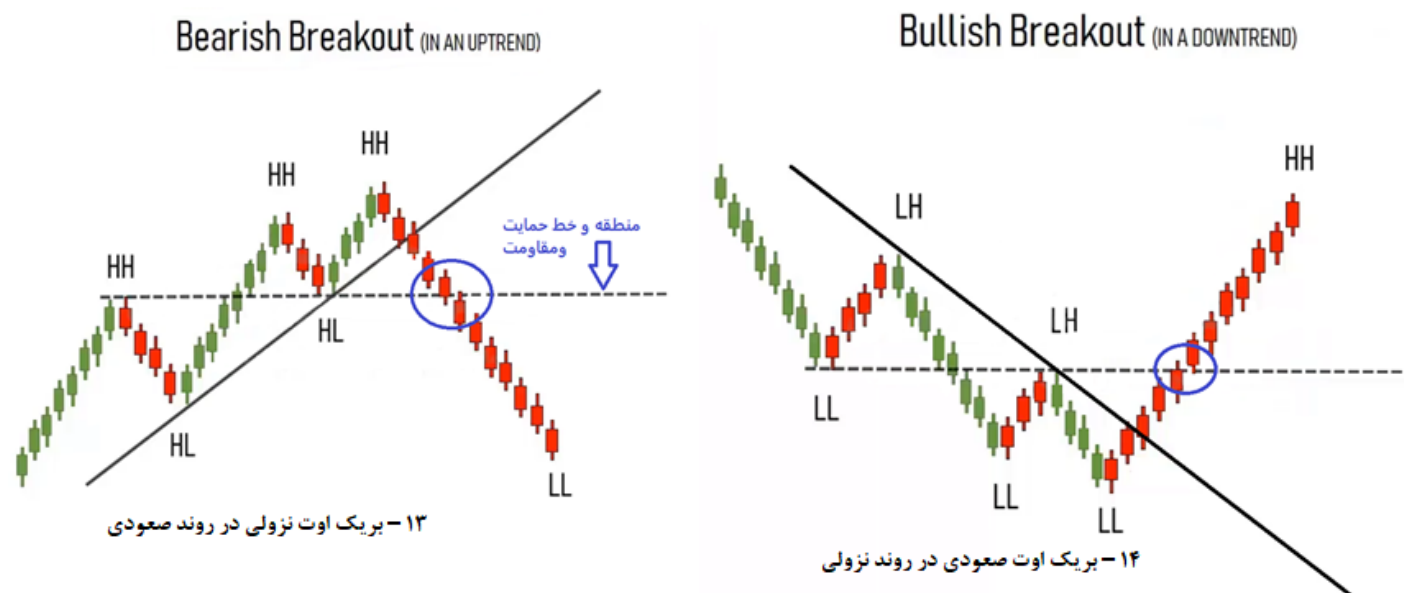
نکته ۵: کی بار ممکنه دو کندل بعد از سیگنال بار تشکیل بشه . سیگنال بار هم ممکنه چندین کندل باشه .

کی بار: یعنی کندل کلیدی . کی بار معمولا بعد از سیگنال بار تشکیل میشه و با دیدنش مطمئن میشیم که قیمت قطعا بر میگردد . و حتمن و همیشه روی کندل کلیدی یا کی بار وارد معامله میشیم . کندل های کی بار معمولا کندل های پر قدرتی هستند و معمولا سیگنال بار رو می پوشنن . همچنین کلوز کندل کی بار باید بیشتر از کلوز کندل سیگنال بار باشه .

* استاپ لاس یا حد ضرر همیشه پشت سیگنال بار باید بزاریم . دقیقه ۱۸ تا ۱۹ مـــــهم

ویدیو ۲۴: الگوهای کلاسیک قسمت سوم (Part 3)- Classic Patterns(Part10) Price Action

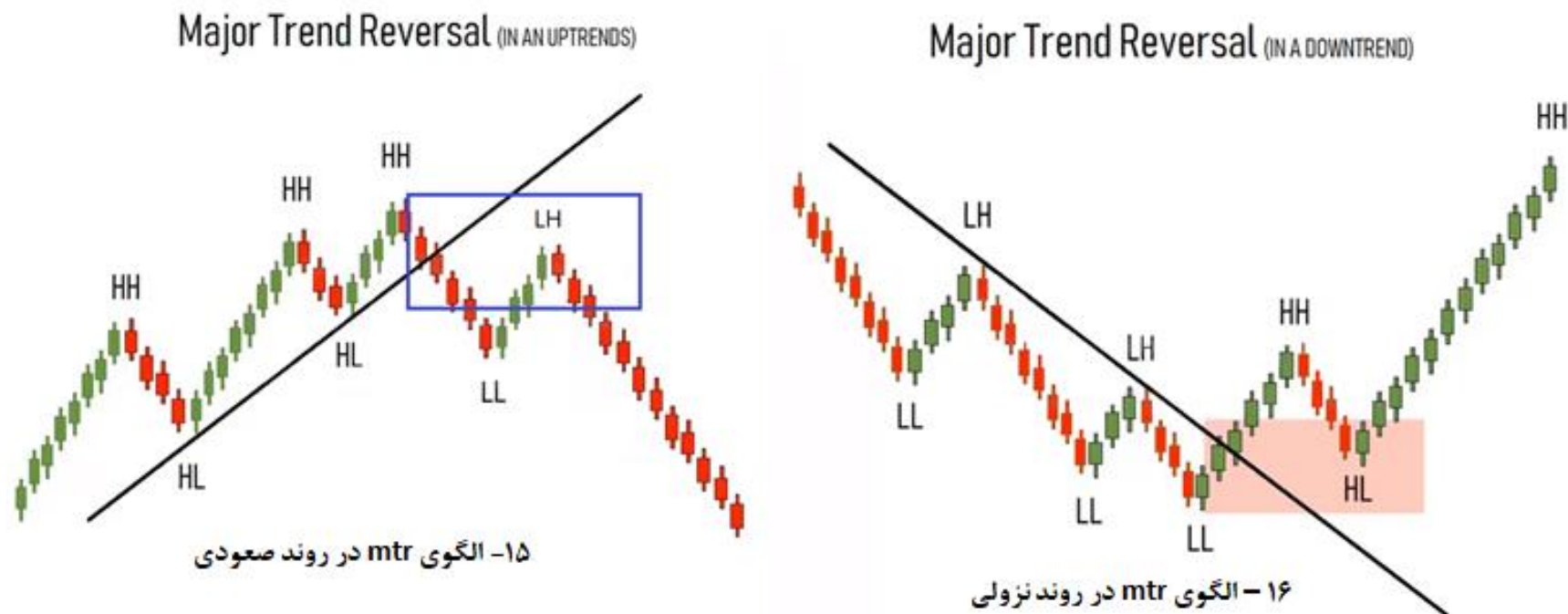
الگوهای زیر مهم تر و کاربردی تر از الگوهای قبلی هستند . به محدوده هایی که قیمت بهش می رسه و از اونجا برگرده رو لبه یا اج edge می گوئیم .



در این الگو معمولا انتظار داریم وقتی بعد از لگ سوم وقتی قیمت با خط حمایت و مقاومت برخورد کرد تا اونجا پایین اومد (دایره آبی) قیمت به روند ریزشی خودش ادامه بدهد . دقیقه ۲ ویدیو اشاره می کنه که تنها چیزی که نیاز داریم مخصوصا برای این الگو ترند لاینه و به چیز دیگه نیاز نیست .

در این الگو می بینیم که ترند لاین رو شکسته ولی اگر خط حمایت و مقاومت رو شکست ، معمولاً انتظار داریم وقتی بعد از لگ سوم وقتی قیمت با خط حمایت و مقاومت برخورد کرد تا (دایره آبی) بال قیمت به روند افزایشی خودش ادامه بدهد .

دقیقه ۱۸ تا ۲۲ خیلی مهم که می‌گه ممکنه ۳ تا mtr رو توی چارت ببینیم .



وقتی یک سطحی بریک می شود قیمت بر می گردد به سطح مقاومتی خودش ، به محدوده ای که ازش بریک شده که همان مستطیل آبی در شکل است پولبک می زند ؛ وقتی که این اتفاق می افتد یعنی این که داریم از حالت صعودی به حالت نزولی تغییر جهت میدهیم و وقتی که در محدوده پولبک سیگنال بار و کی بار مشاهده کردیم معامله میکنیم . **؛ و در جهت سیگنال بار و کی بار وارد پوزیشن بشیم .**

نکته ۱: این دوتا الگو MTR کاربرد خیلی بیشتری نسبت به بقیه الگوها دارن چون پیدا کردن و کار کردن عملی خیلی راحت تر کار میشه کرد .

نکته ۲: توی بحث بریک اوت قیمت کلوز خیلی مهمه و قیمت کلوز بالای اون سطح مهم بسته بشه .

نکته ۳: در کل راس الگوها در تمامی الگوها برامون مهم هستند ، چون نقاط تصمیم گیری ما برا پوزیشن هستند .

نکته ۴: در شکست ها اگر سیگنال بار و کی بار دیدیم وارد معامله می شویم .

نکته ۵: در این الگو ممکن است سقف و کف های دوقلو تشکیل شوند که جزئی از MTR است.

انواع MTR : ۱ - lower high MTR ؛ ۲ - Double top / bottom MTR ؛ ۳ - Higher high MTR

تو این ویدیو به گریز به گپ فرسایشی زد که گفت وقتی ی روند توی صعود یا نزول هست ته این روند ها یک کندل قوی و فول بادی می بینیم که اونا سیگنال های تموم شدن رونده .

ویدیو ۲۵ : شخصیت شناسی (Part1)-MBTI (Part1) Trading Psychology

یکی از مهم ترین قسمت های معامله گری بحث سایکولوژی ، بحث روانشناسی معامله گری است.

اگر بخواهیم تقسیم بندی کنیم آن موفقیتی که شما انتظار دارید شاید ۳۰ درصدش بحث تکنیکال ، نحوه تحلیل و... باشد و مابقی آن بحث روانشناسی و مدیریت سرمایه است که در این ویدیو به بحث روانشناسی میپردازیم. (معرفی کتاب : هنر شناخت مردم)

وقتی که MBTI بخواید مردم را بشناسد می آید مردم را به چند دسته تقسیم میکند:

1. برونگرایی یا درونگرایی

2. شهودی یا حسی

3. منطقی یا احساسی

4. قضاوت گر یا دریافت گر

برای مرحله اول برای اینکه بشناسید چه تیپ شخصیتی هستید سایت هایی وجود دارد که میتوانید درون آنها آزمون شخصیت بدهید و در آخر تیپ شما را مشخص میکند.

سایت اول: Personalities16.com

سایت دوم: Typeshenasi.com

سایت سوم: Khodshenas.ir

- ۱- این افراد رفتارشان معمولا گرم است مثلا در جمع خیلی باهمه گرم میگیرند ، خیلی به آدم ها نزدیک میشوند ، خیلی حرف میزنند.
- ۲- معمولا این افراد تحرک زیادی دارند و یک جا بند نمیشوند.
- ۳- وقتی دارند فکر می کنند با صدای بلند فکر می کنند
- ۴- معمولا سریع تر و بلند تر حرف میزنند.
- ۵- حواسشان به راحتی پرت میشوند.
- ۶- این قابلیت را دارند که سریع موضوع را عوض کنند.
- ۷- معمولا دوست دارند در جمع ها باشند و به صورتی مجلس گرم کنند.
- ۸- این افراد اکثرا اول عمل میکنند و بعد فکر میکنند.
- ۹- در صحبت جملات دیگران را قطع میکنند و این افراد همیشه دنبال جلب توجه دیگران اند یا مثلا اگر بخواهند کاری کنند میگردند ببینند که دیگران چه میکنند تا تایید بگیرند از آنها.
- ۱۰- در معامله گری این افراد معمولا خیلی هیستوری به دیگران میدهند یعنی مدام گزارش کار معاملاتی خودشان را برای دیگران میفرستند.
- ۱۱- حواس پرت هستند این حواس پرتی باعث میشود که یک پوزیشن از شان بپرد.

نکته ۱ : لطفا حساب ریل هم با ز کردین به هیچکس در رابطه با حساب ریلتان نگویید حتی به رفیق نزدیکتان چون وقت ی هیستوریتان را به رفیقانتان نشان میدهید ناخواگاه تاثیر منفی میگذارد روی ذهن شما و حس میکنید که از شما انتظار دار د که دوباره معامله بهتر انجام دهید و اگر ریل هم داشتید کسی پرسید بگویید دمو است.

نکته ۲ : وقتی وارد جمعی میشوید درباره ی معامله گری صحبت نکنید زیرا ممکن است برخی از افراد از این دنیا خبر ی نداشته باشند و دیالوگ هایی به شما بگویند که شما را ناراحت کنند برای همین سعی کنید با جمعی وارد ای ن بحث شوید که پایه است و با جمعی که میبینید اصلا نیازی به حرف زدن نیست وارد بحث نشوید چون اصلا درک و فهم افراد نمیرسد که بخواهید درباره ی ماهی ده بیست درصد سود حرف بزنید.

نکته ۳: معمولا در معامله گری شما باید انتخاب گر باشید در انتخاب سرمایه گذار به ای ن صورت که وقتی میخواهید یک سرمایه گذار به حسابتان اضافه کنید باید حتما بالا باشد چون به جای اینکه ده نفر هزار دلاری وصل کنید یک نفر بیست هزار دلاری را وصل میکنید.

برونگراها در معامله گریشان خیلی عجله دارند پس حواستان باشد اگر برونگرایی به عجله کردن حواستان باشد و در زمانی که دارید عجله میکنید سعی کنید کنترلش کنید.

- ۱- آدم های درونگرا نقطه مقابل آدم های برونگرا هستند.
- ۲- این اشخاص رفتارشان معمولا آرام و حساب شده است.
- ۳- کمتر حرف میزنند و معمولا تودار هستند.
- ۴- اول فکر میکنند و بعد حرف میزنند.
- ۵- شمرده آرام حرف می زنند
- ۶- هربار فقط روی یک پروژه کار میکنند و این نکته مهمی است.
- ۷- دوست دارند وقتشان را در تنهایی بگذرانند و این خیلی خوب است برای یک معامله گر که تایمی را برای خودش داشته باشد و بتواند در تنهایی معامله کند.
- ۸- درونگراها معمولا آن ۶۰ درصد موفق تر تا ۴۰ درصد موفق تر بازار هستند

نکته ۱: برونگرایی یک سری چیزای خوب دارد و درون گرایی هم یک سری چیزهای دیگر.

نکته ۲: این افراد محتاط تر و مردد ترند و این محتاط تر بودن یک نکته مثبت یک نکته منفی دارد:

- ۱- نکته مثبت: این افراد اگر بخواهند وارد پوزیشنی شوند حواسشان به پوزیشن هست و وارد پوزیشن های اشتباه نمی شوند و عجله نمیکنند.
- ۲- نکته منفی: این افراد ممکن است انقدر احتیاط و صبر خرج کنند که تا پوزیشن از بین برود و این چیز خوبی برای معامله گری نیست.

یک نکته منفی که درباره ی درونگراها وجود دارد این است که باعث میشود روی سیستم های اشتباه بمانند. همچنین ————— علاقه شان به تنها کار کردن باعث میشود که کارشان تیمی نباشد، اگر شما یک تیم خوب داشته باشید خیلی میتواند شما را از نظر روانی ساپورت کند و شما را جلو بیندازد اگر ضرری کردید آن تیم شما ساپورت میکند اما در تنهایی ممکن است خودخوری کنید و نتوانید خوب کار کنید برای همین تیمی کار کردن یک نکته مثبت است که باید به آن فکر کنید. (طبق ویدیو دقیقه ۳۰: ۱۵ خودش میگه چند روش می تونید کار کنید: یا میکرو کانال، یا الگوها، کانال ها. کار تیمی خیلی جوابه برای ترید کردن نکته خیلی مثبتیست.)

شهودی بودن خیلی خوب است برای معامله گری ، چون باعث میشود وقتی که به یک سطحی میرسید که خیلی حرفه ای شدید باعث میشود که به شهودی معامله کردن روی بیاورید.

۱- این افراد معمولا افکار انحرافی زیاد دارند از یک فکری به فکر دیگر می پرند و هی فکرشان جابه جا میشود.

۲- این افراد تصویری ترند تجسم زیاد در کارشان هست و از تشبیه استعاره زیاد استفاده میکنند.

۳- از زبان بدن برای بیان خودشان استفاده میکنند و دستانشان را زیاد در هنگام صحبت تکان میدهند.

۴- بیشتر در ذهنیات قوته ورنند تا در واقعیات و در ذهن خودشانند و در ایده هایشان دارند فکر میکنند.

۵- بیشتر جذب مشاغلی می شوند که درونشان خلایق حرف اول را میزند مانند معامله گری (خلایق در معامله گری خیلی مهم است

۶- این افراد همانطور که گفتیم زیاد در ذهنیاتشان غرق هستند و این یک خوبی دارد یک بدی:

۱- خوبی: خوبی اش این است که میتوانند بیایند یک سیستم را خوب بهینه کنند اگر سیستمی بهشان می دهیم می آیند با خلایقی که دارند روی آن سیستم کار میکنند و آن را پروبال میدهند مثلا وقتی پرایس

اکشن یاد میگیرند آن را با چیز دیگر از پرایس اکشن ترکیب می کنند.

۲- بدی: این ترکیب کردن ها ممکن خیلی از وقت ها آن ها را از مسیر اصلی دور کند.

۷- این افراد احتمال بیشتری می رود که بروند مدرک دانشگاهی بگیرند چون درون ذهنیات غوطه ورنند و خیلی دوست دارند که بروند متد های فکری را انجام دهند.

نکته : چیزی به نام خوب و بد نداریم همه ی تیپ های شخصیتی برای خودشان اتفاقات خوب و بدی دارند برای همین نمیتوانیم بگوییم که یک تیپ شخصیتی بد یا خوب است ، و اگر این را کنترل کنید و بدانید که چه تیپ شخصیتی هستید میتوانید پی ببرید که به چه صورت می توانید از این تیپ استفاده کنید و این استفاده درست باعث میشود که شما در دراز مدت سودده تر باشید.

۸- مطالب داستانی را برای خواندن بیشتر ترجیح میدهند تا اینکه بروند مطالب غیر داستانی بخوانند مثلا رمان زیاد می خوانند.

۹- معمولا حرفشان را تکرار و جمع بندی می کنند مثلا حرفی را به شما می زنند و این حرف را دارند به ده روش به شما یاد میدهند این باعث میشود طرف مقابل یک دیدگاه کلی و درست از آن ماجرا داشته باشد.

۱۰- معمولا درباره ی مسائل جهانی زیاد حرف میزنند مثلا در متد های فکریشان مسائل کلان درگیر است یا مثلا در مباحث اقتصادی به اقتصاد کلان بیشتر از اقتصاد خرد فوکوس میکنند.

۱۱- شهودی ها خیلی آینده را پیش بینی میکنند این پیشبینی کردن هم باعث میشود ضرر کنند هم سود خوبی کنند چون این شهودی بودن باعث میشود که وقتی پوزیشنی میبینند پیشبینی میکنند که

سریع فلان اتفاق دارد میوفند این پیش بینی باعث میشود زودتر از بقیه وارد شوند ولی این زودتر وارد شدن ، هم میتواند زودتر استاپ بخورند هم میتواند سود زیادی گیرشان بیاید برای همین هم

جنبه مثبت و هم جنبه منفی دارد.

۱۲- معمولا این افراد وقتی میبینند یکی حرف میزند جملات دیگران را تمام میکنند و آخرش را خودشان جمع بندی می کنند.

۱۳- از نظر معامله گری این افراد سیستم های زیادی را تست میکنند یعنی شاید از سیستمی به یک سیستم دیگر بروند این اتفاق هم خوب است هم بد

۱۴- شهودی ها وقتی سیستمی را یاد میگیرند دوست دارند آن را ارتقا دهند و این ارتقا دادن شاید بعضی از اوقات به ضررش تمام شود مثلا ممکن است با این ارتقا دادن سیستم را خراب کند ، برای همین خیلی دقت بکنید که دارد چه اتفاقی انجام میشود و چه کاری می کنید بر روی بازار این خیلی مهم است و باعث میشود که از اطلاعات واقعی بازار دور بمانند.

حسی S

۱- نقطه مقابل افراد شهودی حسی ها هستند این نوع تیپ شخصیت تعدادشان بیشتر است.

۲- این افراد حسی بر خلاف افراد شهودی الگوهای کلامی ساده و روشنی دارند ، افکارشان متوالی و زنجیره وار است مثله افکار افراد شهودی نیست که از این افکار به افکار بعدی بپرند وقتی یک متدی را شروع میکنند از نقطه صفر شروع میکنند میروند به صد و این خیلی خوب است.

۳- به این افراد هر آنچه بگوئید مو به مو اجرا میکنند.

۴- اگر شما حسی هستید بیخیال بحث شهودی شوید و در این حسی خیلی پتانسیل وجود دارد چون این افراد ، افراد دقیق تری اند به اموری که دارد اتفاق می افتد و به امور غیر واقع بینانه زیاد توجه ندارند.

۵- این افراد از زبان به عنوان ابزار استفاده میکنند تا اینکه بخواهند خیلی محاوره ای حرف بزنند و به بدن خودشان آگاه ترند تا اینکه بخواهند ازشان استفاده کنند در حرف زدن.

۶- معمولا جذب مشاغلی می شوند که احتیاج به واقع بینی و عمل گرایی دارد.

۷- خیلی احتمال دارد این افراد مدرک نگیرند چون زیاد اهل اینکه بخواهد درون ذهنیات و تفکرات باشند نیستند و دوست دارند بیشتر عمل کنند ، بیشتر ابزار گرا هستند تا اینکه بخواهند کار فکری بیشتری انجام دهند.

۸- معمولا سریع مختصر و مفید حرف میزنند و جزئیات و امور واقع را در نظر نمیگیرند یعنی در سیستم معاملاتی به جزئیات زیاد توجه می کنند جای اینکه کلیات ماجرا را ببینند مثلا در پیدا کردن سیگنال بار و کی بار خوب عمل میکنند ولی شاید یک ترند را خیلی بخواهد دقیق پیدا کند و این زیاد دقیق بودن به ضررش تموم شود برای همین همیشه باید تعادل را حفظ بکنند بین اینکه تحلیل میکنند یا زیاد روی تحلیل میکنند و این خیلی مهم است که دقت داشته باشید به آن.

۹- تا زمانی که حرف مردم تمام نشود این افراد حرفشان را قطع نمیکنند برعکس شهودی ها.

۱۰- این افراد معمولاً گذشته را خوب به یاد میاورند این به یاد آوردن گذشته باعث میشود که این افراد بهتر از اشتباه گذشته شان درس بگیرند تا شهودی ها ، شهودی ها افراد فراموش کاری میتوانند باشند و این فراموش کاری میتواند اذیتشان کند در درازمدت تیپ های شهودی و حسی بیشتر به ژورنال معاملاتی نیاز دارند اگر افراد حسی ژورنال هم نداشته باشند اشکالی ندارد چون آنقدر درس را خوب یاد میگیرد و یک معامله اشتباه که در ضمیر ناخودآگاهی ثبت می شود اما افراد شهودی باید ژورنال داشته باشند چون فراموش میکنند و گیج می زنند.

۱۱- چون این افراد ابزار گرا هستند معمولاً شاید سمت اندیکاتور هم بروند یعنی مثلاً دوست داشته باشند علاوه بر آن دیدگاهشان چهارتا ابزار هم استفاده کنند و می گردند بهترین ابزار را با توجه به پرایس اکشن پیدا میکنند چون الان آگاه هستند.

۱۲- این افراد چون یک کاری را به آنها بدهید خوب انجام میدهند معمولاً در استراتژی نوشتن شاید خوب عمل نکنند(شاید) وقتی بهشان استراتژی میدهید.

نکته ۱: شاید در استراتژی نوشتن خوب عمل نکنند(منظور این نیست که اشتباه عمل میکنند منظور این است که انقدر پارامتر اضافه میکنند که خروجی ها زیاد میشود و دیدگاه کل نگر نمیتوانند داشته باشند.

نکته ۲: هردو تیپ شهودی و حسی به درد معامله گری می خورند چون درون معامله گری هم باید واقع بین باشید هم عملگرا و این خیلی می تواند کمک کننده باشد.



ویدیو ۲۶: شخصیت شناسی (Part2)-MBTI (Part2) Trading Psychology

در این ویدیو می خواهیم احساسی و متفکر بودن تیپ های شخصیتی را بررسی کنیم.

احساسی F

۱- این افراد اکثر تصمیمات زندگی اش بر اساس احساس است نه بر اساس منطق و این باعث میشود بیشتر با آدم ها گرم و دوستانه باشد و احساسات آدم های دیگر خیلی برایش مهم است.

۲- این افراد خیلی خودشان را متعهد می دانند در برابر احساسات بقیه.

۳- معمولاً ملایم ترند ، آدم هایی اند که سیاست دارند و تشریفاتشان زیاد است در کارشان.

۴- از بحث کردن همیشه دورند و دوست ندارند در بحث ها باشند.

۵- خیلی زود احساساتشان جریحه دار می شود و این خیلی بد است چون وقتی یک معامله استاپ میخورد شاید خیلی ناراحت شوند و عکس العمل نشان دهند.

۶- معمولاً وقتی سوال جواب می خواهند کنند با بقیه سر موعدهش این کار را میکنند.

۷- معمولاً وقتی می خواهند هدیه بدهند دست و دلبازند این دست و دلبازی باعث میشود که در معاملات هم دست و دلبازی کنند و معاملات با حجم بالا بزنند و این حجم بالا معامله زدن مدیریت سرمایه را خراب میکند و اگر مدیریت سرمایه خراب شود شما معامله گر درستی در نمی آید پس خیلی مراقب این اتفاق باشید.

- ۸- معمولاً اعتماد به نفس ندارند و جسارتشان کمتر است و آن شجاعت لازم برای معامله را ندارند یا خیلی بی پروا عمل میکنند یا خیلی محتاط اند یا میترسند و اعتماد به نفس انجام معامله ندارند.
- ۹- این افراد ارزش هایشان در صحبت کردن برایشان خیلی مهم است مثلاً خیلی با آدمها سریع دوست میشوند، افراد را با اسم کوچک صدا می کنند.
- ۱۰- معمولاً با مشاغل کار میکنند که سیستم خدماتی اند و دوست دارند که نیازهای دیگران را برطرف کنند.
- ۱۱- 60 الی 70 درصد این تیپ شخصیتی خانم ها هستند و فقط ۴۰ درصد را آقایان تشکیل میدهند.
- ۱۲- اگر این احساسی بودن را کنترل کنید به شدت می تواند شما را بهتر کند.

متفکر T

- ۱- معمولاً افراد سرد تری هستند مثلاً زیاد به آدمها نزدیک نمی شوند یا فکر میکنند اگر به آدم ها نزدیک شوند بهشان آسیب وارد میشود.
- ۲- معمولاً مثل افراد بی احساس دیده می شوند (مثلاً در یک جمعی می گویند فلانی اصلاً احساس نداره)
- ۳- این افراد در روابط عاشقانه خیلی راحت تر کات میکنند.
- ۴- در بازارهای مالی این افراد خیلی خوب میتوانند متفکر باشند و خیلی میتوانند موفق باشند چون تمام تصمیمات را بر اساس منطق میگیرند و چیز احساسی ترکیب نمی کنند و این خیلی مهم است.
- ۵- خیلی اهل جروب‌ها هستند.
- ۶- محافظه کار و واقع بین هستند این باعث میشود که همیشه حواسشان به آن ۲ درصد مدیریت سرمایه باشد.
- ۷- خیلی مَسْر و جسورند این باعث میشود که وقتی تصمیم می گیرند معامله گر شوند این تصمیم را همانطور ادامه میدهند و در آن رشد میکنند. اینطوری نیستند که یک روز تصمیم بگیرند معامله گر شوند و یک روز یک تصمیم دیگر (برای همین اگر احساسی هستید خیلی دقت کنید که تصمیم هایتان سریع عوض نشود مثلاً دو تا ضررده کردید جوگیر نشوید که فکر کنید دیگر بدرد این ۳ کار نمیخورید)
- ۸- معمولاً این اشخاص خیلی با افراد دیگر جور نمی شوند و بقیه را بیشتر به اسم بزرگتر صدا میکنند.
- ۹- احتمال زیادی وجود دارد که این تیپ شخصیتی ۶۰ درصدشان مرد باشند و ۴۰ درصد آن خانم باشند.
- ۱۰- این افراد راهبردی عمل میکنند و اینگونه نیستند که فقط احساسی تصمیم بگیرند اگر تصمیمی دارند برایش برنامه ریزی میکنند و توی درست کردن استراتژی خیلی میتوانند موفق باشند چون دارند بر اساس منطق استراتژی می چینند.

- ۱- ادم های قضاوت گر خیلی افراد بانظمی هستند مثلا وقتی به یک مسافرت می خواهند بروند قشنگ برنامه ریزی می کنند و برای هرروزشان برنامه دارند.
- ۲- اما افرادی که دریافت گر هستند ، اینگونه نیستند این افراد خیلی یهویی عمل میکنند. و در کل کارهای یهویی زیاد انجام میدهند این یهویی انجام دادن هم خوب است هم بد :
خوبی :خوبی آن این است که وقتی موقعیت معاملاتی میبینند سریع واردش میشوند.
بد:این تیپ برعکس تیپ قضاوتگر بی نظم هستند و این بی نظمی شاید کاردستشان بدهد.
- ۳- اشخاص قضاوت گر نظم دارند و این نظم داشتن باعث میشود که طبق یک پلنی مدام رشد بکنند.
- ۴- تیپ قضاوتگر معمولا رسمی تر هستند خیلی کت و شلواری هستند ولی تیپ دریافتگر خیلی راحت دوست دارند لباس بپوشند و خیلی در چارچوب نمی گنجند.
- ۵- تیپ قضاوتگر در سازمان عالی عمل میکند ولی تیپ دریافتگر در چارچوب نمی گنجند و دوست دارند آزاد باشند.
- ۶- در چارچوب نگنجیدن تیپ دریافتگر شاید باعث شود در معامله گری طبق برنامه عمل نکنند و این مورد کار دستشان میدهد.
- ۷- تیپ دریافتگر در معامله گری باید سعی کند نرخ معاملات سودده اش را بالا ببرد زیرا نظم نداشتن این تیپ باعث میشود یکسری معاملات سودده را از دست بدهد پس باید بیایند در معامله گری انتخاب گرترا عمل کنند یعنی وارد پوزیشن هایی شوند که حتما روی 60 درصد است و پوزیشن های 40درصد موفقیت را وارد نشوند این راه حلی است که برای تیپ های دریافتگر وجود دارد. اما افراد قضاوتگر چون نظم دارند با هر احتمال 60 یا 40 میتوانند وارد معامله شوند و فارق از سود و ضرر در کارشان نظم دارند.
- ۸- اشخاص قضاوت گر معمولا مسئولیت پذیر هستند ، به کارشان مسلط هستند ، تصمیم گیری هایشان به سرعت انجام میشود
- ۹- اشخاص قضاوت گر قاطعیت دارند ، ولی باید برنامه ریزی پشت تصمیمشان باشد و تصمیم گیری یهویی دیوانه و عصبیشان میکنند.
- ۱۰- اشخاص قضاوت گر معمولا هدف گذاریهای مکتوب دارند ، این هدف گذاری مکتوب در معامله گری خیلی خوب است ولی یک بدی دارد :
o مثلا میگویند این ماه من دوهزار دلار شارژ کردم و ماه بعد میخوام این مبلغ را دو برابر کنم اینجا این اشخاص خودشان را مجبور میکنند و اگر به آن تارگت خودشان نرسند عصبانی میشوند ، برای همین این افراد معمولا کمال گرا میشوند و این کمال گرایی ممکن است کار دستشان بدهد برای همین باید خیلی حواسشان باشد که این کمال گراییشان زیاد نشود.
- ۱۱- قضاوتگرها معمولا در مشاغلی کار میکنند که تسلط و کنترل زیادی روی آن داشته باشند ، مثلا دوست دارند یک مدیر باشند. این افراد در سازمان خوب عمل میکنند و در معامله گری هم همینطور است و چون نظم دارد میتواند در معامله گری هم مدیر خودش باشد اما شخص دریافت گر نمیتواند مدیر خودش باشد حتما پلنی برای خودش بچیند که حتما بتواند خودش را مدیریت کند و سازمانیافته تر عمل کند.
- ۱۲- قضاوتگرها یک خوبی درند معمولا یک فهرست از کارهایی که باید بکنند تهیه میکنند و در این فهرست هرآنچیزی که باید انجام دهند را مینویسند و طبق آن انجام میدهند. ولی در دریافتگرها خبری از این فهرست نیست به همین دلیل اگر دریافتگر هستید سعی کنید این فهرست را تهیه کنید و همه چیز را مکتوب بکنید چون تیپ قضاوتگر ذاتا این شکلی است و خودبهخود کارش را انجام میدهد.

۱۳- قضاوتگر بودن یکی از نقاط قوت یک معامله گر میتواند باشد چون نظم دارد و نظم در معاملهگری خیلی مهم است و اگر نظم نداشته باشید کار خودتان را سخت تر می کنید.

۱۴- تیپ قضاوتگر معمولا عجله در کارشان هست و این ممکن است کار دستشان دهد اما تیپ دریافتگر خیلی عجله برای معامله کردن ندارد ، مثلا ممکن است چهار پنج روز حتی یک عدد پوزیشن هم باز نکنند چون این شخص درک کرده است که بازار بوده ، هست و خواهد بود ، بازار فرار نمی کند بخاطر همین عجله ای برای این کار ندارد.

تابه اینجا متوجه شدیم که یکسری خوی های رفتاری وجود دارند که در انسانها متفاوت است. ما کلا 16 تا تیپ شخصیتی داریم و این 16 شخصیت در چهار گروه کلی دسته بندی میشوند که این چهار گروه کلی را ما باهم بررسی خواهیم کرد.

گروه اول: N,T کسانی که بر اساس منطقشان فکر میکنند

تحلیلگران

معمار	منطق دان	فرمانده	مجادله گر
INTJ-A / INTJ-T	INTP-A / INTP-T	ENTJ-A / ENTJ-T	ENTP-A / ENTP-T
متفکران دارای تخیل و استراتژی که برای همه چیز برنامه دارند.	مخترعان نوآور که عطش سیری ناپذیر برای دانش دارند.	رهبران جسور، دارای تخیل و اراده قوی که همیشه راه حلی را پیدا می کنند - یا حتی	متفکران هوشمند و کنجکاو که نمی توانند در برابر وسوسه چالش فکری مقاومت کنند.

- ۱- این تیپ به جزئیات توجه ندارند و تصویر عمومی را نگاه میکنند و بیشتر به آینده نگاه میکنند تا کنون و متفکر بودنشان باعث میشود که آینده را ببینند و براساس آن آینده تصمیمات واقع بینانه بگیرند.
- ۲- چون ترکیب شهود(N) و متفکر(T) یک آدم مستقل میسازد خیلی تیپ خوبی برای معامله گری هستند و معمولا دوست دارند استقلال بالایی داشته باشند.
- ۳- طبق آمار این تیپ 15% از جامعه آمریکا را در میگیرد.
- ۴- این شخصیت ها خیلی دوست دارند بی نظیر و در کارشان خیلی حرفه ای باشند این بی نظیر بودن در معامله گری باعث میشود که خیلی کمال گرا باشند و این شاید کار دستشان دهد پس اگر در این تیپ قرار دارید ، حواستان باشد که بی نظیر بودن در اینجا جواب نمیدهد و باید حواستان به کارتان باشد.
- ۵- این افراد خیلی استانداردهای بالایی را میخواهند رعایت کنند و این استانداردهای بالا باعث میشود که کمالگرایی کنند و شاید طوری استاندارد گذاری کنند که به آن نرسند و چون خیلی دوست دارند دنبال دانش علم باشند بخاطر همین شاید خیلی در پیدا کردن سیستم های مختلف گیر کنند و هی بخواهند نظریه بدهند و این باعث شود که از واقع بینی بازار دور بمانند و برایشان مشکل ساز شود ، اما چون نوآوری دارند آنقدر به مشکل نمیخورند چون این نوآوری شاید این دانش را پوشش دهد و معمولا ابتکار عمل هم دارند و این ابتکار عمل باعث میشود که خوب عمل بکنند چون دارند یک کار را به سبک نویی انجام میدهند و ابتکار به خرج میدهند.
- ۶- منطقی و تحلیلی رفتار کردنشان باعث میشود که بازار را تحلیل کنند و منطقی و واقع بینانه رفتار کنند و معمولا بی طرف و منصف هستند و این ویژگی باعث میشود نسبت به موقعیت های معاملاتی مختلف بی طرفانه رفتار کنند و نسبت به یک معامله خیلی گارد نگیرند.
- ۷- این افراد چون قدرت را درک میکنند برای قدرت هم احترام زیاد قائل هستند و این قدرت را در معامله گری میتوانند استفاده کنند و از روی آن سبکی را پیدا کنند که بر اساس تفکرات خودشان بتوانند قدرتشان را پیاده سازی کنند و این خیلی مهم است برای این گروه.
- ۸- این اشخاص چون ذاتا شکاک هستند بدرد معامله گری میخورند ، در معامله گری باید شکاک بود و به همه چیز شک کرد تا به یک سیستم درست رسید اما وقتی سیستم پیدا کردید دیگر شک نکنید و معاملات خودتان را انجام دهید.
- ۹- معمولا دستاوردهای خوبی بدست می آورند و به دنبال دستاورد های بزرگ هستند ، به کم قانع نمی شوند و این در معامله گری خوب است .
- ۱۰- معمولا با فناوری خوب ارتباط برقرار میکنند مثلا در معامله گری ممکن سمت اکسپرت نویسی بروند و بخواهند سیسمشان را الگوریتمی کنند چون به فناوری خیلی علاقه دارند و جذب آن میشوند این جاذب و بلند پرواز بودنشان باعث میشود که پلنهای بلندمدت خوبی برای خودشان بچینند.
- ۱۱- چون NT هستند و پیوسته در حال یادگیری هستند(یک معامله گر باید پیوسته در حال یادگیری باشد و این برایشان خیلی خوب است
- ۱۲- معمولا در شغل های مدیریتی مشاوره ای ، پژوهشی ، حقوق ، برنامه ریزی کردن ، استاد دانشگاه شدن ، تحلیل مسائل مالی ، کامپیوتر خیلی خوب عمل میکنند.



- ۱- این افراد چون مثله تیپ قبلی از شهود برخوردار هستند باعث میشود که به تصویر کلی خیلی خوب دقت داشته باشند ولی به جای تفکر روی احساسشان بیشتر مانور میدهند یعنی شهود را با احساساتشان قاطی میکنند.
- ۲- این اشخاص سخنران خوبی می توانند باشند.
- ۳- این اشخاص زندگی را یک سفر خودشناسی میدانند و همین باعث میشود که خیلی دنبال کتاب‌های روانشناسی بروند و روانشناس‌های خوبی از این تیپ در می آید چون همیشه دنبال این هستند که خودشان را بهتر بشناسند
- ۴- این اشخاص بیشتر حالت غیر مادی دارند و بیشتر سبک روحانی بودن جواب میدهند تا معامله گر بودن. یکی از دورترین‌ها برای معامله‌گری این تیپ است که اینها هم میتوانند با آموزش از همین پتانسیل‌هایی که دارند در معامله‌گری استفاده کنند یعنی نشد نداریم در این سیستم.
- ۵- معمولاً در شغل‌هایی درگیر می‌شوند که در آنها معنا و ارزش وجود داشته باشد و این شکلی نیستند که کاری انجام دهند صرف‌هیچ ارزش و معنایی چون این مجموعه از تیپها یک جورایی دلسوز و خیرخواه مردم هستند.
- ۶- چون باورهای عمیقی دارند بر اساس باورهایشان تصمیم می‌گیرند
- ۷- این تیپ معمولاً در هنر، روانشناسی، مشاوره، مربیگری، آموزش، منابع انسانی شرکت‌ها، بدر این کارها می‌خورند ولی میتوانند از قابلیت‌هایی که دارند جاهای دیگر استفاده کنند و خیلی سودده باشند برای خوشان

گروه سوم: Sr کسانی که براساس حس و جاجمنت بودنشان تفکر و فکر میکنند و کار انجام می دهند.



- ۱- این افراد تمرکزشان روی جزئیات به شدت بالا است و چون جزئیات را میبینند و تمرکز دارند روی برنامه ریزی اخلاق کاری برایشان خیلی مهم است.
- ۲- این افراد به کاری که دارند اعتقاد دارند.
- ۳- این افراد مسئولیت پذیر تیپ هستند یعنی یک چیزی را بهشان محول میکنید خیلی به صورت مسئولیت پذیری آن کار را انجام میدهند.
- ۴- حدود 40٪ از جمعیت هم این تیپ تشکیل میدهند.
- ۵- این افراد ثابت قدم رو راست هستند و رفتارشان رسمی و مودبانه است و در هر شغلی هم هستند
- ۶- معمولا افراد با ثباتی هستند و یک سبک را دنبال میکنند.
- ۷- در کارشان سلسله مراتب روشنی دارند و زمانی که تصمیم بگیرند که از نقطه **A** به نقطه **B** بروند اینکار را بدون هیچ کم و کاستی انجام میدهند.
- ۸- خیلی دوست دارند مورد ارزیابی قرار بگیرند یعنی باید یک نفر بالای سرشان باشد که بهشان بگوید که الان دارند کار درستی میکنند یا کار غلطی و شاید به یک مربی نیاز داشته باشند تا این افراد را ارزیابی کند چون خودشان خیلی دوست دارند ارزیابی شوند.
- ۹- اگر از این تیپ قدردانی کنید برای آن کار ده برابر انرژی میگذارند.

- ۱۰- دوست دارند با افرادی کار کنند که جدی هستند و اصلاً در کار شوخی نمیگیرند و یک تیپ خیلی خوب برای معامله گری هستند.
- ۱۱- در کارهای تجارت، مدیریت، تدریس، مراقبت های بهداشتی، نظام غذایی و ... خیلی میتوانند خوب کار انجام دهند.
- ۱۲- جدی بودن در کار یکی از ویژگی های این تیپ است و یکی از مهم ترین چیزهایی که یک معامله گر باید داشته باشد این ویژگی است.
- ۱۳-

گروه چهارم: S,P کسانى کاوشگرند و بیشتر کارهای عملی دوست دارند.



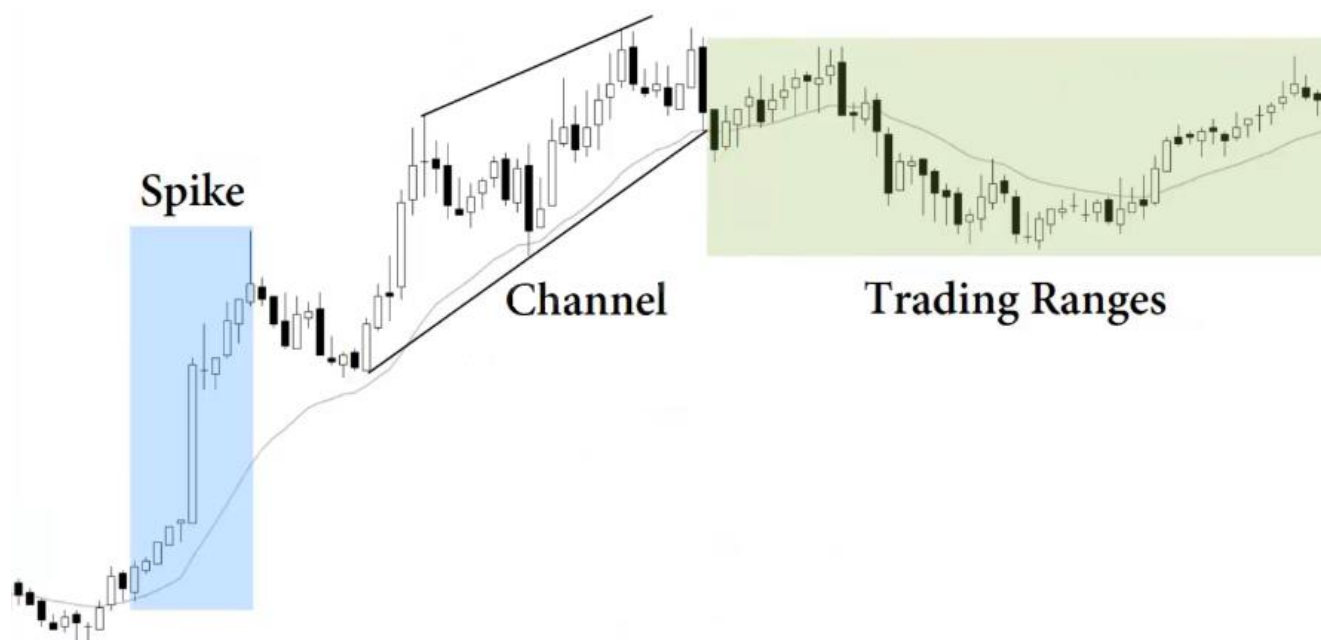
- ۱- این افراد دوست دارند همه چیز را تجربه کنند.
- ۲- این تیپ بخاطر عملگرا و واقع بین و دریافت گر بودنش شیوه زندگی شان اینگونه است که دوست دارند آزاد، متفاوت باشند و روحیه شان چون روحیه آزادانه است و نمی توانند در قالب بگنجد
- ۳- معمولاً خیلی بیخیال هستند الکی خوش هستند، خیلی آسان می گیرند و این را و آسان گرفتن کارها خوب است اما باید به اندازه باشد.
- ۴- خیلی لبخند میزنند و خیلی میخندند.

- ۵- چیزی را برای بلند مدت جدی نمی گیرند این خیلی خوب است برای معامله گری مثلا وقتی ضرر بزرگی میکند بیخیال آن معامله می شود و سراغ معامله های بعدی میرود.
- ۶- این تیپ شخصیتی هم برای معامله گری خوب است اما اگر بدانند که جز این تیپ هستند و بتوانند این را کنترل کنند
- ۷- تنش روحی زیادی ندارند اما عجله زیاد دارند در کارشان و بیشتر در زمان حال هستند و در حال بودن کیف میکنند
- ۸- دوست دارند در جاهایی کار کنند که انعطاف پذیری بالایی دارد برای همین در معامله گری وارد میشوند چون انعطاف پذیری خیلی بالایی دارد.
- ۹- معمولا کار و تفریح را باهم ترکیب می کنند.
- ۱۰- یکی از تیپ هایی هست که شاید به ظاهر اولیه بدرد معامله گری نخورد چون خیلی نظم درستی ندارند به دلیل (P) بودنش اما اتفاقا از این تیپ هم یک سبک خوبی در معامله گری در می آید چون کار با ابزارشان خیلی خوب است یعنی وقتی بهشان سیستم یاد میدهید خوب با آن کار میکنند چون زیاد در غید و بند نیستند که ذهنشان را تشویش کنند.



ویدیو ۲۷: چرخه مارکت - Price Action(Part11)-Market Cycles

بازار همیشه یک چرخش تکرار شونده به اسم: اسپایک یا هیجان، کانال یا روند، و تریدینگ رنج تشکیل شده. این چرخه همیشه وجود داشته و وجود خواهد داشت.



فاز اول حرکت روند اسپایک یا حرکت هیجانی بازار می‌گوییم همچنین توی قیافه چارت حرکت های مثل بمب یا شارپ رو اسپایک در نظر می‌گیریم (همچنین سقف‌ها بالاتر از سقف قبلی کندل و کندل‌های بزرگ) . در ۶۰ درصد مواقع بعد از اسپایک‌ها معمولا کانال یا روندها شکل می‌گیرند . در بعضی موارد هم بعد از اسپایک مستقیم وارد تریدینگ رنج میشیم .

برخی اوقات ممکن است که از فاز اسپایک مستقیما وارد فاز منفی بشویم که این تشکیل یک الگوی V است و یا بعد از اسپایک وارد فاز تریدینگ رنج بشویم که در تا ویدیوهای بعدی همه این‌ها را کاملا بررسی می‌کنیم.

نکته ۱: توی بازار جفت ارزها معمولا بعد از اسپایک‌ها بازار شروع می‌کنه به تریدینگ رنج شدن و کمتر کانال‌ها تشکیل می‌شن.

نکته ۲: **توی اسپایک فاصله بین کف‌ها و سقف‌ها از هم دیگه زیاده** و به نوعی کندل‌های بزرگ بزرگ تشکیل میشن جهت بازار شدیداً صعودی یا شدیداً نزولی هست . نکته مهم توی اسپایک‌ها فقط اجازه داریم یک طرفه معامله کنیم ؛ اگر صعودی بود خرید و اگر نزولی بود فقط فروش .

نکته ۳: در مواقعی که فاصله کندل‌ها تا مووینگ اوریج ۲۰٪ زیاده معمولا کمی بعد از اسپایک یا کندل‌های بزرگ بین بار یا داجی بار تشکیل میشه تا اصلاح قیمتی رو داشته باشیم و کندل‌ها نزدیک مووینگ اوریج بشن . (دقیقه ۲۱ ویدیو مهم .)

نکته ۴: برای کشیدن خط کانال یا روند ، بعد از اسپایک‌ها شروع و بعد از اولین اصلاح قیمتی ترند رو می‌کشیم .

نکته ۵: راس حرکت ما شروع اسپایک است یعنی اسپایک میشود شروع کار ما برای پیدا کردن سایکل مارکت.

ویدیو ۲۸: کانال‌ها پارت دوم (Part2) Channel- Price Action(Part12)

تو مرحله اول کانال‌ها ما برای اینکه یک کانال رو تشخیص بدیم اگر تنها یک خط در در چارت مشاهده کردیم به این معنی است که در کانال قرار داریم. کانال، فاز بین اسپایک و تریدینگ رنج است. ما باید بدانیم که در کدام فاز هستیم که طبق آن فاز معامله کنیم مثلا وقتی در فاز اسپایک هستیم نباید دو طرفه معامله کنیم **ولی در فاز کانال میتوانیم دو طرفه معامله کنیم.**

نکته ۱: تمام الگوهایی که کار کردیم مانند الگوهای مثلث، فلگ، و هر آنچه که به عنوان الگو تا الان با هم کار کردیم این الگوها در ذات و در نهایت یک کانال هستند و اگر شما بدانید رفتار کانال و طرز کار با کانال چه شکلی است ، که ما بتوانیم یک رفتاری با آن داشته باشیم که بتوانیم معکوس بر آن وارد معامله شویم ، این ما را خیلی جلو می‌اندازد و عملا ما را در بحث تکنیکال تبدیل به یک حرفه‌ای میکند که با دانستن یک مقدار کم از فاندامنرال میتوانیم سودآور باشیم.

نکته ۲: حالا برای این رسم خط روند یا کانال احتیاج به ۲ نقطه داریم: این ۲ نقطه (همونطور که توی درس کانال ها قسمت اول گفتیم باید از برگشت های قیمتی و کف های قیمت و سقف قیمت باشه) رو بهم وصل کنیم تا ببینیم که خط روند صعودی هست یا نزولی. (تو کانال های نزولی خط بالا و در کانال های صعودی خط پایین مهمه). همچنین اگر گزینه ray رو فعال کنیم و خط امتداد پیدا کنه عملا تارگت و هدف های قیمتی بقیه نقاط رو هم پیدا می کنیم.

نکته ۳: وقتی مثلا توی چارت می بینیم اتفاقی که داره میفته (مثل چارت پایین) کانال نزولی هست در محدوده چارت و کانال می گردیم دنبال سیگنال بار و کی بار کـــ در جهت روند وارد بشیم.

دقیقه ۵ ویدئو خیلی خیلی مهم. زمانی که می بینیم توی کانال بعد از یک روند صعودی کوچیک داره low های کوچیک می زنه، متوجه میشیم داره جهت روند توی کانال عوض میشه؛ در این حالت ها می تونیم وارد بشیم ولی قبلش حتمن context یا حالت کل مجموعه قبل کندل ها (۵۰ تا ۱۰۰) کندل قبل از اونجایی که میخاییم وارد معامله بشیم رو حتمن چک کنیم.

نکته ۴: توی کانال ها همیشه به LL ها و HH ها و فاصله این ها از هم دیگه دقت کنیم برامون مشخص می کنه تا حدی که روند میخاد حالت صعودی یا نزولی کانال رو برامون مشخص می کنه.



نکته ۵: وقتی کندل ها توی کانال یا ترند شروع می کنه به سایه زدن های بلند، اگر سایه پایینی کندل ها بلند بود یعنی فشار خریدارها داره زیاد میشه، و اگر سایه بالایی زیاد بود یعنی فشار فروشنده ها داره زیاد میشه که در هر دو حالت می تونیم روند رو تموم شده در نظر بگیریم.

نتیجه کلی: **پس با رسیدن به نزدیکی خط ترند و همچنین سیگنال بار و کی بار** مثل چارت زیر می تونیم وارد پوزیشن (در شکل زیر پوزیشن فروش) بشیم.

* دقیقه ۱۳ تا ۱۵ خیلی مهم توی دقیقه ۱۴ برای سیگنال برگشت قیمت به فاصله بین LL ها همیشه دقت کنیم مثل چارت زیر:



نکته ۶: بعد از هر بار شکسته شدن ترند لاین، ترند لاین جدید رسم می کنیم. اگر هم نتونستیم کانال رو رسم کنیم؛ الگوها رو رسم می کنیم که توی خیلی از جاها بریک اوت های الگوها نقطه ورود ماست.

نکته ۷: **تو خیلی از کندل ها، به خصوص کندل های پر قدرت یا اسپایک ها کلوزی که بالا یا پایین مووینگ اوریج می زنه خیلی برامون مهمه که احتمال خیلی زیاد نشونه شکل گیری روند جدیده.**

نکته ۸: فیک بریک اوت ها با پین بار همراه هستند. دقیقه ۳۳ خیلی خیلی مهم

نکته ۹: توی کانال ها به میکرو کانال ها و الگوها توجه کنیم که خود اون ها هم می تونن فرصت معاملاتی خوبی باشن .

نکته ۱۰: اگر خط ترندی رو رسم کردیم ، **بریک ترند ها و برگشت به میانگین متحرک برامون خیلی باید مهم باشه** ؛ وقتی به سقف ها و کف ها می رسیم سیگنال های برگشتی که بهمون داده میشه مثل بین بار ها برامون مهم باشه و با دیدن اون ها از معاملات خارج بشیم .

نکته ۱۱: در کل کانال ها ریوارد بسیار خوبی ایجاد می کنند تا در برگشت قیمت ها وارد معامله شویم .

نکته ۱۲: کانال نزولی ، یک فلگ نزولی در تایم فریم بالاتر هستند و کانال صعودی هم یک فلگ محسوب می شن اگر تایم فریم رو بالا ببریم . دقیقه ۴۰:۲۰ مهم . دقیقه ۴۷ مهم . دقیقه ۵۰:۴۰ مهم .

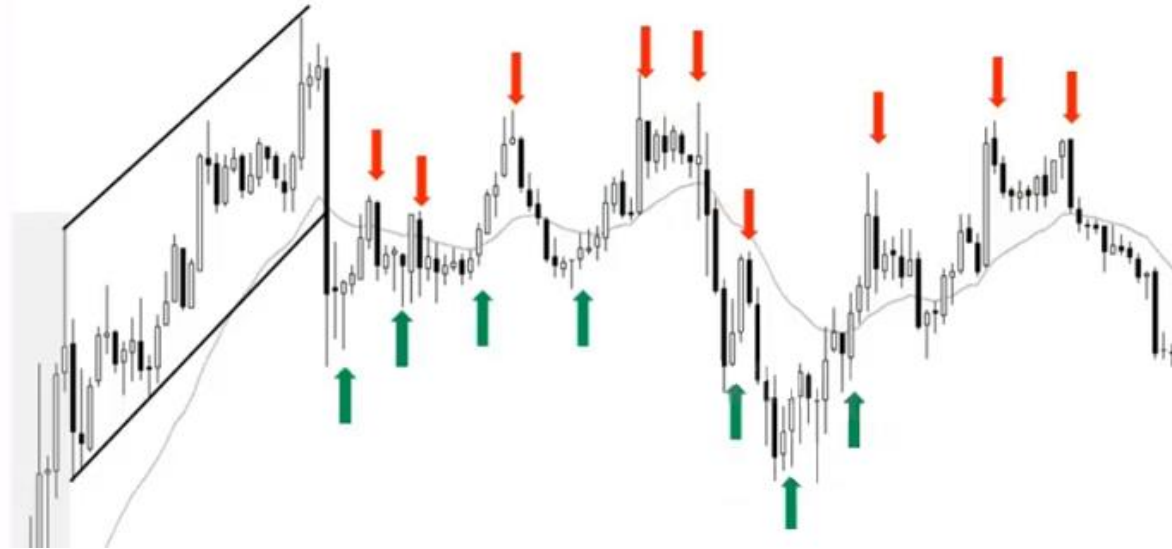
نکته ۱۳: بعد از هر شکست ناموفق قیمت به داخل کانال بر می گردد ، کانال تخت تر می شود ؛ کانال گسترده تر می شود و در نهایت تبدیل به تریدینگ رنج می شود .





زمانی که یک کانال صعودی در حال تبدیل شدن به تریدینگ رنج است ، خریداران کمتر اطمینان می کنند و بیشتر دنبال اسکالپ کردن هستند تا سویینگ گیری ؛ همچنین فروشنده ها هم برای سود آوری شروع به اسکالپ می کنند ؛ بنابراین ما هم وقتی تریدینگ رنج همیشه **با دیدن کندل های برگشتی اسکالپ می کنیم**. (معامله گرهای تازه کار هم بهتره اوایل کار سویینگ گیری کنن تا اسکالپ کردن ، چون مدیریت سریع معاملات یکم سخت هست برای اوایل کار .)

* اسکالپ کردن هم میایم امواج خیلی کوتاه رو تو دل کانال ها می گیریم و سود کسب می کنیم . در چارت زیر نقاط ورود خوب و مهم برای اسکالپ کردن نشان داده شده است. (نقاط قرمز sell و نقاط سبز buy)



نکته ۱۵: کانال‌ها در دل کانال‌ها وجود دارند.



نکته ۱۶ : تردینگ رنج هم یک کانال است ، یک کانال بی جهت و افقی.

نکته ۱۷ : کانال نزولی ، یک فلگ نزولی در تایم فریم بالاتر است.



Price Action(Part13)- Channel(Part3) ویدیو ۲۹: کانال ها پارت سوم

سایه های موجود در انتهای کانال نشانه کاهش قدرت روند هستند و اونجایی که ما تصمیماتمون رو کم کم از حالت اسپایک و کانال به تریدینگ رنج تبدیل می کنیم . اگر به خاطر داشته باشیم بدنه کندل ها نشانه قطعیت و سایه های کندل نشانه شک و دودلی بود . به علامت فلش و سایه ها در انتهای هر کانال توجه کنید .

نکته ۱: وقتی نوی کانال ها کندل هایی رو می بینیم که کلوز کندل با high اون کندل خیلی بهم نزدیک هستند ، این به ما قدرت اون روند توی کانال رو می رسونه . پس وقتی تو چند کندل مکرر کلوز و های کندل ها خیلی بهم نزدیک هستند اون نشونه قدرت رونده . (قیمت بسته شدن اون کندل با بیشترین قیمت اون کندل منظور هست) .

* وقتی سایه ها زیاد می شوند چه معنی میده ؟ هر کدام از SHADOW یا سایه هایی که در شکل زیر می بینیم یک فیک بریک اوت بوده (یک شکست ناموفق بوده { برای افزایش قیمت }) . یعنی اون کندل تلاش خودش رو کرده که بیاد قیمت های بالاتر رو ببینه و کلوز های بالاتر بزنه ، اما نتونسته . حتمن به فلش های پایین چارت زیر دقت کنید. (وقتی قیمت میخواد اصلاح انجام دهد شدو هایش زیاد و بزرگ میشود.)

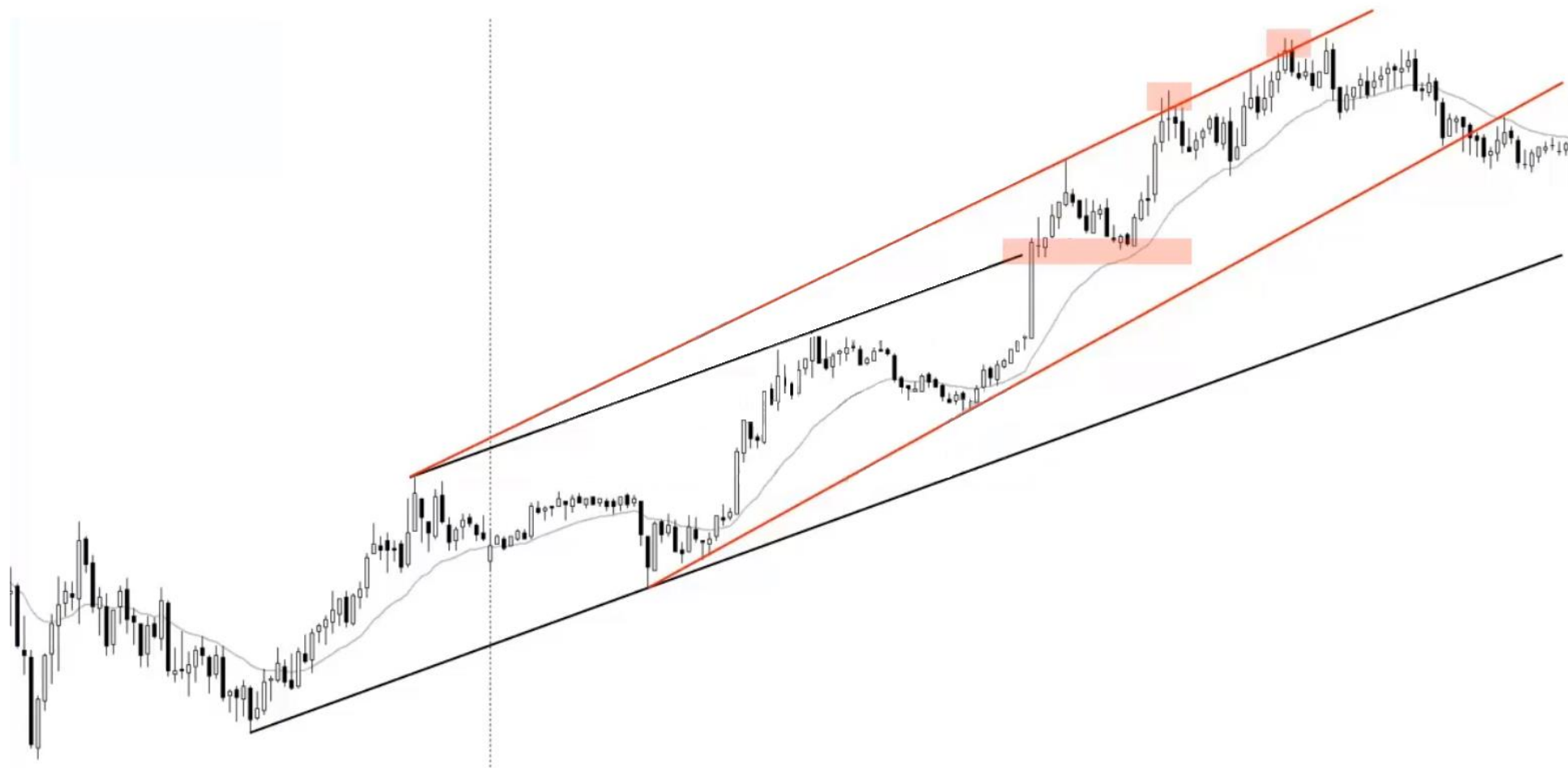


پس نتیجه می گیریم وقتی به انتهای کانال نزودیک می شویم (به سقف های کانال صعودی ، و کف های کانال نزولی) ؛ با دیدن سایه ها استنباط می کنیم به پایان اتفاق صعودی یا نزولی نزدیک می شویم و می توانیم در جهت معکوس با دیدن سیگنال بار و کی بار (مثل انگولفینگ ها در چارت بالا) وارد پوزیشن جدید بشیم.

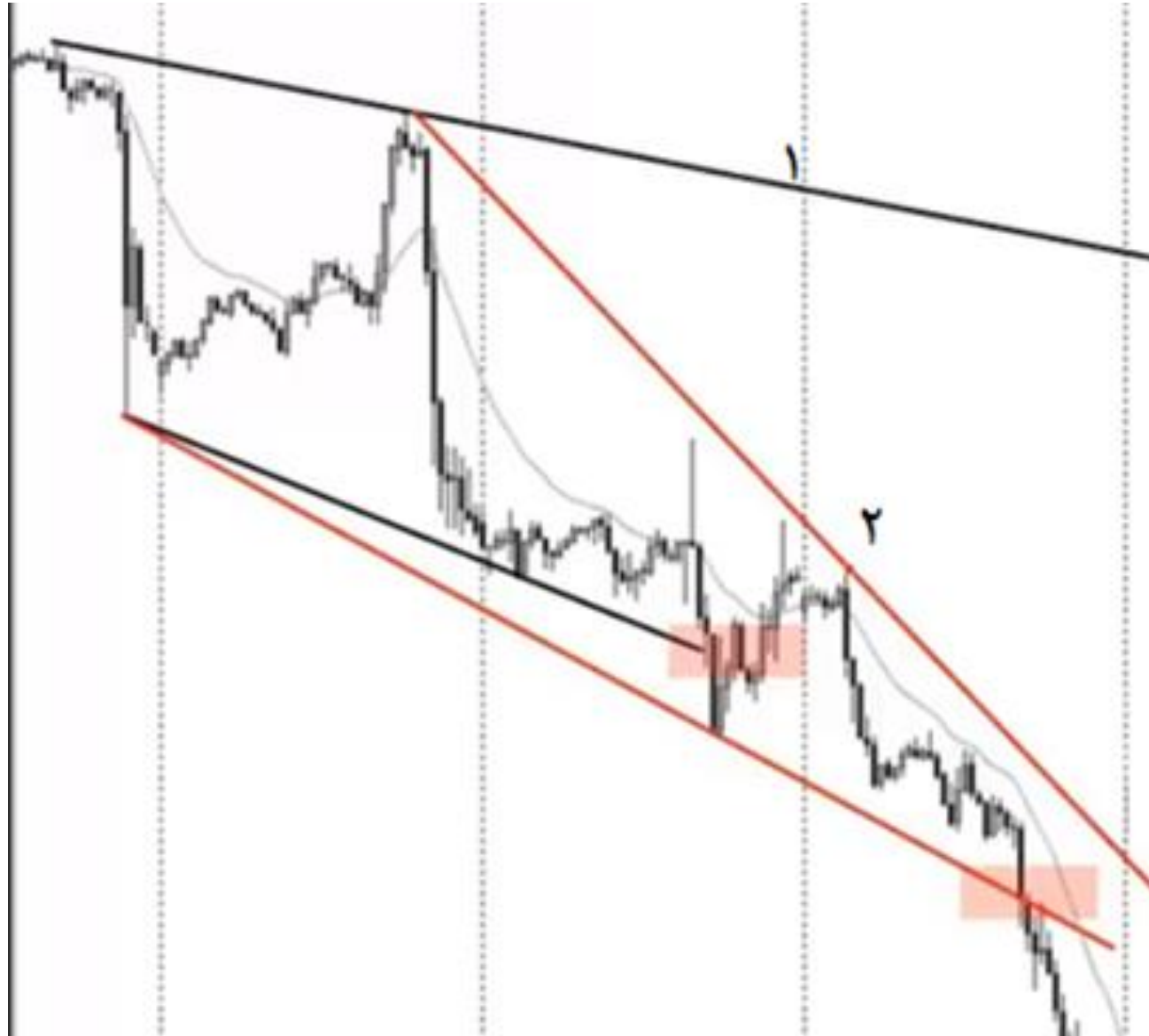
***** وقتی روندی تموم میشه صبر کن تا کلوز کندل بالا یا پایین مووینگ اوریج زده بشه تا بفهمی روند داره صعودی میشه یا نزولی. دقیقه ۴ ویدیو خیلی خیلی مهم راجب این موضوعه .**

نکته ۲ : کانال صعودی به دنبال بریک اوت صعودی است ؛ این یعنی اینکه کانال هایی که با شیب ملایم در حال پیشروی هستند تلاششون اینه بیان کانال رو از بالا بشکنن و شیب مثبت بودن کانال تنه تر بشه و وقتی شیب تند تر میشه روند هم پر قدرت تر میشه . در چارت زیر خطوط قرمز خطوط ترند لاین جدیدی هستند که بعد از ترند لاین اولیه رسم کردیم .

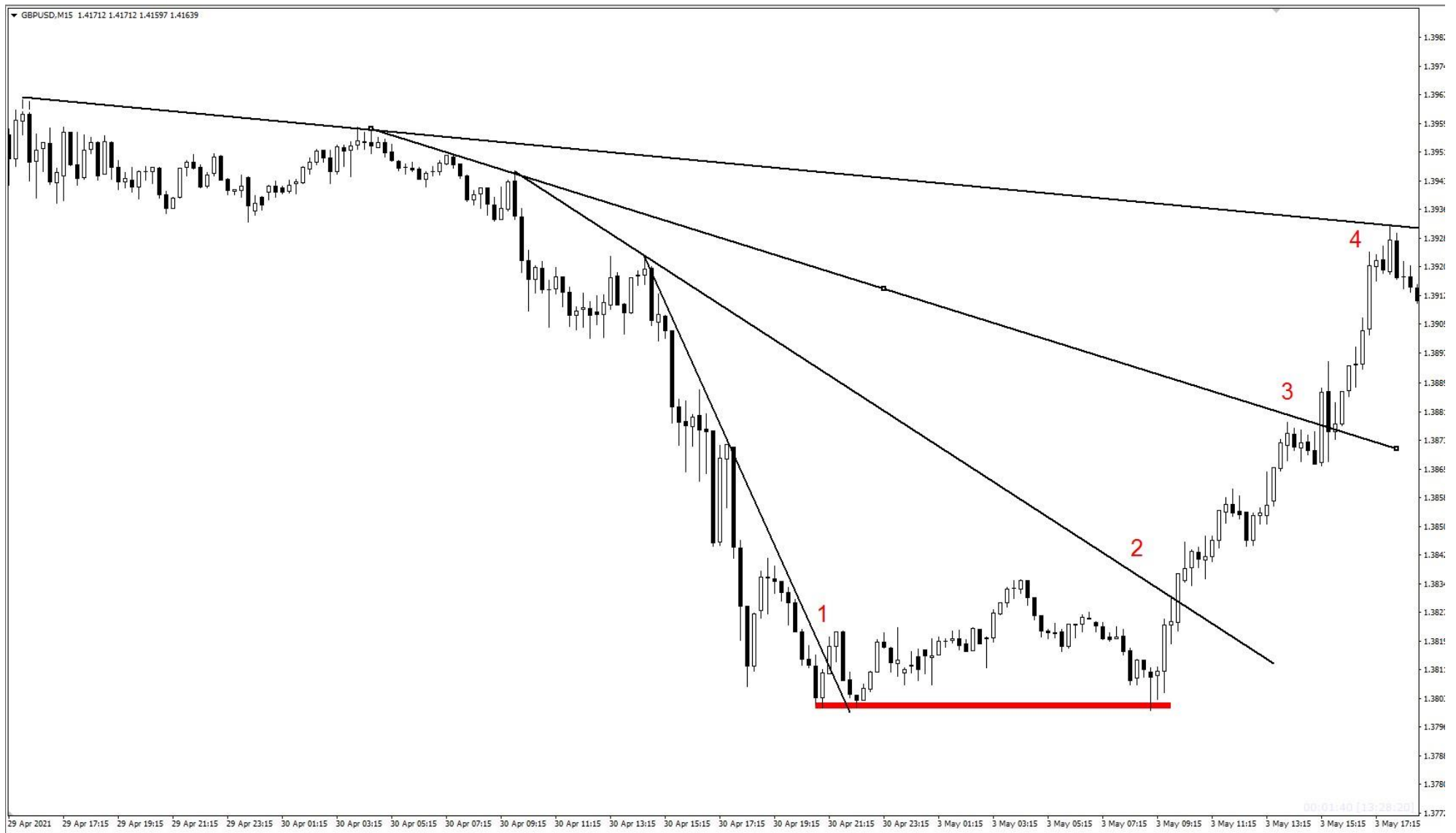
پس نتیجه می گیریم کانال ها دوست دارن در جهت خودشون بشکنن چون میخان سرعت روند رو زیاد کنند .



همچنین این قضیه نیز برای کانال های نزولی هم صادق است ، کانال های نزولی هم دنبال بریک اوت های نزولی هستند .



نکته ۳ - دقیقه ۱۰: میگه وقتی شیب کانال که کاملا تند شده ، و در یک کانال سه ترندلاین داریم وقتی قیمت آخرین ترند لاین خودش را میشکند اولین تارگت ما ادامه ترندلاین قبلی است یا اگر ترند لاین بعدی هم شکسته شد تا سطح بعدی میتوانیم وارد پوزیشن شویم.



نکته ۴: اکثر بریک اوت های صعودی در کانال صعودی در ۵ کندل شکست می خورند (برگشت تا سطحی دیگر اتفاق می افتد؛ ۱۰۰٪ مواقع اینجوری نیست و ممکنه کم وزیاد بشه ولی اکثرا همون ۵ کندل)



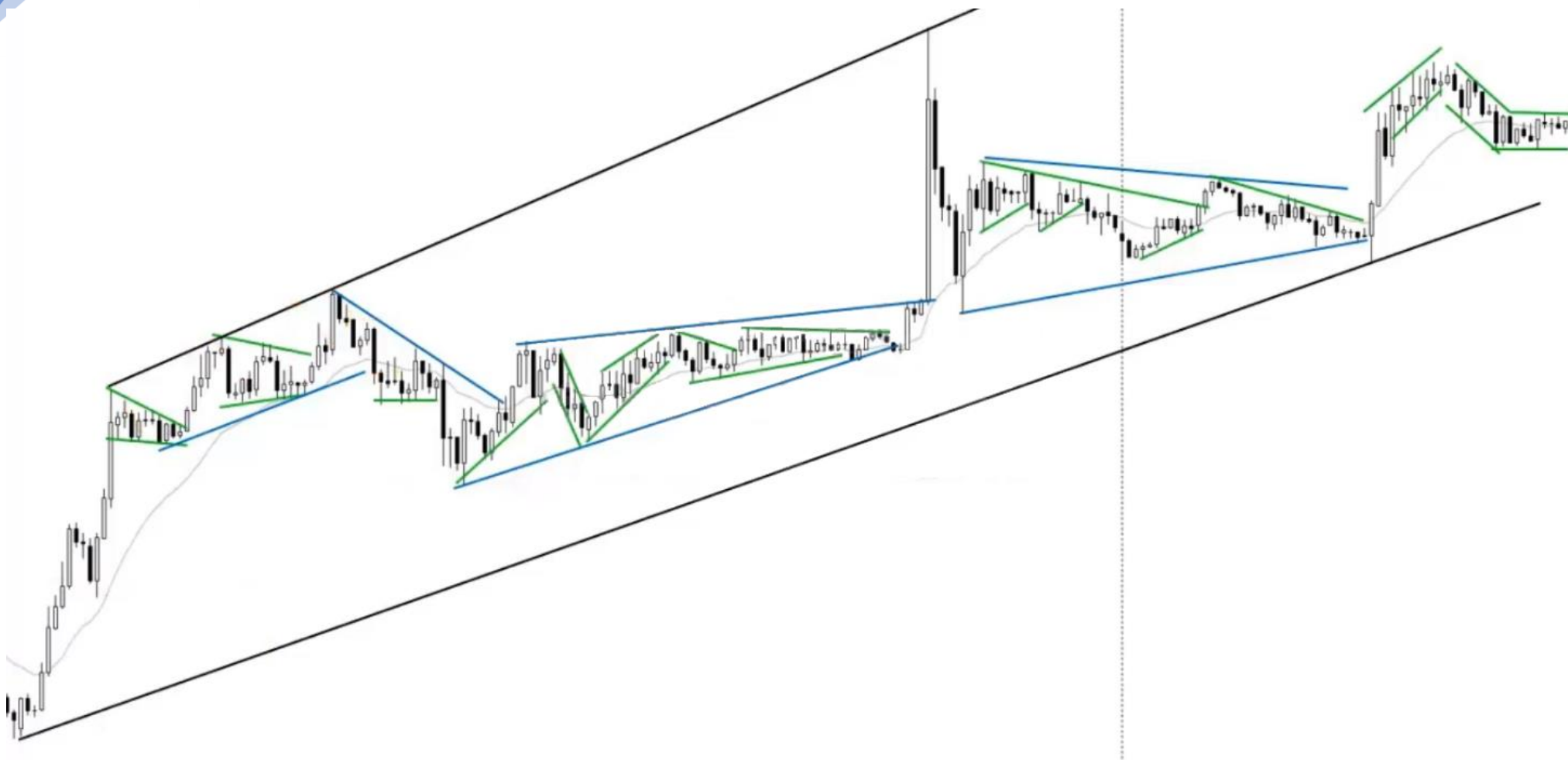
نکته ۵: تلاش های نافرمام برای بریک اوت ها ، به روند سرعت می بخشند ؛ قیمت تمام تلاشش رو می کنه برای گسترش و اصطلاحاً extend شدن بازار تلاش خودش را میکند که به روند سرعت ببخشد پس ماهم تلاش میکنیم که با آن ادامه روند را بگیریم یعنی هی کانال را اکستند می کنیم تا ببینیم. دقیقه ۱۸ مهم .



GBPUSD, M5 1.41573 1.41582 1.41571 1.41573



نکته ۶: کانال‌ها می‌توانند از ۲ کندل تا تعداد خیلی زیادی از کندل‌ها باشند. بسیار زیاد تریدینگ رنج و تعداد کم بریک‌اوت مثل چارت زیر:



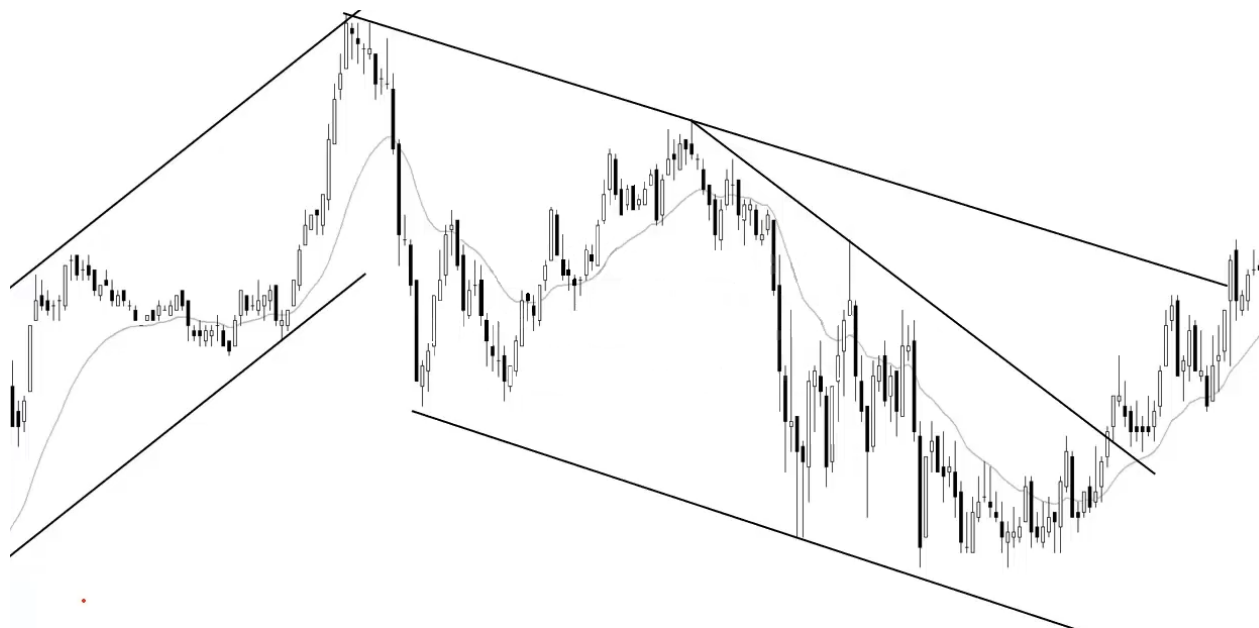
* در نمودار بالا همان طور که می‌بینیم می‌توان به این شکل کانال رسم کرد ولی باید توجه داشته باشیم که اوایل کار خیلی راحت تر می‌تونیم با خط مشکی کانال رسم کنیم و معامله کنیم و سود کنیم ولی تقریباً بعد از ۶ ماه که قشنگ دستمون راه افتاد، می‌تونیم کانال‌های آبی و در درجه خیلی حرفه‌ای کانال‌های سبز رنگ رو رسم کنیم و ترید کنیم.

همچنین در نمودار بالا کانال‌های سبز رنگ نوعی بریک‌اوت هستند و همون طور که می‌بینیم کانال‌های مشکی رنگ رو داریم که خیلی کندل داخلش وجود داره و کانال‌های سبز رنگ هم هستند که فقط چند تا کندل دارند. (دقیقه ۲۳ ویدیو توضیح فسـت اسکـلپ)

نکته ۷: کانال‌ها می‌توانند افقی باشند مثل تریدینگ رنج. در ناحیه آبی رنگ می‌تونیم در کف بخریم و سقف بفروشیم و اصطلاحاً BLSH کنیم.



نکته ۸ : کانال ها می تونن مورب باشن مثل روند ها و گوه ها مثل چارت زیر :





الگوهای قیمتی در تایم های بالاتر در یک کانال وجود دارند و شما با یاد گرفتن کانال ها به هیچ چیز نیاز ندارید.

نکته ۹: همچنین کانال‌ها می‌تونن در حال گسترش باشند مثل مثلث در حال گسترش؛ جمع شونده باشند مثل مثلث‌ها در چارت زیر:



نکته ۱۰: کانال‌ها می‌توانند جمع شونده باشند مثل مثلث‌ها

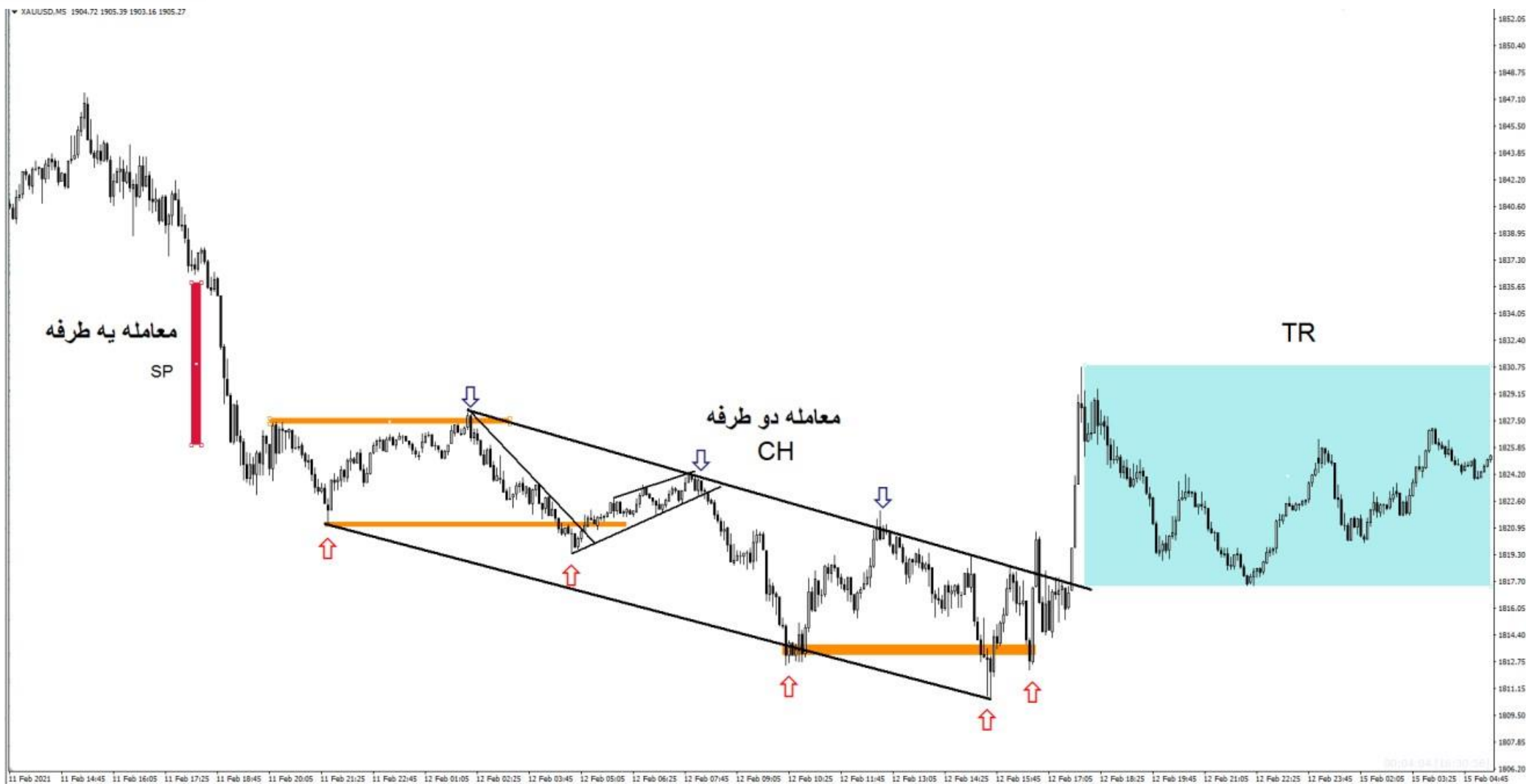


نکته ۱۱: در تایم فریم های مختلف می توانیم کانال های مختلفی مشاهده کنیم که معکوس هم دیده در حال شکل گیری هستند؛ مثلاً توی تایم فریم ۵ دقیقه ای هستیم کل چارت کل صفحه مانیتورمون رو کانال نزولی می بینیم، ولی وقتی میریم یک تایم فریم بالاتر و میریم روی ۱۵ دقیقه می بینیم که همین کانال نزولی بخشی از کانال صعودیه که که اون کانال صعودی یک بخش کوچیکش نزولی شده فقط که ما اون رو می دیدیم.

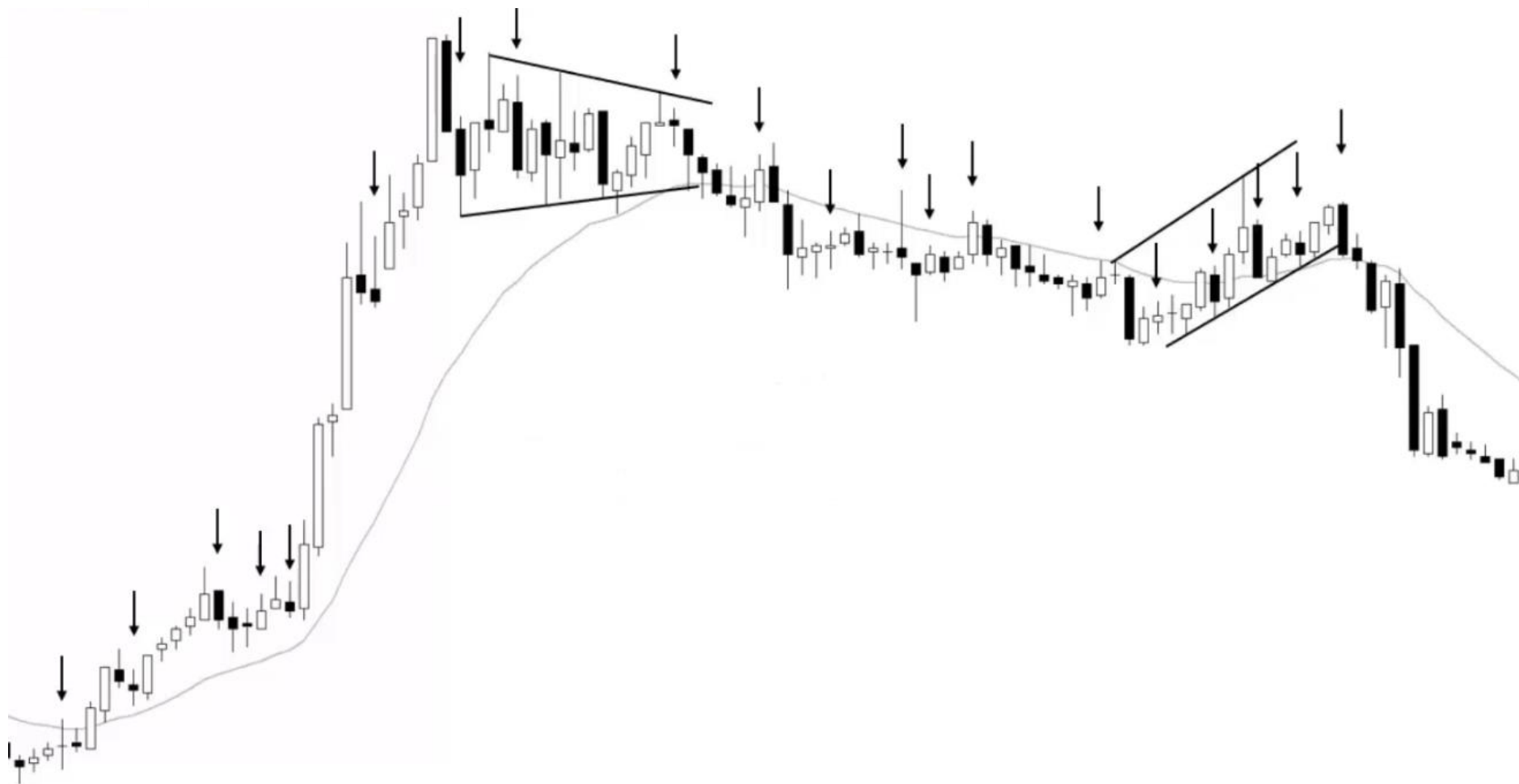


در دو چارت بالا تصویر اولی تایم فریم ۱۵ دقیقه و دومی تایم فریم ۳۰ دقیقه است .

نکته ۱۲ : روند معمولا ۲ فاز دارد : ۱- اسپایک ؛ که قیمت بریک اوت می کند و پولبک نمی دهد که در این فاز یک طرفه معامله می کنیم . ۲- کانال که ۲ طرفه معامله می کنیم که معمولا دارای پولبک است .



نکته ۱۳: زمانی می‌گوییم پولبک اتفاق افتاده این است که کف حال حاضر روند صعودی از کف کندل قبلی کمتر شود (در روند نزولی برعکس) (low یک کندل پایین تر از low کندل قبلی باشد).

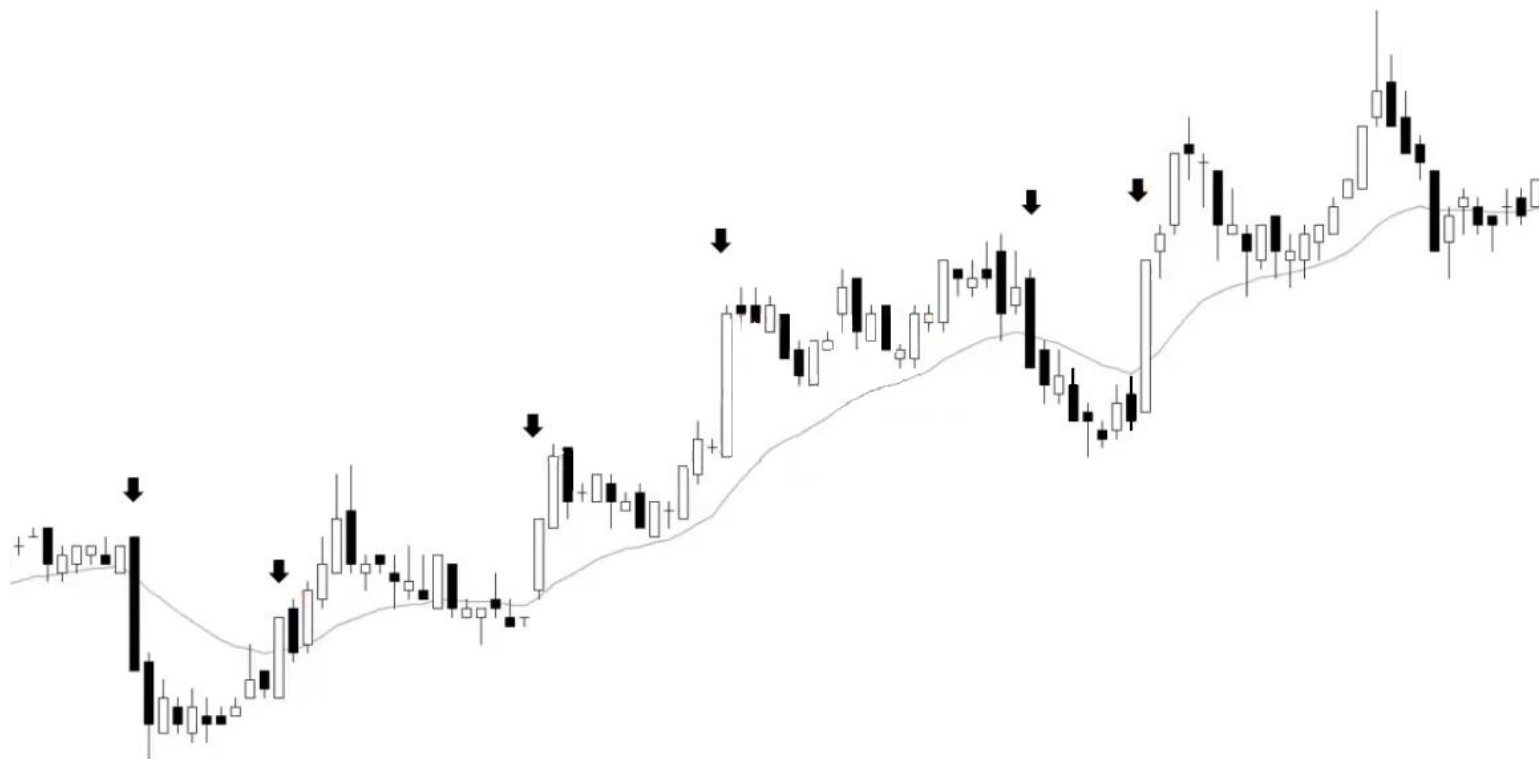


پولبک‌ها کجا بدردمون می‌خورن؟ اونجا که می‌فهمیم از اسپایک (اگر تو فاز اسپایک هستیم مثل تصویر بالا) وارد کانال یا تریدینگ رنج میشیم. در تصویر بالا در فاز اسپایک هیچ پولبکی نمی‌بینیم. توی روندهای صعودی پولبک‌ها نزولی (High های کندل‌ها) برامون مهم هستند و برعکس. دقیقه ۵۱ مهمه سویینگ و اسکالپ رو می‌گه.



نکته ۱: هر کندل پر قدرت یک اسپایک است، اگر زمینه حمایت مهیا باشد می تواند شروع یک روند باشد. (کندل هایی با بدنه های بزرگ و سایه های کوچک یا سایه خیلی خیلی یا بدون سایه). توی دقیقه ۲ پولبک رو که می بینیم، الگوی جمع شونده رو رسم می کنه.

کندل های اسپایک هر کدام می تونن یک نقطه ورود در جهت مارکت باشن.، حتی یک دونه کندل پر قدرت هم اسپایک محسوب میشه، در نتیجه اسپایک ها بهترین نقطه ورود در جهت مارکت هستند. مخصوصا اونایی کلوزشون که بالا و پایین مووینگ اوریج باشن. به چارت زیر دقت کنید.



* تو کندل های اسپایک یا پر قدرت اگر قیمت کلوز نزدیک به قسمت های **high** اون کندل باشه هم، اون کندل رو اسپایک در نظر می گیریم.

نکته ۲: بعد از زدن هر اسپایک میتوان نقطه ورود ما باشد زیرا این اسپایک ها انقدر پر قدرت هستند که احتمال اینکه روند مسیر خودش را از این کندل ها بگیرد زیاد است.

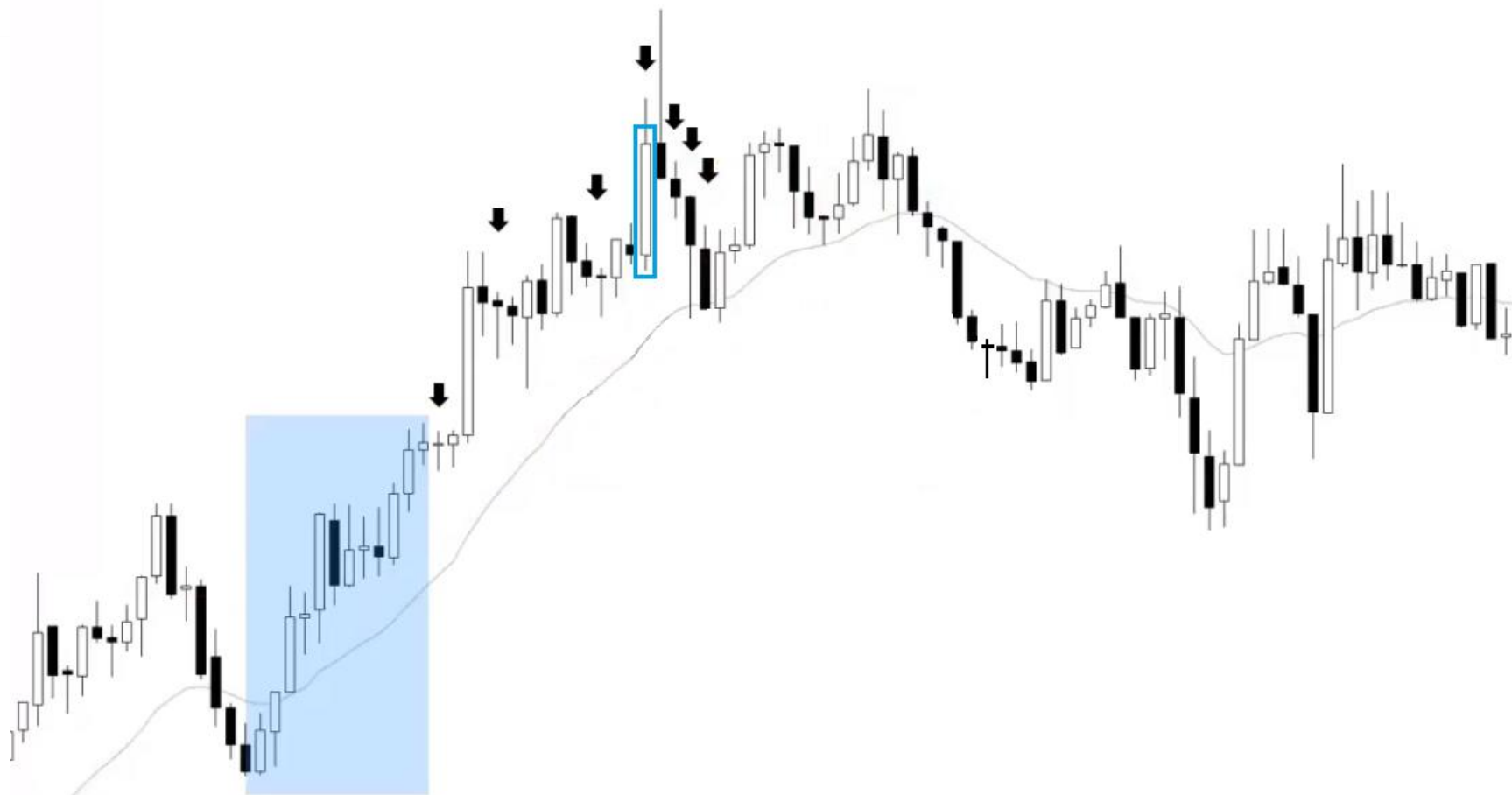


دایره قرمز رنگ قسمتی است که می‌تونیم معامله ۲ طرفه داشته باشیم (هر چقدر شیب کانال کند تر باشه با خیال راحت تری وارد معامله میشیم چون کانال با شیب خیلی تند توی تایم فریم بالاتر به شکل اسپایک دیده میشه). ۶۰ درصد در جهت کانال ، ۴۰ درصد در جهت مخالف کانال . دقیقه ۷:۳۰ خیلی مهم

نکته ۳ : گاهی اوقات از اسپایک مستقیماً وارد تریدینگ رنج میشیم ؛ این اتفاق معمولاً روی ارزها اتفاق می‌افته . وقتی که چارت بخاد تغییر فاز بده و وارد تریدینگ رنج بشه اولین اتفاق پولبک یا پولبک‌های متوالی هست که روند رو شروع می‌کنه و در تریدینگ رنج گیر می‌کنه .



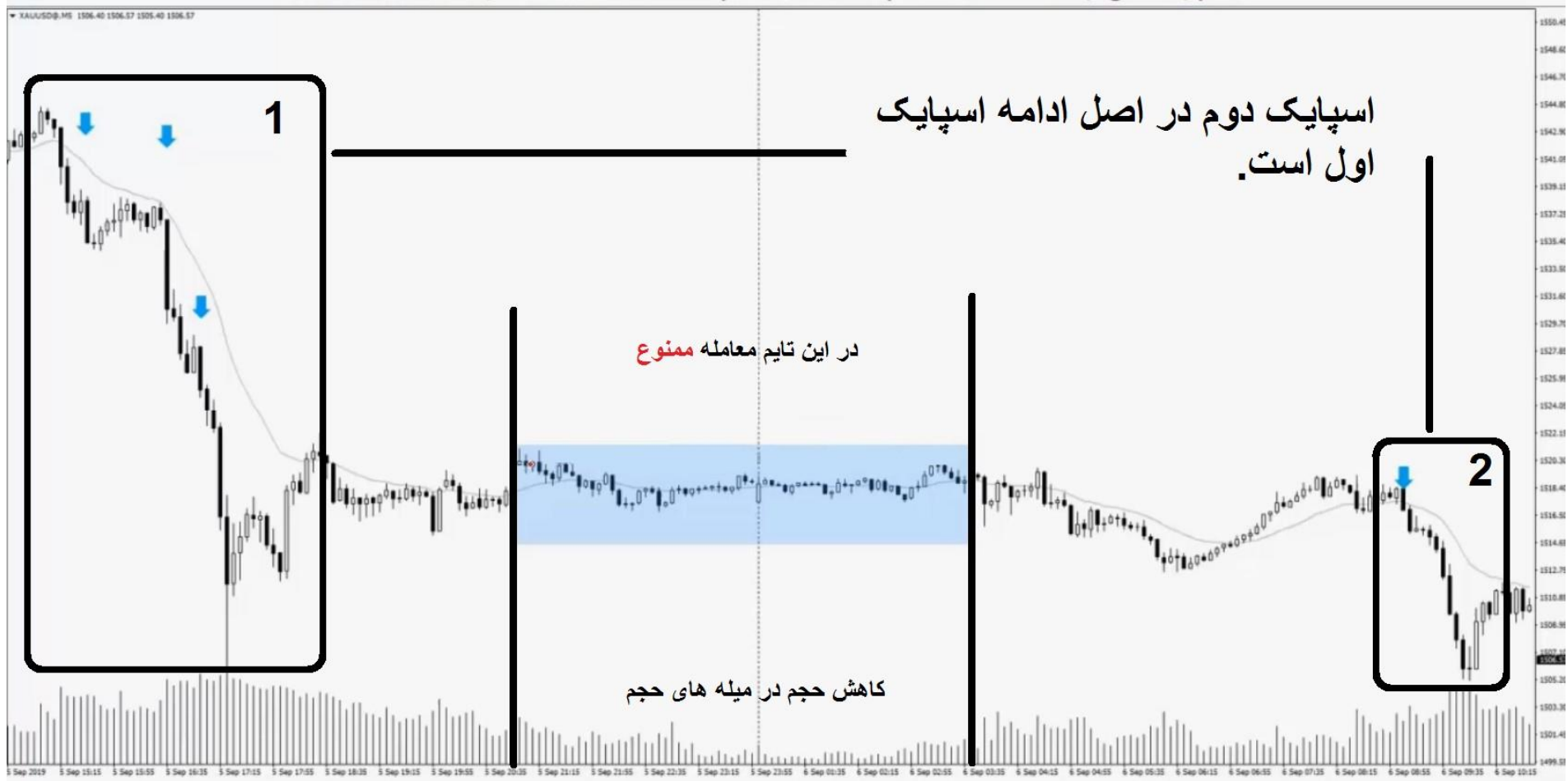
نکته ۴: پولبک می تواند کوچکتر از یک کندل باشد و یا شامل تعداد زیادی کندل باشد که بستگی به قدرت روند دارد.



در کندلی که با مستطیل آبی مشخص شده خواب باید دقت کنیم؛ چون هم پولبک داده و هم بدنه بزرگی دارد که از این کندل ها نتیجه میگیریم که روند دیگه تموم شده است، پس پولبک هایی که هم کف بالاتر هم، هم کف پایین تر از کندل های قبلی میزنن هم نشون دهنده پایان روند هستند حتمن کندل بعد از اینجور کندل ها رو باید نگاه کنیم تا از پایان یافتن روند مطمئن بشیم.

نکته ۵: یک پولبک می تواند با کانال یا اسپایک دیگر ادامه پیدا کند که اگر ایجاد شود قدرت زیادی دارد.

یک پولبک می تواند با کانال یا اسپایک دیگر ادامه پیدا کند که اگر ایجاد شود قدرت زیادی دارد



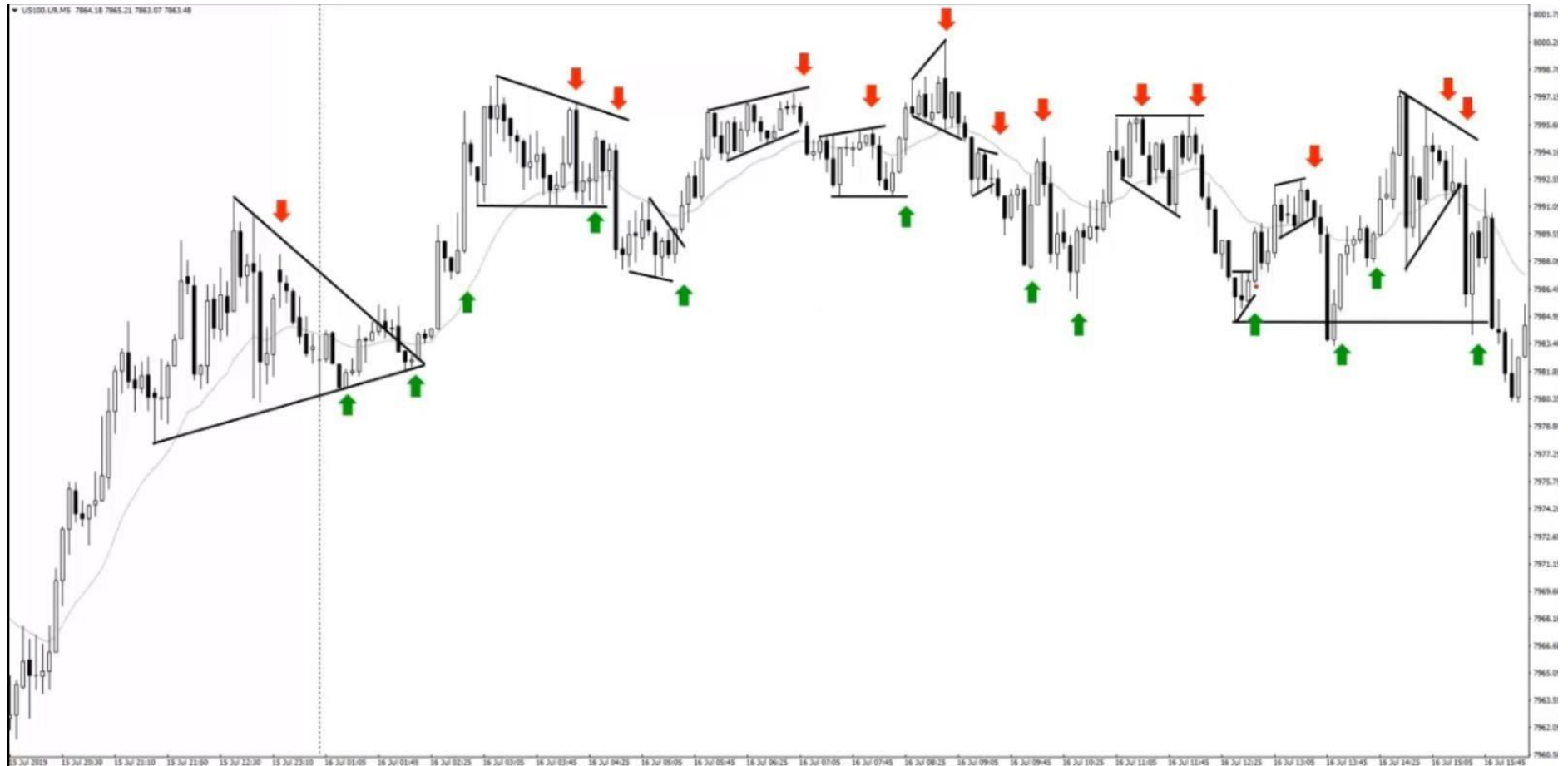
نکته: به هیچ وجه از ساعت 22 تا 2 شب معامله نکنید زیرا در این تایم از بازار حجم بسیار کمی در مارکت است و احتمال استاپ خوردن شما را افزایش میدهد.

نکته ۶: کمترین چیزی که برای یک کانال نزولی داریم تشکیل کف و سقف های پایین تر است (در روند های صعودی برعکس)



نکته خیلی مهم: اینکه روند یک سقف و کف پایین تر ثبت کند برای ما کافی است که بفهمیم روند در حال تغییر است.

* نکته ۷: زمانی که کانال ضعیف یا روند ضعیف اتفاق می افتد تعداد بسیار زیادی سویینگ ، مثل الگوها را می توانیم توی چارت مشاهده کنیم ؛ که شاید خطوط خطوط از هم جدا باشند اما تقریباً هنوز موازی هستند و رفتاری شبیه تریدینگ رنج خواهد داشت که در این زمان در هر دو سمت معامله می کنیم . برای نمونه وقتی چارتی مثل چارت پایین رو می بینیم می توانیم BLSH کنیم و در جاهایی که خط کشیده شده (کانال) معامله کنیم و سویینگ گیری هم تا حدی می توانیم بکنیم . در چارت پایین نقاطی که با فلش علامت گذاری شده می توانیم برای فست اسکالپ از این نقاط استفاده کنیم .



نکته ۸ : کانال های باریک شبیه بریک اوت هستند تا یک تریدینگ رنج . این کانال ها یک اسپایک در تایم فریم بالاتر هستند و باید باید تنها در جهت روند این کانال ها (در حالت صعودی فقط خرید و در حالت نزولی فقط فروش) معامله کنیم . تو چارت بالا دقیقه ۲۰:۳۰ مهم

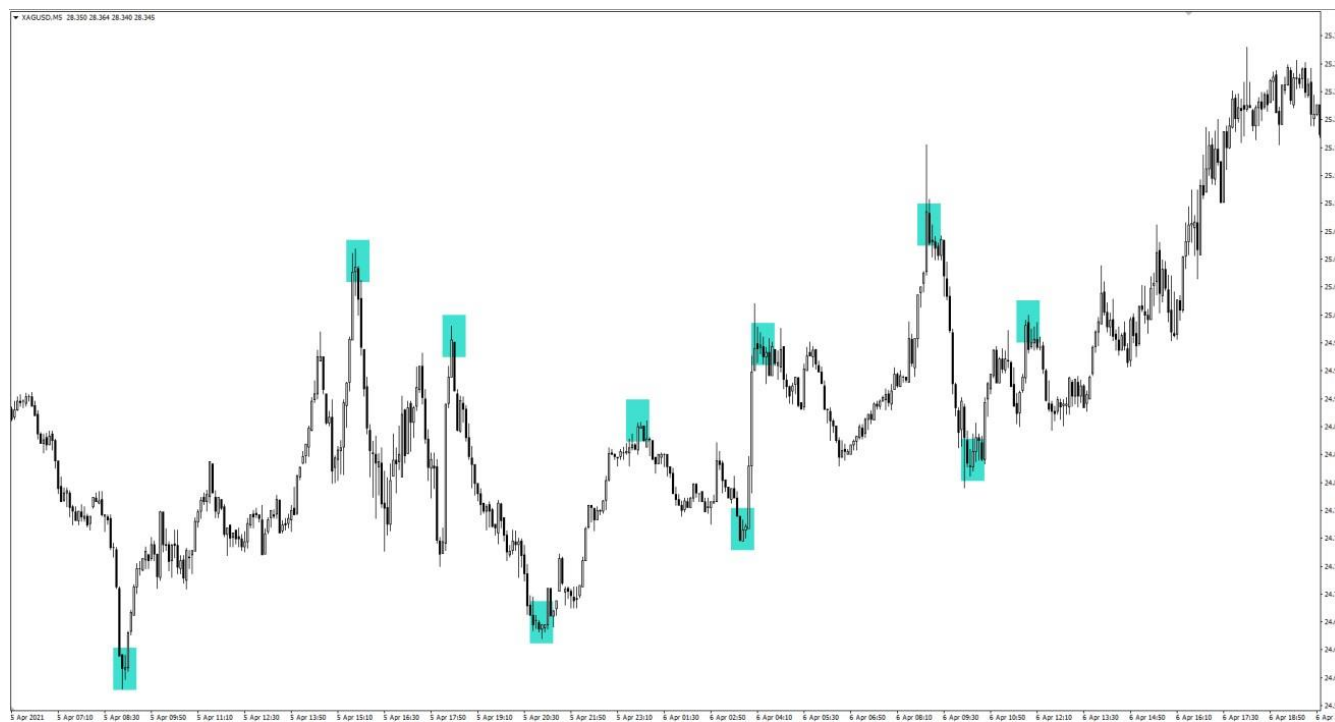


نکته ۹ : برای ورود به معامله عجله نکنید و صبر بعد از بسته شدن یک کندل خوب وارد معامله شوید.

نکته ۱۰ : کانال های قوی پولبک های کوچکی دارند و شدیداً یک طرفه هستند . در کانال های قوی فقط یک طرفه در جهت روند معامله می کنیم چون رفتار آن ها شبیه به اسپایک است .



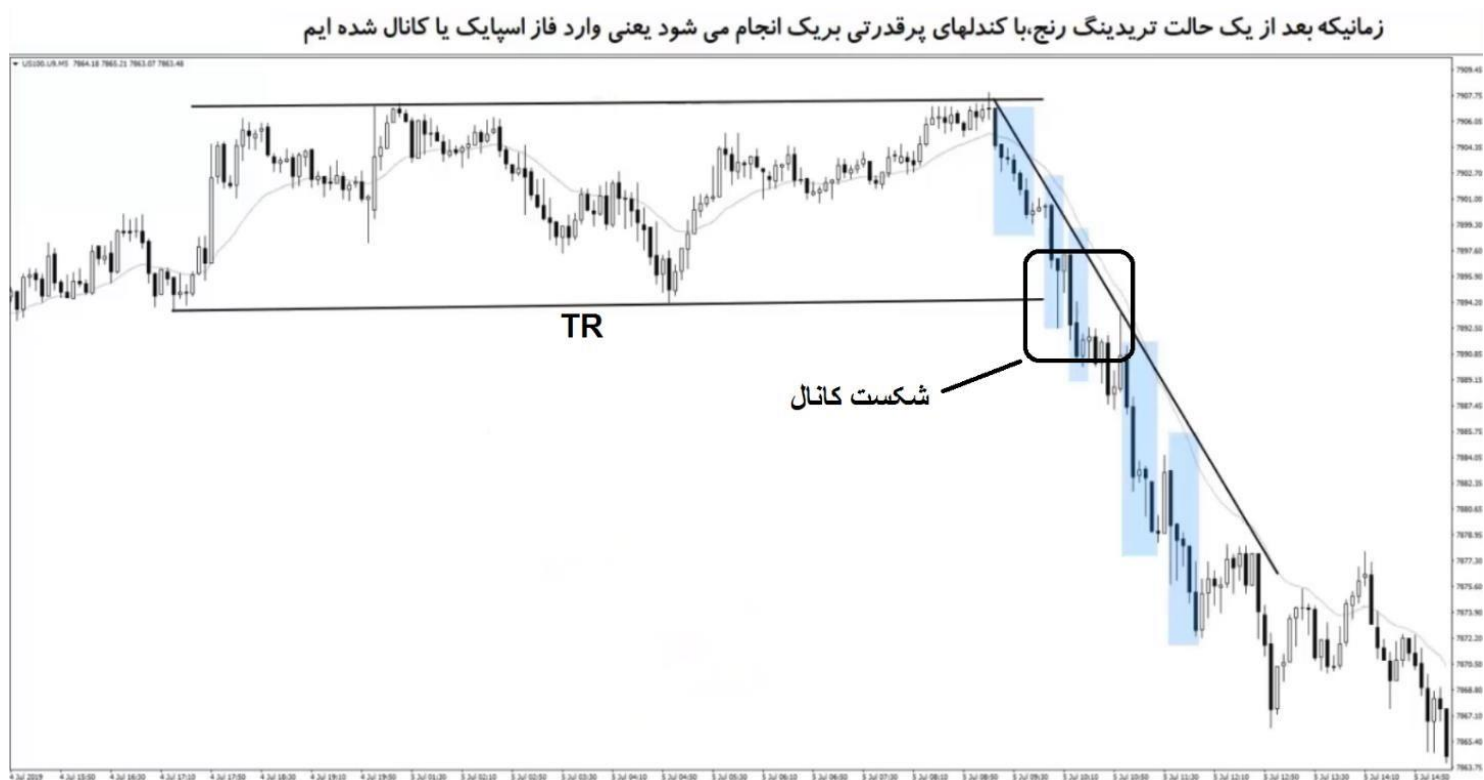
نکته ۱۱: در کانال‌های ضعیف دو طرفه معامله می‌کنیم چون رفتار آنها شبیه تریدینگ رنج است. در این تصویر سقف و کف کانال با خط و نقاط خرید با فلش سبز و نقاط فروش با فلش قرمز مشخص شده است.



نکته ۱۱: به کانالی کانال ضعیف می‌گوییم که:

- # کندل‌ها با یکدیگر اورلپ داشته باشند؛ یعنی تو دل هم دیده هستند.
- # بعد از کندل‌های روند دار، نتواند همان روند را ادامه دهد و ضعیف شود. مثلاً اگر کندل بزرگ زد نتونه همون رو بزنه و داجی میشه و...
- # کندل‌های زیادی با سایه در سقف باشد (در کانال صعودی)
- # کندل‌های زیادی بدنه نزولی داشته باشد (در کانال نزولی)
- # پولبک‌های آشکار و اغلب سوینگ‌های بزرگی داشته باشد.

نکته ۱۲: زمانی بعد از حالت تریدینگ رنج، با کندل‌های پر قدرتی بریک انجام می‌شود یعنی وارد فاز اسپایک یا کانال شده ایم. (تصویر پایین)



توجه داشته باشیم که بعد از هر بار فلت شدن یک بار کانال را بکشیم . (extend کردن یا گسترش کانال)



در نهایت به این سوال می رسیم که چرا معامله با کانال ها دشوار است ؟؟؟ چون :

- # عدم قطعیت در آن ها بالاست
- # ریوارد می تواند کمتر از ریسک شود
- # همیشه در تلاش برای برگشت قیمت هستند
- # بعضی وقت ها روند سرعت پیدا می کند (بریک اوت صعودی از بالای کانال صعودی انجام می دهد ؛ بریک اوت نزولی از پایین کانال نزولی انجام می دهد .
- در کل کانال ها رو صرف با دیدن کانال وارد معامله نمی شیم و حتمن موارد دیگه رو هم بررسی می کنیم و بعد در کنار کانال ها می تونیم معاملاتمون رو انجام بدیم .



کانال همیشه در جهت اسپایک هست ، همیشه اگر خلاف جهت اون باشه یعنی داره الگوی فلگ اسپایک رو میسازه و اون اصلا کانال نیست و احتمال خیلی زیاد منتظر لگ دوم اسپایک .

نکته دوم : توی کانال وقتی لبه کانال می شکنه یعنی وارد تریدینگ رنج شدیم . (چه توی کانال ها چه توی تریدینگ رنج ها تک تک لگ های قیمتی و لگ های هم اندازه برامون ایجاد موقعیت می کنن .)

در این قسمت میخواهیم درباره ی تحلیل فاندامنتال و نرخ های اقتصادی صحبت کنیم و ببینیم نرخ های اقتصادی دقیقاً چی هستند. و حدود پانزده نرخ اقتصادی را بررسی میکنیم که باعث میشوند قیمت خیلی تغییر کند و **منجر به حرکت اسپایک شود.**

نکته : ما پرایس اکشن کار حرفه ای هستیم و هنر ما در این است که بدون اینکه بدانیم قرار است چه اتفاقاتی از نظر فاندامنتال در بازار بیافتد تنها با دیدن تیک به تیک، کندل به کندل قیمت بتوانیم ذهن خوانی معامله گر هایی که در بانک نشسته اند را انجام دهیم و از نظر ما ، نیاز نیست که بیاییم حتما نرخ های اقتصادی را دنبال کنیم اما دانستن آنها میتواند کمک زیادی به ما کند.

نرخ های اقتصادی شامل:

۱- نرخ هایی که تاثیر بسیار زیادی دارند **High impact expected**

نرخ هایی که تاثیر بسیار زیادی دارند در سایت فارکس فکتوری قرمز هستند و تاثیر مثبت منفی بسیار زیادی می گذارند اگر نسبت به نرخ قبلی خیلی تغییر داشته باشد.

۲- نرخ هایی که تاثیر متوسطی دارند **medium impact expected**

نرخ هایی که تاثیر متوسطی دارند در سایت فارکس فکتوری نارنجی هستند و نوسان ایجاد میکنند.

۳- نرخ هایی که تاثیر کمی دارند. **Low imoact expected**

نرخ هایی که تاثیر کمی دارند در سایت فارکس فکتوری زرد هستند و بیشتر خاصیت اطلاع رسانی دارند.

۴- نرخ های غیر اقتصادی. **Non economic**

غیر اقتصادی ها خاکستری هستند و معمولاً نشان میدهند که بانک ها در فلان روز تعطیل هستند.

نکته : مهم ترین سایت برای پیگیری اخبار اقتصاد سایت **forexfactory.com** است که در قسمت وب سایت های مهم اوایل این دوره معرفی کردیم .

FOREX FACTORY

Online Now
 18,978 Traders
 2,436 Members
 19 High Impact
 106 w/ Trade Explorers
 10 w/ Posted Systems

It's how smart traders find a broker.
 Visit the [Forex Factory Broker Guide](#)

FOREX FACTORY

Scanner

	EUR/USD	GBP/USD	USD/JPY	USD/CHF	USD/CAD	AUD/USD	NZD/USD	GBP/JPY
Bid	1.0557	1.2269	135.814	0.9324	1.3612	0.6785	0.6402	166.631
Chart: Last 6 hr								
Pip Chg: 6 hr	-21	9	-31	-12	22	1	2	-26
% Chg: 6 hr	-0.20%	0.07%	-0.23%	-0.13%	0.16%	0.02%	0.03%	-0.16%

Today: Dec 9

Expected Impact (all, none)

Event Types (all, none)
 Growth Housing
 Inflation Consumer Surveys
 Employment Business Surveys
 Central Bank Speeches
 Bonds Misc

Currencies (all, none)
 AUD
 CAD
 CHF
 CNY
 EUR
 GBP
 JPY
 NZD
 USD

Apply Filter Cancel

اخبار مهم رو هر روز از این قسمت چک می کنیم

Date	6:54am	Currency	Impact	Detail	Actual	Forecast	Previous	Graph
Fri Dec 9	4:30am	GBP	📦	Consumer Inflation Expectations	4.8%		4.9%	
	8:30am	CAD	📦	Capacity Utilization Rate		82.2%	83.8%	
		USD	📦	Core PPI m/m		0.2%	0.0%	
		USD	📦	PPI m/m		0.2%	0.2%	
	10:00am	USD	📦	Prelim UoM Consumer Sentiment		56.9	56.8	
		USD	📦	Prelim UoM Inflation Expectations			4.9%	
		USD	📦	Final Wholesale Inventories m/m		0.8%	0.8%	

More

GDP تولید ناخالص داخلی

یکی از مهم ترین اخبار اقتصادی موجود در هر کشوری GDP است و تولید و رشد ناخالص هر کشور را نشان می دهد و ه م میتواند تاثیر کوتاه مدت و بلند مدت داشته باشد. این نرخ بیشتر از نرخ بهره و نرخ تورم تاثیر می گیرد و معمولا بخواهند یک کشوری را بررسی کنند می آیند با GDP آن را می سنجند.

نکته: m/m در کنار نرخ های اقتصادی نشان دهنده این است که ماهیانه آن نرخ اعلام میشود.

اگر تولید ناخالصی داخلی GDP بالا باشد این یعنی اینکه در آن کشور کار ایجاد میشود و اگر کار ایجاد شود چون رشد اقتصادی اتفاق می افتد، تورم کاهش میابد ، رکود کمتر میشود و مردمان آن کشور به یویایی و آرامش اقتصادی میرسند و برای ارز آن مملکت خیلی خوب است و کلا شاخص ها را رشد میدهد و یکی از مهم ترین نرخ های اقتصادی است.

Federal Funds Rate نرخ بودجه فدرال یا همان نرخ بهره

فدرال ریزرو در هر سال حدود هشت بار این نرخ را اعلام میکند و از طریق این شاخص سیاست های پولی خود را به کشور ابلاغ می کند و از این طریق می توانید در جریان وضعیت اقتصاد پولی آن کشور قرار بگیرید. جابه جایی نرخ بهره تاثیر بسیار زیادی روی بازارهای اوراق قرضه، بازار ارز، وام ها و... دارد. **این خبر مشخص میکند هزینه های دریافت و پرداخت سرمایه چگونه باشد.**

درسته که نرخ مهم است اما اینکه آقای پاول چه میگوید نیز مهم است و از لحن صحبت و جملاتش میتوان تقریباً پی برد که آیا سیاست های بعدی هم کاهش نرخ بهره یا افزایش نرخ بهره است یا اینکه نرخ بهره همینطور می خواهد بماند.

نکته ۱: نرخ بهره این دید را به ما میدهد که در بلند مدت میخواهد چه اتفاقی بیفتد و ما میتوانیم روی آن پوزیشن بگیریم و یک جورایی ذهن خوانی کنیم و خودمان را برای ماه های آینده آماده کنیم. در بازارهای جهانی چیزی به نام رانت خبری وجود ندارد اما خبر پیشخور میشود و این پیشخور شدن بخاطر رانت اقتصادی نیست بخاطر اینکه آنها یک علم خوبی از نظر فاندامننتال و تکنیکال دارند و میتوانند به درستی پیش بینی های خود را انجام دهند.

Balance Of Trade تراز تجاری

با توجه به اینکه این تراز در سایت فارکس فکتوری medium آورده شده است ما میدانیم که مهم ترین بحث رنی تغییرات طلا و بحث ریسک گریزی و ریسک پذیری مربوط به بحث تراز تجاری است.

نکته ۱: این شاخص یک مشکلی دارد آن هم این است که با اینکه این شاخص خیلی مهم است ولی قابل پیشبینی نیست چون شما نمیتوانید ارزش پولی یک شاخص بفهمید. برای همین ما صبر میکنیم و بعد از اعلام این نرخ تصمیم میگیریم.

نکته ۲: این نرخ به صورت ماهیانه اعلام میشود.

Current Account تراز حساب های جاری

در این نرخ جریان پولی را میسنجند یعنی آن مقدار وامی که کشوری به کشور دیگر داده است یا گرفته است سنجیده میشود.

نکته: کل پولی که به یک کشور داده میشود را با تراز های تجاری میسنجند.

حالا اگر یک کشوری بیايد نرخ بهره اش را افزایش دهد چه میشود؟ معلوم است که همه سرمایه ها به سمت آن میروند اما این مستلزم این است که آن کشور در سطح یک جهانی اقتصادش اقتصاد پایدار باشد.

تغییرات نرخ بیکاری بخش غیر کشاورزی Non-farm Employment Change یا به اختصار NFP

این نرخ، اختلاف افرادی که در یکماه گذشته در بخش غیرکشاورزی بیکار شده اند را با افرادی که کار بدست آورده اند را بدست میآورد و اعلام میکند. مثبت بودن این نرخ خیلی خوب است اما اگر این نرخ مدام رشد کند تورم ایجاد میشود چون افزایش این نرخ به معنای این است که همه میروند سر کار و پول دستشان است و هر چیزی که میخواهند میخرند و این هم باعث تورم میشود پس در اینجا باید کنترل شود. حالا اگر این نرخ خیلی منفی شود خوب نیست چون رکود داریم وضعیت خراب است و افراد بیکار در جامعه زیاد میشوند نرخ در بیکاری بین ۴ تا ۷ درصد است.

این نرخ یک خبر مهم است و تغییرات سنگینی ایجاد میکند.

نکته: یک پرایس اکشن کار نیازی به پیگیری نرخ های اقتصادی ندارد و فقط برایش این کافی است بدانند اوضاع کلی آن کشوری که در حال کارکردنش است در چه وضعیتی است.

Unemployment Rate نرخ بیکاری

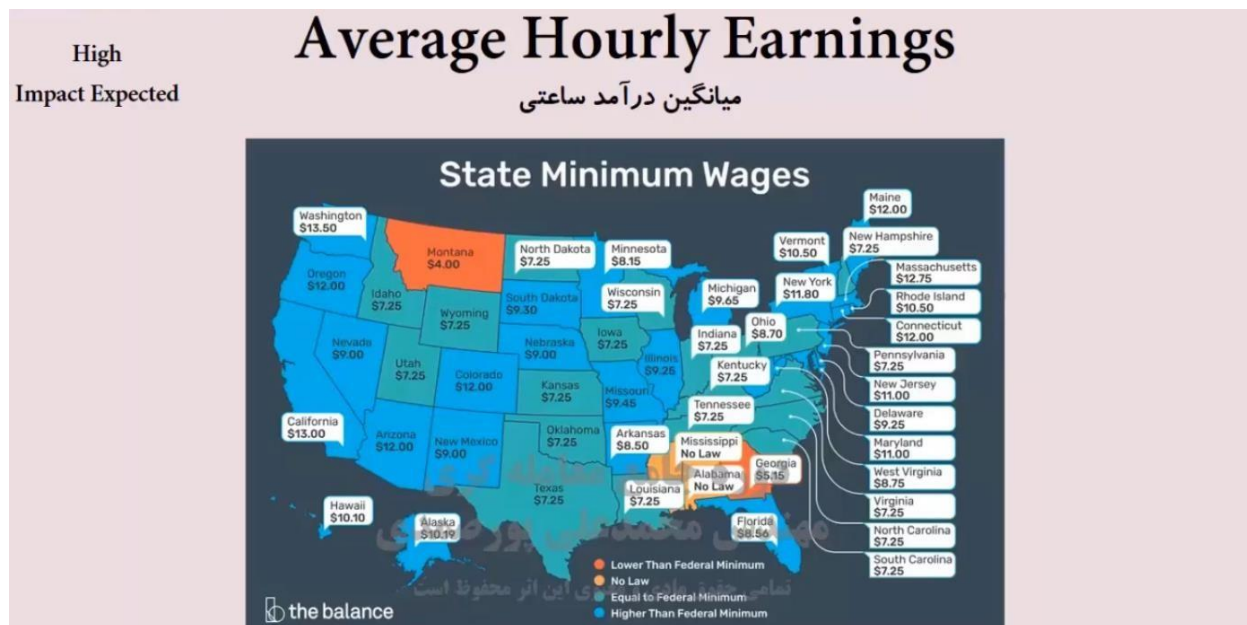
درست است که NFP اعلام میشد اما NFP بیشتر اثراتش کوتاه مدت است. نرخ محدوده درست در بیکاری بین ۵.۳ تا ۵.۶ است حدودا و باید در این محدوده باشد چون وقتی نرخ بیکاری بیاید زیر ۵.۳ کمبود نیروی کار ایجاد میشود و این کمبود نیروی کار باعث میشود کسی سر جای خود کار نمیکند (این اتفاق در ایران خیلی می افتد. شاخص NFP نرخ بیکاری را از دل مردم بررسی میکند اما نرخ بیکاری از درون بنگاه ها و تولید کننده ها این نرخ را میکشد بیرون پس این نرخ برای انجام این کار قابل اتکاتر است.

نکته: ما یک unemployment Rate و یک unemployment clean داریم.

این نرخ (unemployment clean) به معنای ادعای بیکاری است یعنی فرد درون جامعه هنوز بیکار بودنش مشخص نشده و دارد یجورایی ادعای بیکاری میکند و تاثیر کمتری نسبت به (unemployment Rate) دارد و معمولا باهم میآیند.

Average Hourly Earnings میانگین درآمد ساعتی

میانگین درآمد ساعتی دستمزدها و رفاه مردم را میسنجد و هرچه افزایش پیدا کند خوب است اما این هم تورم ایجاد میکند چون اگر همه درامدشان خوب باشد پول خرج میکنند و این باعث میشود تورم ایجاد شود.



Consumer Confidence Index ضریب اطمینان مصرف کننده

این یک شاخصی است که اقتصاد را ارزیابی میکند که شرایط کسب و کار ، اشتغال ، درآمد شخصی و... یکجورایی ضریب اطمینان را میسنجد که مصرف کننده وقتی از شرایط اقتصادی اطمینان دارد و به نسبت شرایط اقتصادی راضی است ، بیشتر مصرف میکند و این مصرف گرایی یکسری داستان دارد که باید آن را هم بررسی کنیم.

فدرال ریزرو وقتی که میخواهد نرخ بهره را اعلام کند CCI را خیلی بررسی میکند. وقتی ضریب مصرف کننده خوب باشد یعنی مصرف کننده راضی است از وضعیت موجود ، و وقتی خانوارها از وضعیت راضی باشند پولشان یا به سمت بانک یا بازار سرمایه میرود.

چگونه CCI سنجیده میشود؟ به تعداد زیادی از افراد به صورت تصادفی تماس میگیرند و ارتباط برقرار میکنند و از آن ها سوال میکنند که از شرایط فعلی اقتصادی راضی هستید؟ و انتظارتان از آینده چیست ؟ اگر این افراد ناراضی باشند میفهمند که در اقتصاد باید یکسری تغییرات داشته باشند و طبق آن برنامه های آینده خود را میچینند.

High
Impact Expected

Consumer Confidence Index

ضریب اطمینان مصرف کننده



Consumer Price Index (CPI) شاخص قیمت مصرف کننده

این شاخص تورم را میسنجد و خیلی مهم است.

این شاخص در هشت قسمت قیمت مصرف کننده را میسنجد مانند آموزش ، بهداشت ، مسکن، پوشاک و... که معمولا حدود دویست کالا میشود که تورم را با آن میسنجند. اگر نرخ این شاخص منفی باشد نشان دهنده این است که قدرت خرید مردم کم شده و مردم پولی ندارند چیزی بخرند و باید بروند روی تورم کار بکنند تا بتوانند این را درست کنند.

در اثر افزایش تورم هم نرخ بهره را دستکاری میکنند. در اصل CPI با نرخ بهره ارتباط برقرار میکند پس CPI میتواند نرخ بهره را تحت تاثیر قرار دهد.

Retail Sale خرده فروشی

این شاخص میگوید که نرخ فروش کالاهایی که دارد به مصرف کننده ها داده می شود چقدر است و اینکه چقدر بین مصرف کننده و تقاضا کننده ارتباط است و دارند باهم مرادده میکنند. ارتباطی که بین بخش های بنگاه های اقتصادی و خانواده ها وجود دارد را می سنجد و یک خبر خیلی مهم است چون هزینه های نهایی مصرف کننده ها را میسنجد که چه هزینه هایی دارند.

Ism Manufacturing PMI شاخص صنعتی مدیران

این شاخص وضعیت صنعتی که ه آن کشور دارد را میسنجد. حالا چگونه میسنجد؟ مثلاً با چهارصد تا بنگاه اقتصادی نظرسنجی میکنند. در دولت های اروپایی ، دولت به طور مداوم دارد با مردم مرادده میکند و به اصطلاح دولت نوکر مردم است و به نظرات مردم کشورشان احترام میگذارند.

هرچه PMI مثبت باشد ارزش دلار بالا میرود چون ارزش بنگاه اقتصادی را تعیین میکند و این یعنی وضعیت این بنگاهها خوب است. هرچه این شاخص برود بالای پنجاه وضعیت درست و خوب است و هرچه بیاید زیر پنجاه وضعیت اقتصادی خوب نیست. این نرخ همراه اعلام میشود.

Chicago PMI شاخص مدیران خرید شیکاگو

شیکاگو PMI مثل ICM است البته برای دولت شیکاگو به صورت جداگانه و ماهانه بررسی میشود که سه ایالتهای بررسی میشوند.

Producer Price Index شاخص تورم قیمت تولید کننده

تغییراتی که در هزینه های تولید کردن کالاها است را بررسی میکنند

Durable Goods Orders شاخص سفارش کالاها با دوام

کالاهاهایی که بالاتر از سه سال عمر با دوام داشته باشند مثل لباسشویی ، تلویزیون ، یخچال و... از طریق این کالاها میسنجد که آیا مردم پول دارند که این کالاها را بخرند؟ و این نرخ ارتباط بین خریدار و فروشنده را نیز بررسی میکند.

حالا در کشورهایی که GDP بالایی دارند این شاخص بالا میرود تولید هم بالا میرود چون خریدار وجود دارد اما در ایران تولید نداریم بنابراین واردات زیاد میشود و با افزایش واردات تراز تجاری پایین میاید همه چیز به هم میریزد.

Durable Goods Orders

Medium
Impact Expected

شاخص سفارش کالاهای بادوام



Building Permits پروانه و مجوز ساخت خانه های نوساز

وقتی یک کشوری میخواهد توسعه پیدا کند اولین کاری که باید بکند این است که در بحث مسکن آن کشور رونق پیدا کند اینکه اگر بخواهیم اخبار مسکنی را بسنجیم باید ببینیم رونق هست ببینیم که آیا مردم خانه میسازند، آیا پروانه مجوز ساخت برای آن کار دریافت میکنند یا خیر.

این نرخ جزو اخبار مهم در بحث مسکن ارائه میشود و یک جورایی رونق اقتصادی را میتوانیم بر اساس این نرخ بسنجیم یا زودتر بسنجیم یعنی وقتی این شاخص خراب میشود پی ببریم که آن سرمایه گذار پول ندارد برود ساخت و ساز کند و وقتی آن پول نداشته باشد وضع کشور دارد به هم میریزد پس میایند یک تغییراتی ایجاد میکنند تا این شاخص رشد کند و با رشد آن شاخص بخش مسکن رونق پیدا میکند. خوب ما میدانیم که هزینه ساخت و ساز در آمریکا بالا است پس وقتی که این شاخص رشد کند نشان دهنده این است که سرمایه گذار پول تزریق میکند. وقتی رکود اقتصادی است رکود ساخت و ساز هم هست.

ما خیلی زودتر میتوانیم بفهمیم با این شاخص که داریم از دوران رکود خارج میشویم وقتی این شاخص وضعیتش دارد خوب میشود به این پی میبریم که سرمایه گذارها دارند کم کم سرمایه گذاری میکنند.



هر بی‌زیبایی در هر صنف و هر رشته ریسک مخصوص خودش رو داره که بازارهای مالی ریسک به مراتب کمتری نسبت به بقیه ریسک‌ها وجود دارند که مهمترین هاش می‌تونیم به موارد زیر اشاره کنیم:

۱- **ریسک به ازای هر معامله:** یعنی ما وارد هر معامله‌ای که می‌شویم یک ریسکی را داریم تحمل میکنیم حالا 1%، 2%، 3% به ازای آن سرمایه‌ای که وارد بازار می‌کنید این میشود ریسک به ازای هر معامله، که میتواند برای هر فرد متفاوت باشد.

اما در متدی که ما با آن کار میکنیم به هیچ عنوان بالای 2% بالاتر نخواهد رفت چون اگر بخواهید این ریسک را بالاتر از این مقدار ببرید قطعا به مشکل میخورید. زیرا اگر با ریسک 5% تنها 5 معامله ضرر کنید، به راحتی 25% از حسابتان از دست میرود!!

۲- **ریسک ورود به بازارهای مالی:** وارد شدن به بازارهای مالی یک نوع پذیرش ریسک است اما این ریسک ورود به بازارهای مالی شاید در کشورهای توسعه یافته خیلی معنی پیدا کند؛ اما در کشوری مثل ایران معنی پیدا نمیکند چرا؟

چون شما پولتان را در بانک می‌زاید ۳۰ درصد از آن پول سال دیگر ارزش ندارد؛ شما اگر ۱۰ میلیون پول داشته باشید سال دیگر این پول ۷ میلیون می‌ارزد پس شما می‌توانید بیایید ۳ میلیون از این پول ریسک کنید چون اگر این کار را نکنید سال دیگر این پول هیچ ارزشی ندارد و در ایران این ریسک ورود به بازارهای مالی بی‌معنی است.

۳- **ریسک به ازای کل سرمایه**

یک زمانی است که فردی قوانین مدیریت سرمایه را رعایت نمیکند و فول مارجین وارد معامله می‌شود در اینجا کل سرمایه درگیر است و امکان دارد کل سرمایه از بین برود پس اگر یک نفر فول مارجین وارد معامله شد نباید از اینکه کل سرمایه اش را از دست بدهد ناراحت شود چون مدیریت سرمایه را رعایت نکرده و ریسک آن را پذیرفته است.

۴- **ریسک کمبود نقدینگی**

این ریسک شاید در بورس‌های کوچک مثل بورس ایران اتفاق بیفتد مثال: شما یک سهمی را خریدید این سهام به اندازه کافی بالا میرود و اینجاست که همه فروشنده میشوند و در صف فروش قرار میگیرند و در نهایت باعث میشوند بازار قیمت‌های پایین‌تر را ببیند و منجر به ضرر فروشندگان شود.

۵- **ریسک باز گذاشتن معاملات برای روز بعد؛ سعی کنید هیچ وقت معامله‌تان برای روز بعد باز نباشد مخصوصا آنهایی که ریسک بالایی دارند.**

۶- **ریسک باز گذاشتن معاملات برای روز دوشنبه**

اگر حد ضررتان معقول است برای باز گذاشتن معامله عیبی ندارد اما اگر حد ضررتان خیلی نزدیک است و امکان دارد با گپ دیده نشود یعنی قیمت استاپ شما را رد کند و بعد از آن شروع به حرکت کند مثلا استاپ شما ۲۰ واحد است اما امکان دارد آن سهم یا شاخص با گپ ۰.۸ واحدی باز شود و شما در اینجا ۴۰ واحد جدا از استاپتان در ضررید به همین دلیل سعی کنید آخر هفته معاملاتی پوزیشن‌های خود را ببندید.

۷- **ریسک همکاری با کارگزاری مناسب**

در ایران چون جامعه تریدر های فارکس حمایتی از طرف دولت نمی شوند کارگزاری ها با ایرانی هرطور که می خواهند رفتار میکنند و محدودیت هایی برای این جامعه در پی دارد به همین دلیل کارگزاریها نامناسب نیز نوعی ریسک است.

۸- ریسک نوسانات شاخص

یک شاخصی مثل داو جونز که روزانه ۴۰۰ واحد تغییرات دارد یا مثلا یورو دلار ۱۰۰ واحد تغییرات دارد یا مثلا طلا ۲۰۰ واحد تغییرات دارد خوب اینجا مشخص است که داو جونز ریسکش به نسبت ارزهای دیگر بالاتر است چون نوسان بیشتری دارد.

۹- **ریسک روانی**: وقتی ما به متد های روانشناسی، مدیریت سرمایه و متدهای مدیریت روانمان مسلط نباشیم، نمی توانیم سود آور باشیم. این متدها کاملا اکتسابی هستند و می توانید آن ها را فرا بگیرید، اما جز ریسک ها قرار میگیرد برای افراد آماتور چون یکفرد آماتور نمیتواند به خوبی از نظر روانی خودش را مدیریت کنند چون تازه کار هستند.

۱۰- ریسک تورم داخلی

اگر پولتان را سرمایه گذاری نکنید و با خود نگه دارید، هر ساله پولتان ۳۰ درصد و حتی بیشتر ارزش خود را از دست میدهد. مطمئن باشید این مجموعه ویدیویی مدیریت سرمایه و مدیریت ریسک، شما تکنیک هایی یاد خواهید گرفت که با آنها، سخت است که پول از دست بدهید و این را بدانید که همه این ریسک ها را میتوان کنترل کرد.

***** در کل این بازار نسبت به خیلی از چیزها کمترین ریسک رو داره مثلا اگر مغازه ای برای یک حرفه ای بخواهیم ایجاد کنیم با ده ها ریسک مواجه میشیم که می تونیم به : هزینه های آب ، برق ، گاز ، تلفن ، مالیات ، مجوز ، بیمه ، اجاره ، کارمند و از همه مهمتر مشتری ، تبلیغات و ده ها مورد دیگه توی اشاره کنیم .**

در کل این بازار برای ما ایرانی ها با توجه به نوع ریسک هاش کاملا بدون ریسکه چون هر سال کلی از ارزش پولمون رو از دست می دیم و برای در امان موندن از این موضوع چاره ای جز کار با سایر ارزها نداریم؛ عملا با توجه به این موضوع ورود به بازار های جهانی برامون ————— دون ریسکه .

ویدیو ۳۳: مدیریت سرمایه - انواع ریسک کردن Money Management(Part2)-Risk Calculate

به طور کلی ما میتونیم با حجم های مختلف وارد معامله بشیم که مهمترین و پرکاربردترینشون ۶ تاست ولی ما فقط و فقط و فقط از یک موردش برای همیشه استفاده می کنیم .

۱- معامله با حجم معاملاتی ثابت برای بدست آوردن واحد تغییرات قیمت

با استفاده از این روش میایم سودمون رو از تغییرات واحد قیمتی بدست میاریم، مثلا روی شاخص طلا میخایم تو هر هفته ۵۰۰ پیپ بکشیم بیرون. از مهمترین معایب این روش: سود با مقدار جابجایی عوض میشه، احتمال موفقیت خیلی کمه، نیاز به ریسک به ریوارد خیلی بالا، حتمن باید معاملاتمون سوینگ باشه و در نهایت بار روانی خیلی زیاد این روش هست.

۲- اضافه کردن به حجم حین ورود به محدوده ضرر با حجم اولیه معامله (کاهش و افزایش میانگین)

از معایب این روش اگر مدیریت درستی انجام نشه بار روانی زیادی داره ، تغییر ریسک به ریوارد ، احتمال کال شدن در صورت افزایش بی رویه حجم ، ضررها بزرگتر از سود میشه .

۳- اضافه کردن به حجم حین ورود به محدوده ضرر با حجمی بیشتر از معامله اولیه (کاهش و افزایش میانگین)

معایب این روش به دلیل افزایش حجم ، احتمال کال شدن ، ضررها بزرگتر از سود ، تغییر ریسک به ریوارد ، بار روانی به دلیل افزایش حجم .

۴- افزایش حجم بعد از بسته شدن معامله ضرر ده (مارتینگل)

تو این روش وقتی معامله ای با ضرر بسته میشه ، میان با حجم ۲ برابر وارد میشن تا هم ضرر قبلی از بین بره و به سود برسیم .

معایب این روش مقدار حسابمون به سرعت شروع به کم شدن می کنه ، ریسک بالایی برای مقدار کمی از سود در حال انجامه ، بار روانی به شدت بالایی داره ، تنها در زمانی از سود آور بودن معامله آتی اطمینان داشت می توان از این روش استفاده کرد .

۵- افزایش حجم حین معامله سود ده (مارتینگل معکوس)

این روش فقط برای روندهای قدرتمند توصیه می شود ، درسته که نسبت ریسک به ریوارد بیشتر می شود ؛ اما معادله معامله گری بدرستی انجام نمی شه ، نقطه خروج با توجه به نوسانات با مشکل مواجه می شود .

۶- انجام معامله با مقدار ریسک درصد ثابت به ازای هر معامله . ما فقط از این روش استفاده می کنیم چون بهترین روش معاملاتی هست . تو این روش چن درصد ثابت ریسک داریم برای از بین رفتن حسابمون ، باید ۵۰ تا ۱۰۰ معامله پشت سر هم ضرر کنیم /:

* در این روش نمودار رشد سود آوریمون کاملا منطقیه ؛ ریسک زیادی متحمل نمی شیم در نتیجه انتظار سودهای خیلی زیاد هم نداریم . در کل توی بازار خیلی وقت ها پیش میاد که ۵ تا ۶ تا معامله پشت سر هم میشه ضرر ، این اتفاق می افته بعضی وقتها و ما باید از این اشتباهات درس بگیریم .

دقیقه ۳۶ به بعد میاد اکسل رو توضیح میده . میگه به ازای هر معامله نباید حجم ثابت باشه !

ویدیو ۳۴ : تریدینگ رنج ها پارت اول (Part1)-Trading Ranges (Part15) Price Action

نکته ۱ : همه تریدینگ رنج ها رو می تونیم به عنوان پولبک در نظر بگیریم . وقتی چندین کندل پشت سر هم پولبک مشاهده کردیم (چه پولبک نزولی و چه صعودی) مارکت سیگنال میده که داریم وارد تریدینگ رنج می شیم . تریدینگ رنج های کوچک ، یک پولبک در تایم فریم بالاتر هستند .

تریدینگ رنج های کوچک، یک پولبک در تایم فریم بالا هستند



وقتی قیمت در حال صعود است یک مکثی انجام می دهد طی مثلا 30 الی 40 کندل و بعد از آن یک لگ دیگر ایجاد می کند که این 30 الی 40 کندل یک محدوده تریدینگ رنج است.

نکته ۲: وقتی سایه ها در یک جهتی (مثلا سایه های پایینی کندل ها) زیاد می شوند سیگنال میدن که تلاش های نافرجام برای بریک اوت هستند.

نکته ۳: توی تریدینگ رنج ها اولین نقاط برگشتی قیمت رو خط حمایت مقاومت رسم می کنیم؛ همچنین می تونیم نصف عرض تریدینگ رنج اسـتاپ بزاریم

* نکته ۴: به پولبک های بزرگ تریدینگ رنج می گوییم؛ یا به پولبک های بی پایان تریدینگ رنج می گوییم. توی تریدینگ رنج ها وقتی میبینیم چارتمون خیلی ناواضحه معامله نکنیم و بهتره صبر کنیم و سیگنال بار و کی بار خوبی رو ببینیم. دقیقه ۷ و ۸ ویدیو خیلی مهم.

زمانی که توی تریدینگ رنج هستیم و کندل ها مرتب پولبک می زنن عملا برای ما سطوحی می سازن که خود اون ها می تونن سطوح PRZ یا ناحیه برگشتی باشن؛ و اگر سایه در ناحیه برگشتی بلند میشن یعنی نمی تونه اون سطح رو بشکنه و از همون سطح بر می گرده. در تریدینگ رنج ها اولین پولبک ها برامون مهم هستن و می تونن نقاط برگشتی باشن.



*** خاصیت آهنربایی یا مگنت یعنی وقتی قیمت یا کندل میخاد به سطوح مهم خودش برسه مثل بمب با کندل های پر قدرت میره ولی وقتی میرسه متوقف میشه .



* نکته ۳ : زمانی که پولبک ها خیلی رشد می کنند ، تاثیر و نفوذ روند قبلی که در آن بودیم از بین می رود ، مثلا در تصویر زیر یک روند صعودی رو داریم و می بینیم که بعد از اسپایک که تردینگ رنج شده عملا قدرت روند قبلی از دست رفته و شاهد روند خاصی نیستیم (حتی در این مواقع تعداد کندل های تردینگ رنج بیشتر از کندل های اسپایک هست ؛ **دقیقه ۱۳ ویدیو می بینیم که بازار شروع می کنه به سقف های پایین تر زدن به همراه سایه بالایی که این یعنی جهت بازار در حال عوض شده !**)

زمانیکه که پولبک ها خیلی رشد می کنند، تاثیر و نفوذ روند قبلی که در آن بودیم از بین می رود



نکته ۴: در پولبک ایجاد شده، بریک اوت می تواند در هر دو سمت اتفاق بیافتد و نهایتاً پولبک ها به تردینگ رنج تکامل پیدا کنند؛ مثلاً در پولک یک روند صعودی، معامله گر ها انتظار دارند که بریک اوت صعودی رخ دهد و صعود قیمت از سر گرفته شود؛ و———— همانطور که اشاره شد **وقتی پولبک بیش از ۲۰ کندل ادامه پیدا کند، روند صعودی عملاً در گذشته رخ داده و کم کم تاثیر خود را از دست می دهد؛** توضیح خودمونی اینه وقتی پولبک یک روندی میاد تبدیل به یک تردینگ رنج بلند میشه عملاً مثل چارت صفحه قبل قدرت روند هر لحظه بیشتر از دست می رود.

یعنی اینکه وقتی بازاری یک اسپایک صعودی و یک پولبک میزند، این پولبک نشان دهنده این است که قیمت دارد دو طرفه پولبک میزند و محدوده تردینگ رنج خود را می سازد.

معامله گرانی که در روند اسپایک وارد شدند با هر کندلی که در تردینگ رنج تشکیل میشود شک معامله گرها به تغییر این روند بیشتر میشود و کم کم سعی میکنند از بازار خارج شوند و همین مورد هم باعث میشود که بازار حالت تردینگ رنج بگیرد.

اما وقتی که پولبک در بیش از ۲۰ کندل ادامه پیدا کند، روند صعودی عملاً در گذشته رخ داده و کم کم تاثیر خود را از دست می دهد.



زمانی که معامله گرها از جهت روند اطمینان ندارند، از اصطلاح پولبک برای این اتفاق استفاده نمی کنند و آن را تریدینگ رنج می گویند. اگر پولبک زیاد شود به آن میگویند تریدینگ رنج درست این دو مانند هم هستند اما در لفظ عامه متفاوت است.

اگر پولبک مانند تصویر پایین صورت بگیرد احتمال ادامه روند بیشتر است.



نکته ۵: در تریدینگ رنج معامله گرها به دنبال بریک اوت هستند اما بعد از شروع روند با رسیدن به سقف و کف تریدینگ رنج، بریک اوت شکست می خورد.



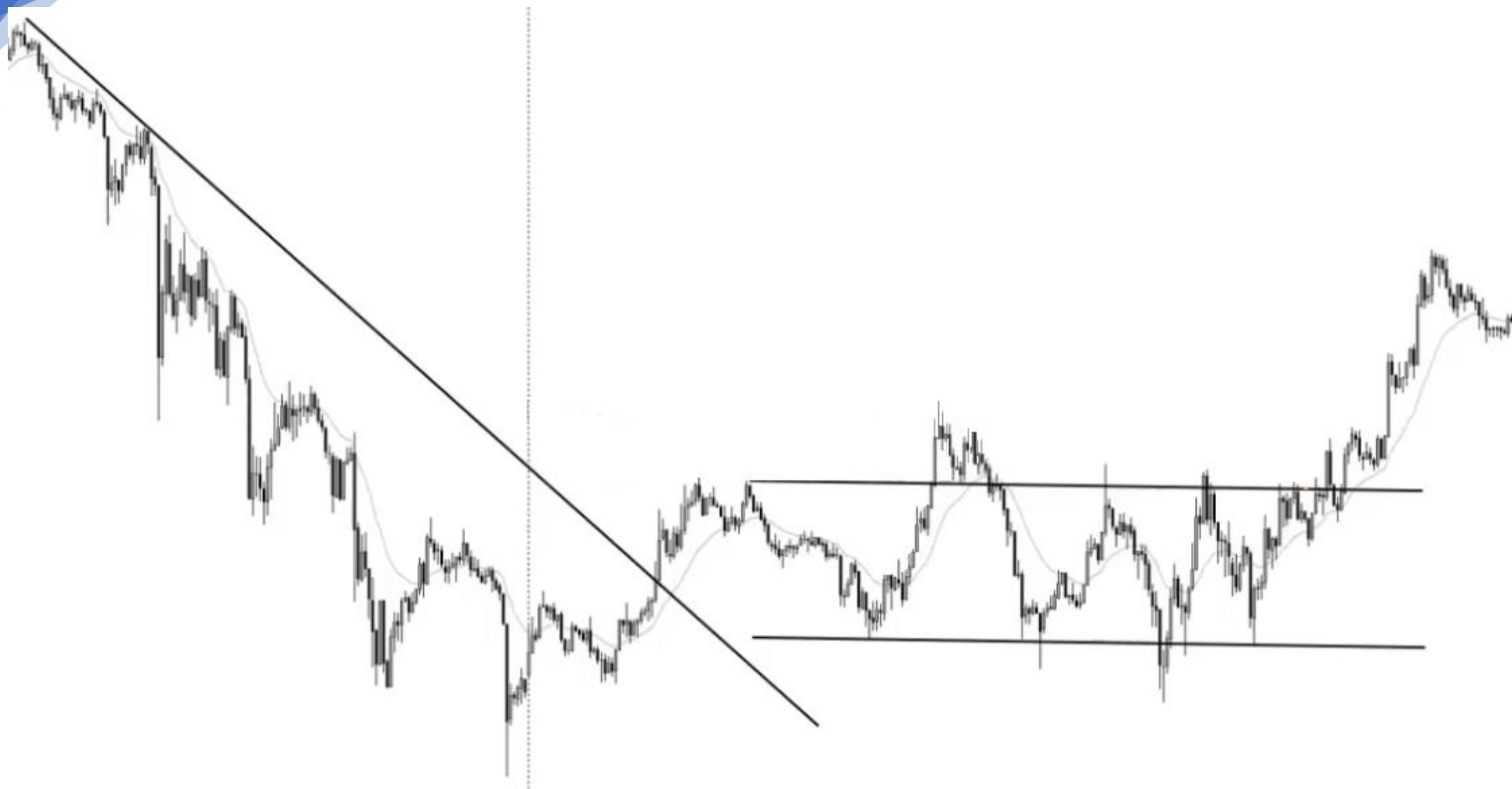
الان در تصویر بالا جایی که با مربع سبز مشخص شده می توانیم وارد پوزیشن بشیم به چهار دلیل عالی: ۱- سیگنال بار و کی بار خوبی می بینیم، ۲- حمله آخر و ناموفق به سطح قبلی داریم، ۳- کلی سایه پایینی داریم که نشون دهنده تلاش ناموفق فروشنده ها برای شکستن سطح و فشار خریدارها برای برگشت روند هست.

نکته ۶: معامله گرهای مبتدی با دیدن فشار خرید و فروش، وارد پوزیشن در جهت فشار می شوند؛ اما معامله گرهای حرفه ای با رسیدن به سقف و کف تریدینگ رنج در جهت مخالف آن وارد پوزیشن می شوند.

نکته ۷: اغلب تریدینگ رنج ها هر دو روند صعودی و نزولی خود را دارند و همین علت هم معامله یک طرفه در تریدینگ رنج شکست می خورد. نحوه کارهم اینگونه است که سقف و کف را مشخص میکنیم و در این نواحی معامله میکنیم.

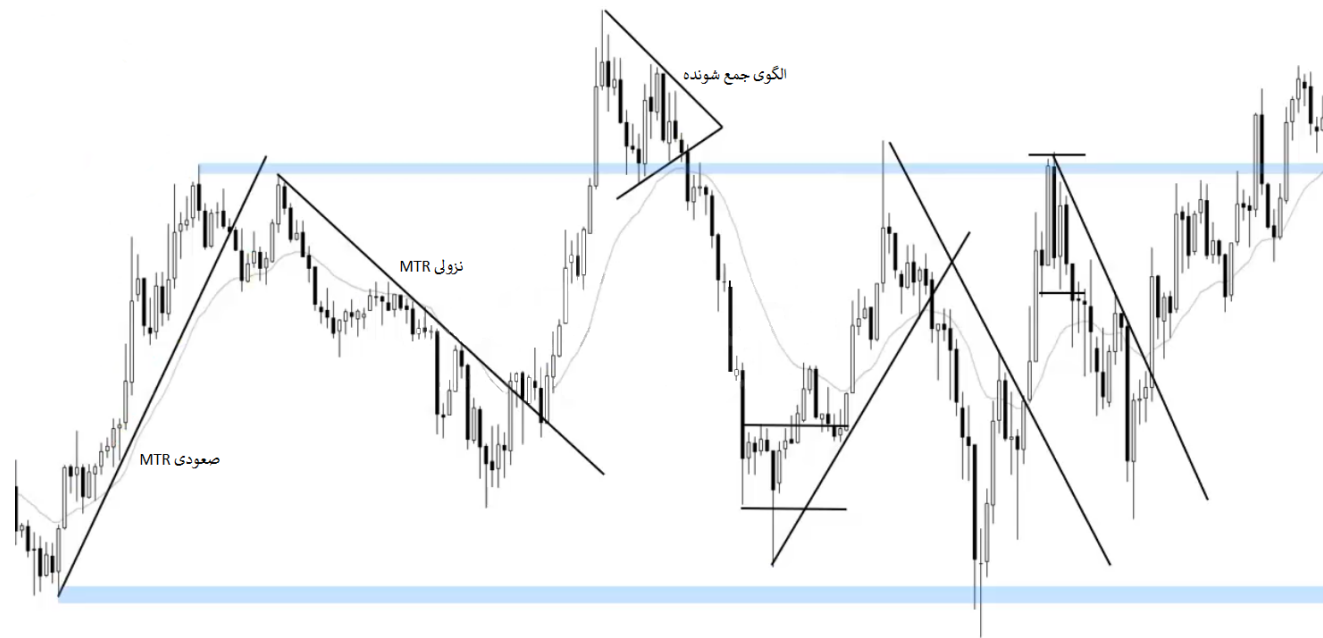
نکته ۸: شما باید در جایی وارد شوید که ریسکتان کوچک و ریواردتان بزرگ باشد.

نکته ۹: اگر در سیگنال اول و دوم وارد معامله نشدید، دیگر وارد نشوید و صبر کنید تا در موقعیت دیگری وارد معامله شوید.



ویدیو ۳۵: تریدینگ رنج ها پارت دوم (Part2)-Trading Ranges (Part16) Price Action

نکته ۱: وقتی که وارد محدوده تریدینگ رنج میشیم ، میایم دنبال نشانه و سرخ هایی بگردیم برای برگشت قیمت : **بدین ترتیب که نقاط برگشتی ما که محدوده بالایی و محدوده پایینی هست ، وقتی قیمت میاد نزدیک این محدوده ها میشه میایم دنبال الگوها می گردیم.**



در تریدینگ رنج ها در محدوده ها دنبال الگوها بگردیم. دقیقه ۴:۳۰ نوبت چارت بالا الگو رسم می کنه خیلی مهم.



نکته ۲: **خاصیت آهنربا**: روندهای پر قدرت می توانند ناگهان برگردند که این یک پدیده تکنیکال است که در آن قیمت به سطح حمایت و مقاومت بر می گردد. این خاصیت باعث می شه قیمت سریعا به سطوح مهم خودش برگردد؛ هر چقدر هم بازار به سطوح مهم مورد نظر خودش نزدیک تر می شود، حرکت آن نیز تند تر می شود. { به زیون خودمونی: به دلیل خاصیت آهنربا نزدیک سقف یا کف تریدینگ رنج می شیم کندل ها بزرگ و پر قدرت می شن بعد اینکه به سطح مهم رسیدن شروع به ریزش یا افزایش می کنن. }



در تصویر زیر دقت کنید قیمت از سطح حمایتی شروع به برگشت میکند ، در این برگشت ابتدا بدنه کندل ها ضعیف و کوچک است اما میبینیم که کم کم هر چه به سطح مقاومتی نزدیک میشود بدنه کندلها نیز بزرگتر میشود و شتاب بیشتری میگیرد و در نهایت قیمت با رسیدن به سطح مقابل ، دوباره حرکت خود را تا سطح قبلی ادامه میدهد که به این ویژگی خاصیت آهنربا یا مگنت میگوییم .

اهداف قیمتی شامل خطوط روند، سقف و کف کندل قبلی، عرض تریدینگ رنج، عرض اسپایک ها و عرض گپ هاست



وقتی در روند صعودی مغناطیس در سقف وارد پوزیشن خرید می شویم قیمت شروع به پولبک می کند و آنقدر ادامه می دهد تا معامله گرها با ضرر از آن خارج شوند ، در نهایت قیمت با رسیدن به سطح مقابل ، دوباره حرکت خود را تا سطح قبلی ادامه می دهد . هر چقدر بازار به سطوح مورد نظر نزدیک می شود حرکت آن نیز تند تر می شود .

نکته ۳: قبل از اینکه حرکت قدرتمند شود معامله گرها برای پولبک صبر می کنند چون می خواهند دومین لگ خود را به دست آورند و سریعتر وارد بریک اوت شوند .

در تریدینگ رنج اهداف قیمتی می تونه شامل :

۱. خطوط روند / ۲. سقف و کف کندل قبلی / ۳. عرض تریدینگ رنج ، / ۴. عرض اسپایک ها و عرض گپ هاست .

برای تارگت گذاری اعداد رند میتوانند خوب باشند یا عرض های اسپایک ها که منظور همان $AB = CD$ است که لگ اول برابر است با لگ دوم.



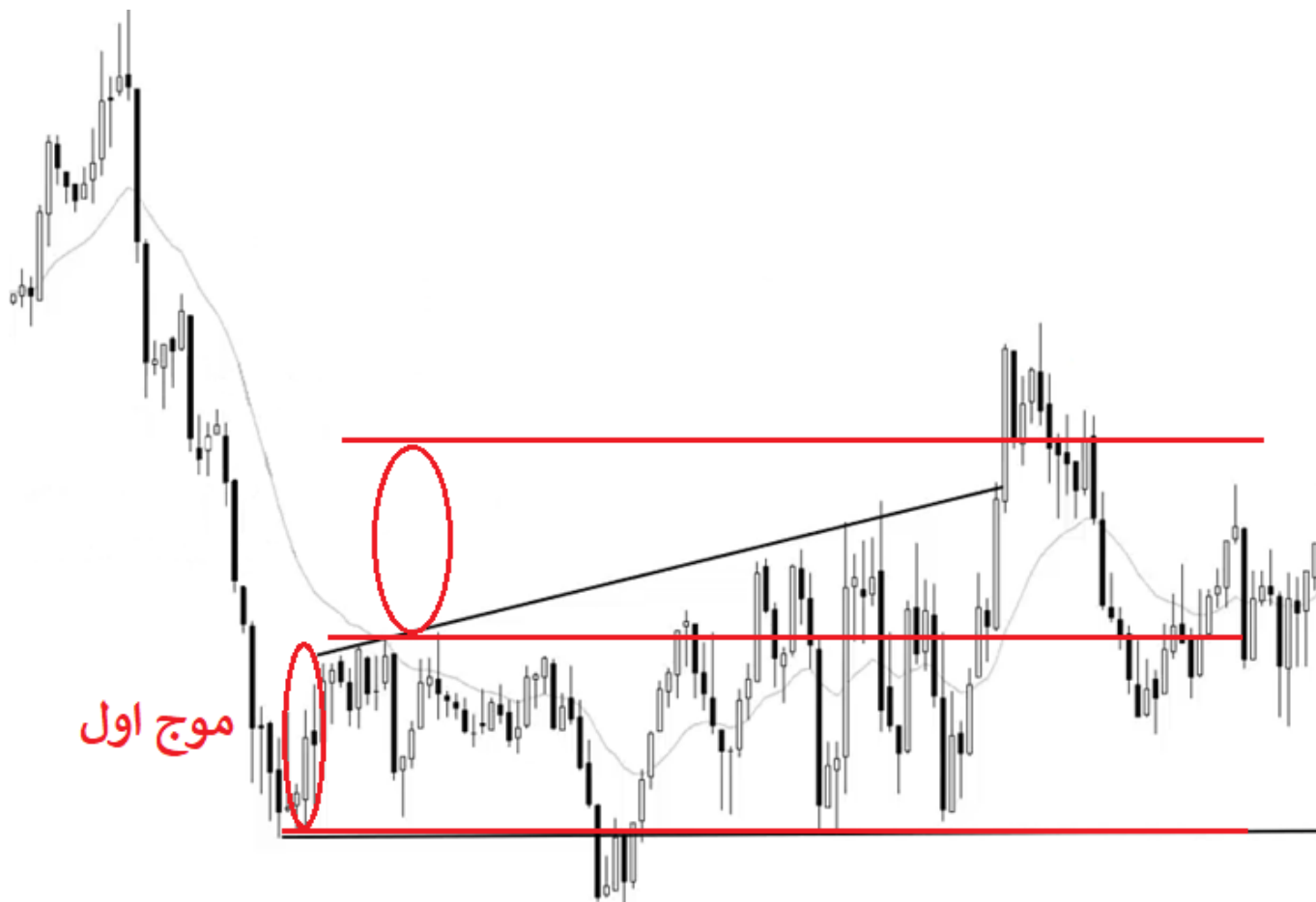
نکته ۴: زمانیکه در نزدیکی سقف های تریدینگ رنج اسپایک رخ می دهد ، فروشندگان منتظر می مانند تا قیمت یک مقدار رشد کند . و وقتی به سطح بالایی رسید ، فروشندگان با حجم سنگین و بی امان شروع به فروش می کنند ؛ در چارت بالایی خریدارانی هم که در پایین قیمت خریده بودند ، با رسیدن به آن سطح شروع به خارج شدن از خرید می کنند و این موضوع باعث کاهش فشار خرید می شود .

در تصویر دو چارت زیر با توجه به نکته شماره ۴ خیلی دقت کنید :



نکته ۵ : عرض تردینگ رنج میتواند به عنوان گام اندازه گیری استفاده شود.

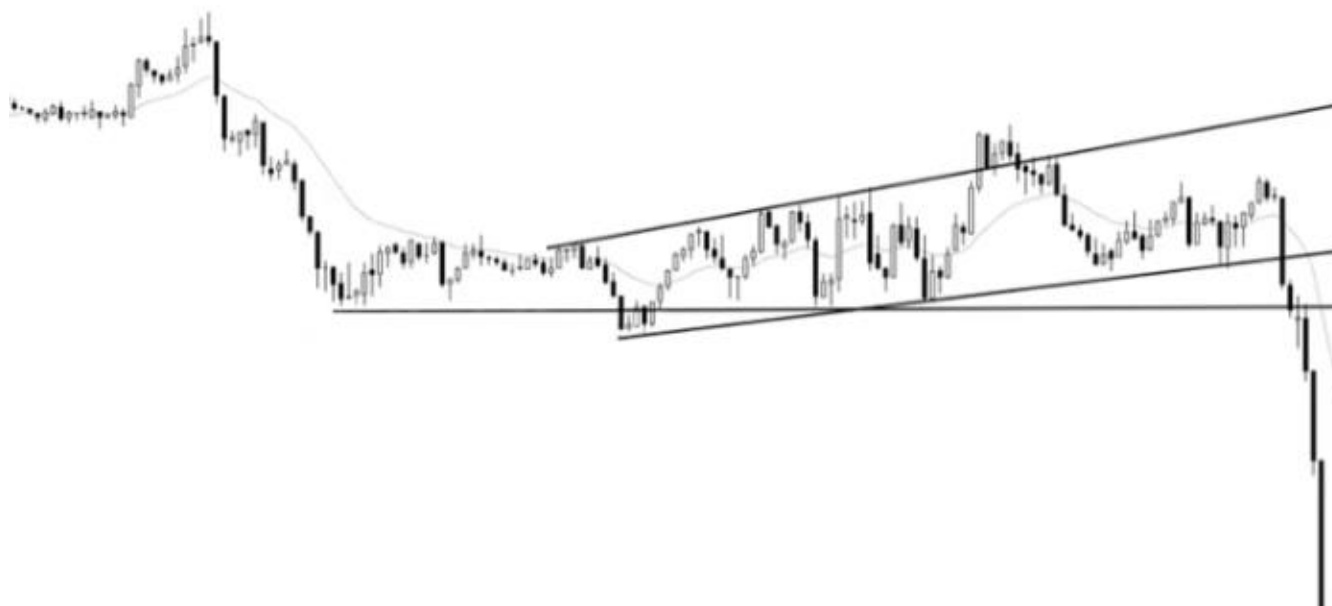
دقیقه ۲۶ این ویدیو توضیح میزور موو یا اندازه حرکتی تردینگ رنج ها : **وقتی قیمت میاد در اوایل تردینگ رنج و در موج اول یک عرضی ایجاد می کنه ، به اندازه همون عرض اگر بالا یا پایین بریم (در چارت زیر باید بریم بالا) لول و سطوح های بعدی مون ایجاد میشه** که به عنوان نمونه در تصویر چارت زیر می تونیم این موضوع رو ببینیم :



از این تکنیک ها هم می تونیم برای پیدا کردن سطوح برگشتی استفاده کنیم و وارد پوزیشن بشیم.

نکته ۶ : بریک اوت از تردینگ رنج می تواند تبدیل به **اسپایک** یا **کانال** شود .

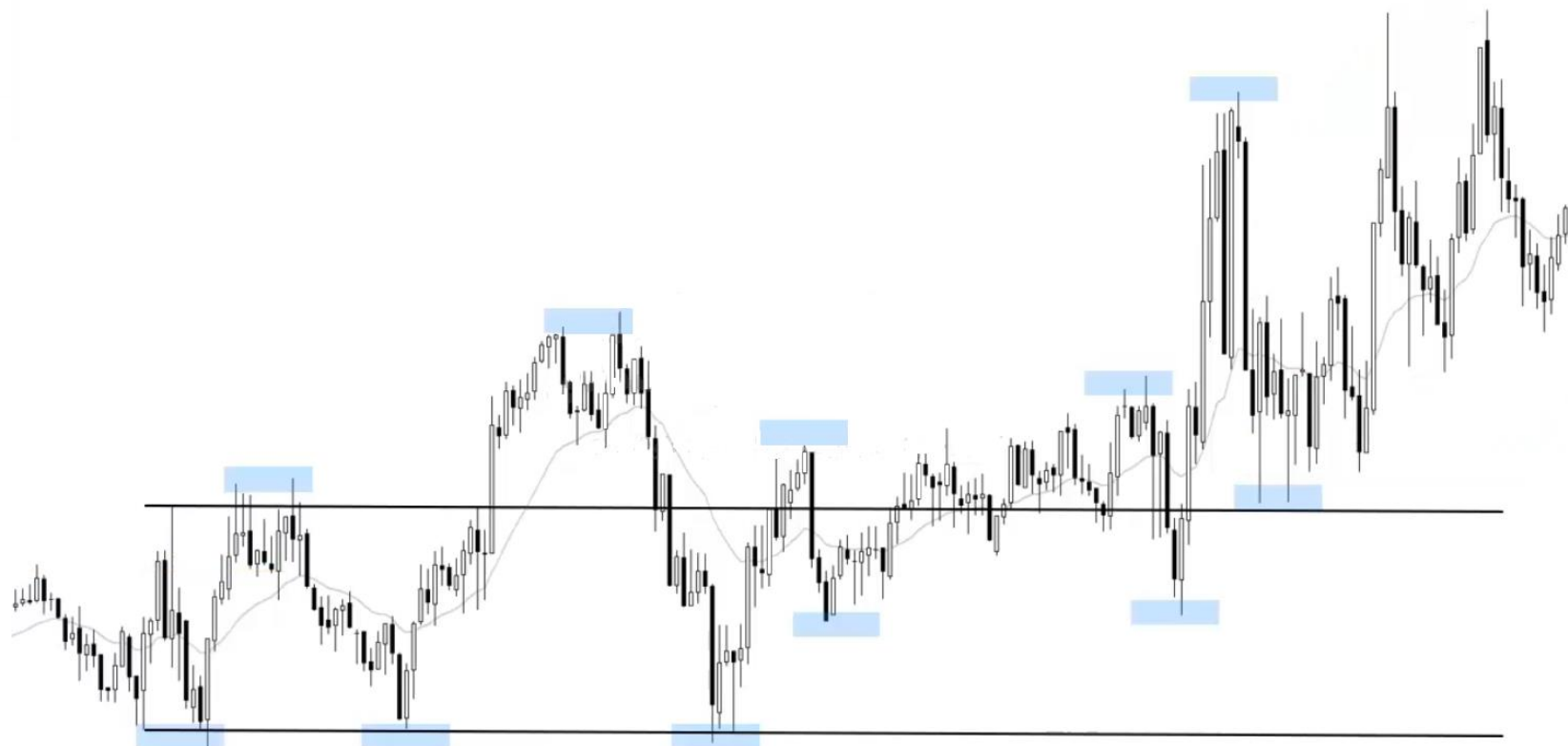
همچنین در نهایت باید این قیمت با یک بریک اوت از تریدینگ رنج خارج شود که باید **با کندل روند دار قدرتمند و بدون سایه** انجام شود. همچنین اگر حالت نمودار برای ورود به نمودار آماده باشد می توانیم وارد معامله می شویم و یا برای یک الی دو کندل صبر می کنیم. دقیقه ۲۶ ویدئو خیلی مهم



نکته ۷: تمامی تریدینگ رنج ها میبایست به روند تبدیل شوند و ما می توانیم **سُر نـسـخ** های فشار خرید و فروش را قبل از این اتفاق در چارت در بیابیم. **یا باید اسپایک بزنه** به سمت بالا یا پایین **یا باید کانال بشه** به سمت بالا یا پایین، **که اگر کانال بشه با قوانین کانال و با کشیدن ترند لاین و سیگنال بار و کی بار نزدیک ترند لاین ترید می کنیم** (و زودتر از بریک اوت برای سوینگ گیری وارد معامله شویم؛ البته یادمون باشه که توی تریدینگ رنج فقط **blsh** کنیم، اما اگر فشار خرید و فروش درستی در چارت پیدا کنیم می توانیم در جهت آن روند وارد شویم. دقیقه ۳۲ و ۳۱ م—ه—م.

الان در چارت زیر همونطور که می بینیم یک حالت تریدینگ رنجه و داره برای ما **BLSH** انجام میده (تو بعضی وقت ها بعد از مگنت قیمت شروع می کنه به برگشتن به سطح قبلی) و **یک کف داریم که در سشن توکیو ۴ بار تلاش کرده تا کف پایین شکسته بشه و در سشن رفتن شروع به بالا رفتن کرده؛ حالاً نکته مهم اینـ جاست که این بالا رفتن رو تعداد حملات به سطح مورد نظر پیش بینی کنیم که در چارت زیر ۴ بار حمله کرده نتونسته، سـر نـسـخ دوم اینه که مارکت مرتب شروع به ساختن کـسـف و سـقـف ها بالاتر یا پایین تر می کنه که چارت زیر کف و سقف بالاتر زده (به هایلات های ابی دقت کنید)**

حتمن برای بریک اوت یا شکستن سطوح بحث تحلیل زمانی رو دخیل کنید. (استراتژی معاملاتی محسوب می شود)



نکته ها و tips ها تریدینگ رنج ها :

- ۱- تریدینگ رنج رو می تونیم این جوری هم بگیم : ۱- کانال افقی ؛ ۲- بدون روند خاص بودن جهت بازار ؛ ۳- پولبک های فراوان و متوالی ؛ ۴- بازار سایدوی ؛ ۵- بدنه های کوچک با سایه های بزرگ .
 - ۲- توی تریدینگ رنج ها **اولین نقاط برگشتی و اولین پولبک** قیمت رو خط حمایت مقاومت رسم می کنیم ؛ همچنین می تونیم نصف عرض تریدینگ رنج استاپ بزاریم .
 - ۳- توی تریدینگ رنج دیگه مثل موج باهش برخورد نمی کنیم تا منتظر باشیم سیگنال بار و کی بار بده، همین که به سقف و کف رسید وارد پوزیشن می شیم . ؛ ولی **اگر** خیلی ناواضح معامله نکنیم و بهتره صبر کنیم و سیگنال بار و کی بار خوبی رو ببینیم . (مخصوصا **پین بار**) ! تریدینگ رنج یعنی با سقف و کف وارد شو ! (بستگی به کانتکست)
 - ۴- جفت ارزها به دلیل ماهیتی که دارن چند نکته مهم در اون ها وجود داره ؛ روی ارزها بیشتر توی تایم فریم ۱۵ دقیقه ترندها قشنگ تر و بهتر پیدا میشن تا ۵ دقیقه :
- ۱- خیلی تریدینگ رنج توی اون ها اتفاق می افته و در نهایت خوراک **blsh** .

- ۲- توی جفت ارزها الگو محور خیلی پیش میاد مخصوصا الگوی mtr خیلی جوابه برای اون ها .
- ۳- بحث لگ های پشت سر هم و هم اندازه به شدت جوابه برای این موضوع .
- ۴- سطوح افقی توی جفت ارزها خیلی خیلی بیشتر استفاده میشه تا شاخص هایی مثل داوجونز

۵- توی تریدینگ رنج ها وقتی داری BLSH می کنی ، حد سود رو درسته که می تونیم روی سقف و کف بزاریم ، ولی بهتره جایی بزاریم که نزدیک این دو و تجمع قیمتی بیشتری به اونجا باشه . برای معامله هم سیگنال های برگشتی هر دو طرف رو توجه کن .

۶- توی تریدینگ رنج ها وقتی که سقف ها کم کم دارن پایین تر میرن این یعنی روند در ادامه میخاد طی نزولی بشه و ما با خیال راحت تر بیشتری وارد پوزیشن سل میشیم . راجب کف ها هم همچنین مواردی وجود داره ؛ پس به کف ها و سقف ها و عرض لگ ها فوق العاده دقت می کنیم . (نکته ۷ تریدینگ رنج پارت دوم)

۷- توی تریدینگ رنج ها مثلا روی سقف پوزیشن سل رو زدیم ولی وقتی می بینیم کندل های بعدی حتی یک پیپ بالاتر زد سریع خارج می شویم .

ویدیو ۳۶ : میکرو کانال ها Micro Channels- Price Action(Part17)

میکرو کانال رونـــــدی است که در تمام تایم فریم ها قابل مشاهده است و معمولاً شامل ۲ تا ۱۰ کندل است؛ در این حالت بیشتر کندل ها یا خط روند را تاچ می کنند (مووینگ اوریج) یا به آن نزدیک هستند (مثلا اگر میکرو کانال صعودی باشه ، low های کندل ها بهم نزدیک هستند) و کندل ها معمولاً نسبتاً کوچک هستند .





نکته ۱: یک خط روند کانال را می توان در امتداد مخالف انتهای کندل ها رسم کرد ، که نتیجه کانال باریک می شود که به آن میکرو کانال می گوئیم.

*** نکته ۲: فرق کانال با میکرو کانال چیست ؟ میکرو کانال ها هیچ پولبکی ندارند ؛ خودمونی بخواییم بگیریم چند تا کندلی رو که هیچ پولبکی ندارند رو اگر خط ترند بکشیم مثل چارت بالا میکرو کانال می گوئیم . (دقیقه ۱۰ مهم) نکته ای که چند بار تکرار کردیم : ۸۰٪ تلاش ها برای برگردوندن روند در روندها شکست می خورد .

نکته ۳: میکرو کانال صعودی نشانه ای از فشار خرید است ، پولبک ندارد به این معنی که خریداران بالای کمترین قیمت کندل قبلی (low کندل قبلی) می خرنند .

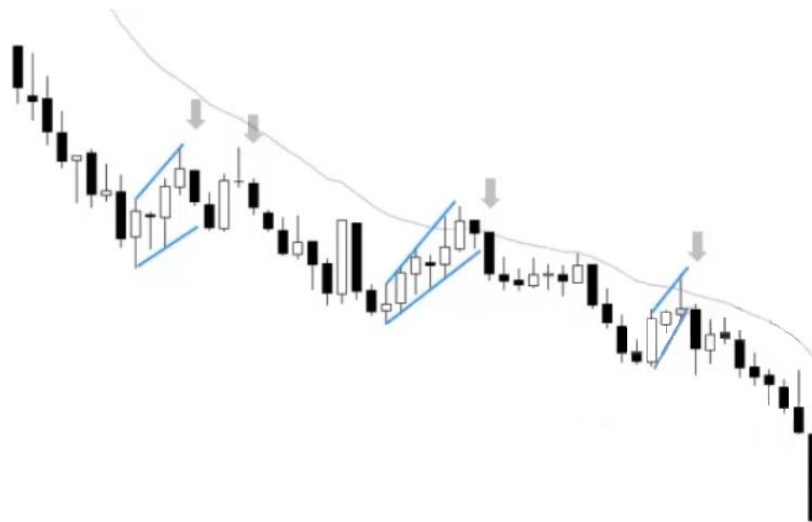
نکته ۴: میکرو کانال نزولی نشانه ای از فشار فروش است ، پولبک ندارد به این معنی که فروشندگان پایین بیشترین قیمت کندل قبلی می فروشند .

نکته ۵: بر عکس کانال مرسوم که پولبک در آنها مشترک هست، میکروکانال ها پولبک ندارند، یا به ندرت پولبک کوچیکی دارند و زمانی که این اتفاق می افتد ما می توانیم آن را میکرو کانال های پشت سر هم نام ببریم. میکرو کانال به ظاهر کوچک است، اما سود های خیلی بزرگی ایجاد می کند.



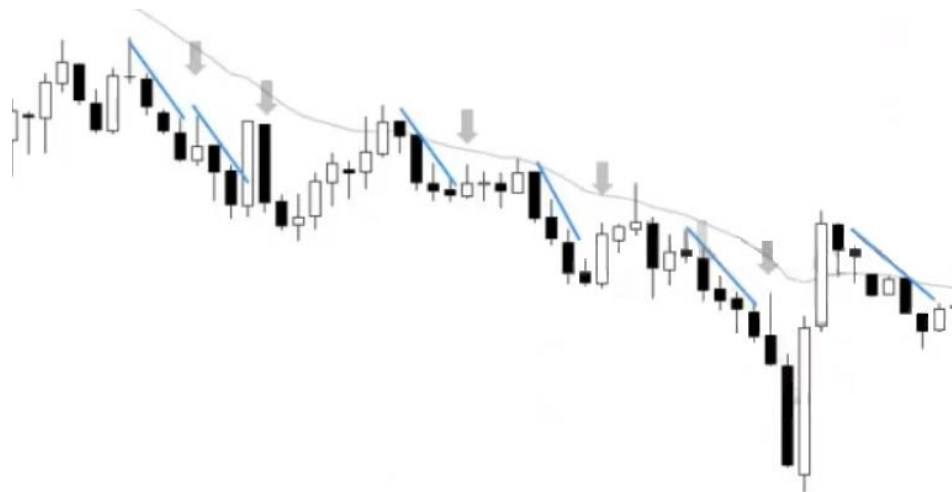
*** محیطی که میکروکانال در آن اتفاق افتاد، نحوه معامله کردن در آن تغییر می کند. هر ۲ میکروکانال صعودی و نزولی می توانند به سمت بالا یا پایین بریک اوت داشته باشند. حتمن در این مورد باید کانتکست **context** چارت رو باید مد نظر داشته باشیم.

*** نکته ۶: **میکرو کانال صعودی در روند نزولی** تلاشی است برای بازگرداندن روند، بنابراین می بایست شکست بخورد. (۸۰ درصد تلاش ها برای برگرداندن روند در روندها شکست می خورد). در این حالت **فلگ نزولی (میکرو کانال صعودی)** ساخته می شود که می بایست در هر کف قیمت درخواست **فروش** قرار داد.



نکته ۷: در یک روند نزولی قوی با اولین بریک اوت نزولی وارد پوزیشن فروش می شویم !! در یک روند نزولی ضعیف برای دومین سیگنال فروش صبر می کنیم و یا صبر می کنیم تا بریک اوت نزولی که اتفاق افتاده است یک پولبک انجام دهد.

نکته ۹: میکرو کانال نزولی در روند نزولی که بریک اوت های صعودی، تلاش برای برگشت قیمت هستند و تلاش برای برگشت در روند پر قدرت شکست می خورد. در این حالت در سقف کندل قبلی می فروشیم، همچنین در پایین کف کندل پولبک می فروشیم. (دقیقه ۱۹ مهم نحوه ترید نکته ۹)



نکته ۱۰: میکرو کانال صعودی در روند صعودی را با بریک اوت صعودی که تلاش برای برگشت قیمت هستند معامله می کنیم. در این حالت در کف کندل قبلی می خریم، همچنین در سقف کندل پولبک می خریم.

نکته: بعد از چندین اسپایک مشاهده میکنید که قسمت با مویینگ 20 فاصله زیادی دارد و در سقف تشکیل یک پین بار داده بدانید که این بی دلیل نیست و احتمال 60 درصد امکان دارد که قیمت یک اصلاح داشته باشد این اسپایک های زیاد باعث میشود که قیمت فرسوده شود و این باعث یک اصلاح می شود. (روند فرسوده باشه).

در این حالت در کف کندل قبلی میخریم، همچنین در بالای سقف کندل پولبک میخریم



نکته ۱۱: میکرو کانال نزولی در روند صعودی تلاشی برای بازگرداندن روند است، بنابراین می بایست شکست بخورد؛ در این حالت فلگ صعودی (میکرو کانال نزولی) ساخته می شود، که می بایست در هر سقف قیمت درخواست خرید داده شود.

وقتی که بازار مانند تصویر پایین شروع میکند کندل هایی شبیه کندل های اسپایک و بریک اوت ایجاد میکند بازار شروع میکند یک میکرو کانال نزولی تشکیل دهد.

در این حالت فلگ صعودی (میکرو کانال نزولی) ساخته می شود، که می بایست در هر سقف قیمت درخواست خرید قرار داده شود



نکته ۱۲ خیلی خیلی مهم: در یک روند صعودی قوی با اولین بریک اوت صعودی وارد پوزیشن خرید می شویم. در یک روند صعودی ضعیف برای دومین سیگنال خرید صبر می کنیم؛ و یا صبر می کنیم تا بریک اوت صعودی که اتفاق افتاده است یک پولبک انجام دهد.

دقیقه ۳۴ و ۳۵ خیلی مهم.

* لب مطلب میکرو کانال ها: ۴ تا میکرو کانال داریم: { کانتکست حتمن در نظر گرفته شود }.

۱- میکرو کانال نزولی در جهت صعودی : در جهت خود کانتکست که فقط خرید چون صعودیه

۲- میکرو کانال نزولی در جهت نزولی : در جهت خود کانتکست که فقط فروش چون نزولیه

۳- میکرو کانال صعودی در جهت صعودی : در جهت خود کانتکست که فقط خرید چون صعودیه

۴- میکرو کانال صعودی در جهت نزولی : در جهت خود کانتکست که فقط فروش چون نزولیه

پس میکرو کانال ها برای ما یک نقطه ورود ، یا اینکه ماشه رو بکشیم باهاشون و این جوری باید بهشون نگاه کنیم .

*** دقیقه ۳۰:۳۴ میاد سوبینگ رو به وسیله میکرو کانال ها توضیح میده .

در نهایت اینکه میکرو کانال برای ما به عنوان یک ماشه و نقطه ورود (بعدش میکرو کانال با سیگنال بار و کی بار وارد شد) که الان فرصت پوزیشن هست و یا تاییدیه روند به کار میره و نقاط ورود خیلی خوبی هستن.

ویدیو ۳۷ : بریک اوت پارت اول (Part1)-Breakout (Part18) Price Action

قبل از هر چیز می تونیم بگیم که : **روند قوی = بریک اوت = اسپایک** . این یعنی قوانین معاملاتی بریک اوت ها با اسپایک ها یکی محسوب میشه . (اگر اسپایک تو دل تریدینگ رنج باشه این قانون براش محسوب نمیشه .)

هر نمودار شامل سه قسمت بریک اوت ، کانال ، تریدینگ رنج است که بریک اوت بخش مهمی از این چرخه است که با کانال ادامه پیدا می کند . **کندل روند دار بزرگ اگر توی چارتمون باشد باشد ، یکسری از کندل های روندی کوچک و بزرگ پشت سر هم باشد ؛ در این حالت می گوییم بریک اوت اتفاق افتاده است .**

? سوالی که پیش میاد اینه که در بریک اوت چه چیزی بریک می شود ؟؟؟ جواب :

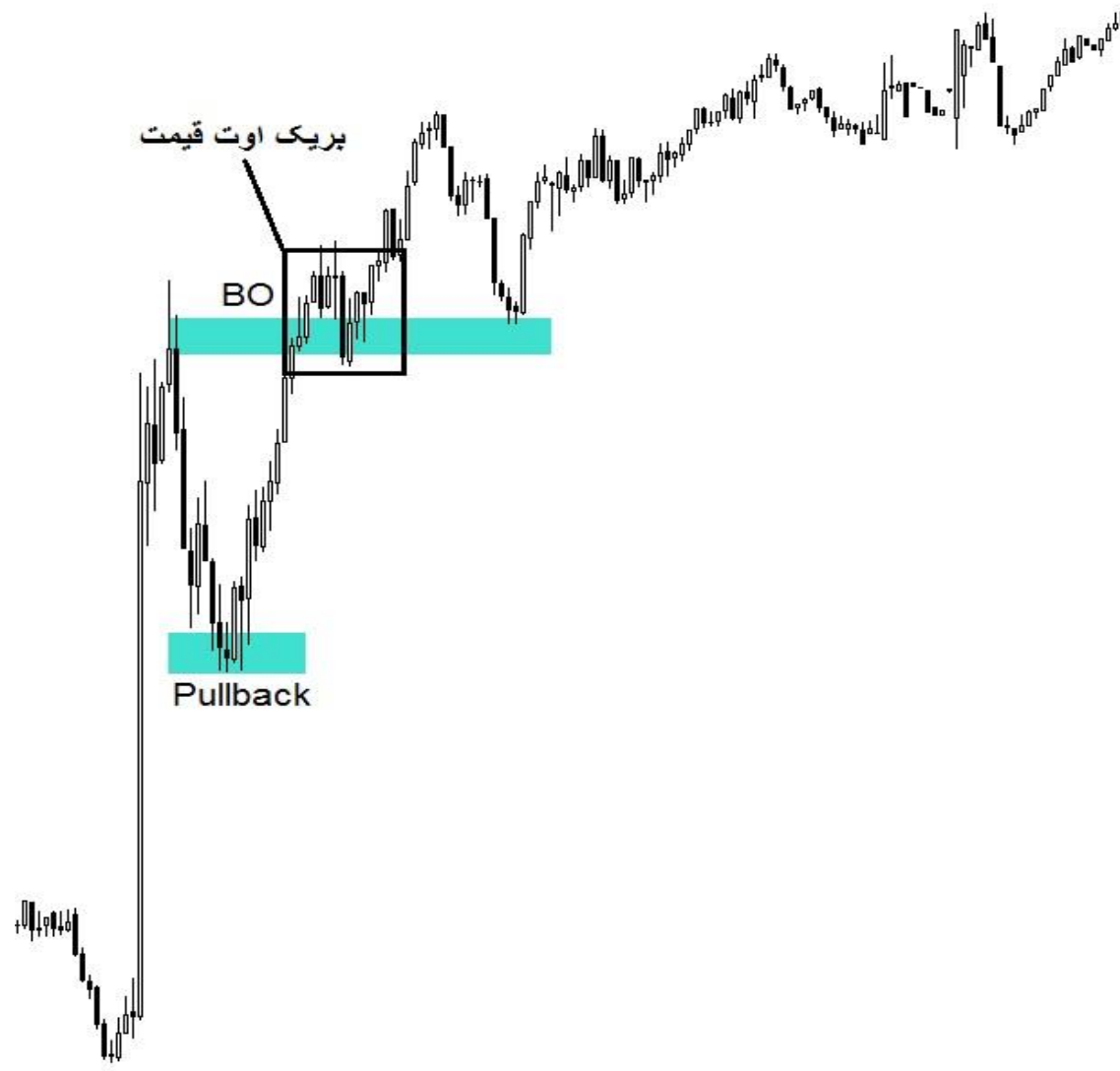
تریدینگ رنج ؛ پولبک ؛ خط روند ؛ میانگین متحرک ؛ سقف یا کف کندل های قبلی

تریدینگ رنج :

شکسته شدن تریدینگ رنج ها برای ما خیلی مهم است پس برای آن اهمیت قائل میشویم و با آن ترید میکنیم.

خب ! در بخش تریدینگ رنج ها گفتیم که ۸۰ درصد تلاشها برای بریک اوت تریدینگ رنج شکست میخورند حالا اگر تریدینگ رنج بخواهد شکسته شود ما باید در نواحی سقف و کف یک کندل قوی پر قدرت مشاهده کنیم و پس از آن نیز یک کندل صبر میکنیم اگر کندل بعدی در جهت کندل قبلی بود یا بسیار هیجانی بود وارد معامله میشویم . (به نوعی تثبیت شود ، شاید مگنت باشد .) دقیقه ۴ و ۵ مهم .

ما میدانیم که تریدینگ رنج برابر است با پولبک ها. پولبکی که به یک سطح زده می شود اگر سقف قبلی خود را بشکند جزو بریک اوت ها میگیریم.



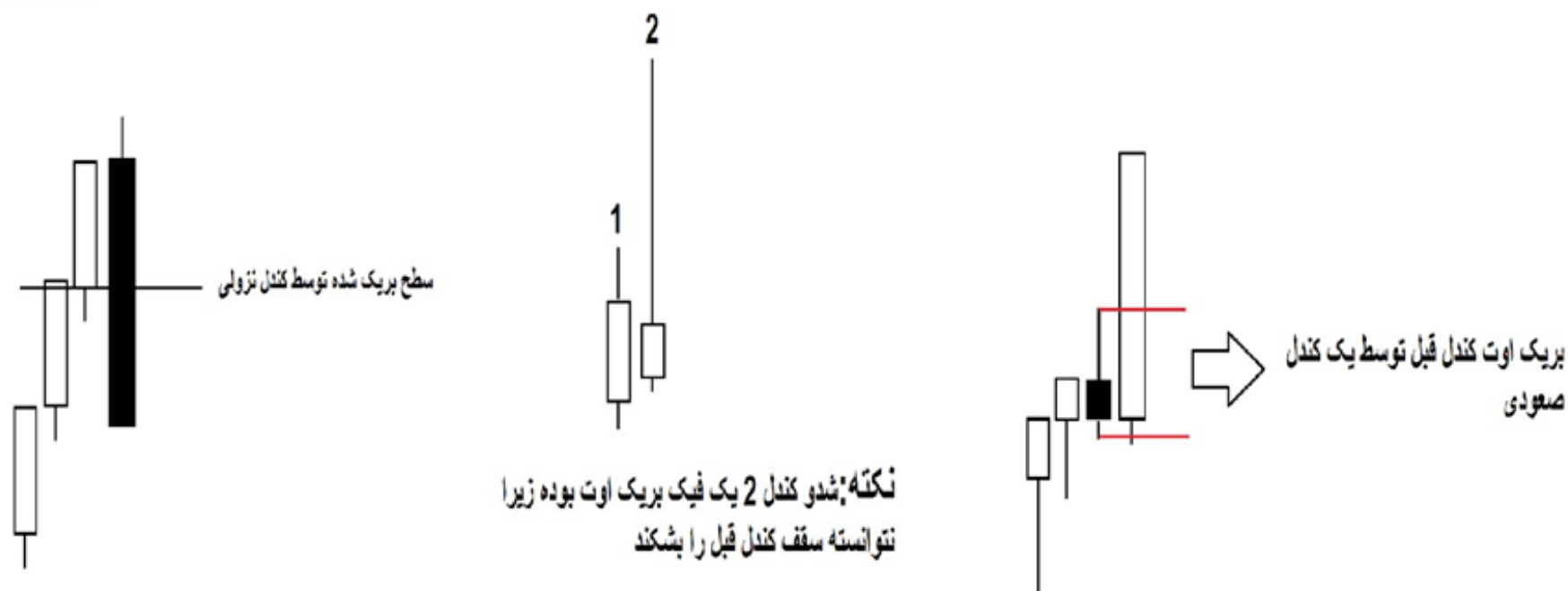
یکی از مهم ترین شکست ها شکست خط روند است. بریک اوتی که از سطح داینامیکی اتفاق می افتد خیلی مهم است و ما هم جزو چیزهایی که برای ما در بریک اوت مهم است قرارش میدهیم.



میانگین متحرک :

بریک کندل ها از مویینگ **EMA20** برای ما خیلی مهم است اما صرفاً به این روش تریید نمیکنیم ، این یک استراتژی است اما ما به این سادگی و مسخره گی به چارت نگاه نمیکنیم چون بازار اصلاً برایش مهم نیست که این مویینگ برایش چه اتفاقی می افتد، زمانی ما بر این اساس تریید میکنیم وقتی که کندل ، مویینگ **20** را بریک کند و ستاپ معاملاتیمان هم آن را تایید کند.

گذشتن قیمت از سقف و کف کندل قبلی بریک اوت است و اگر قیمت حتی تلاش کرد سطح کندل قبلی را بشکند اما موفق به شکست نشد آن یک فیک بریک اوت است.



نکته ۱: اگر نمی بینیم که چه چیزی بریک شده است اهمیتی ندارد، اگر در آن محدوده یک کندل روند دار وجود داشته باشد پس یک بریک اوت اتفاق افتاده است. با این نتیجه گیری می توانیم بریک ها اوت ها را تشخیص بدهیم.

نکته ۲: زمانی که بریک اوت موفق رخ دهد به احتمال زیاد دومین لگ هم ساخته می شود. عکس پایین خیلی مهم.

نقطه ورود به ۴ دلیل: میکرو کانال ، بریک اوت ، پین بار ، پولبک .



دقیقه ۱۸ و ۱۹ خیلی مهم . دقیقه ۱۹ میگه به ۴ دلیل باید بعد از پین بار آخر چارت بالایی وارد شیم که: میکرو کانال ، بریک اوت ، پین بار ، پولبک . همچنین چنین کندلی رو در ۱۰ تا ۲۰ کندل قبلی ندیدیم!

*** نشانه های بریک اوت قوی :

۱- کندل های روند دار بزرگ / # چندین کندل پشت سر هم در یک جهت مشخص

۲- کلوزها نزدیک به سقف (سایه های کوچک) / # کلوزها بالای سقف کندل قبلی (یعنی کلوز کندل بالاتر از high کندل قبل) / # کلوز اطراف و بالای مقاومت ها (خط روند ، سقف قبلی ، میانگین متحرک)

اورپ (هم پوشانی) کوچک

ستاپ معاملاتی در حالت خوبی باشد

شکاف ها (گپ ها)

اندازه گیری حرکت

در رازها با موضوع بریک اوت ها به تصاویر زیر دقت کنید :

۱- بیشتر کندل‌ها در جهت روند هستند

کندل‌های ایجاد شده اکثراً در جهت روند تشکیل می‌شوند و کندل خلاف جهت روند آنچنان دیده نمی‌شود.



در شکل مقابل 20 عدد کندل سبز صعودی در مقابل 4 عدد کندل قرمز نزولی می‌بینیم، در نتیجه یک روند پر قدرت را مشاهده می‌کنیم.

۲- کندل‌های ایجاد شده بدون سایه

کندل‌های ایجاد شده یا سایه ندارند یا اینکه در بالا و پایین کندل‌ها سایه خیلی کمی ایجاد

می‌شود. پس کلوز نزدیک به سقف یک کندل، قدرت بریک کردن و گزینه دوم نشانه‌های بریک اوت قوی را به ما نشان می‌دهد



۳- بین بدنه کندل‌ها همپوشانی خیلی کمی وجود دارد



برای درک بهتر دو تا مثال براتون آوردم، در شکل بالایی بدنه کندل‌های ایجاد شده خیلی با هم همپوشانی ندارد (کندل‌ها تو دل هم فرو نرفتند) در شکل پایینی کاملاً واضحه که تمامی کندل‌ها با هم همپوشانی دارند (کندل‌ها عین‌تار به هم تنیده شده‌اند) در نتیجه شکل بالای یک روند پر قدرت را نشان می‌دهد.

نکته ۳: بزرگترین نقطه قوت بریک اوت احتمال بالا و ریوارد خوب است.

نقاط اشتراک بریک اوت‌ها: در روندها تلاش برای برگرداندن قیمت، بریک اوت محسوب می‌شود؛ ۸۰ درصد از تلاش‌ها برای برگشت قیمت شکست می‌خورد (فیک بریک اوت‌ها)؛ ولی اگر هم شد برگشت‌ها تبدیل به پولبک یا مکث در روند می‌شوند و در نهایت روند ادامه پیدا می‌کند. { پس همیشه می‌تونیم بگیم: برگردوندن قیمت = بریک اوت. }

نکته ۴: بریک اوت معمولاً بعد خودش یک لگ می‌سازه. دقیقه ۳۰ مهم.

نکته ۵: در تریدینگ رنج‌ها، به دلیل خاصیت آهنربا، اسپایک به سقف زده می‌شود اما لگ دومی وجود نخواهد داشت و برعکس تنها در ۲۰ درصد مواقع بریک اوت موفق خواهد داشت.



این قسمت درباره بریک اوت ها توی دل تریدینگ رنج ها بحث می کند . این قسمت اسکالپ رو توضیح میده .

برای ساختن لگ دوم اسپایک (تو خود تریدینگ رنج گفتیم که هم اسپایک کانال تریدینگ رنج رو داریم - تو کانال هم همین شکلیه) لگ اول رو که زد ، بعدش یک الگو می سازه چه کوچک چه بزرگ بعد با بریک همون الگو هم میریم برای لگ دوم .

بحث اسکالپ :

توی بریک اوت ها یاد گرفتیم حتمن قرار نیست یک خطی بریک بشه که حالا صعود یا نزول احتمالی رو داشته باشیم . همین که سقف یا کف از کندل قبلی بالاتر رفت یعنی اون سقف زده و نوعی بریک اوت محسوب میشه .

زمانی که اسپایک تشکیل میشه در وسط آن یک گره ، الگو تشکیل میشه اگر محدوده این الگو را به صورت استاتیکی ادامه دهیم محدوده های خیلی خوب برگشتی را برای ما میسازند و به سادگی قیمت نمیتواند این سطح را بشکند .

۸۰ درصد بریک اوت در تریدینگ رنج ها منجر به برگشت قیمت به سطح مقابل می شوند .



باز هم گفتیم که سایه های بلند فیک بریک اوت یا همون تلاش ناموفق برای برگشت قیمت هستند . پس اگر سقف **high** یا **low** یا همون سقف و کندل اگر سعی کنه بره یا بره بالاتر یعنی بریک اوت شده ؛ و اگر بره برگرده میشه فیک بریک اوت (تو لحظه لایو بازار کندل ها مدام بالا پایین میشن) و ما توی فیک بریک اوت وارد معامله معکوس میشیم .

نکته ۱ : اوایل تریدینگ رنج وقتی اولین بار میره تو سقف ، صبر می کنیم تا الگوی خوبی تشکیل بشه بعد با بریک اون الگو در جهتش وارد میشیم . بعد تو کف بای لیمیت تا اولین سقفی که می بینیم .

بعد الگوهای ریز و فاصله تا مووینگ اوریج خیلی زیاد بود +++ چند کندل ریزشی که سایه بلند دارن ، دقت کن بین کدوم سایه هاشون + بعد الگویی دارن تشکیل می دن (این الگو حتی می تونه میکرو کانال هم باشه) + بعد کندل پر قدرت کندل قبل یا حتی چندین کندل قبل رو انگولف می کنه و یک تیک بالاتر از بریک الگو وارد شیم که تا مووینگ اوریج بره . (تصویر پاراگراف بعدی)

کندل های سنگین برگشتی : الان در این شکل می بینیم که این کندل مشکی بالاتر از کلوز کندل سفید هست که تو کندل مشکی در ثانیه های اخر حجمی اومده که در جا برگشته قیمت . این یعنی اینکه قدرت فروشنده ها اونقدر زیاد بود که کندل قبلی دیگه نتونست به روند افزایشی خودش ادامه بده .



توی بازار رنج قیمت دوست داره خودش رو بچسبونه به مووینگ ولی معیار تصمیم ما مووینگ نیست خود رفتار قیمت هست ، که با مووینگ میایم اون رو بهتر می کنیم . فشار برگشت قیمت ! فشار برگشت قیمت به سایه ها خیلی زیاد توجه کنید .

نکته خیلی مهم تصویر زیر : الگویی اگر رسم نکردی ولی تو پولبک ها دنبالش می گردیم بعد کندلی یا حتی بین بار با سایه بلند می بینیم که پولبک زده (به عنوان مثال شکل زیر) چند کندل رو می بینیم که صعودی هستند ولی کندلی که سایه پایینی داره نتونسته قیمت رو بریزه (سایه پایینی قدرت خریدارها رو می رسونه) از همونجا هم رفته بالا پس باهاش وارد میشیم ؛ هرچند که بالای مووینگ هم هست که دیگه چه بهتر .



چون برگشت روی مووینگ اوریج و ۸۰ درصد بریک اوت ها در تریدینگ رنج ها منجر به برگشت قیمت میشن باز تو کندل بعد سایه پایینی می بینیم و کندل بعدی کندل صعودی روی مووینگ این بار میریم برای پوزیشن تا سطح اصلی حمایت و مقاومت طبق فیلم ۱۹:۰۰ . تا سقف که رسیدیم باز سایه ها رو می بینیم که هشدار تموم شدن روند رو دارن میدن . (به سقف رسیدیم سایه ها رو هم که سایه بالایی بودن داریم می بینیم که برگشت قیمت از اونجا قطعی چون به یکی از سطوح برگشتی خیلی مهم تو تریدینگ رنج رسیده بودیم)

در کل مواردی که برای اسکالپ باید توجه کنیم :

- ۱- اول از همه الگوها رو اگر قابل رسم هستن پیدا کنیم .
- ۲- پولبک ها رو هم مد نظر داشته باشیم .
- ۳- رفتار قیمت به چه شکلی هست قدرت الان دست کیه + کندل های فول بادی کجا هستن .
- ۴- سایه ها کجا هستن مربوط به خریدارها هستن یا فروشندگان ها
- ۵- بریک الگوها رو پیدا کنیم یک تیک بالاتر از بریک وارد بشیم .

توی همین ویدیو دقیقه ۲۶:۳۵ قیمت از همونجایی که خط سووینگ ما شکست ، سعی می کنه قیمت رو برگردونه که برخورد می کنه به خط ترند از همونجا میریزه و می تونیم وارد بشیم ؛ و می دونیم که تلاش برای برگردوندن قیمت در تریدینگ رنج شکست خواهد خورد و اگر پولبک به سطح ما سایه داشته باشه که دیگه کاملا قطعی موضوع .

*** در تریدینگ رنج ها به دلیل خاصیت آهن ربا ، اسپایک به سقف زده می شود ولی لگ دومی وجود نخواهد داشت . تنها در ۲۰ درصد مواقع بریک اوت موفق خواهد داشت . **همچنین ۸۰ درصد بریک اوت در تریدینگ رنج ها منجر به برگشت قیمت به سطح مقابل می شوند .**



همون طور که گفتیم از روی سایه کندل ها متوجه می‌شیم که فیک بریک اوت هست یا نه . در ۶۰ درصد مواقع در فیک بریک اوت ها می‌تونیم وارد پوزیشن معکوس بشیم .



دقیقه های ۱۸:۳۰؛ ۲۱ و ۲۲؛ ۲۹ خیلی مهم. دقیقه ۳۱ میاد نسبت ریسک به ریوارد رو از مویینگ اوریج تا سقف و کف ها رو بررسی می کنه که فوق العاده مهم.

نکته ۶: سایه ها تو خیلی جاها اگر بلند باشن نشونه تموم شدن روند هستن. بدنه ها وقتی که بزرگن یعنی ترند شروع شده. (جهت اسکالپ و فست اسکالپ)

ویدیو ۳۹: بریک اوت پارت سوم (Part 3)-Breakout (Part 20) Price Action

اگر معامله گرها اعتقاد دارند که خریداران در بالا یا پایین یک کندل منتظر هستند می بایست بخرند، و اگر مطمئن نیستند باید صبر کنند. در شکست بریک اوت ها، معامله گران می بایست به دنبال سطحی باشند که مرز فشار خرید و فروش باشد.

نکته ۱: آخرین قیمتی که دیروز دیده شده است به شدت مهم است و میتواند نقش حمایتی و مقاومتی را ایفا کند. (چارت زیر استراتژی معاملاتی خیلی خوبیه خیلی بهش دقت کنید)

در شکست بریک اوت ها، معامله گران میبایست به دنبال سطحی باشند که مرز فشار خرید و فروش باشد

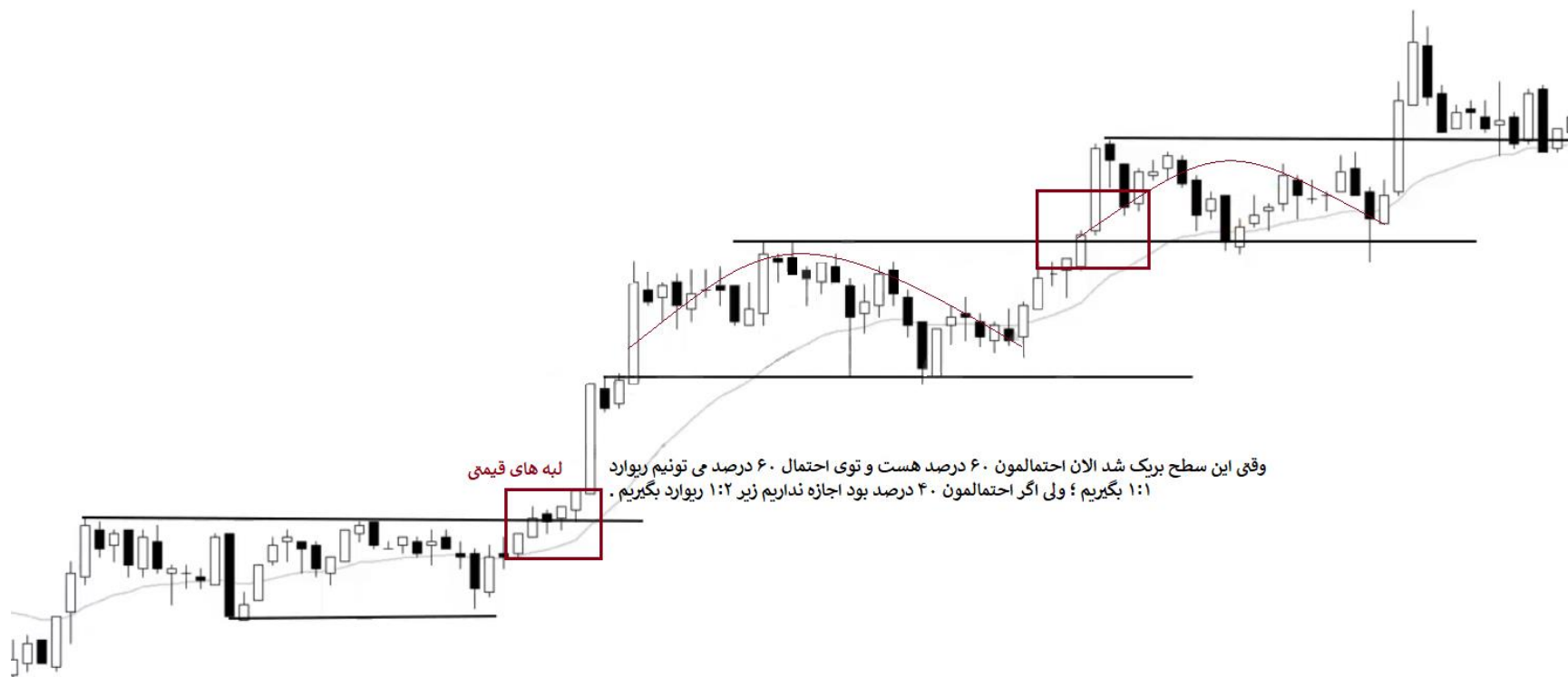


نکته ۲: دقیقه ۱۱:۰۰ توی تریدینگ رنج وقتی بریک اوت از پایین افتاده بود { کف تریدینگ رنج یک پین بار داده } ، اول نگاه می کردیم به سیگنال بار و کی بار که با چه قدرتی وارد شدن بعد نگاه می کنیم توی چارت ببینیم ساعت و تاریخ چنده و سشن کدوم بازار هستیم و بعد وارد پوزیشن می شیم . (چارت بالا رو ببینی کامل متوجه میشی) .

وقتی میبینیم تو کانتکست به یک اصلاح نیاز داره (پولبک) مثل چارت بالا ، چون توی روند ریزشی خودش پولبک نداده اصلا و نیاز به یک اصلاح تا مووینگ اوریج داره .

دقیقه ۵:۳۰ مهم ؛؛؛ دقیقه ۱۵ و ۱۶ مهم . سطوح مهم .

⚠ سوال خلیلی مهم : یک بریک اوت شکست می خورد یا بر می گردد؟؟؟ این مهمترین موضوع در معامله گری است ؛ چرا که موارد زیر را مشخص می کند : یک (نقطه ورود ؛ دو) حد ضرر (سه) حد سود



نکته ۳: هر کندل روند دار یک چیزی را بریک می کرد ، و همچنین هر بریک بزودی یا بعدا شکست می خورد و هر سایه یک بریک اوت شکست خورده است . هر بریک اوت شکست خورده می تواند تبدیل به برگشت قیمت شود و یا پولبک زده و ادامه روند را بسازد . (چارت بالا)

تصمیم گیری برای اینکه قیمت برگشت خواهد خورد یا ادامه خواهد داشت به این شکله که اگر احتمال بهتری برای هر یک وجود دارد که ما در یک مرز قیمتی قرار داریم برای ما معادله معامله گر مثبت خوبی ایجاد می کند .



نکته ۴: بریک اوت ها می توانند برای چندین کندل ادامه پیدا کنند و نیازی به اسکالپ نیست و این گونه هم معادله معامله گر مثبت خوبی ایجاد می کند . معمولا لگ دوم را هم می سازند .

*** سه مرحله بریک اوت :

(۱) بریک

یا توسط کندل روند دار یا مجموعه ای از کندل های روندی اتفاق می افتد .

(۲) شکست خوردن

در نهایت یک تلاش برای شکست خوردن بریک اوت و برگشت قیمت اتفاق می افتاد .

(۳) برگشت یا ادامه روند ؟

هر شکست خوردن بریک اوت یا تبدیل به برگشت میشه و یا تبدیل به پولبک که بعد از پولبک بریک اوت ادامه پیدا می کند و تبدیل به روند می شود .

نکته ۱: چون که قیمت در جایی که گپ تشکیل شده را ندیده دوست دارد این گپ ها را پر کند و آن قیمت ها را تجربه کند به همین خاطر گذاشتن حد ضرر در نواحی گپ اشتباه است (کانتکست شما مهم است – استراتژی معاملاتی)

شکاف های بزرگ در شروع بازار

نکته ۱: وقتی که گپ تشکیل میشود چیزی دربارهی آینده بازار به شما نخواهد گفت شما باید در آن تایم فقط حواستان به این موضوع باشد که کانتکست چه شکلی است و چه رفتاری دارد از خودش نشان میدهد.

نکته ۲: در بازارهایی که مثل تصویر زیر گپ ایجاد میشود شما باید در همان لحظه حواستان به همه چیز باشد.



نکته ۳: گپ از نظر رفتار حرکتی با معادل اسپایک است.

نکته ۴: فرق بزرگ گپ با اسپایک این است اسپایک همه قیمت ها را با عرضه و تقاضا لمس میکند و به سمت بالا میرود اما در گپ هیچ عرضه و تقاضایی در سطح گپ انجام نشده برای همان است که خیلی از کارگزاری ها تضمینی ندارند که اگر حد ضررتان در سطح گپ بود بتواند استاپتان فعال شود چون که عرضه و تقاضایی در آن ناحیه وجود ندارد.

نکته ۵: اگر بعد از ایجاد شکاف در حالتی قرار داشتید که ۶۰ درصد احتمال پیش بینی درست می دادید اجازه اسکالپ با ریسک به ریوارد ۱:۱ رو داریم.

نکته ۶: اگر بعد از بریک اوت در حالتی قرار داشتیم که نمی دونیم قیمت به کدام سمت خواهد رفت ، در صورت باز کردن پوزیشن باید ریسک به ریواردمون ۱:۲ باشه .

تعیین ریف اصلی گپ: به فاصله بین سقف، ۲ کندل قبل و کف کندل حاضر دقت کنیم که اگر فاصله داشت می گوییم گپ ایجاد شده است .

به فاصله بین سقف ۲ کندل قبل و کف کندل حاضر دقت کنید که اگر فاصله داشت گپ ایجاد شده است

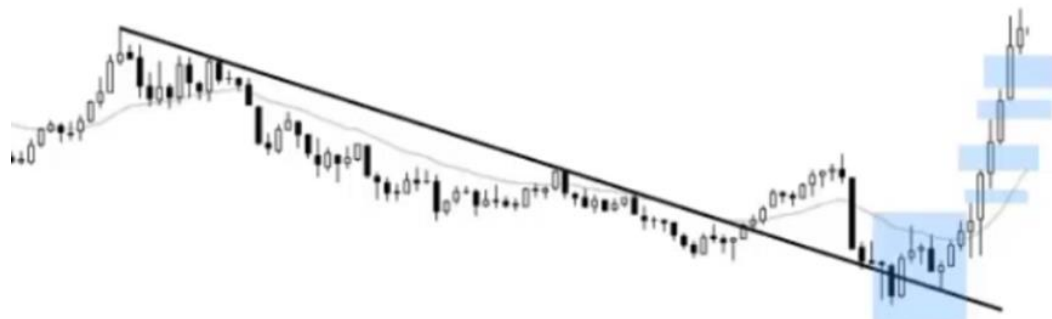


*** نکته مهم: بریک اوت (اسپایک ها) و گپ ها را می توان به عنوان کندل روند دار در نظر گرفت .

انواع گپ:

(۱) بریک اوت (۲) فشار (۳) خستگی (۴) معمولی . گپ فشار و خستگی از بقیه مهم تر هستند .

وقتی یک گپ در ابتدای یک حرکت زده می شود ، آن یک گپ بریک اوت در نظر می گیریم . بریک اوت گپ صعودی در این حالت قیمت بسته شدن این کندل در سقف قبلی است .



زمانی که یک گپ در ابتدای یک حرکت ایجاد می شود ، آن یک بربک اوت گپ است

گپ فشار: وقتی بعد از ۱۰ الی ۳۰ کندل در روند فشار متوقف می شود ؛ و برای مدتی فشار خرید یا فروش متوقف می شود و پس از آن ترند بار صعودی می شود و احتمال شروع روند (ادامه روند) را زیاد می کند .
 { توضیح خودمونی : یک روندی داره میاد وسط روند خسته میشه بعد یکهو می کنه میره پایین یا بالا که بهش می گیم گپ فشار . } دقیقه ۲۳ مهم



گپ خستگی: فشار خرید در ۱۰ یا بیشتر از ۱۰ کندل ادامه خواهد داشت. در نواحی نزدیک به مقاومت، یک کانتکست خوب برای یک پولبک بزرگ تشکیل می شود. قیمت بعد از این گپ برگشت خواهد خورد. توضیح خودمونی: روند میاد میرسه به یک محدوده مهم و با یکی دو کندل یک فشار به سمت پایین میاره. این گپ معمولا آخر روند تشکیل می شود.

گپ خستگی



به گپ خستگی گپ فرسایشی هم می گوییم که اگر کانتکست خوب بود و مثلا در روند ریزشی بودیم و کندل نزولی دیدیم روی این کندل ها بای می زنیم؛ و برعکسش هم صادق است.

گپ معمولی: هر ترند بار یک گپ محسوب می شود. اکثر آنها ارزش پبینی و دنبال کردن را ندارند و معمولا در تریدینگ رنج ها رخ می دهد.







ویدیو ۴۱ : اخبار اقتصادی پارت دوم (Part2)-Fundamental

ادامه نرخ های اقتصادی :

***** High impact Expected – تغییرات نرخ بیکاری بخش غیر کشاورزی Non farm employment change**

***** High impact Expected – نرخ بیکاری – unemployment rate**

***** High impact Expected – میانگین درآمد ساعتی – average hourly earnings**

***** High impact Expected – ضریب اطمینان مصرف کننده (این شاخص اقتصاد را ارزیابی می کند) consumer confidence index**

***** High impact Expected – شاخص قیمت مصرف کننده (cpi) consumer price index**

***** High impact Expected – نرخ خرده فروشی retail sale**

***** Medium impact expected – شاخص صنعتی مدیران ISM manufacturing PMI**

***** High impact Expected – شاخص مدیران خرید شیکاگو Chicago pmi**

***** Medium impact expected – شاخص تورم تولید کننده producer price index**

***** Medium impact expected – شاخص سفارش کالاهای بادوام durable goods order**

***** Medium impact expected – پروانه مجوز ساخت خانه های نوساز buildings permit**

ویدیو ۴۲: مدیریت حد ضرر ——— ر پارت اول (Part1) - Protective stops (Part3) - Money Management

برای حد ضرر این رو باید همیشه توجه داشته باشیم که برای تمامی پوزیشن ها و معاملات بلا استثنا باید حد ضرر یا حد محافظ بزاریم. این موضوع باعث میشه نمودار سود آوری و همچنین سود کل سرمایه مون خیلی خیلی بهتر باشه و باید بحث مدیریت سرمایه مون رو جدی بگیریم. (منطقه راحتی رو توضیح داد.)

*** معادله معامله گری: احتمال موفقیت \times ریوارد $<$ (احتمال عدم موفقیت \times ریسک) + اسپرد و کمیسیون.

همیشه برای تمامی معاملات حتمن اسپرد ها رو در نظر می گیریم چون در بعضی موارد مخصوصا برای اسکالپ کردن که ریسک به ریوارد ۱:۱ هست اسپرد و کمیسیون باعث میشه نسبت ریسک به ریوارد بزرگتر شه که این قضیه مدیریت سرمایه رو به چالش می کشه.

* برای گذاشتن حد ضرر باید اول از همه بفهمیم کجا هستیم؛ اسپایک هستیم، یا کانال یا تریدینگ رنج. چون نحوه گذاشتن حد ضرر توی هر سه تا کاملا فرق می کنه.

نکته ۱: اگر وضعیت معامله تغییر کرد، منتظر نشویم تا قیمت به حد ضرر برسد و معامله را دستی می ببندیم.

این جمله به ما میگوید که وقتی که حس میکنید وارد یک معامله اشتباه شده اید و معامله دارد به نقطه ورود شما بر میگردد در اینجا اگر دیدید که کانتکتست دارد تغییر میکند میتوانید معامله تان را ببندید اما خیلی مرز باریکی است بین اینکه شما درست از این معامله خارج شوید یا اینکه بترسید و خارج شوید برای همین روزهای اول معامله گریتان نیازی نیست اینکار را کنید و اگر کانتکتست تغییر کرد بگذارید استاپتان خورده شود.

نکته ۲: قبل از اینکه وارد معامله شده باشیم باید ریسک معامله محاسبه شده باشه. مبنای معاملاتمون هم سلسله معامله باشه نه یکی دو تا معامله، چون ریشه روانشناسی داره.

*** نکته ۳: حد محافظ نباید خیلی نزدیک و نه خیلی دور باشد. چرا؟ دور بودن که دلیلش مشخصه ما نباید خیلی دیگه ضرر کنیم ولی راجب نزدیک بودن اول اینکه باید اسپرد رو در نظر بگیریم، ثانیا مثلاً روند رو درست تشخیص دادیم و مثلاً میدونیم که میخاد بره بالا ولی تو حین بالا رفتن ممکنه یه پولبک بزنه به سمت پایین یا یک لگ بزنه بعد بره بالا که اگر حد ضررمون خیلی نزدیک باشه بهش برخورد می کنه و میره بالا.

نکته ۴: مولتی تایم فریم حد محافظ نمی گذاریم.

برای گذاشتن حد ضرر سه مورد می تونیم عمل کنیم:

(۱) بر اساس پرایس اکشن

(۲) بر اساس مقدار پولی

(۳) بر اساس فاصله از نقطه ورود

۹۵ درصد از گذاشتن حد ضررمون بر اساس پرایس اکشن خواهد بود.

بر اساس پرایس اکشن : حد محافظ پشت سیگنال بار قرار می گیرد. اگر سیگنال بار بزرگ بود مثل کندل های فول بادی حد ضرر را در نصف کندل قرار می دهیم یا از حد ضرر پولی استفاده می کنیم . یعنی اینکه ما یاد گرفتیم که دوتا کندل داریم برای ورودمان به معامله که یکسری اشکال خاصی داشتند و در نقاط کانتکسی خوبی تشکیل میشدند و نه همه جا) کانتکست در اینجا برای ما خیلی خیلی مهم بود ما بر اساس این روش کار میکنیم چون دقتش زیاد است و آن حدی که ما نیاز داریم را دارد یعنی نه خیلی زیاد و نه خیلی دور است.

نکته مهم بعدی این است که ما میتوانیم با این روش سریع به پیدا کردن نقطه مناسب پی ببریم یعنی سرعت عملمان را بالا ببریم و مزایای بعدی اش این است که کاملا مدیریت شده کار کنیم. در این روش اگر درست با روش پرایس اکشن وارد معامله شوید راس حد سودتان (TP) قیمت بر میگردد چرا؟ چون پرایس اکشن قدرت بازار است.



دقیقه ۳۶:۴۰ نکته مهمی رو اشاره کرد که وقتی ترند مثبت یا منفی **نباید** خلاف جهت ترند با توجه به کانتکست و صرف دیدن سیگنال بار و کی بار وارد معامله بشیم .



حد محافظ بر اساس مقدار پولی: این سطح در اطراف سیگنال بار قرار دارد، سعی می کنیم یک میانگین ذهنی از کندل های روند دار روی چارت پیدا کنیم و از آن مقدار استفاده کنیم، یا حدود ۱۰ الی ۲۰ درصد از تغییرات روزانه را انتخاب می کنیم.

حد محافظ بر اساس فاصله از نقطه ورود: فاصله هایی که از حد سود مشاهده می کنیم؛ شکاف هایی که در چارت مشاهده می کنیم؛ یا بر اساس طول سیگنال بار تصمیم گیری می کنیم.

ACTUAL RISK: ریسک واقعی در معاملات:

وقتی ستاپ خوبه ۶۰ درصد احتمال موفقیت داریم؛ وقتی ناواضح ۵۰ درصد احتمال موفقیت داریم؛ و اگر ستاپ ضعیفه ۴۰ درصد احتمال موفقیت داریم.

ریسک اولیه پشت سیگنال بار هست؛ در صورتیکه ریسک واقعی تعداد واحد قیمتی است که بعد از ورود به معامله خلاف جهت ما حرکت می کند. و وقتی شک داریم از معامله خارج می شویم چون با این کار هم معادله معامله گری ثابت می ماند و هم کمترین ریوارد را به دست می آوریم. بیشتر در تریدینگ رنج ها از ریسک واقعی استفاده می کنیم. و وقتی حد سود ریسک واقعی کوچک شد، به حد سود دست نزنیم و از سطوح مهم استفاده کنیم.

اگچوال ریسک یا ریسک واقعی بیشتر در بازارهای بدون روند یا روند های ضعیف استفاده میشه. دقیقه ۷ این مورد رو توضیح میده. دقیقه ۱۲ هم مهم. اگر اکشوال ریسک کردید و دیدید که حد سودتان خیلی کوچک شده اشکالی ندارد و دست به حد سود خود نزنید.

نکته: اکشوال باعث میشود که نه تنها ریسکمان کوچک تر شود بلکه باعث میشود حدسودمان نیز بهینه تر شود البته در مواقعی که درست در حال تشخیص روند بازار هستیم.

TRAILING STOP: جابه جا کردن استاپ لاس

تریلینگ کردن به مواردی گفته می شه که مثلا توی یک روند صعودی هستیم و روند داره صعود می کنه، پوزیشن خریدی که باز می کنیم وقتی رفت توی سود ما حد ضررمون رو جابه جا می کنیم بالاتر؛ در واقع اگر مدام پوزیشنمون توی سود رفت حد ضررمون رو جابجا می کنیم به سیگنال بار هایی که توی مسیر روند وجود داره. تریلینگ کردن استاپ لاس به تمرین نیاز داره و برای اول کار توصیه نمی شه فقط معامله رو فری می کنیم.

بعد از ورود معامله به سود به چند روش می توان ✓ معامله را مدیریت کرد:

۱: حد ضرر را به نقطه ورود بیاوریم، برای اوایل کار در مواردی توصیه می شه، نه در تمامی موارد. **برای ریسک فری کردن اگر قیمت رفت بالای TP1 و بیشتر شد، حد ضرر رو بر می داریم میاریم نقطه ورود.**

۲: با هر سقف یا کف آن را بالاتر یا پایین تر ببریم و آن را به سطوح مهمی که مشاهده می کنیم منتقل کنیم (سطوح حمایت و مقاومت)

۳: از حد پولی استفاده کنیم مثلا به اندازه ۱۰ دلار یا ۱۰ واحد بالا یا پایین تر ببریم .

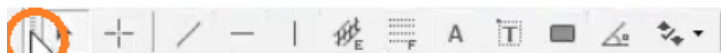
۳- حد محافظ بر اساس فاصله از نقطه ورود



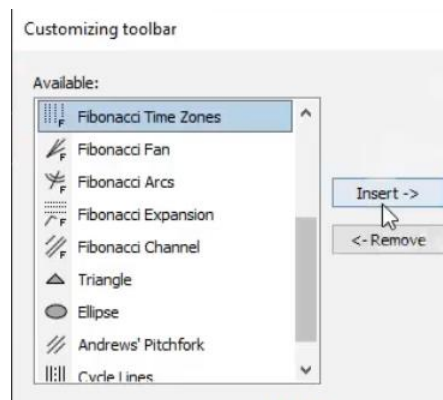
ویدیو ۴۴ : آنالیز تایم پارت اول (Part1)-Technical Time Analysis

برای تحیل زمانی ۲ راه وجود داره : ۱- ابزار محور . ۲- real . برای ابزار محور میخاییم ترید بکنیم و تحلیل کنیم که ۲ راه داریم : ۱- فیبوناچی . ۲- ایچیموکو از خود فیبوناچی استفاده از دره و قله و تغییر جهت در ترازها ؛ و تقاطع ها (fibo fan) استفاده میشه .

* در متاتریدر برای اینکه ابزار تحلیلمون رو وارد کنیم طبق شکل زیر در قسمت نوار ابزار در بالا کلیک راست می کنیم و گزینه customiz را انتخاب می کنیم .



گزینه های **Fibonacci time zone** و **Fibonacci fan** رو انتخاب می کنیم .



وقتی ابزار **Fibonacci time zone** رو انتخاب کنیم از ۲ تا قله استفاده می کنیم که خطوط زرد رنگی داره این ابزار که با ۰ و ۱ و ۲ و... علامت گذاری شده . وقتی خط بعدی رو می بینیم یعنی تغییر جهت (انتهای صعود) از روی خطوط پیدا میشه .



خطوط زرد رنگ فیبوناچی رو در بالا مشاهده می کنیم . به قله و تلاقی خطوط زرد رنگ دقت کنید.

از این ابزار در دره ها هم می تونیم استفاده می کنیم.

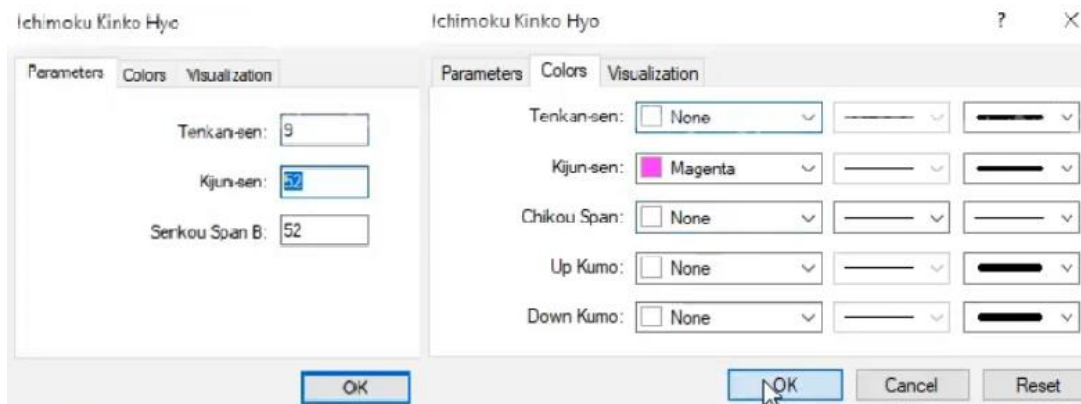
* برای استفاده از فیبو فن میاییم معمولا از اسپایک ها استفاده می کنیم ؛ از کف (از سقف هم میشه استفاده کرد) قیمت اسپایک می گیریم تا بالاترین قیمتی که دیده رسم می کنیم ؛ در این زمان دقیقا بر عکس فنی که رسم کردیم رو تشکیل یک باکس می دیم فیبو فن رو از اونجا رسم می کنیم . محل تلاقی دو خط فیبو فن برگشت قیمت هستند ؛ به محل تلاقی و تقاطع فیبو فن دقت کنید.



ایچیموکو :

روش اول ایچیموکو : میاییم از توی منوی insert تب اندیکاتورها indicators گزینه trend رو انتخاب و در نهایت گزینه ایچیموکو ichimoku kinko hyo رو انتخاب می کنیم.

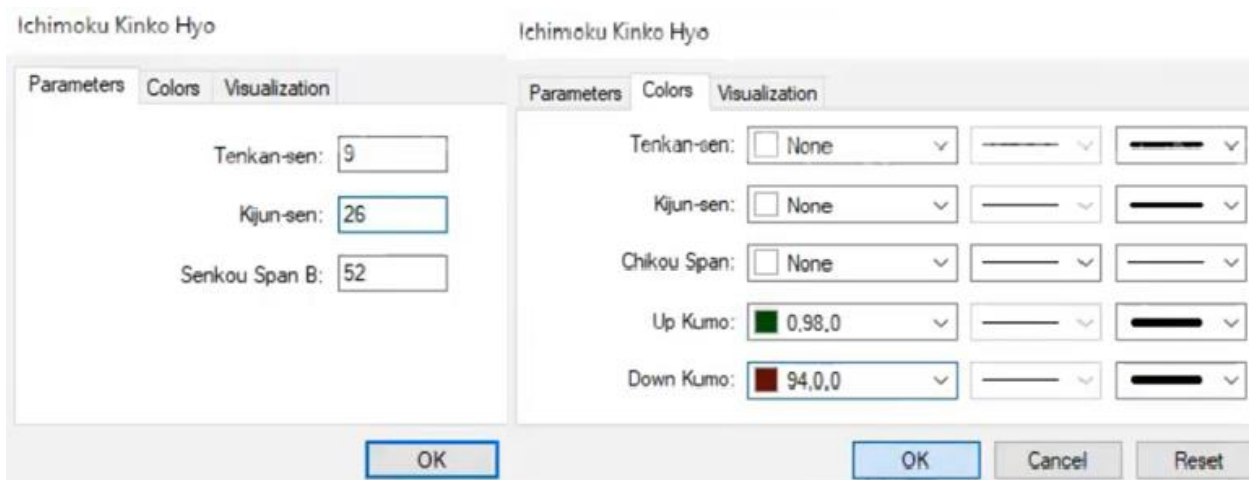
در تب پارامتر کیچونسن رو روی عدد ۵۲ می زاریم . در قسمت colors فقط رنگ کیچونسن رو به هر رنگی که دوست داریم اضافه می کنیم و بقیه حالت ها رو none قرار می دهیم و در نهایت گزینه ok رو کلیک می کنیم .



این کار ها رو که انجام دادیم یک فلت می ندازه روی چارت . روی چارت جایی که فلت می بینیم و جایی که فلت شروع کرده به شکسته شدن (اون کندلی که باعث شده خط ایچیموکو کج بشه) می گیریم می کشیم و شروع می کنیم به راس شماری . عدد ۵ (پنجمین کندلی که از جایی که شکسته شده و شمردیم) ترند صعودی میشه . ۹ نهمین کندل نزولی .

***** در کل اعداد ایچیموکو شامل این اعداد هست : ۵ ، ۹ ، ۱۳ ، ۱۷ ، ۲۶ ، ۳۵ ، ۴۳ ، ۵۲ ، ۶۳ ، ۷۲ ، ۸۰ ، ۹۰ ، ۱۰۸ . این اعداد تقریبا ترند ها رو مشخص می کنه . (تغییر جهت روند رو معمولا داریم) .**

روش دوم ایچیموکو : این بار دوباره ایچیموکو رو می ندازیم ؛ ولی در قسمت پارامتر از اعداد زیر استفاده می کنیم ؛ همچنین در قسمت رنگ ها ، رنگ کیجونسن رو خاموش و رنگ آپ کومو و دون کومو رو انتخاب می کنیم و سعی می کنیم رنگ کم رنگ برای این دو پارامتر انتخاب کنیم .



وقتی اوکی کردیم چیزی مثل ابر ميفته روی چارت و از جایی که ابرها شيفت پیدا کرده اند (ابرها از قرمز به سبز یا از سبز به قرمز رنگ تبدیل شده اند) می گیریم درگ می کنیم و طبق اعداد بالایی که گفته شد ترند ها رو پیدا می کنیم .



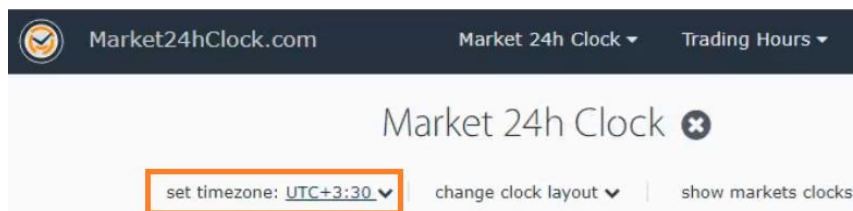
ویدئو ۴۵ : آنالیز تایم — پارت دوم (Part2)-Real (Part2) Time Analysis

تحلیل زمانی real به دو قسمت تشکیل میشه : ۱- تحلیل زمانی بر اساس فاندامنتال . ۲- تحلیل زمانی بر اساس سشن های بازار

۱- فاندامنتال : در مورد فاندامنتال ، این اخبار هست که بازار رو تگون میده و راس اخبارها منتظر اتفاقاتی روی چارت باشیم . برای این موضوع تنها کاری که می کنیم توی فارکس فکتوری ، ساعت فارکس فکتوری رو با ساعت بروکرمون تنظیم می کنیم ، ارز و اخبار رو فیلتر می کنیم ، اونجا ساعت هایی که اخبار میاد راحت می تونیم روی چارت بفهمیم روند به کدوم سمت میره .

۲- سشن های بازار: در کل ۳ سشن اصلی داریم : توکیو به نمایندگی از کل بازار آسیا ؛ لندن به نمایندگی از کل بازار اروپا ؛ نیویورک به نمایندگی از کل بازار آمریکا

ما به سایت زیر که مهم که ساعت باز و بسته شدن بازارهای مالی رو نشون میده ساعتش رو بر اساس ساعت بروکرمون تنظیم می کنیم .



برای ما توی تصویر بالا بازار های توکیو ، لندن ، نیویورک . زمانی که بازار ۳ گانه باز میشه نیم ساعت قبلش معمولا بازار تغییرات رو می تونیم روی چارت در همون ساعات مشاهده کنیم . دقیقه ۲۲:۴۰ خیلی

مهم .

نکته : معمولا تاثیرات سشن ها نیم ساعت زودتر نمایان می شود. زمان شروع سشن ها می تواند استراتژی خیلی خوبیه

ویدیو ۴۶: روانشناسی ترید (اضطراب) - Trading Psychology (Part 3) - Anxiety

اضطراب یکی از بزرگترین دشمن های یک معامله گر هست. اضطراب اغلب راه رد گم کردن برای یک موضوع دیگر است.

اضطراب درد زیادی دارد اما به تحلیل و پرسش و بازجویی جواب نمیدهد

وقتی که انسان اضطراب دارد به هیچ سوال منطقی که ذهنش از آن میپرسد جواب نمیدهد یعنی اینکه فردی که شروع میکند به گرفتن اضطراب مدام، میخواهد از خود پرسش های منطقی کند جواب نمیدهد مدام میخواهد تحلیل درست کند ذهنش جواب نمیدهد، مدام میخواهد خودش را یک جورایی بازجویی کند جواب نمیدهد چون ذهن این مثل یک ظرفی میماند که پر شده است و شما نمیتوانید در این ظرف چیزی را بریزید.

- هم میتوسیم هم نمیتوانیم به جز ترس به چیزی فکر کنیم

جدا از معامله گری در هر چیزی اگر اضطراب داشته باشیم میتوسیم این ترس باعث میشود که اصلا نتوانیم به هیچ چیز دیگر فکر کنیم چون که این ترس تمام وجود ما را فرا گرفته است.

- افکار تو سری خورده، بی قرار و تکراری و درمانده میشوند

مثلا در یک معامله وارد محدوده ضرر شده اید در اینجا شما وارد محدوده ی اضطراب میشوید این اضطراب کم کم جایش را میدهد به ترس و ترس وقتی وارد ذهن شود ذهن قفل میشود حالا چرا این اتفاق می افتد؟ چون آن مواردی که در ویدیو ها روانشناسی و مدیریت سرمایه گفته شده را رعایت نکرده اید چون اگر آن ها را رعایت میکردید وقتی که پوزیشنتان میرفت در ضرر نه ترس برتان میداشت و نه اضطراب چون همه چیمنطقی چیده شده است و چیزی که منتطق پشتش است اضطراب درونش جایی ندارد.

- مدام به احتمال ضرر و احتمال از دست دادن سود و... معطوف می شود

حد ضرر شما اصلا نخورده است اما وارد فاز این میشوید که میگویید).اره دارم کال میشم، الان بولم از بین میره و... (چون: اضطراب بر فعالیت های مغز حاکم می شود و هر فعالیت ذهنی دیگر را حذف می کند، تنها وحشت در ذهن باقی می ماند و با قلدری تمام فعالیت های ذهن را از کار می اندازد.

وقتی می ترسیم هم نمی تونیم به چیزی جز ترس فکر کنیم و افکار تو سری خورده، بی قرار، تکراری و درمانده می شوند و مدام به احتمال ضرر و احتمال از دست دادن سود و... معطوف می شود. در این حالت تنها وحشت در ذهن باقی می ماند و با قلدری تمام فعالیت های ذهن را از کار می اندازد.

اضطراب اغلب راه رد گم کردن برای یک موضوع دیگر است

شما مشکلاتتان یک چیز دیگر است مثلا در یک معامله ضرر ده مشکل اصلی شما این است که مدیریت سرمایه را رعایت نکرده اید بعد معامله تان وارد ضرر شده است.

این ضرر مشکل اصلی شما نیست مشکل شما عدم رعایت از مدیریت سرمایه است که باعث شده است شما اضطراب بگیرید.

این اضطراب میتواند ناشی از چند چیز باشد مثلا کمبود سرمایه، یا مشکلی خارج از معامله گری یا با کسی دعویاتان شده است و این استرس و اضطراب داشتن از اینجاست.

در بعضی مواقع شاید نگرانی از معامله ضررده پوششی باشد برای یک فکر بزرگتر. مثل:

(۱) آیا من لایق سود بزرگ هستم؟ (۲) آیا لایق زندگی بهتر هستم؟ (۳) آیا توانایی انجام معامله دارم؟

در جواب سه سوال بالا چون به توانایی و دانشمون ایمان نداریم و تمرین نکردیم که همچین جوانبی به وجود میاد. ممکنه وحشت رو انتخاب کنیم، تا اینکه بخواییم با خود آگاهی روبرو بشیم. بهتره به فکر ریشه مشکلات باشیم به جای اینکه ذهن رو از حواس پرت کن ها پر کنیم.

***** عاقلانه است از خودمون یک سوال ساده اما روشنگر بپرسیم که اگر ذهنمون درگیر این اضطراب خاص نبود، چه موضوع دیگری وجود داشت تا لازم بود به آن فکر کنیم؟**

سوال بالا درک اصلی از وضعیت موجود رو برامون رقم می زنه که؛ اگر اضطراب نداشتیم می فهمیدیم وارد چه معامله اشتباهی شدم، یا اینکه چقدر از اینکه این کار را انجام دادم از خودم عصبانی هستم. ممکن بود به عمق اشتباهم پی ببرم و این همان کاری است که باید انجام دهیم؛ فکر کردن به تمام آنچه به بهانه اضطراب تلاش می کنیم سانسور می کنیم.

در خیلی از موارد باید اضطراب خوب را از اضطراب بد جدا کنیم مخصوصا در معامله ها که پای مستقیم سرمایه در میونه. اگر قراره رنج بکشیم و اغلب هم باید بکشیم، حداقل می دونیم که این رنج دلیل ارزشمندی دارد. گاهی باید در معامله اضطراب را با چیز بزرگتر عوض کنیم و آن: روبرو شدن با احساسات دوگانه و پیچیدگی های خودمونه.

بازار همیشه یا به ما درس میدهد یا سود میدهد، هیچ وقت ضرر نمیده و این نکته خیلی مهمیه.

توصیه: توصیه میشود کتاب ذهن زیبا در بورس به ترجمه احسان سپهریان بخوانید.

در این کتاب از یک متد به اسم تمرین آلفا استفاده شده است؛ این یک روش خیلی کاربردی است اگر بخواییم ذهن را به پنج قسمت تقسیم کنیم ذهن ما دارای پنج فرکانس مختلف است در زمان های مختلف وقتی ذهن عملکرد و تمرکز بالا انجام میدهد مثلا یک راننده فرمول یک وقتی که دارد رانندگی می کند در سطح گاما است زیرا به تمرکز بالایی نیاز دارد.

یا مثلا کسی که بیلبارد بازی میکند به سطح گاما نیاز دارد.

سطح بعدی فاز هوشیاری است یا بتا که ما اکثرا در این سطح هستیم.

سطح بعدی سطح آلفا آرامش ذهنی و جسمی است این سطح همان سطحی است که ما به آن نیاز داریم در آرامش ذهنی به سر ببریم.

سطح بعدی دلتا است یا خواب سبک قسمت آخر سطح دلتا یا خواب عمیق



نکته : همه اشتباهات در معامله گری از روی ترس به وجود میاید .

برخی از اشتباهات رایجی که خیلی از معامله گرها از روی ترس می کنن :

(۱) قرار ندادن حد ضرر برای تمامی معاملات

اگر حد محافظ نگذارید اگر امروز کال نشوید مطمئن باشید فردا کال مارجین میشوید. وقتی حد محافظ قرار ندهید وار د یک لویی میشوید لویی پر از اشتباهات.

نکته: کسی که حد محافظ نمیگذارد ترسیده است چون اگر کسی ایمان داشته باشد که حد محافظ از آن و سرمایه اش محافظت میکند نیازی که خودش را به خطر بیاندازد اگر کسی استاپ نمیگذارد نشان دهنده این است که از دست دادن پول می ترسد و این است که افراد را در دراز مدت دچار مشکل میکند.

(۲) جا به جا کردن حد ضرر

این مشکل از مشکل قبلی بدتر است. جابه جا کردن حد محافظ باعث کال مارجین حساب شما میشود و هیچ وقت حد ضرر را خلاف پوزیشن حرکت ندهید. قبل از معامله صبر حوصله کنید حد ضرر را درست تعیین کنید تا بعد از ورود به معامله حد ضرر را دستکاری نکنید.

نکته : هنگام معامله شاید فکر کنید که اگر یکبار حد ضرر تان را جابه جا کنید اتفاقی نمیفتد ولی بدانید همان یکبار باعث کال مارجین شدن شما میشود بخاطر همین اصلا روی این قضیه شوخی نکنید.

(۳) عدم رعایت قوانین مدیریت سرمایه

(۴) خروج زود هنگام از معامله

خیلی وقت ها مثلا ما وارد یک معامله خرید می شویم و پس از آن قیمت رشد میکند و به یک سطح مقاومتی میرسد در اینجا ما میترسیم و معامله را دستی میبندیم و تکرار این مورد باعث میشود که عادت کنیم که معاملات را دستی ببندیم ؛ یعنی عملا با اینکار نه تنها قوانین مدیریت سرمایه را خراب کردیم بلکه یک عادت اشتباه را داریم در خودمان جا می اندازیم و این عادت اشتباه چیزی نیست که همینطوری به توان به سادگی از آن گذشت ، مطمئن باشید اگر این کارها را ادامه بدهید بازار با شما شوخی ندارد و وقتی دارید سودهای تان را کوچک میکنید در مقابل ضررهای تان ، دقیقا دارید معکوس راهی را میروید که منجر به سودآوری مستمر میشود .

کسی که سودهایش بزرگتر از ضررهایش باشد در درازمدت سوده است هرچقدر این ضررها بخواهد بزرگ باشد اصلا مهم نیست اینکه مقدار اندازه شان کم باشد مهم است ، صد تا معامله یک دلاری ضرر کنید ولی دوتا معامله دویست دلاری سود کن.

۵) به دنبال گله رفتن

این جمله یک کنایه است به این که یکسری از افراد در بازارهای مالی همه دارند به دنبال یکدیگر میروند مثلاً یک نفر یک جایی سیگنالی میدهد بدو عوام مردم میروند و آن سیگنال را اجرا میکنند این افراد میترسند چون که به خودشان ایمان ندارند. ترس به این دلیل ایجاد میشود که به خودتان ایمان ندارید کسی که به خودش ایمان داشته باشد نه حرف زیادی میزند نه میترسد چون میداند که دارد کار درست را انجام میدهد.

پس به دنبال گله رفتن هم از روی ترس است چون به اطلاعات واقعی و اطلاعاتی که یاد گرفته اید ایمان ندارید و نتوانستید به درستی بکتست بگیرید چون اگر درست بکتست گرفته باشید ایمان ایجاد میشود. ایمان به خودی خود ایجاد نمیشود باید به ایجاد ایمان زمان داد باید بکتست زیاد گرفت؛ **زمانی که شما بکتست زیاد بگیرید آن موقع است که شما میفهمید که این سیستم دارد جواب میدهد و میتواند سودده باشد.**

۶) شوک شدن با حرکات بازار

بازارهای مالی با بحث فاندمنتال تغییرات حرکتی زیادی دارند مثلاً روی ارزها میبینیم که یک خبر خیلی مهم میخواهد بیاید. که قرار است قیمت را حرکت زیادی دهد اما در اینجا شما از این خبر اطلاعی ندارید و معامله باز دارید اگر در جهت معامله شما قیمت حرکت کند که شانس آورده اید اما اگر در خلاف جهت معامله شما باشد و شما هم حد ضرر نگذاشته باشید چنان ضرر عجیبی میکنید که اصلاً باور نمیکنید. حالا اگر شما هیچ پوزیشن بازی نداشته باشید شما در آن لحظه شوکه میشوید نمیتوانید وارد معامله شوید می ترسید.

۷) ترس از انجام معامله

این مورد اوایل کار خیلی اتفاق می افتد طوری که فرد معامله گر می ترسد که کلیک کند و وارد معامله شود حتی اگر درست تحلیل کند.

در این مورد خیلی مهم است که در هنگام معامله متمرکز باشید.

راه حل: انقدر حجم معاملاتی خودتان را کم باید کنید که این ترس ریخته شود. در این موضوع زیاد حساس نباشید و با حجم زیاد وارد نشوید. روی دمو تمرین کنید و زیاد بکتست بگیرید.

۸) متمرکز نبودن بر بازار،

وقتی شما متمرکز نیستید بر بازار ای ن از روی ترس شما میاید وقتی وارد پوزیشنی میشوید که تمرکزتان را به هم میریزد مطمئناً از روی ترس است یا بر اساس عوامل محیطی است که در این صورت باید محیطتان را عوض کنید به هر قیمتی کهشده نباید در آن محیطی که ناراحت هستید معامله کنید.

۹) ساده سازی بیش از اندازه

وقتی که شما میترسید از سیستم تان مدام میخواهید آن را ساده کنید چون میترسید درست و زیاد تحلیل کنید و مدام میخواهید انقدر موضوع برایتان ساده شود (که انگار میخواهی هلو برو تو گل و باشه برات) اما این اتفاق در بازارهای مالی نمی افتد.

شما بلاخره به حدی از پیچیدگی نیاز دارید برای انجام معامله.

درست است که میگوییم قدرت در سادگیست ولی پشت این سادگی باید تمرین و دانشی بیش از آن چیز ساده باش د شما وقتی این دانش پیچیده را دارید حالا میتوانید با این ساده سازی کار معامله کنید. شما باید ساده معامله کنید نباید نگاهتان ساده باشد این دو چیز متفاوت از هم است. وقتی میبینید که خیلی دارید استراتژی را ساده میبینید مطمئن باشید از یک چیزی ترسیده اید و این کار دستتان میدهد.

۱۰) عدم مدیریت برای معاملات باز

فردی که ه میترسد نمی آید معاملاتش را مدیریت کند یک زمانی است که نیاز است شما از معامله تان حفاظت کنید و آن را ریسک فری کنید یا از آن معامله خارج شوید ای ن یک مرز باریکی است بین ترس از اینکه من زود از معامله خارج شدم و یا اینکه من یکسری اتفاقاتی روی چارت دیدم که من را مجاب به خارج شدن از معامله کرده است. بحث ترس اینجا تمام میشود.

این اشتباهات خیلی مهم هستند و قطعاً شما این هارا انجام خواهید داد. پس وقتی که اینکار ها را انجام دادید بفهمید که دارید میترسید رفع این ترس ها نیاز به ممارست و تمرین دارد و سعی کنید خودتان را آماده کنید. باید به خودتان زمان بدهید و بدانید که بحث سایکولوژی با انجام تمرین و ممارست به دست می آید.



ویدیو ۴۸ : روانشناسی ترید (خشم و غرور) Trading Psychology(Part5)-Pride And Angel

اینکه فرد معامله گر بعد از یک معامله ضررده خشمیگن میشود و یا اینکه بعد از یک معامله سودده غرور برش میدارد این موردها هم نمیتوان گفت که مخصوص معامله گرهای تازه کار است این خصوصیت ها معمولاً سال ها با فرد معامله گرمیاند.

غرور میتواند بیشتر از خشم تشدید شود و خشم کم فروکش میکند.

هرچه شما در بازار ادامه دهید یاد میگیرید که خشم خودتان را کنترل کنید و خشمیگن نشوید از اینکه ضرر کرده اید چون که درک کرده اید ضرر جزئی از بازار است و به هی چ عنوان شم نمیتوانید آن را صفر کنید شما اگر نصف معاملات هم ضرر داد نباید عین خیالتانهم باشد چون که ریواردتان بالا است .

هرچه بیشتر حرفهای تر میشوید حس غرور بزرگتر میشود و تنها حالتی که بتوانید بزرگتر بشوید این است که بتوانید این غرور را کنترل شده نگه دارید . به طور کلی خشم و غرور چیز های بدی نیستند این که بخواهید این دو حس را حذف کنید خنده دار است ، هیچ مکتب روانشناسی به شما اجازه نمیدهد که هیچکدام از حالت های ترس ، خشم ، غرور و طمع را حذف کنید چون اصلاً نمیتوانید این کار بکنید و یک چیزی مثل غریزه است .

توی بحث غرور و خشم ۹ پارامتر هست که احتمالاً باعث میشه ما به مشکل بخوریم :

(۱) توهن علم بیش از حد در معامله گری

(۲) عدم تحلیل معاملاتی که در گذشته انجام شده است ؛

این موضوع چیزی است که از روی غرور میاید فرد معامله گر از روی غرور نمیخواهد گذشته چارت را بررسی کند.

نکته: باید دونه به دونه از معاملاتتان را بررسی کنید.

(۳) معامله خلاف روند قیمتی

این مورد هم از غرور و هم از خشم نشات میگیرد فرد معامله گر غرور علم برش میدارد و ب ه خودش میگوید (من علم تحلیلدارم باید در فلان جا و فلان نقطه قیمت برگردد(باهمین این برمیگردد این برمیگردد فرد معامله گر میبیند که حسابش صفر شده است.)

لطفا خلاف جهت روند معامله نکنید و اگر این کار را میکنید استاپتان را دست بهش نزنید. بعضی از معاملات از روی خشم است ، یک معامله ضرر میدهد معامله دوم هم از روی خشم و انتقام گرفتن خلاف روند وارد میشود و ضرر میکند(با یک یا دو معامله ضررده دنیا به پایان نمیرسد)

(۴) عدم بهره گیری از مربی مجرب

از تجربه معامله گران حرفه ای استفاده کنید و آموزش ببینید پولی که بابت آموزش میدید در قبال زمانی که خودتان باید برای بدست آوردن آن اطلاعات بگذارید ارزشی ندارد .

(۵) توجیح اشتباهات و تکرار آن

این مورد از روی غرور است و مدام میخواهید خودتان را توجیح کنید که اشتباه نکردید در صورتی که اشتباه کردید و دست به حد ضرر زدید و یا به استراتژی خودتان پایبند نبوده اید.

وقتی خودتان را توجیح میکنید نتیجه گیری درستی نمیتوانید کنید و وقتی نتوانید نتیجه گیری درستی کنید نمیتوانید سودده باشید برای همین به جای اینکه خودتانرا توجیح کنید بیایید بی طرف بنشینید نگاه کنید که چیشد که فلان اتفاق افتاد ، این خیلی مهم است.

(۶) عدم استفاده از ژورنال معاملاتی

(۷) انجام معامله بدون استراتژی معاملاتی

وقتی فرد معامله گر بدون استراتژی معاملاتی ترید کند یعنی عملا هیچ دیدگاهی ندارد. دیدگاه بالاتر از استراتژی است ، دیدگاه معاملاتی خیلی مهم تر است که در این مجموعه یاد میگیرید.

اگر دیدید که از استراتژیبتان پیروی نمی کنید و همینجوری رو هوا هرچی دلتان میخواهد معامله میکنید به خودتان شک کنید و بدانید که اتفاق خطرناکی احتمال دارد برایتان بیفتد.

۸) دنبال نکرده استراتژی معاملاتی

فردی که آموزش میبیند و زمان میگذارد باید درست کارش را انجام دهد وقتی که درست کارتان را انجام میدهید سود اتوماتیک انجام میشود و نیازی نیست که از استراتژی خارج شوید.

۹) برقراری ارتباط غلط بین قیمت های مختلف

این که الکی بین کارنسی ها یا شاخص ها ارتباط برقرار میکنند مثلا میگویند که شاخص داوجونز با قیمت پنبه در کشور ترکیه ارتباط دارد مثلا میگویند که داوجونز ریخت به خاطر این بود که وزیر ایران حرف زد. هرچیزی پارامترهایی دارد برای بررسی کردن و نیازی نیست الکی بخواهیم هم ه چی را ب ه م وصل کنیم در ای ن بازار هم ه چی بهم وصل هست اما نه به آن صورت که شما فکر میکنید. به طور کلی اصلا نیاز نیست بین قیمت ها ارتباط برقرار کنید شما هر قیمت را میتوانید به صورت تکی بررسی کنید این نسبت دادن های الکی باعث توهم برای شما میشود.

ویدیو ۴۹: روانشناسی ترید (طمع) Greed-Part6) Trading Psychology

برای هر معامله گری وجود طمع و انگیزه برای رشد سود آوری خیلی مهمه ؛ ولی هر طمعی رو نمی تونیم باعث رشد و سازندگی بدونیم که به بعضی از اونها اشاره می کنیم :

۱) اهداف غیر واقع بینانه در معامله گری

اگر ما میخواهیم حد سودی قرار دهیم این اهداف نباید خارج از واقعیت بازار باشد. مثلا اگر میخواهیم یک پوزیشن سل در داوجونز باز کنیم باید دیدگاهمان این باشد که داوجونز در درازمدت همیشه صعود است و در بلند مدت نمیتوانیم با پوزیشن سل سود آور باشیم .

منظور این است که اگر شما مثلا میدانید که یک سطح مقاومتی خیلی مهم سر راهتان هست نباید پشت آن سطح مقاومتی حد سود بگذارید. این اهداف غیر واقع بینانه بیشتر روی اکانت ها خیلی رایج است. یعنی به فرض شخصی میاید یک حساب هزار دلاری باز میکند و انتظار دارد که با این موجودی شاخ قول را بشکند. اهدافتان را اهداف درصدی بگذارید و خیلی بلند نگذارید.

۲) انجام معامله به عنوان یک سرگرمی

خب اگر شما به عنوان یک سرگرمی وارد این بازار شده اید مطمئن باشید بازار هم شمارا تبدیل به یک سرگرمی میکند و همانطور شما را از بازار پرت میکند ؛ بیرون به این شک نکنید چون این بازار شوخی نیست و باهیچ کس شوخی ندارد اگر بخواهید این بازار سرگرمیتان باشد شاید شش ماه حال کنید بهتان سود دهد ولذت ببرید ، اما این لذت بایک خاطره تلخ تمام میشود پس اگر به عنوان سرگرمی وارد بازار شدید بازار هم شمارا به عنوان سرگرمی حساب می کند.

۳) آرزوی ثروتمند شدن در یک شب

خیلی ها فکر میکنند که وقتی که وارد این بازار شوند و همه چیز را یاد بگیرند دیگر قرار است پول پاره کنند. به این سادگی نیست شما باید تمرین کنید زحمت بکشید تلاش کنید و یک جواری خاک بازار را بخورید شما در کدام بیزینس وارد شده اید که یک شبه پولدار شوید که در این بیزینس یک شبه پولدار شوید. به مراتب این بازار خیلی سختی هایش بیشتر از بازار های دیگر است حداقل بار روانی خیلی زیادی دارد و خود کنترلی بالایی را میطلبد و اصلا هم نباید این بازار را ساده دید.

۴) اجبار به خود برای شکار کل روند

۵) معامله احساسی در زبان خبر

در زمان خبر چون نمودار در یک بازه زمانی کوچک خیلی تغییرات بزرگی میکند این موضوع فرد معامله گر را قلقلک میدهد و پیش خودش فکر میکند که اگر در فلان خبر فلان حجم وارد میشدم در عرض فلان دقیقه ۱۰۰ درصد سود میکردم. شما باید بر اساس واقعیت های بازار و با ریسک منطقی وارد معامله شوید .

۶) افزایش حجم معاملاتی خارج از برنامه معامله گری

نکته : همه معامله گرها هرروز بهتر می شوند و هیچ معامله گری نمیتواند ادعا کند که دیگر در آخر این مسیر است و بهتری نه بهترین هاست.

اگر افزایش حجم معاملاتی را خارج از قوانین مدیریت سرمایه انجام دهید یعنی اینکه دارید تمام قوانین مدیریت سرمایه را خراب میکنید. کسی قوانین مدیریت سرمایه را خراب کند محکوم به نابودی است پس لطفا اینکار را نکنید و برای سرمایه خودتان ارزش قائل شوید.

۷) معامله در بازارهای متعدد

بهتر است که شما بیایید در شاخص ها یا پوند یا فلزات استاد شوید و بعد استاد شدن در هر کدام سراغ بازار یا چارت بعدی بروید ؛ اگر رفتار بازار ها را نشناسید ضرر زیادی می کنید چون که رفتارها در بازارهای مختلف متفاوت است. این طمع است که باعث میشود شما بخواهید در بازار متفاوت کار کنید.

۸) اعتماد به سبک های معاملاتی غلط

بعضی از سبک های معاملاتی هستند که خیلی ادعای سود های آنچنانی دارد مثلا میگویند که باروش ما صد درصد میتوانید سود کنید خب این مورد باعث طمع میشود و به آن روش ها اعتماد میکنید پولتان را سرمایه گذاری میکنید بعد از یک مدت پولتان از بین میرود و مهم تر از پول زمانتان است پول می آید که برود و اهمیت ندارد این که شما زمانتان را بخاطر عدم آگاهی که بلد نبودید چه کار کنید از دست دادید پس با سبک های معاملاتی غلط خودتان را الکی در چپل نیندازید.

۱۰) آزادی عمل

درسته که قانون نوشته ای در بازارهای معاملاتی وجود نداره ، هیچکس بالای سرما نیست تا مارا نظارت کند.

هیچ بیزینسی در دنیا وجود ندارد که این آزادی عمل را به شما بدهد به همین دلیل روزهای اول هیچکس جنبه این آزادی را ندارد اما کم کم این جنبه بدست می آید. در ابتدا همه از این آزادی عمل سواستفاده میکنند. اینجا جایی نیست که هرکاری خواستید کنید. آزادی عمل بزرگترین دشمن معامله گری است .

شما باید خودتان را مجبور کنید که یکسری قوانین را برای خودتان بنویسید که در چارچوب آن قوانین کار بکنید ؛ اصلا مهم نیست که بازار 24 ساعته است شما نباید 24 ساعته کار کنید و از نظر زمانی یک چارچوب انتخاب کنید و بر آن اساس معامله کنید. حتما خودتان را منظم کنید و خودتان را ملزم کنید در یکسری از کارها که اگر اینکار را نکنید .

درست است که این بازار قوانین نوشته شده برای هرکس ندارد ولی شما باید برای خودتان قانون بنویسید و هر فرد باید اینکار را کند و به آن قانون عمل کند و صد درصد میتوانید با این نکات در بلند مدت سودده باشید.



ویدیو ۵۰: چگونه معامله کنیم (داوجونز به نمایندگی از cfd ها) How To Trade(Part1)-Indices

برای معامله کردن روی شاخص ها باید توجه داشته باشیم که معاملات روی شاخص ها خیلی فرق داره با معاملات روی ارزها یا فلزات گران بها ، بنابراین همیشه توجه داشته باشیم که بهتره روی یک شاخص یا مثلا یک ارز مسلط بشیم بعد بریم سراغ بقیه موارد ..

اکثر نواسات اصلی داو جونز روی ساعت ۱۶:۳۰ شروع میشه . منتها ساعت ۱۵:۳۰ یواش یواش شروع می کنه .

دقیقه ۱۴ ویدیو مهم .

دقیقه ۲۹ ویدیو مهم .

توی شاخص های چین ، دکس آلمان توی بازار لندن می تونیم نوسان خوبی بگیریم .



ویدیو ۵۱ : چگونه معامله کنیم (uerud به نمایندگی از ارزها) -Currencies(Part2)How To Trade

دقیقه ۹:۳۰ مهم : دقیقه ۱۱ ویدیو مهم از اینجا ویدیو میاد الگوها رو رسم می کنه . : دقیقه ۱۲ و ۱۳ مهم : : دقیقه ۱۴ و ۱۷ مهم

ذات اصلی CFD صعودیه . توی ارزها سعی کنید تایم فریم ۱۵ دقیقه کار کنید نه ۵ دقیقه

توی تریدینگ رنج های ارزها کوتاه مدت جواب نمیده بلند مدت وارد پوزیشن می شیم .

ویدیو ۵۲ : چگونه معامله کنیم (مولتی تایم فریم) -Multi Time Frame(Part3)How To Trade

وقتی روی یک تایم فریمی کار می کنیم برای درک کلی روند که داره صعود میکنه یا نزول کافیه که **زوم اوت کنیم** نیازی نیست بریم تایم فریم بالاتر.

دقیق ۸:۳۰ مهم

*** وقتی خط روندی رو که می کشیم به جایی این خط روند قطع میشه دیگه ؛ بعدش پولبک یا ریزش که منتظر سیگنال بار و کی بار باش .

ویدیو ۵۳ : چگونه معامله کنیم (فلزات گرانبها) -Metals(Part4)How To Trade

* معمولا بازار مالی طلا با بازار cfd ها رابطه معکوس داره ؛ وقتی اون ها صعودی میکنن ، طلا ریزشی میشه و برعکس (معمولا اینجوریه همیشه این شکلی نیست .)

رفتارهایی رو که روی طلا می بینیم معمولا فرق داره با سایر فلزات گرانبها .

دقیقه ۱۰:۲۰ مهم ؛ گفت درسته ریزش کرده ولی نیومده زیر مووینگ اورجیج تثبیت بشه که بخاییم سل بگیریم .

دقیقه ۱۱ و ۱۲ مهم (تو همین دقیقه می گه می تونیم مووینگ اورجیج تریدر بشیم .)

دقیقه ۲۱ مهم (ریزش بعد از دیدن اعداد رند)

درس ۵۴: ویدیوی آخر: جمع بندی

- ۱- حساب معاملاتی دمو باز کنیم .
- ۲- ویدیوها رو دوباره ببینید .
- ۳- استراتژی کنترل روان برای خودمون بنویسیم : مثلا وقتی طمع کردیم ضرر کردیم چیکار کنیم .
- ۴- همزمان با دیدن ویدیو روی حساب دمو تمرین کنیم .
- ۵- یک دیدگاه فاندامنتال از پارامتر قابل معامله داشته باشیم ؛ اخبار بازار های جهانی رو به هر نحوی با خبر باشیم ازش .
- ۶- یک الی دو الی پارامتر در بین همه پارامترها انتخاب کنیم ، چون رفتارها در اکثر پارامترها متفاوته ، انگار با یک آدمی میخواییم دوست بشیم باید تمامی رفتاراش رو بشناسیم .
- ۷- استراتژی کنترل زمان برای خود بنویسید ، که چه زمانی باید معامله کنیم .
- ۸- استراتژی ورود به معاملات خود رو بنویسیم .
- ۹- از پتانسیل های شخصی خود آگاه باشیم و آنها را رشد بدیم ، مثلا اگر تو میکرو کانال ها موفق هستیم بیشتر روی اونها کار کنیم ؛ حتمن ایراداتمون رو کم کنیم .
- ۱۰- نکات مورد علاقمون پرایس اکشنمون رو پیدا کنیم .
- ۱۱- تایم فریم مورد نظر خود را پیدا کنیم . مثلا یکی تو پنج دقیقه ای خوبه یک دیگه نه بستگی به خودمون داره .
- ۱۲- ابتدا روند و کانال های اصلی رو پیدا کنیم . ؛ مثلا از کجا کانال میکشیدیم و...
- ۱۳- با تمام نکاتی که بلدیم و تو جزوه نوشتیم تاییدیه روند بگیریم ، مثلا مووینگ اوریج و...
- ۱۴- در انتظار ایجاد یک کانتکتست خوب بمانید .
- ۱۵- سیگنال بار وکی بار رو پیدا کنیم و فقط با اونا وارد معامله بشیم .
- ۱۶- اگر سیگنال بار رو پیدا نکردیم ولی کی بار رو پیدا کردیم و قابل اتکا بود و کانتکتست خوبی داشتیم تنها با کی بار معامله کنیم .
- ۱۷- ریسک معامله رو قبل از ورود به معامله حساب کنیم و بیش از ۲٪ کل سرمایه رو درگیر نکنیم .
- ۱۸- حد محافظ و نقاط احتمالی خروج از معامله رو پیدا کنیم و استراتژی خروج از معامله رو پیدا کنیم ، مثلا ۳ ۴ تا خروج از معامله داشتیم .

۱۹- بعد از مسلط شدن نسبی با حداقل سرمایه حساب واقعی باز کنیم ، یکسره رو دمو نباشیم که کلا بشیم دمو تریدر

۲۰- برای ضرر های پیاپی خود استراتژی داشته باشیم .

۲۱- اگر سود زیادی از یک معامله به دست آوریم موقتا دست از معامله بکشیم .

۲۲- هر هفته خود را ارزیابی کنیم تا به ایرادات خودمون پی ببریم . مثلا چه نقطه ای وارد و چه نقطه ای خارج شدیم ، چرا این معامله سود داد و اون یکی معامله ضرر . ممکنه اون معامله ها سود ده غلط بوده باشه و ما شانس آورده باشیم .

۲۳- حتمن ژورنال معاملاتی درست کنیم و از معامله مون ویدیوی ضبط شده داشته باشیم (ترجیحا هفتگی) . رپورت معاملاتی رو از بروکرمون رو بگیریم.

۲۴- برای بلـــــــند مدت سرمایه گذار باشید .

۲۵- با رعایت این قوانین به هیچ وقت ضرر ده نخواهیم بود.

۲۶- این چرخه را تا جاییکه معامله گر حرفه ای نشدیم ادامه بدیم .

۲۷- با تمرین خودمون رو بهینه کنیم و کتاب های خوب رو تو این زمینه مطالعه کنیم .



نکته ها و tips های کلی:

۱- در هنگام پوزیشن :

۱- هر لحظه خط و خطوط اضافه می کنیم روی چارت ؛ خط و خطوط زیاد رو برای اسکالپ می کشن . خطوط بلند برا سووینگ ،

۲- در پوزیشن های که احتمال کمتری برای ریوارد بالا داری و مطمئن نیستی و احتمال برگشت قیمت وجود داره ، ریسک فری کن .

۲- رفتار قیمت در ۲ روز اول معاملاتی ، رفتار آینده قیمت رو هم تا حدود زیادی قابل پیش بینی می کنه ؛ مثلا قیمت میره بالای راس هفتگی که کشیدیم و میره بالا و خودش رو توی اونجا تثبیت می کنه یعنی بازار صعودی هست ، در این شرایط با خیال راحت تری وارد پوزیشن میشیم . اگر هم بشکنه ولی نتونه خودش رو تثبیت کنه و سریع بر می گرده یعنی میخاد از اون سطح به عنوان سطح حمایتی استفاده کنه .

۳- وقتی زمانی بازار گیج می زنه و نمی دونه روی سطح مهم مثل کلوز روز جمعه خودش رو بالا یا پایین اون تثبیت کنه یعنی باید منتظر حرکت انفجاری باشیم (ممکنه عرض تریدینگ رنج مون رو بزرگ تر کنه) .

۴- موج های اصلاحی ؛ لگ های اصلاحی ؛ پولبک همه یه چیزن . اگر موج اصلاحی نتونه به سطح قبلی خودش برسه یعنی قیمت صعود یا ریزش خودش رو داره .

۵- وقتی یک سطحی بریک میشه برای اینکه اعتبار سنجی کنیم اون رو ، منتظر پولبک اون به بریک ایون میشم که یعنی اون سطح واقعا شکسته . در چنین مواقعی اگر اون سطحی که بریک شده یا حتی بریک نشده **prz** باشه ؛ قیمت دیگه نیاید به سطح های بالاتر از اون بره و اون ناحیه رو نباید ببینه .

توضیحی درباره سایه کندل ها : سایه ها در جاهایی خاصی به خصوص در نواحی یا نزدیک نواحی **prz** ؛ وقتی سایه بلندی میزنن کندل ها چند مورد می تونیم در نظر بگیریم ؛ **سلرها یا بایر یواش یواش دارن وارد میشن ، همچنین تسویه حساب ها باعث برگشت قیمت و ایجاد سایه هم میشن .**

۶- با مکث قیمت در بعضی جاها احتمال افزایش یا کاهش رو داریم ، مثلا توی تریدینگ رنج حمله می کنه به سقف و حتی **LH** می زنه ولی وقتی اون بالا گیر می کنه ، احتمال اینکه دوباره بریزه زیاد میشه .

۷- اگر تی پی ها یا حد سودهامون رو درست چیده باشیم ، خیلی از جاها حد سود می تونه معامله ای در جهت معکوس باشه .

۸ - تنها الگوهای برگشتی در مثلث ها وج ها بودن که خود اون ها الگوی مهی بودن . از مهمترین الگوهایی ادامه دهنده هم دابل تاپ دابل باتم بود که تو جزوه نیست .

۹- مدیریت معامله یعنی قدم به قدم پیش رفتن با تک تک حرکات مارکت.

۱۰- پوزیشنی رو وقتی می گیرید تا وسط راه خوب پیش میره ولی اگر کندل ها بازی در آوردن می تونه صرفا نقد کردن یا تسویه معاملات باشه نه عوض شدن کانتکت.

۱۱- تعداد حملات - واکنش ها - برگشت ها - تثبیت و... در سطوح حمایت و مقاومت خیلی خیلی برامون اهمیت داره . چون معمولا روی سطوح مهم هستن معمولا تسویه حساب انجام میشه .

مارکت عموما سعی می کنه که گولمون بزنه و به خودمون شک کنیم ؛ تنها چیزی که بتونیم اعتماد به نفسمون رو زیاد کنیم فقط و فقط تمرین روی گذشته مارکت و فورارد تست با حجم خیلی پایینه . به عنوان یک تریدر هم باید رئیس باشیم و هم کارمند . به عنوان رئیس قوانین رو ایجاد کنیم و به عنوان کارمند از قوانین پیروی کنیم .



بخش دوم : گزارش های هفتگی

لازمه بگیریم گزارش های که اینجا نوشته نشدن ، نکته ویژه یا خاصی که قابل نوشتن باشه رو نداشتن و فقط دیدن ویدیوها کافیه . گزارش هفتگی های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ صرفا نشون دادن نقاط ورود و خروج روی چارت بوده. گزارش هفتگی ۵ نکاتی داشت که ذکر نکردیم اما خود نکات رو از تو ویدیوها ببینید .

استراتژی معاملاتی

گزارش هفتگی ۷ و ۶ : نحوه ساختن استراتژی معاملاتی

* برای ساخت استراتژی از سطوح مختلفی در درس ۱۹ بهشون اشاره شد استفاده می کنیم ولی نباید از همه اون ها برای استراتژی استفاده کنیم . برای انجام معاملات حتمن باید یک استراتژی مکتوب رو بنویسیم و داشته باشیم ، چون یک استراتژی نکته های مختلف و زیادی رو در بر داره ؛ و لحظه انجام معامله به یاد آوردن و به کار بردن تمامی نکات خیلی سخته.

* نکته خیلی مهم اینه وقتی استراتژی مون توی دمو و هنوز سود ده نیست نباید مستقیم بریم روی حساب ریل کار کنیم چون قطعاً با شکست و از دست رفتن سرمایه منجر میشه .

برای ساختن استراتژی: ۱- **استراتژی تکنیکال**. ۲- **استراتژی مدیریت سرمایه**. ۳- **استراتژی روانی**. ۴- **استراتژی زمانی** استفاده کنیم .

۱- استراتژی تکنیکال :

۱- **انتخاب سایکل مورد نظر و تایم فریم** : اول باید سایکل مورد نظرمون رو انتخاب کنیم که میخاییم اسپایک تریدر ، کانال تریدر ، یا تریدینگ رنج تریدر بشیم که برای شروع کانال ها بهترین گزینه هستن چون اسپایک ها هیجان زیادی دارن و تشخیص تریدینگ رنج ها هم اوایل کار سخته . تایم فریم ترجیحاً روی پنج دقیقه باشه اگر نخواستیم می بریم بالاتر هر کدام که دلخواهه . روی جفت ارزها ترجیحاً ۱۵ دقیقه. توجه داشته باشیم هر کدام از ۳ سایکلی رو که انتخاب می کنیم بریم و تمام نکات اون رو تو ویدیو ها چند بار ببینیم تا کامل مسلط بشیم روی اون سایکل ؛ بعد توی گذشته بازار (۶ ماه تا یکسال گذشته بازار) بک تست گرفته باشیم و فقط هم روی همون یک دونه سایکل کار کرده باشیم تا کاملاً مسلط شده باشیم :

اسپایک (فقط یک طرفه)

کانال یا روندمون که (خیلی قوی ، قوی ، متوسط ، ضعیف ؛ تو روندهای خیلی قوی و قوی تو جهت روند معامله می کردیم / توی متوسط و ضعیف ۲ دو طرفه معامله می کنیم .

تریدینگ رنج (که معامله دو طرفه BLSH می کنیم)

۲- **انتخاب سطوح مهم:** از سطوحی که در ویدیوی شماره ۱۹ گفته شد از چندتاش همزمان همیشه استفاده کنیم ولی از همش نباید استفاده کنیم چون چارت خیلی شلوغ و باعث اشتباه همیشه نهایتا.

۱- **سطوح افقی (منطقه اصلی حمایت و مقاومت؛ سقف ها HH و کف ها LL ها رو پیدا کن و خط حمایت مقاومت support & resistance رو رسم کن)**

۲- **خطوط مورب ترندها / ۳- مووینگ اوریج / ۴- سقف و کف روز قبل / ۵- سطوح رند و سشن بازار / ۶- ویسکلی مپ / ۷- کلوز روز قبل**

۳- **انتخاب حالت معاملاتی:** بعد از انتخاب سایکل بریم الگوهای کلاسیکی که توی کانال ها تشکیل میشن رو پیدا کنیم؛ یا فقط با سیگنال بار و کی بار معامله کنیم؛ یا کلی نکات پرایس اکشن دیگه مثل میکرو کانال ها، پولبک ها و... که اگر اینا رو دیدیم اون لحظه چه تصمیمی بگیریم:

۱- الگوها / ۲- سیگنال بار و کی بار / ۳- میکرو کانال / ۴- بریک اوت ها / ۵- گپ ها / ۶- پولبک ها

۴- **انتخاب نقطه ورود و خروج:** ادامه همین فایل نوشته شده.

۵- **بک تست:** برای بک تست هم یک فایل اکسل آماده کنیم برای استراتژیمون که شامل تاریخ و ساعت؛ تعداد معاملات سود ده یا ضرر ده و...، میانگین ریوارد و... (تست استراتژی در گذشته بازار)

۶- **فاندامنتال:** یک دیدگاه فاندامنتال از پارامتر قابل معامله داشته باشیم؛ اخبار رو به هر شکلی که شده با خبر باشیم، چون در لحظه لایو اگر همزمان در جهت این اخبار وارد بشیم به شدت می تونه برای ما سود آور باشه.

۲- استراتژی مدیریت سرمایه:

۶ مورد مدیریت سرمایه داشتیم که بهترینشون ۱- فقط معامله با حجم ثابت (مثلا هر معامله با حجم ۰.۱)؛ ۲- معامله با درصد ثابت ۲٪ کل سرمایه به ازای هر معامله، که بهترین روش هم همین بود. اگر:

۱- چنانچه استراتژی مشخص و بک تست شده داریم اما مدیریت سرمایه را رعایت نکنیم؛ قمار باز هستیم.

۲- چنانچه استراتژی مشخص و بک تست شده نداریم حتی اگر مدیریت سرمایه رو رعایت کنیم؛ قمار باز هستیم.

۳- چنانچه برای معاملات از صبر نکنیم؛ قمار باز هستیم.

۴- چنانچه بعد از شکست، حجم را بالا بردیم تا مبلغ را جبران کنیم؛ قمار باز هستیم.

۵- به هیچ عنوان چه در اسکالپ و چه در سویینگ و چه در سایر موارد معاملاتی حق گرفتن پوزیشن هایی که ریسک به ریوارد R/R اون ها زیر یک هست رو نداریم؛ حداقل ریسک به ریوارد یک هست.

بازارهای مالی کازینو نیست؛ فاركس با کازینو فرق داره اگر اینارو رعایت کنیم می تونیم توی بازار بمونیم مرتب سود بگیریم.

۳- استراتژی روانی:

این استراتژی بیشتر حکم بهینه سازی برای ما داره تا استراتژی جدا. می تونیم از موارد زیر به کار بندیم:

- ۱- تست MBTI و خود شناسی .
- ۲- یادداشت اشتباهات پر تکرار روانی : به عنوان مثال می تونیم به زود بستن معامله اشاره کنیم که تو خیلی از موارد نباید این کار رو بکنیم .
- ۳- ایجاد راه حل های مناسب با این مشکل و... / کنترل کردن خودمون در زمان حرکات بازار که می خاد گولمون بزنه (به سیستم هایی که می چینیم پایبند باشیم) و...

۴- استراتژی زمانی:

اینکه چه زمانی رو میخاییم معامله کنیم بستگی داریم روی چه شاخصی میخاییم کار کنیم ؛ ولی نکته مورد توجه اینه روی هر چیزی که کار می کنیم وقتی کار کنیم که بازارش توی اون موقع باز هست ، مثلا اگر داو جونز کار می کنیم چون بازار آمریکایی هست و (توی ساعت خودش به وقت تهران ۶ عصر به بعد) نوسان خیلی خوب می کنه ؛ بهتره سشن نیویورک که ساعت ۶ عصر به بعد هست کار کنیم . اگر شاخص آلمان کار کنیم بهتره سشن لندن کار کنیم و... به طور خلاصه :

۱- ایجاد محدوده زمانی ؛ / ۲ بررسی سایکل مورد نظر در محدوده زمانی ؛ / ۳ بک تست داده برای ۶۰ روز گذشته در سایکل مورد نظر و زمان مورد نظر . در کل هر بازاری تو ساعت خودش نوسان خوب میده..

در کل با توجه به موارد بالا فرق بین یک تریدر و معامله گر آماتور و حرفه ای به این شکل مشخص می شود که کلید موفقیت در مارکت همین چهار مورده : تمرین استراتژی ها ؛ کنترل احساسات و پایبندی به آموزش ؛ مدیریت سرمایه.

1. انتخاب استراتژی معاملاتی	2. داشتن انتظارات منطقی	3. داشتن تایم تمرین روزانه	4. محدود کردن تعداد پوزیشن در یک روز	5. پذیرش ضرر به عنوان بخشی از بازی تریدینگ
<p>Amateur Trader</p> <p>تریدر بدون تجربه تحت تاثیر تمامی سبک های معاملاتی قرار می گیرد و این ذهنیت را دارد که اگر یک سبک یا ایده جدید یاد بگیرد، با کمک آن می تواند در بازار سودده باشد</p>	<p>Amateur Trader</p> <p>ذهنیت آماتور فکر می کند می تواند تمامی حرکات و نوسانات قیمت را شکار کند و سود کند پس ریسک زیادی را متحمل می شود و در نهایت حسابش را نابود می کند!</p>	<p>Amateur Trader</p> <p>یک تریدر آماتور تنها دنیای حال حاضر را برای درک حرکات قیمت دنبال می کند و به همین دلیل، فاز های مختلف بازار را در شرایط متفاوت را درک نمی کند و این برایش نامفهوم می ماند</p>	<p>Amateur Trader</p> <p>تریدر آماتور تحت تاثیر حس طمع می که دارد خیال می کند سودده بودن در ترید بیش از حد است و با این کار به شدت به روانش ضربه می زند چون توانایی مدیریت تعداد بالای پوزیشن بسیار دشوار خواهد بود</p>	<p>Amateur Trader</p> <p>ذهن یک تریدر آماتور ضرر را نمی پذیرد و با هر ضرر کنترل احساسات خود را از دست می دهد که همین امر باعث ادامه دار بودن فرآیند ضرر می شود پس با احتمالات کنار بیاید و ریسک را بپذیرید</p>
<p>Pro Trader</p> <p>یک تریدر حرفه ای تمرکزش را تنها بر روی یک روش معاملاتی می گذارد و به آن زمان کافی برای تست و نتیجه گیری می دهد، در نهایت اگر اون سبک با روحیات و شخصیتش سازگار نبوده به دنبال جایگزین آن می گردد</p>	<p>Pro Trader</p> <p>تریدر حرفه ای به دنبال گرفتن یک سود منطقی از پلن معاملاتی تست شده خود است و زمانی که طبق قوانین مدیریت ریسک نوشته شده خود عمل می کند هیچ ریسک غیر منطقی ای را بر حساب خود وارد نمی کند</p>	<p>Pro Trader</p> <p>یک تریدر حرفه ای با مایندست درست هر روز حداقل یک ساعت را به تمرین سیستم معاملاتی خود در گذشته اختصاص می دهد، و سعی می کند سیستمت را نیز در گذشته دنبال کند تا جواب سوالات ذهنی خود در باره علت حرکات قیمت را پیدا کند</p>	<p>Pro Trader</p> <p>تریدر حرفه ای برای تعداد پوزیشن های خود در یک روز قانون دارد و نیازی به ورود در 50 پوزیشن در یک روز ندارد، زیرا می داند که با چند ترید می تواند سود خود را از مارکت گرفته و با این کار از روان خود در مقابل هیجانات مارکت محافظت می کند</p>	<p>Pro Trader</p> <p>یک تریدر حرفه ای از ضرر در بازار ترسی ندارد چون با مفهوم ریسک آشناست و میداند که ممکن است در طول روز یا هفته ضررهایی را تجربه کند پس ضرر را برای خود شخصی نمی کند و آن ضرر باعث برانگیخته شدن احساساتش نمی شود</p>

سایکل	سطوح	حالت (هنگام پوزیشن - ورود)	سوال بعد از پوزیشن
اسپایک	<p>۱- پیدا کردن ترند (سطح حمایت و مقاومت - تریدینگ رنجی که اون رو شکسته است .) ۲- مووینگ اوریج (صعودیه ، نزولیه یا سایید ؟) ۳ - سطوح رند عدد چنده ؟</p>	<p>۲- دنبال لگ دوم ۳- دنبال الگو مخصوص فلگ ۴- دنبال نقاط برگشتی برای رسم کانال</p>	<p>۱- قدرت کندل ها یا فشار خرید و فروش : که اگر مثلا بریک اوت صعودی بود ، ببین کندل های صعودی بیشترین یا نزولی که موفقیت امیز بودن بریک اوت رو می رسونه . ۲- الگوی برای ادامه لگ دوم تشکیل شد یا نه ؟ ۳- نقاط برگشتی یا پولبک برای کانال تشکیل شد یا نه ؟</p>
کانال	<p>۱- کشیدن ترند لاین . ۲- کشیدن خطوط استراکچر (جهت مشخص کردن قدرت روند) ۳- کشیدن سطوح افقی (منطقه حمایت و مقاومت) ۴- الگوها (سایکل داخلی الگوها - پترن ها) ۵- سطوح رند عدد چنده ؟ ۶- تونست سقف یا کف قبلی بشکنه ؟ ۶- تاییدیه روند: ترند لاین / مووینگ اوریج / میکرو کانال / بین بارها / کندل های فول بادی / پولبک</p>	<p>۱- دنبال سقف و کف ها (با سیگنال بار و کی بار) ۲- دنبال میکرو کانال (با سیگنال بار و کی بار) ۳- دنبال پولبک استراکچر (با سیگنال بار و کی بار) ۴- دنبال الگوها (بریک اوت الگو - طبق سایکل الگو به خصوص mtr الگو) ۵- دنبال بریک اوت (چه کانال - چه میکرو کانال)</p>	<p>۳- قدرت روند (تعدد کندل های نزولی و صعودی ؛ بدنه و سایه کندل ها) ۴- پولبک ها (خود کندل ها - ترند) ۵- لگ های روند کدوم ها هستن ؟ ۱- الگویی تونستیم رسم کنیم ؟ (MTR مخصوصا و الگوی وج که نشونه برگشت رونده) ۷- E گپ رو می بینی ؟ (گپ خستگی یا فرسایشی که نشونه پایان رونده) ۸- برخورد کندل ها با مووینگ اوریج بررسی بشه .</p>
تریدینگ رنج	<p>۱- سطوح افقی منطقه حمایت و مقاومت (از اولین برگشت قیمتی) ۲- ترندها - الگوها ۷- عرض لگ ها ۸- شناسایی مگنت !</p>	<p>۱- دنبال سقف ها و کف ها ۲- دنبال سطوح مهم ۳- دنبال پین بار در سطوح prz ۴ - دنبال الگوها ۵ - دنبال بریک اوت! و اسپایک</p>	<p>۱- شناسایی لول prz, ببینیم که چند بار به اون سطح مهم واکنش نشون داده شده تعداد حمله به سطح مورد نظر ؛ که سومی یعنی آماده ۲- به سقف و کف رسیدیم ؟ ۳- آماده برای بریک اوت ۴- لگ هم اندازه می ببینیم ؟</p>

با استفاده از اطلاعات بالا می توانیم به چند مورد استراتژی مهم رو نام ببریم؛ هر چند که همیشه تعداد خیلی زیادی از استراتژی ها رو ایجاد کنیم که اکثر اون ها در همین جزوه (معاملات لایو) توضیح داده شده.

- ۱- استراتژی کلوز روز قسبل بازار نیویورک (روی شاخص و نمادهایی که بازار نیویورک خیلی روی اون ها تاثیر گذاره مثل شاخص داو جونز، طلا و جفت ارزهایی که به سمتشون دلاره).
- ۲- استراتژی پین بار روی سطوح حمایت مقاومت (PRZ) (سطوح PRZ می تونه ۱- سقف و کف دیروز؛ ۲- سقف و کف روزانه؛ ۳- سایر نقاط حمایت و مقاومت؛ ۴- اعداد رند؛ و... باشه).
- ۳- **استراتژی back to break even point** یعنی قیمت دوست داره به بریک ایون خودش برگرده. (ویدیوی لایو شماره ۹ همین جزوه، برای نمونه یک نمونه ستاپ خیلی خوب روی طلا معرفی کردیم بعد از بریک ایون دنبال دو سقف و یا دو کف باشید، احتمال اینکه بعد از تشکیل دو سقف یا دو کف قیمت به بریک ایون برگردد به شدت بالا خواهد بود - به چارت زیر توجه کنید



- ۴- استراتژی همپوشانی لگ ها با E GAP ها (توضیحات کامل در ویدیوهای تکمیلی) .
- ۵- استراتژی معامله ای که حد ضرر تبدیل به نقطه ورود برای معامله دوم می شود (اصطلاحاً استراتژی معامله دوم)
- ۶- استراتژی ۱ ۲ ۳ one two three . که توی سومین برخورد ها وارد پوزیشن می شیم (**استراتژی خیلی خوب به خصوص در وج ها ؛ ویدیوی شماره ۱۱ ویدیو تکمیلی صفحه ۷۰ این جزوه رو ببینید**)
- ۷- انواع بریک ها ، یا بریک پولبک ها رو داریم که نوعی استراتژی محسوب میشه ؛ چون تعدادش خیلی بالاس میشه خیلی فیلتر تر و بهینه ترش کرد . (ویدیوی ۷ تکمیلی دقیقه ۹)
- ۸- استراتژی چنگال اندروز (این استراتژی استاد اشاره ریزی توی هایلایت اینستاگرام کردن ، توضیحات تکمیلی تو نت هست سرچ کنید ؛ فقط برای اسکالپ استفاده میشه)
- ۹- الگوهـا علی الخصوص الگـوی MTR ؛ میکرو کانال ها و... (در صفحه آخر این جزوه ۳ استراتژی اسکالپ توی ویدیوی استراتژی بهینه توضیح داده شده) .
- ۱۰- استراتژی ۲ کف در در روندهای صعودی ؛ دو سقف در روند های نزولی .

۳- نقطه ورود ؛ دلایل ورود :

نقاط ورود و خروج کاملا بستگی به استراتژی داره .

۴- نقطه خروج ؛ دلایل خروج :

- ۱- نقطه خروج صرفاً توی بک تست ها با توجه به استراتژی به دست میاد کلا (این نکته خیلی مهمیه که نقطه خروج رو بک تست مشخص می کنه)؛ ولی در صورت خوب بودن کانتکت در همه سایکل ها یا حد سود ۲ ؛ یا سقف و کف / با سیگنال های برگشتی / با دیدن سطوح مهمی که می بینیم .
- ۲- برای اسکالپ کردن ریسک به ریوارد ۱:۱ بود یعنی نقطه بسته شدن معامله TP1 هست . اگر ستاپ خوب بود خواستیم خلاف جهت روند معامله ای هم بکنیم فقط تا TP1 رو مد نظر قرار می دیم.
- ۳- اگر دیدیم ستاپ یا شرایط معامله تغییر کرد و قطعی مطمئن شدیم که استاپمون میخوره ، منتظر نمی مونیم و معامله مون رو دستی می بندیم .

فارق از نوع استراتژی که داریم می تونیم این چند مورد رو برای هفته معاملاتی جدید رو شروع کنیم می تونیم نام ببریم :

- ۱- بررسی اخبار هفته جدید
- ۲- بررسی هفته پیش
- ۳- بکتست
- ۴- کلوز روز جمعه (روز دوشنبه هر هفته یک بار از کلوز جمعه هفته قبل راس رو برای کل این هفته می کشیم تا بفهمیم بقیه روزهای معاملاتی به چه شکلی پیش میره ؛ توضیحات بیشتر ویدیوی هایلایت اینستاگرام شماره ۳ صفحه ۱۹۱ همین جزوه)



گزارش هفتگی ۱۱: استراتژی‌ها می‌تونن و باید از پارامترهای خیلی ساده‌ای برخوردار باشن که ما حتی اون رو به یک بچه کوچیک هم بدیم بتونه قابل اجرا باشه؛ چون در زمان لایو بازار اصلاً نمی‌تونیم تعداد خیلی زیادی پارامتر رو در یک استراتژی جا بدیم. حتمن حتمن برای این که کارمون رو اصولی ببریم جلو اطلاعات بک تست گیریمون رو توی اکسل وارد کنیم تا هم کارمون شسته رفته باشه و هم اینکه ریت موفقیت سیستم معاملاتی مون با این روش به دست میاد.

حالا یک استراتژی ساده مکتوب شده رو می‌خواهیم بک تست بگیریم. **مثلاً کف روز گذشته رو امتداد می‌دیم و اگر در روز بعد تاج شد و سیگنال بار و کی بار داد میشیم.** این یک استراتژی ساده اس؛ فقط صرف هست یعنی به این راحتی می‌تونه باشه ولی باید حتمن هر استراتژی می‌نویسید باید فیلتر شده با نقاط بهینه ورود و خروج و شرط باشه. یا نه مثلاً یکی دیگه کلاً فقط با الگوها و بریک الگوها کار می‌کنه (مثلاً فلگ) ببینه چه خبره و با اون ترید می‌کنه؛ که این هم یک جور روش معاملاتی. تصویر زیر نمونه ساده این دو استراتژی ساده است.



در تصویر زیر یکی از **استراتژی** خوب می‌تونیم بگیریم: **وقتی یک کفی در همان روز که تشکیل شده شکسته میشه؛ احتمال اینکه قیمت برگرده به اون سطح پولبک بده بسیار بالاست.**





گزارش هفتگی ۱۲ : استراتژی هایی که ما می سازیم باید به نحوی باشه که به یک بچه ۱۰ ساله میگی اون راحت متوجه بشه و اون رو خیلی راحت انجام بده . هر کدوم از تیپس های معاملات و پرایس اکشنی که یاد گرفتیم (هر کدومشون به تنهایی) می تونن استراتژی باشن. هر کدوم از استراتژی هایی که مد نظرمون هست رو باید توی گذشته چارت بررسی کنیم و به یک نتیجه ای می رسیم .

یکی دیگه از استراتژی های خوب و نکته ای که توی ویدیو ۱۲ دقیقه ۱۷:۳۰ گفت **دنبال الگوهای مثلث خیلی زیاد میشه پیدا کرد توی بازار و برای شروع کار خیلی خوب هستن .** همچنین هر نوع استراتژی که داریم می نویسیم سعی کنیم همگی در جهت روند معامله کنیم ؛ نه در جهت خلاف روند .

حالا فرض می کنیم استراتژی ساده ای داریم و اون رو توی یک اکسل وارد می کنیم که در نهایت به این می رسیم که ایا این استراتژی اصلا راندمان داره یا نه . بعد از انجام یک تست که بینیم سیستمون به چه شکلی هست و چقدر کارایی داره بعد می تونیم وارد فوروارد تست ، تست روی دمو و در نهایت حساب ریل بشیم .

فایل حساب اکسل باید شامل : ۱- روز ؛ ۲- تعداد معامله در اون روز ؛ ۳- میزان ریسک به ریوارد اون معامله ؛ ۴- سود ده ، ضرر ده ، سر به سر بودن معاملات ؛ شرح معاملات و... باشد :

ضرر	سود	ساعت باز شدن معامله	ماه	روز معامله	1	PROFIT	LOSS	R/R	R/R	R/R	
	3	ب.ظ 05:05:00	ژانویه	18	2	3		4	3	6	06-Jun
	5	ب.ظ 05:20:00	ژانویه	19	3		1	-1	-1	-1	05-Jun
	17	ب.ظ 05:35:00	ژانویه	19	4	1	2			5	04-Jun
	1	ب.ظ 05:50:00	ژانویه	21	5	2		6	8		03-Jun
1		ب.ظ 05:45:00	ژانویه	21	6	1				7	02-Jun
	5	ب.ظ 06:20:00	ژانویه	21	7	2	1	-1	4	4	31-May
	4	ب.ظ 06:35:00	ژانویه	21	8	1		2	7	2	30-May
	10	ب.ظ 06:50:00	ژانویه	21	9	3		7	5	5	28-May
1		ب.ظ 07:05:00	ژانویه	21	10	1			6		27-May
	4	ب.ظ 07:20:00	ژانویه	22	11	1	2	SL	SL	3	26-May
	7	ب.ظ 07:35:00	ژانویه	22	12						25-May
	3	ب.ظ 07:50:00	ژانویه	22	13						24-May

نکته خیلی خیلی مهم در این جدول اکسل هست که ما ریواردمون رو قطعی مشخص می کنیم که مثلا حداقل ریوارد ۳ رو داریم ؛ ولی برای ریوارد های بالاتر می تونیم از اون بیشتر رو ریسک فری کنیم .

گزارش هفتگی ۱۳ : نکته مهم برای بدست آوردن نتیجه بک تست ها حداقل باید ۱۰۰ معامله در گذشته بازار صورت گرفته باشه ؛ وقتی تمامی ریوارد ها رو بررسی کردیم ببینیم کمتر از اون چی هست ، که دیگه کمتر از اون نباید بگیریم . حتمن حتمن ریوارد ها رو بیشتر از ۲ باشه . **دقیقه ۲۲ این گزارش هفتگی استراتژی ۳ برخورد رو گفتن .** همچنین باز مجدد اینکه تاکید کردن چرا اطلاعات رو باید تو اکسل وارد کنیم اولاً این کار بهمون اعتماد به نفس خوبی میده تا در هنگام لایو بازار موقع پوزیشن کمترین شک و اسودگی روانی داشته باشیم و هم اینکه نرخ موفقیت سیستمی که می چینیم رو به دست میاریم .

گزارش هفتگی ۱۴ : وقتی توی تریدینگ رنج ها هستیم ولی تریدینگ رنج تمیزی نیست و انگار روندی وجود داره ، بهتره بازار رو به صورت LL و LH و... اینجوری تحلیل کنیم. (دقیقه ۱۹) . **تو هر جای چارت سقف و کف ها برامون حائز اهمیت ؛ اگر نتونستیم کندل به کندل تحلیل کنیم (مثلا کندل ها داغون ، سایه های دو طرفه بلندی دارن و...) این روش ، روش خیلی خوبی برای تحلیل هست .** کندل به کندل تریدینگ رنجه نه خود صرف خود تریدینگ رنج .

نکته بعدی میژر موو تریدینگ رنج ها بود ؛ وقتی مارکت توی یک جایی حرکت می کنه ، بالا و پایینش رو به همون مقدار تارگت گذاری می کنیم ؛ به تصویر زیر دقت کنید :

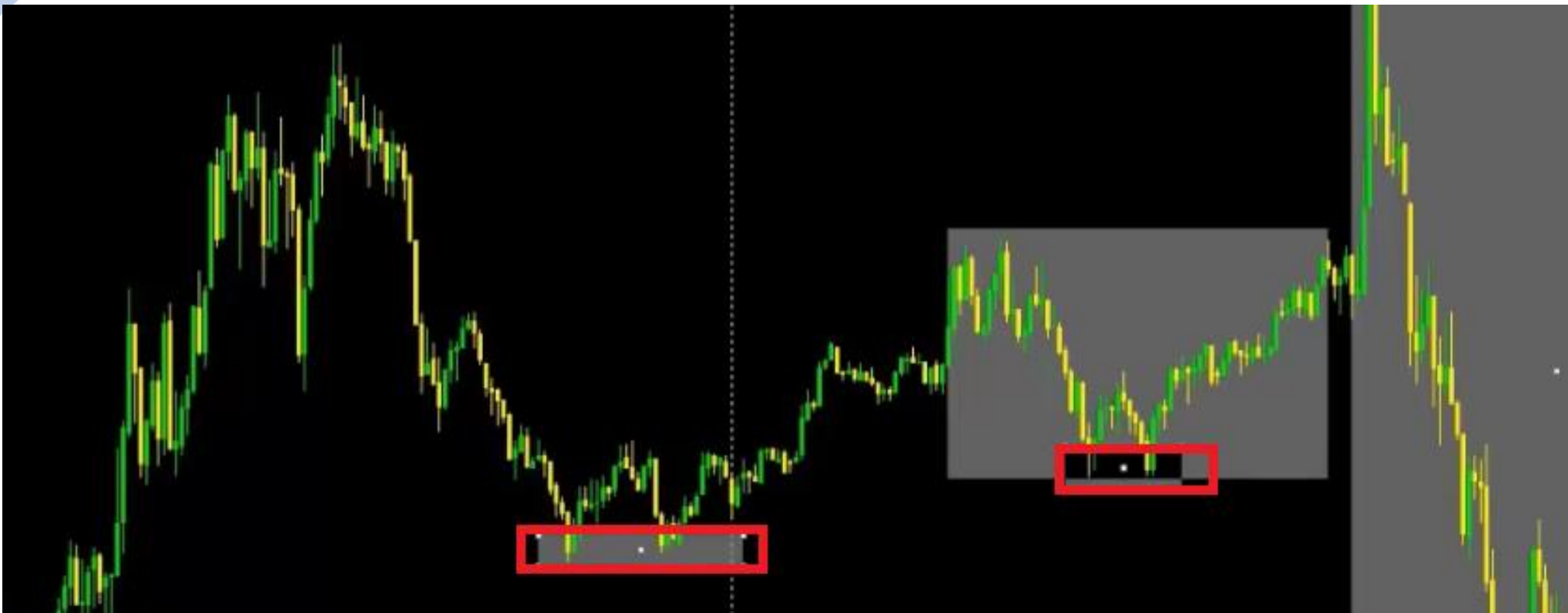
الان به اندازه خط زرد که همون عرض تریدینگ رنجمون هست رو فرض می گیریم 100 پیپ هست ؛ برای میژر موو هم 100 پیپ بالا و 100 پیپ پایین تریدینگ رنج تارگت گزاری می کنیم .



وقتی که در چارتی مثل چارت بالا می بینیم که مارکت تریدینگ رنج طور میشه ، سریعا تصمیماتمون رو براساس LH , HH و... بگیریم (مثلا در تصویر بالا می بینیم که داره کف بالاتر میده) و الگومون رو پیدا می کنیم و حالا یا با بریک یا با سیگنال بار و کی بار که اونم بستگی به استراتژی داشت وارد پوزیشن می شیم . همچنین در تصویر بالا به ۱ ۲ ۳ ONE TWO THREE سه بر خورد ها رو دقت کنید .

گزارش هفتگی ۱۵: نحوه کار کردن مولتی تایم فریم . بعضی اوقات که سایکل رو پیدا نمی کنیم می تونه به این علت باشه که زیادی زوم این کرده باشیم روی چارت ؛ توی دل چارت و تو دل تریدینگ رنج هستیم.

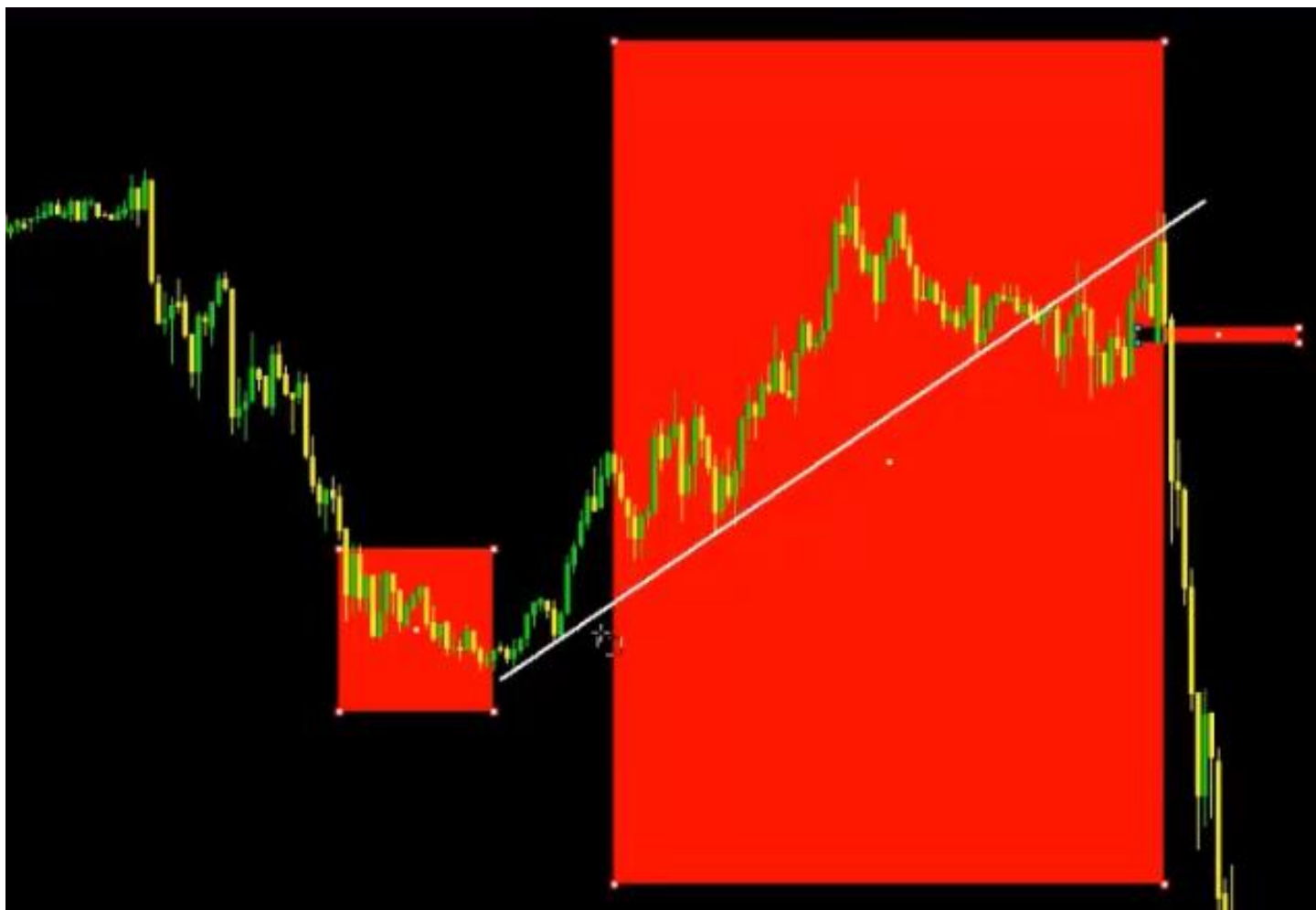
گزارش هفتگی ۱۶: در مواقعی الگوی دو کف در روند صعودی تشکیل میشه ، می تونیم اون یک استراتژی کامل بدونیم و مثل شکل زیر خیلی راحت وارد پوزیشن خرید بشیم.



نکته: وقتی قسمتی از چارت رو می بینیم که مکرر داره الگوی W تشکیل می ده این یعنی در محدوده تریدینگ رنج هستیم.

همچنین خلاصه ویدیو بالا برای ساخت استراتژی: دو کف ها در روند های صعودی؛ دو سقف ها در روند های نزولی.

توی ویدیو دقیقه ۱۹:۳۰ مطلب مهمی گفته شد. از کجا بفهمیم ترند داره بر می گرده؟ مثل تصویر زیر رو در نظر بگیرید که قسمت قرمز رنگ (مستطیل بزرگتر) تصویر هنوز به وجود نیومده.



اول از هر چیز باید ببینیم انرژی قبل از ساخته شدن کف قبلی (یا آخرین کف) مثل تصویر بالا دقت کنیم {مربع قرمز}. الان ترند نزولی رو مشاهده می کنیم که شروع به از دست دادن انرژی خودش کرده و بعد از اون که مقدار بالا رفته شروع به ساختن سقف جدید و همچنین کف جدید LH بعد از مربع قرمز. و وقتی حمله می کنه و سقف قبلی خودش رو هم می شکنه، این یعنی ترند جدید ساخته شده.

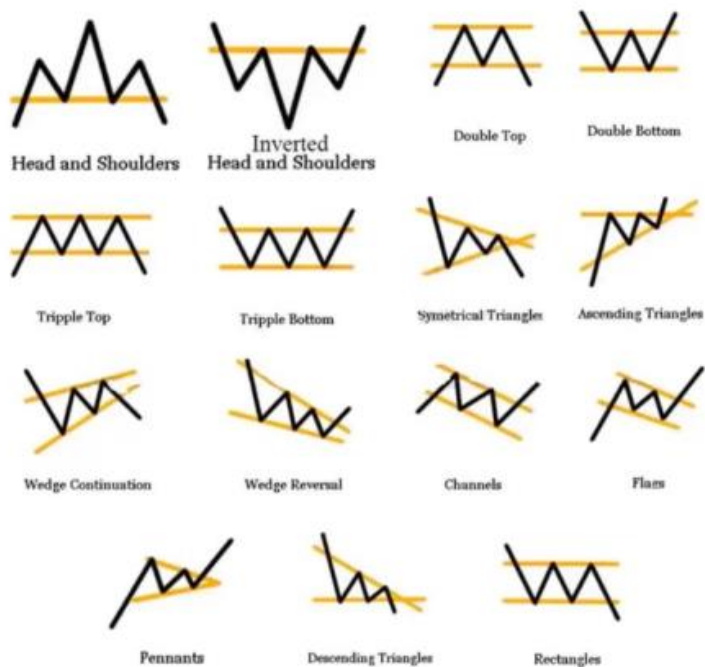
بخش سوم : ویدیوهای تکمیلی

ویدیوی او ۲ : نگاه کامپیوتر محور

و وقتی برای اولین بار میشینیم پشت سیستم چیکار باید انجام بدیم اول از همه ؟ استارت کار چی هست ؟

نکته مهمی که توی بازار وجود داره اگر این نگاه رو که نگاه مهمی هست تو بازار نداشته باشیم و تا وقتی که نتونیم این ارتباط اتفاقات الگویی و اتفاقات کامپیوتری که روی قیمت رخ میده رو تشخیص بدیم از سود خبری نیست . الان به تصویر زیر نگاه کنید :

Breakout Chart Patterns

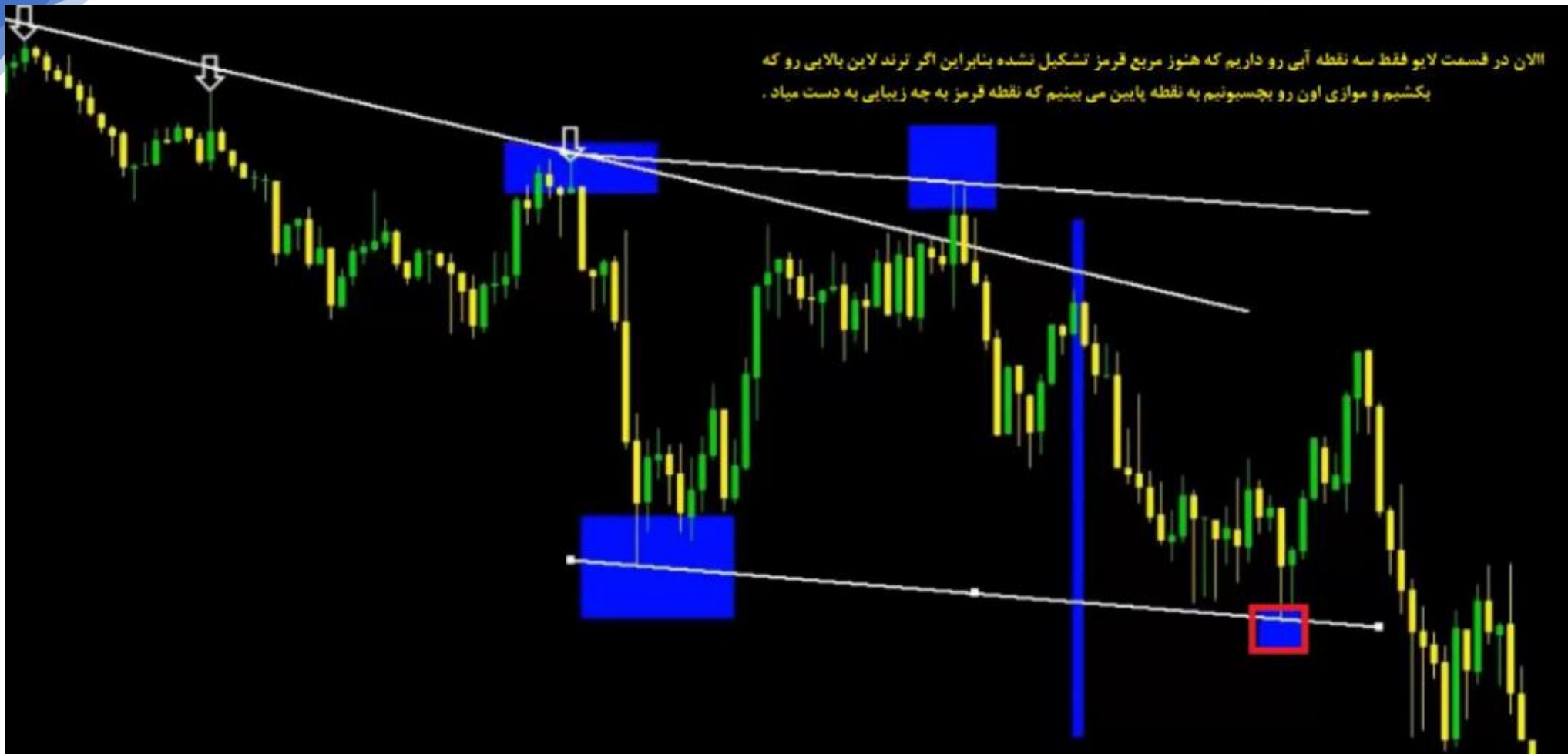


این ها الگویی هایی هستند که همگی می شناسیم و خیلی ها با اون ها ترید می کنند ؛ ولی کامپیوترها ، ربات و اکسپرت های معامله گر این جور معامله نمی کنن ، چون نوشتن این الگوها به زبان ریاضی و نوشتن اکسپرت که بتونه این ها رو ترید کنه کار خیلی سختی هست . (دقیقه ۲۲:۰۰ ویدیوی یک نگاه کامپیوتر محور اول یک استراتژی رو گفتن)

باز به تصویر زیر دقت کنید که توی زبان ریاضیات معامله گری سخته که بیاییم چهار مربع آبی رنگ رو بیاییم روی همه چارت ها به صورت یکسان پیدا کنیم:



حالا اگر که روی نقاط آبی بالا رو که مشخص کردیم ترند لاین کاملا موازی بکشیم تصویر زیر به وجود میاد:



همونطور که می بینیم تشکیل این دو خط موازی بدون این که حتی یک پیپ اختلاف داشته باشه فقط کار کامپیوتر هاست ؛ که در زمان لایو که مربع قرمز وجود نداشته با موازی کشیدن ترند لاین بالایی و آوردن اون به کف پایینی عملاً مربع قرمز به دست اومد . البته توجه داشته باشیم که تمامی الگوهایی که دیدیم هم تو دل کد نویسی این برنامه ها لحاظ شده .
 جدای از این ها مهمترین بخش این موضوع اینه که این کامپیوترها الگوهایی تخصصی و شخصی دارن که مخصوص خودشون هست که با ریاضیات بهش می رسند که یه جورایی با هوش مصنوعی این ها رو بیرومی کشند . به عنوان نمونه:



الان در تصویر بالا یک اسپایک ناموفق رو می بینیم که مستطیل عمودی ابی رنگ هست که نتونسته ترند لاینی بالایی رو بشکنه ؛ که بعدش اومده الگوی وچ ساخته و بعد از اون بریک الگو و پولبک و در مستطیل دوم شروع به فروش می کنند و در کندل بعد کندل ریزشی پر قدرت می بینیم . بنابراین روی این مواد خیلی زیاد کار شده چون مشخصه این بازار پول خالص هست.

این کامپیوترها یا ربات ها در آن واحد مرتب از این ترند لاین ها می کشن و مرتب به روز رسانی می کنن . الان تصویر زیر رو بینیم که ترند اول رو کشیده ولی ترند دوم رو که می کشه دگه ترند های اولی رو حذف نمیکنه تا اختلاف زاویه دو خط بعد رو مشتق بگیره برای کانال های بعدی یک کامپیوتر اول از دو خط اول شروع می کنه به کشیدن:



حالا قرار نیست که از همه این خطوط استفاده کنی ولی از همه این موارد در آن واحد از اختلاف زاویه بین این خطوط، از سرعت رسیدن و مدت زمان رسیدن کندل ها به خطوط ترند مهم جمع بندی می گیرند. وقتی تقریبا تمام خطوط رو می کشن همچین چیزی به دست میاد:



حالا چرا این همه خطوط آبی رسم شده ؟ به خاطر سقف و کف های پایینی تر هست و نتیجه گیری می کنه که روند نزولی هست و خطوط آبی رنگ برای این هستند که اگر قیمت یا کندل ها اومدن به این سطوح تاچ کردن یا حتی بالا رفتن روی اون ها آلارم بگیرن در قسمت کد های خودشون که داریم سقف های بالاتر می زنیم و ترند قدرت خودش رو داره از دست میده ؛ فعلا ریت معاملات نزولی رو کم کن .

ما فقط خطوط اصلی رو می کشیم تا دیدگاه جامعی نسبت به قیمت داشته باشیم . مثلا اگر بیاد یک سقفی بالاتر بزنه تمامی کامپیوترهایی که در جهت نزول دارن تلاش می کنن متوقف یا فعالیتشون خیلی کم میشه.

حالا اصلا چرا باید خطوط افقی رو رسم کنیم؟ به خاطر بحث سقف / کف های بالاتر یا پایین تر. مثلا یک روند نزولی رو داریم ؛ تا وقتی که قیمت نیاد سقف بالاتر بزنه یعنی اون روند هنوز در روند نزولی هست. تصویر چارت صفحه قبلی نمونه خوبی از این مسئله هست.

پس بازار هر چقدر الگو محور تر حرکت کنه منطقی تر و در نهایت به نفع ما هست. الان باز یک نمونه دیگه از ذهن خونی کامپیوترها ببینیم :



الان در عکس بالا کامپیوتر از سقفی که زده شده یک ترند می کشه به سقف پایین تر و اون رو امتداد می ده که روی نقطه سوم دیگه انجام معامله رو شروع می کنه و حد ضرر رو روی سقف قبلی آبی رنگ بالایی نگه می داره که اگر قیمت به اونجا رسید آلام بگیره و معامله رو ببنده .

عکس بالا رو از نمای دور تر ببینیم همچین چیزی هست که سه تو موضوع به راحتی قابل مشاهده هست : ۱- سقف ها و کف ها رو دقت کن ؛ ۲- مگنت ها ؛ ۳- الگوی V که مکرر تشکیل شده ؛ الان به سمت چپ روز قبل هست دقت کنیم که کفی رو ساخته رو بهش حمله کرده ولی نتونسته و از همونجا برگشته رفته بالا تا همون روز سقف جدید زده .



حالا بزرگترین معیار قابل توجه برای کامپیوترها برای رصد بازار چیه ؟ اولین چیز اندازه لگ هاست . دوباره باید بگیم چرا ؟ چون کامپیوترها عاشق لگ های هم اندازه هم جهت هستن چون نحوه محاسبه و ایجاد اون ها براشون خیلی خیلی راحت تره و احتیاج به کد نویسی خیلی کمتری هست به شکل زیر خیلی خوب دقت کنید تا مفهوم لگ های هم اندازه رو درک کنید :



حالا دوستن این موضوع چه کمکی به ما می کنه ؟ ما با دوستن این چیزها و اینکه مثلا در کل زیر بخواهیم موقعیت فروشی برا اساس اسکالپ قرار بدیم تارگتمون رو اندازه لگ قبلی قرار می دیم !



حالا در مثال بالا میریم می بینیم که دیگه لگ هم اندازه دیگه تشکیل نشد یعنی اینکه به آخر روند مون رسیدیم! همچنین در ته روند ها آخرین زور برای افزایش یا کاهش روند به عنوان E GAP در نظر می گرفتیم.



هم پوشانی لگ ها ۲ و ۳ با ای گپ ها خودش یک استراتژی هست که اگر این ها رو با هم همپوشانی کنیم نقاط ورود به دست میاد .

دومین معیار قابل توجه کامپیوترها برای رصد بازار خطوط ها هستند : ۱- امتداد های خطوط مورب ؛ ۲- خطوط موازی ؛ ۳- خطوط افقی که می می تونیم بگیریم همون کانال کشی ها هستن . کامپیوترها عموما قیمت رو زیر خودشون نگه می دارن (اگر روند نزولی باشه زیر ترند لاین می گیرن) و مرتب اکستند می کنن و ترید می کنن تا زمانی که این خطوط شکسته بشن تا ادامه روند جدید رو بگیرن .

الان در تصویر بالا اگر قرار بود که قیمت باز هم بریزه باز هم لگ هم اندازه تشکیل میشه ؛ ولی وقتی این قضیه اتفاق نمی افته این یعنی به آخر اون روند نزدیک شدیم و ما باید حواسمون به وج ها و ۳ ۲ ۱ وان تری ها (تعداد برخورد ها) و ای گپ یا همون گپ خستگی آخر روند باشه .



ویدیو ۳: پیدا کردن ستاپ معاملاتی (تک تایم فریم)

وقتی توی تایم فریم پایین کار می کنیم ، اخبارها می تونن موقعیت های خوبی برامون ایجاد کنن . این تایم فریم پایین تر باعث میشه ترند ها رو سریع تر پیدا کنیم و در نتیجه نقاط ورود بهینه تری داشته باشیم .
 نکته ۱ : وقتی جایی توی چارت یک روند ریزشی می بینیم ، زوم می کنیم ببینیم حالت کندل ها چجورین ؛ مثلا کندل های سبز پشت سر هم به سمت بالا هستن یا مثل بعضی جاها نیستن خیلی با هم دیگه سبز و زرد قاطی باشن و زیادی اورلپ (هم پوشانی) تشکیل بدن .

نکته ۲ : وقتی که تک تایم فریم کار می کنیم نمی خواییم خیلی به گذشته برگردیم ، چون این کار اهمیتی ندارد ، چون ما خودمون رو مثل کامپیوتر فرض می کنیم که قسمت های نزدیک لایو رو مشاهده می کنیم و عملا گذشته بازار برامون خیلی اهمیتی نداره . حالا چرا این کار رو می کنیم ؟ چون نمی خواییم پارامتر الکی اضافه کنیم چون در این صورت تصمیم گیری نهایی با تعداد زیاد پارامتر باعث میشه که به نتیجه خوبی نرسیم .

نکته ۳ : چیزی که توی تک تایم فریم خیلی باید بهش توجه داشته باشیم high و low یا همون سقف و کف روز قبله !! و همچون دقیقاً وسط این دو تا خطی که باید امتداد می دیم ! این کار خیلی شبیه به سطوح مپ هفتگی بود . حالا چرا باید بهش خیلی توجه داشته باشیم و خیلی می تونه کمک کنه ما باشه ؟؟؟ چون تمام کامپیوترهای تریدینگ دارن اون رو می بینن!

پس برای پیدا کردن ستاپ معاملاتی برای شروع کار روزانمون **زمان** رو معیار اول قرار می دهیم . الان به تصویر زیر دقت کنیم :



الان همونطوری که می بینیم بعد از اسپایک سمت چپ که وارد تریدینگ رنج شدیم تو جایی که با مستطیل ابی مشخص شده می بینیم که کندل ها سایه های عجیب و غریب دارن ، از هر دو طرف سایه دارن و... این یعنی من نمی دونم باید چیکار کنم ! زور ندارم سطح پایینی آبی رنگ رو بشکنم ! وقتی رسیدم به کف باز هم سایه دارم هنوز این یعنی موقعیت خیلی خوب برای خرید .

* پس ستاپ پیدا کردنمون در تک تایم فریم تا اینجا شد اول زمان بعد سایکل ها . دقیقه ۱۷ و ۱۸ خیلی مهم !!!

* حداقل ریوارد خلاف جهت روند طبق توضیحات فیلم یعنی ریوارد ۴ ! ریوارد زیر ۴ در این مواقع کلا غیر منطقیه . باز به شکل زیر دقت کنید :



الان در شکل بالا در مربع قرمز رنگ همونطور که می بینیم کف کانال رسیده و با تفریق کندل ها از هم عملا پین بار به شدت قدرتمند صعودی داریم که می تونیم اون رو شروع روند در نظر بگیریم ؛ ولی این که این شروع روند تا کجا ادامه پیدا می کنه اول باید به سطح آبی زنگ دقت کنیم و بعد از اون به سطح نارنجی که اگر هر دو تا رو شکست عملا ادامه روند رو باهش بریم (این جز معاملات خلاف جهت روند هست پس باید خیلی حواسمون بهش باشه) .

نکته ۴: اگر توی هر جایی وارد پوزیشن میشیم باید واکنش ها رو توی هر مرحله و هر لول / سطحی که می بینیم بررسی کنیم . (مثلا کف کانال وارد میشیم تا سقفش چجوری پیش میره خوب رفت یا نرفت ؛ توی محدود های مهم و سطوح و لول های مهمی که داریم می بینیم قدرت بدنه های کندل صعودی قوی تر هستن یا نزول ؟ آیا مارکت می تونه خودش رو بالای یا پایین اون سطح مهم خودش رو تثبیت کنه ؟) دقیقه ۲۱ تا ۲۳ .

نکته ۵: مارکت معمولا دوست داره به سقف و کف روز قبل واکنش نشون بده چون این موضوع خیلی براش حائض اهمیت و جذابه !

نکته ۶: توی تک تایم فریم و تایم فریم های پایین ، پیدا کردن سایکل ها و ستاپ های معاملاتی رو از راس ها شروع می کنیم . بعضی وقت ها راس هم پوشانی میشن با سشن ها بنابراین باید هر دو جهت رو حواسمون بهش باشه . زمانی که اسپایکی رو تشخیص میدیم و در ادامه اون کانال رو هم رسم کردیم ، وقتی میاد لبه کانال شکسته میشه یا اسپایک جدید رخ میده یا در ادامه تریدینگ رنج ساخته میشه ؛ که وقتی تریدینگ رنجمون میشکنه راس رو از اون جا در نظر می گیریم .

پس نتیجه کلی این شد که توی تک تایم فریم ستاپ های معاملاتی مون رو از راس هایی پیدا می کنیم که سایکل ها از اون ها شکسته شدن .

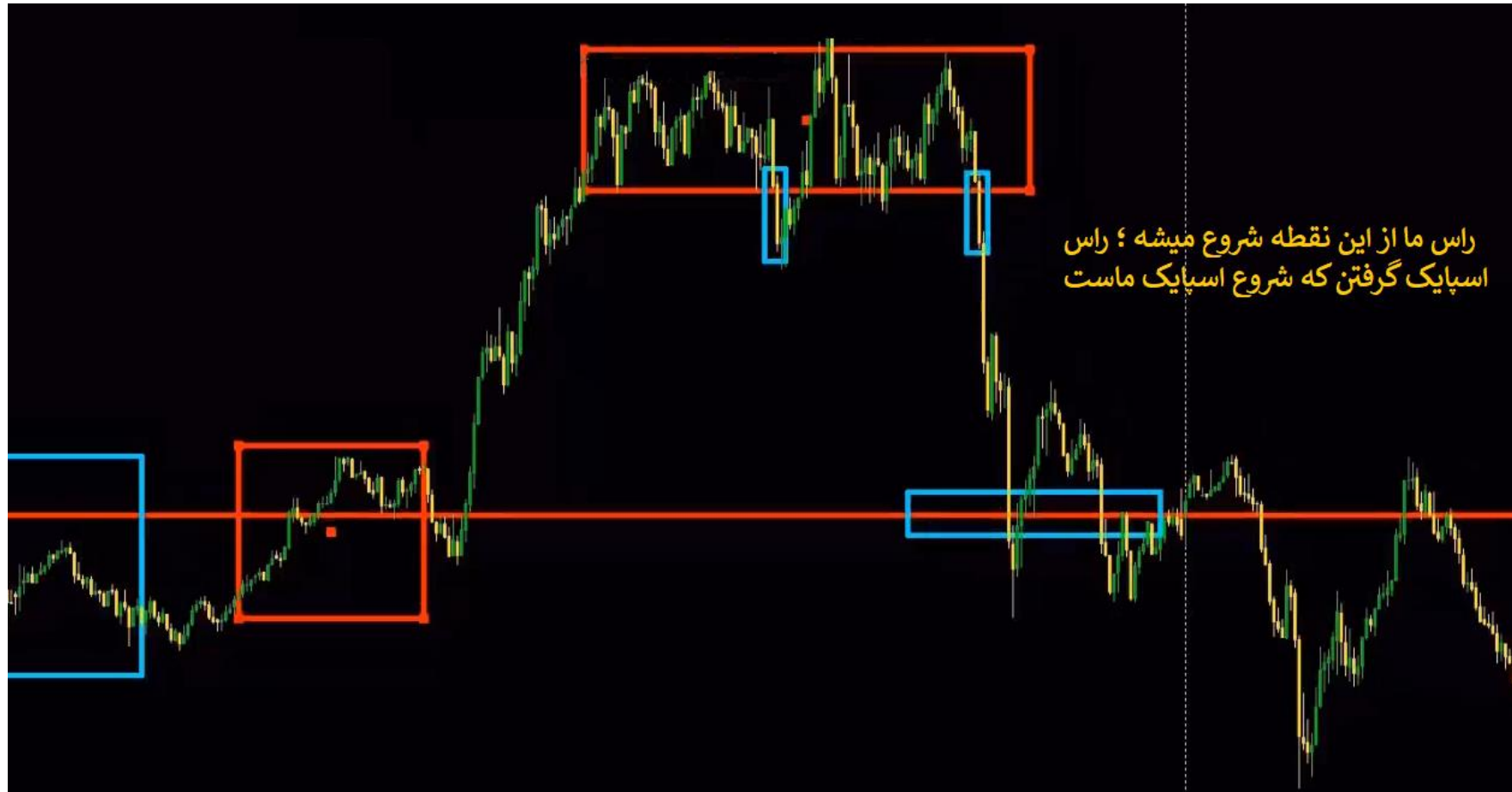
نکته ۷: به تصویر زیر دقت کنید ؛ وقتی توی جایی که کف تریدینگ رنج با کندل پر قدرت بریک شده و ما در کلوز کندل پوزیشن سل گرفتیم اما قیمت برگشته توی تریدینگ رنج و استاپمون رو می خوریم و در اینجا می تونیم وارد پوزیشن برعکس (در تصویر زیر پوزیشن خرید تا سقف تریدینگ رنج) بشیم و ضرری که خوردیم رو جبران کنیم ؛ حالا چرا بعد از استاپ (معمولا در صورت خوردن استاپ می تونیم پوزیشن معکوس بگیریم ۹۰ درصد مواقع) وارد پوزیشن خرید شدیم ؟



جواب : استاپ رو برای چی میزاریم ؟ برای این میزاریم الان ما به این نتیجه رسیدیم که دیدگاهمون غلطه و سناریو بر عکس دیدگاه ما شکل گرفته و در بیاد ؛ و وقتی بر عکسش در بیاد خب در این موقع پوزیشن معکوس می گیریم . ۳۲:۰۰ (بستگی به استراتژی تون داره و حتمن باید بک تست گرفته باشید)

نکته ۸ : توی تریدینگ رنج ها وقتی سیگنال دوم بریک می بینیم یعنی ۹۰ درصد ترند و اسپایک از اونجا شروع شده برو که رفتیم ! (۳۳:۳۲ دقیقه)

نکته ۹ : به تصویر زیر دقت کنید که راس شروع ما به این شکل پیدا میشه و ما باید این کار رو انجام بدیم.



مباحث کلی این ویدیو این شد راس ها رو چطوری پیدا کنیم ، زمان رو دخیل کنیم ، سقف و کف روز قبل رو حتمن استفاده کنیم .

ویدیو ۴ : پیدا کردن ستاپ معاملاتی (مولتی تایم فریم فریم)

اولین چیزی که خیلی مهمه توی مولتی تایم فریم کار کردن ببینیم تایم فریم هدفمون چی هست و نهایت تو کدوم می خواهیم کار کنیم و در نهایت ، تایم فریم رو مدام انگولک و بالا و پایین نکنیم ! تایم فریم هدف همون تایم فریمی هست که می خواهیم پوزیشن رو تریدر یا لحاظ کنیم . مثلا اگر پوزیشنمون رو می خواهیم روی تایم فریم ۵ دقیقه ای کار کنیم همیشه ؛ ماکزیمم تا تایم فریم ۳۰ دقیقه ای بریم بالا چون بعد از اون دیگه عملا فرق چندانی با هم ندارن .

توی تایم فریم بالاتر مثلا اگر توی تایم فریم ۳۰ دقیقه ای هستیم اول از هر چیزی باید ترند لاین هامون رو دقیق و اصلی بکشیم . یعنی دقیقا کشیدن راس ها (گذشته چارت رو ببینیم و راس رو پیدا می کنیم . به شکل زیر توجه کن !



الان در شکل بالا از جایی که خط آبی کشیدیم عملا راس محسوب میشه چون مارکت دیگه تغییر جهت داده ! بعد از این کار میاییم اسپایک کانال تریدینگ رنج رو پیدا می کنیم . اگر مثلا تایم فریم ۳۰ دقیقه خط روندمون رو کشیدیم رفتیم تایم فریم پایین تر دیدیم خط روندمون مشکل داشت حتمن باید اصلاحش کنیم همچونجا . (دقیقه ۳ و ۴ فیلم مهم) .

نکته ای که اینجا حائز اهمیته برای نتایج خیلی خیلی بهتر باید هر دو تا خط سمت دو طرف کانال رو داشته باشیم تا همه تارگت ها رو بتونیم به دست بیاریم (دقیقه ۱۰) ؛ ولی اگر نمی دونیم از کجا ترند لاینمون دومی رو رسم کنیم ، یک ترند لاین موازی با همون ترند لاین اولی می کشیم بعد می بریم سقف اولی که بقیه تارگت ها به راحتی به دست میاد .



باز تاکید می کنیم که راس ها برای ما مهم بودن که تاکید می کردند که چرخه در حال عوض شدنه ؛ باز به تصویر زیر دقت کنید :



نکته مهم: تو لگ با two leg با E GAP ها هم پوشانی دارد و به نقاط خروج و همچنین فرصت معامله معکوس رو میده. (۱۴:۰۰ ویدیو)

پس وقتی ای گپ ها با تو لگ ها هم پوشانی داشت (انتهای لگ دوم) ، اولین کندل برگشتی ، حکم برگشت رو داره و ما می تونیم روش ریسک کنیم!



دقیقه ۱۸ تا ۲۰ این ویدیو خیلی خیلی مهم میژر موو measure move یا همون اندازه حرکتی تریدینگ رنج ها رو توضیح دادن .

نکته خیلی مهم : راس در هر جهتی بود غالب مارکت با اون هست . راس ها اول اسپایک هامون رو بهمون نشون میدادن و از اولین اصلاح اسپایک شروع می کنیم به ترند لاین کشیدن (دقیقه ۲۷ و ۲۸ ویدیو)

از این ویدیو به بعد مباحث اسکالپ شروع میشه. مبحث کلی این ویدیو اسکالپ کردن برای لگ های ریز هستن، نه دیگه صرف سوینگ و همچنین بررسی سناریو های مختلف در لحظه مارکت و قدم به قدم پیش رفتن با اون. مثلا با توجه به تصویر زیر و تشکیل الگوها و سیگنال بار و کی بار میومدیم تارگت اولی رو تا یک جایی تسویه می کردیم و بعد از اون منتظر سناریوهای بعدی می شدیم (سناریو به سناریو پیش بریم)



دقیقه ۱۱ تا ۱۴ این ویدیو یک استراتژی معاملاتی رو یاد دادن که برای فست اسکالپ و برای شکار کردن موج های بسیار ریز در حد یک کندل (پوزیشن های دیتیل ریز اسپایک؛ یعنی لگ به لگ کار کنیم) .

اولین چیزی که توی چارت باید بهش دقت کنیم، راس ها هستن (۱۹:۲۰). به شکل زیر توجه کن؛ مثلا یک سقفی در تصویر زیر داریم و وقتی دوبار تلاش می کنه که معمولا دومین بار موفق تره همیشه مخصوص اگر خودش رو بتونه تثبیت کنه و از همونجا هم ادامه روند رو رفته. پس می تونیم چرخه ها رو ذهنی بتونیم پیدا کنیم و راس ها رو اینجوری پیدا کنیم.



دقیقه ۹:۰۰ ویدیوی ۶: توی چرخه هامون دنبال راس ها بگردیم ، مثلا اگر اومدیم جایی تشخیص دادیم که اسپایکی وجود داره ، بریم تو دلش پولبک ها رو که دیدیم و اگر روی سطوح پولبک وارد شدیم ، بتونیم و بدونیم که اگر تشخیص درستی دادیم ، جای امن برای استاپ گذاری محل بریک اوت هست . به تصویر زیر دقت کنید نقاط مناسب برای استاپ نمایش داده شده . (توضیح ساده تر : اسپایکی روی چارت می بینیم که راس های ما **اولین** پولبک ها بودن بعد از اسپایک ، بعد کانال ها رو تشکیل می دادیم ؛ بعد از راس بعدی که شروع تریدینگ رنج بود شروع می کردیم دیدگاه و سناریو هامون رو تغییر دادن) . ویدیو ۵ دقیقه ۲۰

دقیقه ۲۰ ویدیوی ۵ عملا یک استراتژی معاملاتی محسوب میشه!!!

دقیقه ۹ ویدیوی ششم خیلی خیلی مهم ! تصویر چارت زیر پایین هم استراتژی معاملاتی خوبیه .



نکته خیلی مهمی که در تایم فریم بالا وجود داره که اگر چرخه رو پیدا نمی کنیم و یا چارت گنک هست توی تریدینگ رنج هستیم. دقیقه ۱۱ و ۱۴ مهم . پس چرخه ها در تایم فریم پایین تر راحت تر پیدا میشن .

جمع بندی این دو ویدیو اینه بعد از دیدن راس ها باید سناریو هامون رو عوض کنیم لحظه به لحظه و ما باید مرتب سناریو هامون رو اپدیت کنیم.

وقتی روی سطوحی چرخه رو پیدا می کنیم و اسپایک رو درست تشخیص میدیم بیاییم اولین پولبک هامون رو بهم دیگه وصل کنیم .

ویدیوی ۷: اگر چرخه پیدا نشد چگونه ترید کنیم

اگر دیدیم که توی مارکت چرخه ای پیدا نکردیم و چارت برامون خیلی گنـــــگ هست احتمال خیلی زیاد تو دل تریدینگ رنج هستیم که نمی تونیم سایکل رو پیدا کنیم ؛ حتمن در این موارد تایم فریم رو مد نظر داشته باشیم . مثلا اگر داریم ۱۵ دقیقه ای نگاه می کنیم چارت رو بریم ۵ دقیقه ای (دقیقه ۱۰)

نکته ۱: وقتی سایکل رو توی تایم فریم مورد نظر پیدا نمی کنیم باید از الگوها و یا سایر موارد پرایس اکشنی دیگه استفاده کنیم (به خصوص الگوها) . و یا به چیزهایی که بدون در نظر گرفتن چرخه اسپایک کانال تریدینگ رنج داریم رو مارکت می بینیم و روی اونها وارد میشم . (دقیقه ۱۵)

نکته ۲: توی بحث اسکالپ کردن اصلا نباید منتظر بسته شدن کندل باشیم و فقط با اردرهای از قبل گذاشته شده مثل بای لیمیت ها سل استاپ ها و.... ورود می کنیم ؛ ولی تو سویینگ گیری می تونیم منتظر بسته شدن کندل باشیم .

پس قلق اصلی پیدا نکردن سایکل ۳ مورده : ۱- تغییر تایم فریم ؛ ۲- سکشن بعدی چارت این که بیاییم چارت بر اساس سشن های توکیو - لندن - نیویورک بچینیم ؛ ۳- الگو محور عمل کنیم و دنبال چرخه های خیلی ایده ال و خیلی تمیز هم نباشیم.

نکته ای که اشاره کردن تایم فریم ۱۵ دقیقه ای و ۳۰ دقیقه ای تایم فریم خوبی برای دی تریدر نیست . دقیقه ۱۴ زمانی که یک نقطه حمایتی توی چارت به دست میاد می تونیم وارد پوزیشن خرید بشیم .

نکته: لگ های هم اندازه و لگ های تو در تو یعنی تریدینگ رنج! بر اساس تریدینگ رنج با اون ها ترید بکنیم.

ویدیوی ۸: تاثیر هر نوع گپ در هر نقطه از چارت

یک نمونه سناریو رو در تصویر زیر داریم ، کندلی رو می بینیم که به حالت مگنت به سقف تریدینگ رنج زده و این رو به ما میگه رسیدن قیمت فعلا به سقفی که مشخص شده سخته (نمی گیم که نشدنیه ، فعلا سخته چون سناریوها همیـــــشه برقـــــرارن) .

در این موارد تریدرها با برگشت هر گونه قیمت تا مووینگ اوریج ورود می کنن چون نمی دونن بعدش چی میشه ، اگر هم تصویر رو نگاه کنیم می بینیم که قیمت برای مدتی توی مووینگ اوریج گیر کرده .



اینکه مارکت توی هر ساعت و هر نقطه ای داره حرکت های خوبی انجام میده ، به این معنی نیست که ما هم حق استفاده از هر نوع حرکت توی هر زمانی داریم . طبق قوانینی معاملاتی که شامل ۴ نوع استراتژی تکنیکال - زمانی - روانی - سرمایه ای داشتیم باید ورود کنیم .

اگر توی تریدینگ رنج وجود داریم و هستیم گپ هایی که مثل تصویر زیر مشخص شده داره تشکیل میشه و میاد کندل های بعدی تقریباً تاییدش می کنن این ها رو به مثابه فشار در نظر می گیریم ؛ دیکه نمی تونیم به اون ها e gap یا همون گپ خستگی ته روند در نظر بگیریم .



پس وقتی مارکت جون نداره و ما گپ می بینیم اول از هر چیزی به زخمی دقت کنیم ، روی چه نمادی کار می کنیم . باز به عنوان مثال به تصویر زیر که مال شاخص داو جونز سشن توکیو هست دقت کنید :



اومده رو سطوحی که مشخص شده داشته الگوش رو می ساخته و اومده یک حرکتی به سمت بالا کرده ؛ و اگر شب قبلش رو بررسی کنیم می بینیم که از دیشب داشته برای این الگو کار می کرده و از نظر زمانی اصلا اوکی نیست و تصمیم گیرندگان بازار امریکا توی این مارکت نیستن .

اگر جاهایی که مشخص شده رو ببینیم که گپ هستن ، اما وقتی میاد کندل خیلی بزرگی می زنه که کندل بعدیش اصلا جالب نیست و نزولی هست این یعنی کندل آخر بزرگی نوعی E GAP هست ؛ حالا اگر بعد کندل نزولی که با فلش سفید مشخص شده سناریو رو نقض کرد و قیمت بالاتر از اون می رفت اون رو دیگه به عنوان گپ فشار در نظر می گرفتیم . (دقیقه ۸ خیلی خیلی مهم ، اولویت اصلی ویدیو روی زمان بود)

نکته اصلی این ویدیو : کجای ترنند قرار داریم و این گپ ها و حرکات فشارگونه کجا و چه زمانی انجام میشه . (سشن و جایگاهی که در چرخه داره .)

دقیقه ۱۳:۵۰ ؛ وقتی داریم چندین لگ می بینیم و روند تا جایی میره که فکر می کنیم محل تسویه حساب خریدار یا فروشنده هاس که قیمت بعد شروع می کنه به ریختن (در چارت بالا صفحه ۴۹) ؛ پس اون قسمت هایی که آخرین ها توی روندمون هست که همون E GAP که می تونه با ۳ برخورد ها ۳۲۱ ها می تونه برامون حکم برگشتی داشته باشه (این همون استراتژی بود ۳۲۱ با ای گپ بود که قبلا گفته شده . دقیقه ۱۶ مهم .

ویدیوی ۹ و ۱۰: اسپایک تریدینگ ، کانال تریدینگ

این ویدیو خیلی خیلی مهمه به خصوص دقیقه ۳ و ۴. در کل این ویدیو مهم ترین مبحث که دنبال می کنه بحث MTR ها ست. توی اسپایک تنها و تنها اجازه داریم که بر اساس جهتی که اسپایک داره حرکت می کنه حرکت کنیم.

نکته ۱: ویدیو ۱۰ دقیقه ۴ ؛ وقتی در جاهایی از مارکت هر چند کوچک وقتی داره رنج می زنه و کندل ها اورلپ (هم پوشانی) و خیلی تو دل هم هستن برامون خیلی مهمه ؛ چون این محدوده محدوده تسویه حساب ها ست برای اونایی که پوزیشن باز داشتن.

نکته ۲: مثلاً طبق ویدیو روند نزولی رو داریم ؛ صرف حرکات کوچک صعودی رو زرتی برگشت قیمت در نظر نمی گیریم بلکه اونا می تونن تسویه حساب هم باشن ؛ بلکه باید بزاریم ستاپ ها ساخته بشن (دقیقه ۴ و ۵ حتمن حتمن دیده شود)

نکته ۳: دقیقه ۹:۱۰ ویدیو ۱۰: کوچک شدن کندل ها همگی سیگنال برگشتی هستن و وقت بعد از اینها کندل قوی می بینیم یعنی روند میخاد با قدرت ادامه بده ؛ مثلاً در تصویر زیر می بینیم که به سطحمون رسیده و کندل ها کوچک شدن و جونی برای افزایش قیمت نداره و می بینیم که میخاد بره بالا ولی سایه می شه بر می گرده پایین ، دوباره تلاش می کنه بره بالا سایه می کنه میاد پایین (این تلاش قیمت ، این زور زدن قیمت همگی سیگنال هستن حواست رو جمع کن).



نکته ۴ دقیقه ۱۰ ویدیوی ۱۰: به صورت تخصصی اگر بخواهیم روی لبه ها وارد بشیم بهتر هست که بایم اردر لیمیت یا اردر استاپ بزاریم و در صورت باز کردن پوزیشن در تریدینگ رنج برای گذاشتن حد ضرر به اندازه نصف لگی که توی تریدینگ رنج می بینیم حد ضرر می زاریم (به چارت زیر توجه کن) :



الان در تصویر بالا جایی که با مستطیل قرمز مشخص شده رو ببینیم به این نتیجه می رسیم که مارکت روند نزولی رو که پیش گرفته رو داره زیر لبه پایینی تریدینگ رنج ما داره خودش رو تثبیت می کنه ؛ بنابراین ما هم می تونیم با سیگنال هم جهت مارکت وارد بشیم.

نکته ۵ دقیقه ۱۱ ویدیوی ۱۰: کلا در چارت همون جور که در ویدیوهای اصلی شماره ۱۹ چندین سطوح مختلف رو گفته بودن ، یکی از اون سطوح مووینگ اوریج ۲۰ هست . از مووینگ اوریج به عنوان سطحی استفاده می کنیم که مارکت یک ترند لاین داینامیک که داره با ما و در جهت روند حرکت می کنه ؛ که به ما کمک می کنه توی کانال های باریک و اسپایک ها ادامه نقاط ورودمون برای اون ها رو پیدا کنیم (نمونه در چارت صفحه بعد ببینید) . همونطور که می بینیم عملا توی چارت صفحه بعد مووینگ اوریج عملا برای ما ترند لاین محسوب میشه .

نکته ۶ دقیقه ۱۲:۴۰ : در کانال ها می تونیم در پولبک ها (مربع های خاکستری رنگ کوچک) وارد بشیم ؛ یا با بریک محدوده آبی رنگ که مشخص کردیم ؛ محدود ای که مستطیل خیلی بزرگ خاکستری

هست اسپایکمون محسوب میشه .



نکته ۱۳:۵۰۷ : قیمت هیچ وقت به کله حرکت نمی کنه چون خسته میشه ؛ بلاخره وقتی پوزیشن باز میشه بلاخره اون پوزیشن یک جایی باید بسته بشه و تسویه حساب انجام بشه دیگه.

نکته ۸ : نقاط ورود و اولیه بعد از بریک MTR ها:

- ۱- اولین نقطه ورود پولبک ها هستند .
- ۲- دومین نقطه ورود بعد از بریک مووینگ اوریج و تثبیت بالای مووینگ اوریج و دیدن سیگنال بار و کی بار هست که با خیال راحت تری وارد پوزیشن میشیم (ویدیوی اصلی بریک اوت پارت دوم رو ببینید) .



دقیقه ۱۶ مه . توی بحث MTR ها برای اسکالپ فقط تا تی پی ۲ رو مد نظر قرار میدیم و بعد از معامله خارج میشیم .



ویدیوی ۱۱: اسپایک تریدینگ، کانال تریدینگ قسمت سوم

کلا کانال هامون یا عریض هستند یا باریک؛ که کانال های عریض رو مثل تریدینگ رنج ها معامله می کنیم. توی کانال هایی که مثل شکل زیر شکل میگیرن و زیر مووینگ اوریج دارن تلاش می کنن روند رو برگردونن ولی موفق نیستن؛ اولین چیزی که باید حواسمون باشه مقدار اندازه و لگ کندل های برگشتی به سمت بالا (برگشت های بالایی) هست:



اگر اندازه این ها به حدی باشن که (حالا چه بایرهایی که دارن وارد میشن یا سلرهایی که دارن خارج میشن) به قیمت اجازه افزایش های خیلی زیاد بدن ، این یعنی اینکه مارکت دیگه اون قدرت رو از دست داده و نمی خواد دیگه کاهش آنچنانی داشته باشه .

نکته ۱: الان در چارت صفحه پیش ؛ قبل از مربع بزرگ قرمز که اسپایک مشخص هست به هیچ وجه خلاف جهت اون معامله نمی کنیم و با ازای هر **کلوز** صعودی و نزولی (هر دو) باید بفروشیم :



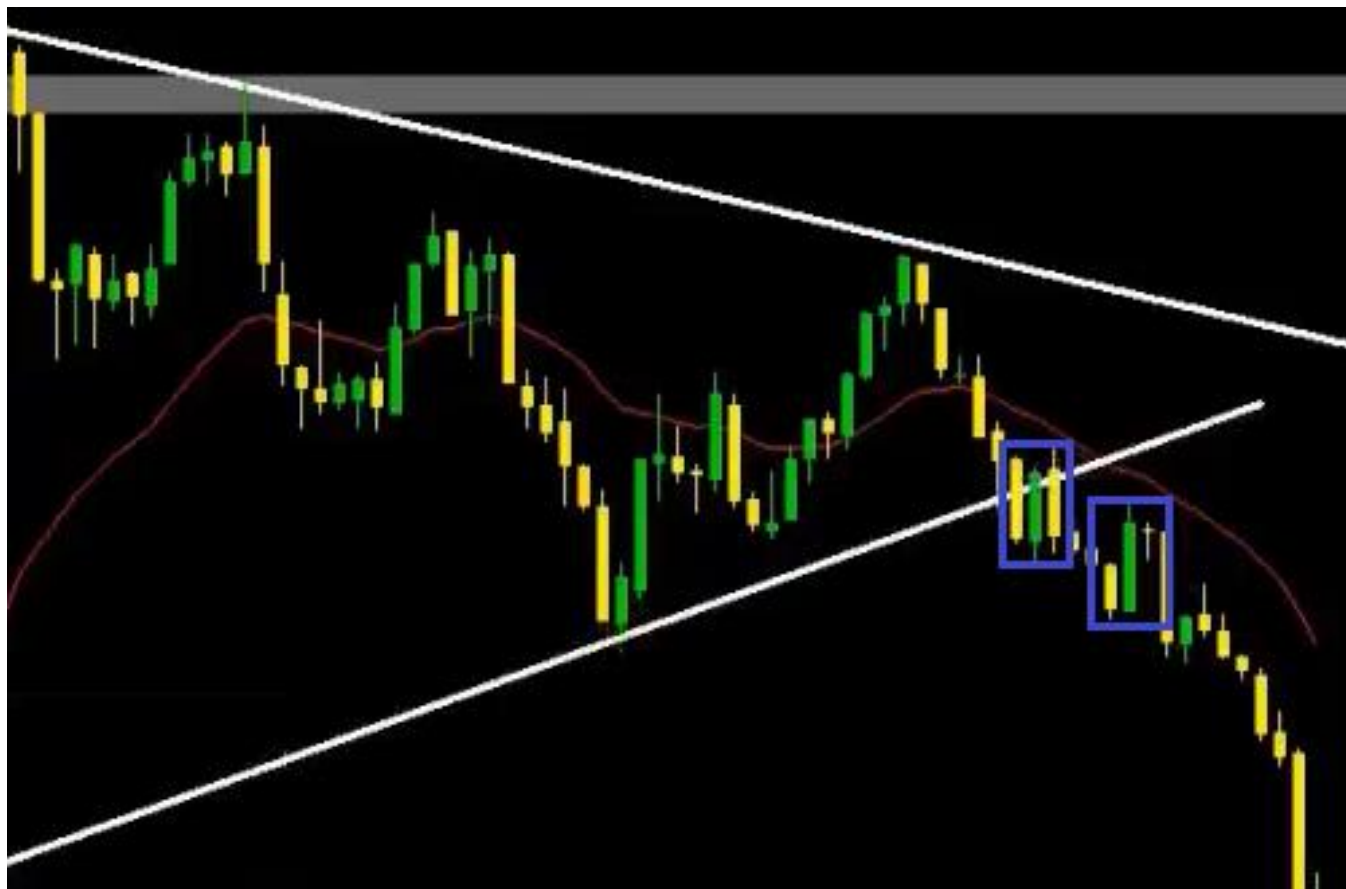
نکته ۲: دقیقه ۱۴: استاپ از نظر ذهنی یک نقطه ای هست که ما فرض می کنیم سناریوی ما با رسیدن به اون نقطه نقض میشه !

دقیقه ۶: یک اسکالپر فقط باید روی پوزیشن های کوتاه مدت تمرکز کنه و پوزیشن رو بگیره و زود خارج بشه و تارگت های بلند مدت برای اسکالپر معنی نمی ده ؛ چون ما میخواییم لگ ها رو بر اساس چیزهایی مختلف مثل فاصله زیاد از مووینگ اوریج و... پوزیشن بگیریم (به چارت زیر خیلی دقت کنید چون خودش یک استراتژی معاملاتی خیلی خوب محسوب میشه) :



حالا در ادامه چارت بالا در نقطه ای که فلش قرمز رنگ مشخص شده ورود می کنیم و تارگت مون برای اسکالپ تا مربع قرمز و ترند لاینی که از قبل وجود داشته خواهد بود؛ تا ببینیم واکنش ها به ترند لاین چطوری هست و در نهایت با سناریو جدید وارد پوزیشن جدیدی بشیم .

یک نکته دیگه ای که باید توجه کنیم اینه که مثلا روند ریزشی رو مثل چارت پایین داریم می بینیم و توی لایو بازار هم همچنان ریزشی هست؛ وقتی میبینیم کندل های نزولی مون خیلی زیادن و پولبکی هم ندارن، پس می فهمیم که میخاد حرکت نزولی رو ایجاد کنه . از اون طرف هم کندل ها صعودی (جایی که مربع آبی رنگ مشخص شده) خیلی کم هستند، این یعنی کندل های صعودی کم نشونه ورود خریدارها نیستن هر چند که سایه یا شدو کوچکی داشته باشن؛ بلکه فقط صرفا این کندل ها تسویه حساب اسکالرها هستند که باعث ایجاد کندل صعودی شدن :



پس علاوه بر تعداد کندل نزولی و کانتکست چارت هم برامون خیلی مهم هست و با سایر موارد می تونیم وارد پوزیشن های جدید بشیم . دقیقه ۱۰ مهم .

نکته خیلی خیلی مهم و آخر این درس : چیزی که باید در بحث کانال ها خیلی بهش دقت کنیم بحث سه ۳ ۲ ۱ یا ONE TWO THREE برخورد ها هست ؛ بعد از اینکه میاد ۳ ۲ ۱ یا سه برخورد رو می سازه ۳ حالت اتفاق می افته که می تونیم در نظر داشته باشیم :

- ۱- برای ما رنج بسازه و رنج میشه کلا .
- ۲- هم برگشت قیمت یا درجا ریزش یا افزایش پیدا می کنه .
- ۳- هم استراحت قیمت یا یکم بازی می کنه و بعد ریزش یا افزایش می کنه ؛ اگر مثل شکل زیر رفت بالا یعنی لگ بعدی آغاز شده و ما باید با اون ورود های بالقوه بکنیم : (الان تو کل شکل زیر بعد رنج رفته بالا که این یعنی افزایش قطعی قیمت ؛؛؛ این موضوع یک جور استراتژی معاملاتی هم محسوب میشه)



دقیقه ۲۰:۲۱ این ویدیو خیلی خیلی مهم چون میاد استراتژی ۳ ۲ ۱ ها رو تمرین می کنه .

 ویدیوی ۱۲ : اسپایک تریدینگ ، کانال تریدینگ قسمت چهارم

این ویدیو راجب حرکت های هم اندازه و مفصل تر MTR ها رو توضیح دادن . تا دقیقه ۵ راجب زون های برگشتی بحث شده .

انواع میژر موو measure move که می تونه وجود داشته باشه لگ هم جهت ، لگ صعودی و... باشه .

بعد از تشکیل یک پولبک می تونیم از ۱ ۲ ۳ one two three ها به این صورت استفاده بکنیم ، به این صورت که وقتی ۲ نقطه ابتدایی به دست اومد قسمت سوم که هنوز در لایو تشکیل نشده در خیلی از مواقع به دست میاد و یا برگشت ها رو داشته باشیم :



دقیقه ۱۲:۴۰ نکته خیلی مهم: اگر یک الگوی MTR شکست می خورد، در این موارد انتظار برگشت های بالقوه رو خواهیم داشت (این هم یک استراتژی خوبی معاملاتیه)! مثل تصویر زیر که می بینیم الگوی ما با قدرت بریک شده اما مارکت بر عکس حرکت کرده که ما اون رو در این مواقع سناریو مون رو عوض می کنیم و با جهت مارکت پیش میریم (حتمن حتمن حتمن در این موارد زمان و تایمینگ رو مد نظر داشته باشید):



پس بنابراین هر الگویی شکست خورد (چه MTR؛ چه وج ها؛ چه ۳۲۱ و...) این یعنی مارکت میخاد زور بیشتری بزنه در جهت مخالفی که پیش می رفته که عملاً حرکتش شدید تر میشه در همون جهت. دقیقه ۱۶

نکته خیلی خیلی مهم دقیقه ۵: چارت زیر رو ببینید؛ وقتی میبینیم مارکت میاد سقف و کف و بالاتر یا پایین تر می زنه ولی بعدش میاد سقف و کف برعکس قبلی ها می زنه، این یعنی مارکت گیج و حالت تریدینگ رنج داره و میخاد که اون چرخه رو به حالت برعکس ببره (مثلا در چارت زیر کل مسیر صعودی بوده اما وقتی میاد کف پایین تر می زنه: اولاً کل اون ناحیه قرمز رنگ رو تریدینگ رنج در نظر می گیریم، بعد استنباط می کنیم جهت مارکت رو برعکس و از حالت صعودی به نزولی تغییر بده):



پس یک نکته مهم تا اینجا: ساختن هی کف بالاتر = نشانه و هشدار صعود (و برعکسش هم همچنین)

وقتی یک محدوده ای رو تریدینگ رنج تشخیص میدیم (می تونه کل یک روز تریدینگ رنج باشه)، یا می بینیم مارکت خیلی گیج می زنه؛ سعی کنید مارکت رو دو قسمت کنید: ۱- محدوده بالایی (بالاترین قسمت و ۲- پایین ترین محدوده: که این ۲ تا محدوده بشن زون های خرید و فروش ما. همونطور که تو ویدیو های اصلی گفته شده بود، توی تریدینگ رنج ها هم می تونه الگو مخصوصا الگوی MTR ها و چرخه کامل وجود داشته باشه.

تو محدوده بالاتر هر چی سیگنال فروش می بینیم شروع می کنیم به فروختن و به محدوده پایین که رسیدیم شروع به خرید می کنیم ، یا اگر جا موندیم حداکثر در پولبک کندل ها یا نهایت کلوز کندل بعد از محدوده ها اقدام می کنیم .

نکته ۱: در کل تریدینگ رنج ها با استاپ ها و اردرهای از قبل می زاریم وارد میشیم نه صرفا به خود مارکت .

نکته ۲: تریدینگ رنج ها زمانی خوب میشه تریدشون کرد صرفا اسکالپ کنیم با خود مارکت وارد و خارج بشیم و از چیزی نترسیم .

نکته ۳ مه ۱۲:۴۰: وقتی توی تریدینگ رنج هستیم به هیچ عنوان به هیچ عنوان وسط تریدینگ رنج هیج پوزیشنی نمی گیریم حتی اگر سیگنال عالی چه خرید چه فروش بگیریم ؛ چون طبق همون چیزی که توی ویدیوهای اصلی گفتیم اکثر تریدرهای حرفه ای بازار توی تریدینگ رنج ها اسکالپ می کنن و احتمال اینکه خریدارها یا فروشنده ها در جهتی که دارن معامله می کنن سریعا نا امید بشن و مارکت خلاف جهتشون پیش میره و معمولا وسط تریدینگ رنج تسویه حساب اسکلپرهاست .

نکته ۴: تو تریدینگ رنج ها سعی کنیم هر کندلی رو به عنوان کندل ورود در نظر بگیریم ؛ از کندل هایی که ترند بار اون جهت هستن استفاده کنیم ، مثلا تو محدوده بالایی بیاییم از کندل نزولی که سایه خیلی کوچیکی داره کلوز و سقف کندل نزدیک به هم استفاده کنیم و... (بحث بک تو بریک ایون خیلی جوابه تو تریدینگ رنج) .

همونطوری که قبل اشاره شده بود بحث ۲ لگ ها در دل خود تریدینگ رنج ها هم جوابه مثل وقتی به محدوده پایینی می رسیم و سیگنال برگشت میده وارد میشیم ، یک لگ می زنه و بعد لگ اصلاح که داد ، بعد از اصلاح اندازه لگ قبلی تارگت جدیدمون هست . دقیقه ۲۰ تا ۳۰ نکات مهمی گفته شده



برای گذاشتن استاپ چندین انتخاب داریم: ۱- به ازای هر کندل ورودی بزاریم پشت اون کندل (به چارت زیر دقت کنید)؛ ولی این روش خیلی خوبی نیست چون خیلی از موارد پیش میاد مارکت سیگنال دوم ورود به معامله رو بده ، اول استاپ هایی که تو اون سطح بودن رو می زنه بعد در همون جهت حرکت می کنه .



در تریدینگ رنج ها ۳ راه حل برای ورود داشتیم برای استاپ گذاشتن: ۱- به اندازه آخرین عرض حرکتی؛ ۲- قیمت یا تریدینگ رنج یا نصف عرض حرکتی تریدینگ رنج؛ ۳- یک سوم تریدینگ رنج می زاریم .

حالا کلید اصلی برای استاپ گذاری به جای اینکه مدام حد ضرر رو جا ب جا کنیم ، بیاییم دنبال سناریوهای نقض بگردیم ؛ دنبال سناریو هایی باشییم که دیگه در اون لحظه اون سیستم ورودی من و اون نحوه ورود من دیگه جواب نمیده .

دقیقه ۱۵ ویدیو نقاط خروج بهینه رو توضیح میده که دیگه صرفا بر حسب ریوارد نبینیم و بر حسب اونچه که می بینیم و عرض حرکت قیمت از پوزیشن خارج بشیم.

الان طبق یک توضیح در ویدیو مثلا در یک روند صعودی قرار داریم که کانال عریضی رو ایجاد کرده و تریدینگ رنج تور در حال حرکت قیمت هست. **اگر به عنوان اسکالپ از سقف کانال که پوزیشن سل می گیریم و تا وسط کانال هدف ما هست، اگر قبل از اون سیگنال برگشتی می بینیم بلافاصله خارج میشیم و منتظر نمی شیم تا قیمت به وسط کانال یا مووینگ اوریج برسه.** چون در خیلی از موارد قیمت به حرکت خودش ادامه میده. (این مخصوص اسکالپ هست).



دقیقه ۱۸ به بعد نشون دادن نقاط مختلف ورود و خروج رو تصویر بالا.

نکته خیلی مهم: بهتره چه توی کانال ها و تریدینگ رنج ها در وسط اونها کاری انجام ندیم صبر کنیم به لبه ها نزدیک بشه؛ چون در لبه ها امکان لحظه به لحظه عوض شدن سناریو وجود داره.

دقیقه ۲۰:۳۰ **یک استراتژی رو توضیح دادن**؛ وقتی طبق فیلم که روند صعودی هست وقتی به لبه پایینی رسید، به همدلی بایستد بخریم، مثل تصویر زیر که کندل کوچک که دقیقا یک پین بار هست رو داده و که با خیال راحت تری بیشتری وارد پوزیشن بشیم.



در اینجا چون همه در کف وارد میشن تارگت ابتدایی اسکالپر ها اول از همه مووینگ اوریج هست و بعد از اون وسط کانال؛ که اگر توی تصویر نگاه کنید می بینید که دقیقا به رسیدن به خط وسط که وسط کانال هست همگی گیج میشن و نمی دونن چیکار کنن کندل ها خیلی اورلپ تشکیل میدن. توجه داشته باشید از جایی که کف وارد شدیم تا مووینگ اوریج که یک کندل داجی مانند می بینیم عملا اون رو تسویه حساب نزولی می بینیم.

پس در سیستم های سووینگ هامون بر اساس تارگت هایی که داریم می بینیم چه به صورت لول یا همون فیبوناچی و یا چه ساپورت رزیتنسی (سطوح حمایت و مقاومت support & resistance) انجام میدیم ؛ اما در معاملات اسکالپ تنها بر اساس خود کندل ها و تک به تک کندلها تصمیم می گیریم ؛ مثلا وارد پوزیشنی میشیم و در ادامه قیافه کندل برامون جذاب نیست در ادامه کار که در نهایت خارج میشیم ، چون مارکت لحظه به لحظه حرکت هست و سناریو ها در لحظه عوض میشن .

ویدیو ۱۵: استراتژی بهینه (این ویدیو حداقل ۴ تا استراتژی اسکالپ و فست اسکالپ توضیح داده شده)

نکته ۱ دقیقه ۱: اوایل ویدیو بحث کامل شدن تو لگ (۲ لگ) بعد تریدینگ رنج رو توضیح دادن که وقتی مارکت میاد ۲ لگ خودش رو کامل می کنه اولین نقطه ورود بعد از تمام شدن ۲ لگ تا مووینگ اوریج ، و دومین تارگت دیدن قیافه کندل ها در نزدیکی مووینگ اوریج و (به عنوان مثال چارت زیر اگر صعودی توش نبود) ادامه روند رو می گیریم و دوباره تو لگ همون روند ریزشی :



نکته ۲: در ادامه، وارد سبکی از اسکالپ بر حسب الگوهای ریز می‌شیم و می‌ایم بررسی می‌کنیم وقتی این الگوها تشکیل می‌شوند، وابستگی شون نسبت به مووینگ اوریج و تثبیتشون زیر مووینگ اوریج و فاصلشون از مووینگ اوریج چطوری برای ما قدرت میسازه بحث می‌کنیم. وقتی مارکت **رو یا نزدیک سطوح مهم** مثل مووینگ اوریج حرکت می‌کنه؛ ۳ نکته برای ما خیلی حائز اهمیت و بهترین نقاط ورود رو اون‌ها برای ما می‌سازن:

- ۱- الگوهایی که روی این سطوح یا نزدیک این سطوح ساخته می‌شن
- ۲- شکسته شدن این الگوها
- ۳- تثبیت شدن این الگوها در بالا یا پایین مووینگ اوریج



حالا کاری که باید انجام بدیم اینه که مارکت وقتی شروع می‌کنه به الگو ساختن، سریعا شروع کنیم به رسم خطوط الگو مثل تصویر بالا. حالا تصویر دوم رو مثال می‌زنیم:



چند نکته در تصویر بالا: اول خط بالایی رو رسم کردیم ، بعد خط پایین رو دقیقا موازی با همون خط در پایین کشیدیم چون خط پایینی الگو درستی به ما نمی داد ؛ حالا بعد رسم کردن این ۲ خط به ما یک الگوی ریزی و نسبتا خوبی تحویل میده و چگونگی اون در اینجا با مووینگ اوریجمون فاصله داره و مارکت در اون لحظه تردید رنج بوده می تونیم با شکسته شدن این الگوها وارد پوزیشن بشیم .

نکته دوم اینه توی کلوز کندل که وارد میشیم اولین تارگت تا مووینگ اوریج هست که میبینیم دقیقا روی مووینگ اوریج کندل داجی تشکیل شده که این به منزله سیگنال خروج برای ما خواهد بود ؛ این رو هم حتمن در نظر بگیرید که الگوی تشکیل شده دور از مووینگ اوریجه !

نکته ۲: اگر الگوها غیر قابل ترسیم بودن یا به صورت ذهنی این کار رو می کنیم ؛ مثلا وقتی می بینیم که سطح بالایی الگوی خاصی نمیده از خطوط پشتی و پایینی این کار رو انجام میدیم که در شکل زیر می بینیم تقریبا الگوی خوبی ساخته و داره الگو به ما میده (این مورد استراتژی معاملاتی خیلی خوبیه دقیقه ۶ ویدیو)



دقیقه ۷: به چارت بالا دقت کنید، فرض کنید با توجه به الگویی که می بینیم در محدوده قرمز رنگ پوزیشنی رو باز کردیم ولی وقتی تا کندل برگشتی ندیدیم می تونیم توی پوزیشنمون بمونیم؛ و با دیدن کندل برگشتی خارج میشیم تا بازار رنج خودش رو کامل کنه، و وقتی رنج خودش رو کامل کرد دوباره شروع به پیدا کردن الگو می کنیم و وقتی پیدا کردیم ببینیم واکنش ها بهش چیه.

نکته ۳: این موارد که در بالا ذکر شد یک استراتژی معاملاتی محسوب میشه. **در مواقعی که الگو به هر سمت می شکنه سریع ورود می کنیم** و دیگه تعلل نمی کنیم (این پوزیشن ها فست اسکالپ هم بودن). همچنین توی بحث اسکالپ و فست اسکالپ تا وقتی دستمون راه نیافته با کمترین حجم ممکن وارد میشیم تا اعتماد به نفس لازم رو به دست بیاریم.

نکته ۴: برخورد کندل ها با مووینگ اوریج هم طبق ویدیو یک استراتژی معاملاتی جدا محسوب میشه. (واکنش ها به مووینگ اوریج - نحوه کلوز کردن کندل ها در مووینگ اوریج؛ دقیقه ۸:۳۰)

نکته ۵: هست اینه که اسکالپر ها و فست اسکالپر ها عموماً نباید با مارکت وارد پوزیشن بشن و با اردر های از قبل تعیین شده وارد شن؛ چون با مارکت وارد شدن معمولاً خیلی دیر هست.

نکته ۶: در دل تریدینگ رنج ها انتظار ۲ لگ، two leg رو هم داریم!

نکته ۷: استراتژی بین بارهایی که دور از مووینگ اوریج تشکیل شدن تا اهداف خیلی کوچیک تا مووینگ اوریج رو بگیریم. (دقیقه ۱۳ ویدیو؛ تصویر صفحه بعد یک نمونه خوب از این استراتژی)



نکته ۸: استراتژی بعدی، پین بارهایی که روی سطح مووینگ اوریج تشکیل می‌شوند و در جهت همون روند ادامه پیدا می‌کنند و حرکت می‌کنند:



پس نتیجه کلی این ویدیو این شده که توی بحث اسکالپ و فست اسکالپ می‌تونیم بر حسب تک به تک کندل‌ها ورود و خروج کنیم. همچنین از تمام مواردی که توی این ویدیوها گفته شده یک لیست بچینیمون برا خودمون و ببینیم با کدوم مطلب راحت‌تر هستیم مثل همین چیزهایی که توی این ویدیو گفته شده بیا بیا روی همون‌ها استراتژی ساده بچینیم.

بخش چهارم : هایلایت های اینستاگرام

۱- استراتژی کلوز بازار نیویورک :

کلا شاخص های که آخر اون ها **usd** هست و به دلار ربط دارن و در ساعاتی که بازار نیویورک خیلی روش تاثیر گذار هست (مثل داوجونز و طلا **xauusd**) آخرین قیمتی که بازار اون نیویورک روی اون نماد به خودش دیده و وبسته شده برای ما بسیار مهمه . **کلوز روز قبل بازار نیویورک!** چرا؟؟؟ چون معمولا به این سطوح واکنش داریم حتمن . بازار نیویورک روی داوجونز ، تا حدی طلا و جفت ارزهایی که یک طرفشون **usd** هست حس مالکیت داره و به نوعی در زمان خودش قیمت این پارامترها رو تعیین می کنه .

*** در کل توی این نمادها تا باز شدن بازار نیویورک مارکت میاد به این سطح احترام احترام میزازه . مثلا اگر ارزش فاصله گرفته باشه سعی می کنه خودش رو به نقطه کلوز دیروز برسونه حتمن (معمولا اینجوریه) پس سه تا پارامتر خیلی مهم هر روز برای معاملاتی داریم : ۱- آخرین قیمت دیروز (نقطه کلوز آخرین کندل نیویورک) ؛ ۲- بیشترین قیمت دیروز ؛ ۳- کمترین قیمت دیروز .

۳ نکته مهم رو در این موضوع همیشه باید در نظر داشته باشیم :

۱- اخبار مهم مارکت رو تکون میده اما اگر از نقطه کلوز دور شده باشه یا فاصله گرفته باشه ؛ در زمان بازار نیویورک قیمت سعی می کنه به همون سطح برگرده یا خودش رو بهش نزدیک کنه .

۲- اگر قیمت روی همون سطح باشه به صورت انفجاری حرکت می کنه .

در این استراتژی صد مدل نقطه ورود می تونیم به دست بیاریم و می تونیم هر ایده ای داریم رو روی چارت پیاده کنیم ؛ (مثلا من میخام روی برگشت قیمت به این سطح کار کنم) . چارت زیر نمونه خوبی از این نمونه هست ؛ ببین قیمت چطور به سطح کلوز دیروز احترام گذاشته !



در کنار استراتژی می تونیم با کلی نکات پرایس اکشنی که بلد هستیم خیلی خوب کار کنیم ؛ مثل اوایل شکل بالا رو نگاه کن ؛ می تونیم یک ترندی رو بکشیم روی سومین حمله با پین بار سل بگیریم برای برگشت به همین سطح .

نکته خیلی مهم : تو استوری استراتژی کلوز دو روز قبل رو امتداد داده بود ؛ که قیمت قبل نیویورک تو روز بعد بهش نزدیک شده بود ؛ بعد با دادن پین بار نزولی برگشته به کلوز روز حال یا همون روز ؛ بعد معمولا روی سقف و کف های روزانه پین بار برگشتی داده بود مارکت . به تصویر زیر خوب دقت کن .



در رابطه با استراتژی بالا در طول روز قیمت سقف و کف روزانه رو می زنه معمولا و تا یک جاهایی میره بعد سعی می کنه خودش رو بهش نزدیک کنه و روی اون سطح حرکت کنه و بهش احترام بزاره . اگر قبل از باز شدن بازار نیویورک ——— خبر مهم تونست خودش رو برسونه و تو معاملاتمون سود کردیم که هیچ ؛ در غیر این صورت حتمن باید معاملات بازمون رو ببندیم .



با خوردن استاپ روی لبه های قیمتی و یا لول یا همون سطوح مهم تصمیم گیری معمولا در خیلی از موارد پوزیشن معکوس می گیریم . و همچنین در بعضی از استراتژی ها با دیدن یکسری از شرایط حد ضرر ما تبدیل میشه به معامله دوم در جهت معاملات ما . در مواقعی که سر یک معامله ضرر می کنیم می تونیم با این روش اون روز سر به سر برسونیم که راندمان معاملاتی مون بالا بره .

این موضوع رو اول باید رو دمو تست کرد بعدش روی لایو چون عملا توی بکتست نمیشه این روش رو استفاده کرد .

هایلایت سوم : نحوه ترید (پیدا کردن نقاط برگشتی بعد از اسپایک)



نکته ۱ : در مواقعی که چارت نامفهومه و بعد از تریدینگ رنج اسپایک خیلی واضح و مشخصی رو نمی بینیم ولی یک کندل پر قدرت می بینیم . برای این که از این فاز که اسپایک هست وارد کانال بشیم (اسپایک نباید الگوی وی تشکیل بده) ، باید سقف تریدینگ رنج شکسته بشه بعد به سطح بریک شده پولبک داده بشه.

نکته ۲ : در خصوص این مبحث وقتی توی تریدینگ رنج ها سقف هر چند خیلی خیلی کوچیک (توی کف ها هم همینطور) بالاتر از سقف قبلی هست یعنی یواش یواش میخاییم تغییر مسیر بدیم به سمت بالا .



نکته ۳ : وقتی اسپایکی رخ میده برای برگشت های قیمت دنبال یکسری نقاط هستیم دیگه . که مثلا اگر بالا رفت میخاد برگرده تا کجا میخاد برگرده ؟ اگر توی سطوح بعدی الگو که ساخت و اون رو دوباره بریک کرده بود . از وسط کندل بریک اوت کننده میاییم خط افقی حمایت و مقاومت رو می کشیم . در کل از موج های بریک اوت بعدی برای این موضوع استفاده می کنیم . (استراتژی بریک تو ایون)

نکته ۴: لگ های هم اندازه توی تریدینگ رنج ها خیلی مطرحه . وقتی مارکت چند روز میره توی تریدینگ رنج باید سطوح حمایت و مقاومت رو از چن روز قبل بکشی ، همچنین اسپایک هایی رو که می بینی می تونیم به عنوان مگنت ببینیمشون .

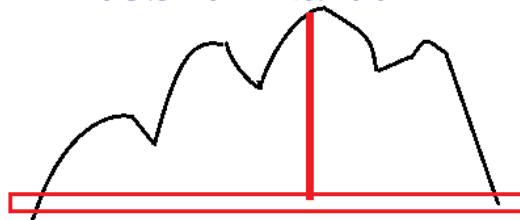
نکته ۵: برای اینکه هفته معاملاتی جدید + میشه یا منفی باید از آخرین ریز اصلاح نزدیک به قیمت کلوز روز جمعه یک راس رو یکبار در کل هفته معاملاتی جدید امتداد بدیم : (صرفا نباید یک نقطه باشه باید کل اصلاح رو راس کشی کنیم .)



با در دست داشتن کلوز روز جمعه و حرکت های قیمتی روز های دوشنبه و سه شنبه ؛ می تونیم ادامه حرکت مارکت برای بقیه روزهای هفته رو پیش بینی کنیم و با این دیدگاه ترید کنیم با خیال راحتی بیشتری وارد پوزیشن بشیم.

تمامی ستاپ ها و الگوهای برگشتی و یا حتی ستاپ های ادامه دهنده که نیاز داریم پیچیده بارها هستند. این که این کندل و این مفهوم کجا برای ما شکل می گیرد برای ما خیلی حائز اهمیت هست.:

کل این الگو شد در قالب پین بار. منظور از پین بار بیشتر خود مفهوم هست تا خود کندل پین بار



الان در روندی که به عنوان نمونه در بالا کشیدیم وقتی به سطوح PRZ مون رسید و برگشت؛ کل اون رو در مفهوم پین بار برگشتی در نظر می گیریم. الان چارت زیر رو ببینیم:

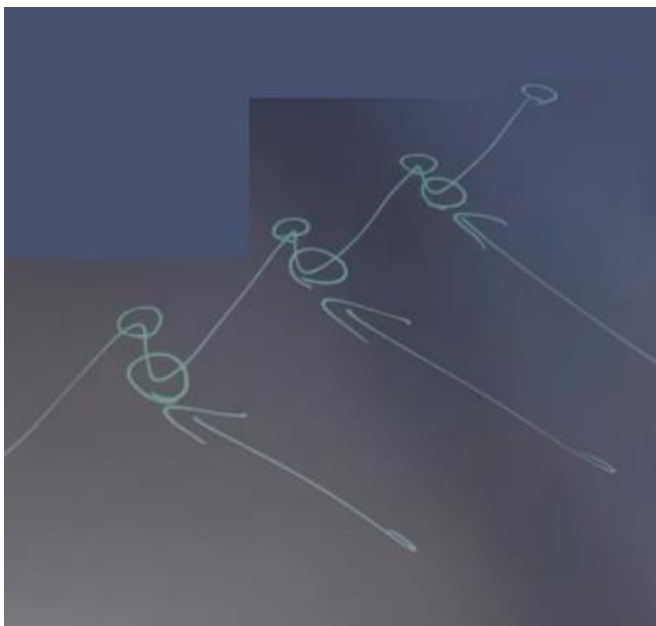


الان همونطور که می بینیم در قسمت آبی رنگ روند وارد محدوده PRZ که همون محدوده برگشتی ما هست وارد شده؛ و اگر به کندل ها تا سطح قرمز رنگ پایینی که اومدن نگاه کنیم می بینیم که کندل ریزشی خیلی قدرتمند و زیاد هستند که نتیجه می گیریم روند ریزشی شروع و در نهایت مفهوم پین بار اینجا شکل گرفت.

حالا اگر به مربع بنفش که خود کندل پین بار صعودی هست ببینیم بهش اهمیت نمی‌دیم؛ درسته که پین بار صعودی هست و لی الان در اینجا به ذات فشار فروش هست که ما باید ادامه پوزیشن رو بعد از اینکه اصلاح کوتاه و پولبک کوچیک به سمت بالا رو انجام داد رو بگیریم. (میخاد یکم فشار فروش رو بگیره که قیمت رو برگردونه ولی توانایی انجام این کار رو نداره؛ بعد به ۳ تا کندل که زرد رنگ هستن اونا اسپایک هستن و همچنین تعداد کندل های زرد بیشتر از سبز که این یعنی الان مارکت دست فروشنده هاست).

پس ما برای معامله روی سطوح PRZ دنبال مفهوم پین بار که ایجاد سایه - کلوز - اوپن داره رو می‌گردیم. این مفهوم ممکنه توی چند تا کندل مثلا ۷ یا ۸ کندل اتفاق بیفته. همچنین این لول های ما هست که به این پین بار ایجاد شده اهمیت میده؛ خود مفهوم هرجایی تشکیل شد مهم نیست؛ مهم اینه روی لول مد نظر ما تشکیل بشه.

***** حالا چیکار کنیم این قضیه برامون سود ده باشه؟** جواب این سوال این هست که ما فقط باید در جهت روند وقتی تشکیل شد دنبال پین بار باشیم، نه اینکه روی سقف ترند که تشکیل میشه؛ و در شرایطی که دیگه کاملا مطمئن هستیم روند برمی‌گرده هم باز هم دنبال پین بار بگشتی در جهت روند هستیم. **پس فقط پین بارهای در جهت روند. ۲- در لول های مد نظر پین بارهای برگشتی.** به شکل زیر دقت کنید:



در آخر اینکه به این و کلوزی که مشخص کردیم تا به مفهوم پین بار برسیم خوب دقت کنید: (این مفاهیم چون دیده نشده تر هستن بیشتر برامون سود می‌سازن تا اونی رو که همه دارن می‌بینن).



چون ستاپ اینجا برگشتیه پس ما مفهوم
بین بار رو اینجا به راحتی پیدا کردیم



هایلایت ششم : معاملات لایو ششم (استراتژی طلایی اسکالپ کردن)

توی یک چارتی اسپایکی رو داریم و می‌خواهیم ادامه روند رو باهش بریم ؛ ولی وقتی میاد مثل عکس زیر میاد کف پایین تر می‌زنه باید کندل سبزی که تشکیل شده باید بره اون سقف رو که تشکیل شده رو بزنه که ادامه اسپایک و روند رو باهش بریم ؛ اگر نتونست روی موقعیت های بعدی فروش باید منتظر بمونیم :



همونطور که در تصویر زیر می بینیم این پوزیشن توی خط قرمز که حد سود ۲ هست میاد و اون رو می‌زنه .

صفحه ۱



Top or bottom wedge

توی بحث تلاش ها برای برگشت روند، از ابتدای
روند دنبال این سه برخورد نگردید

این باعث یه سوگیری ذهنی از طرف شما میشه
که همش دنبال برگشت روند هستید و از خود
روندی که توش هستید غافل میمونید

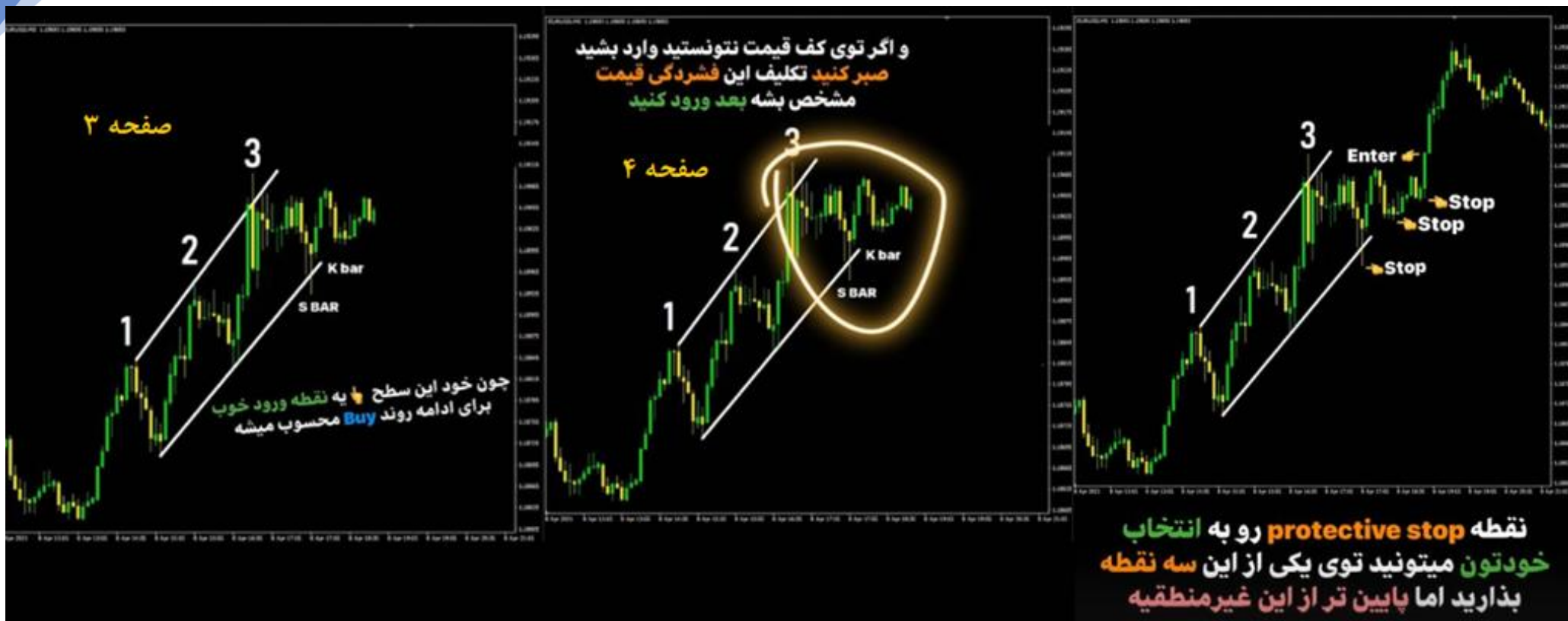
وقتی روند تازه شروع شده به نسبت قدرتمند
هستش، سعی نکنید به ازای هر سینگال
برگشت، معکوس اون معامله بگیرید

صفحه ۲

یا اگر برای اسکالپ کردن
اینجا sell limit گذاشتید



با رسیدن قیمت به این سطح یا
فیری کنید یا سیو سود کنید

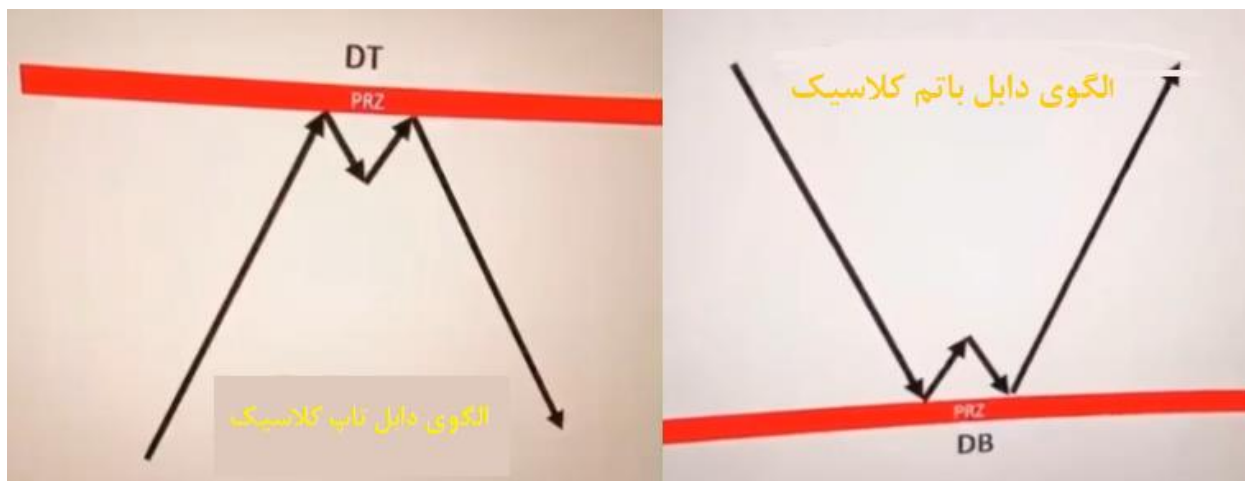


سوالی که بعد از عکس های بالا پیش میاد اینه که کجاها پوزیشن معکوس سه بر خورد رو بگیرم ؟ جواب :

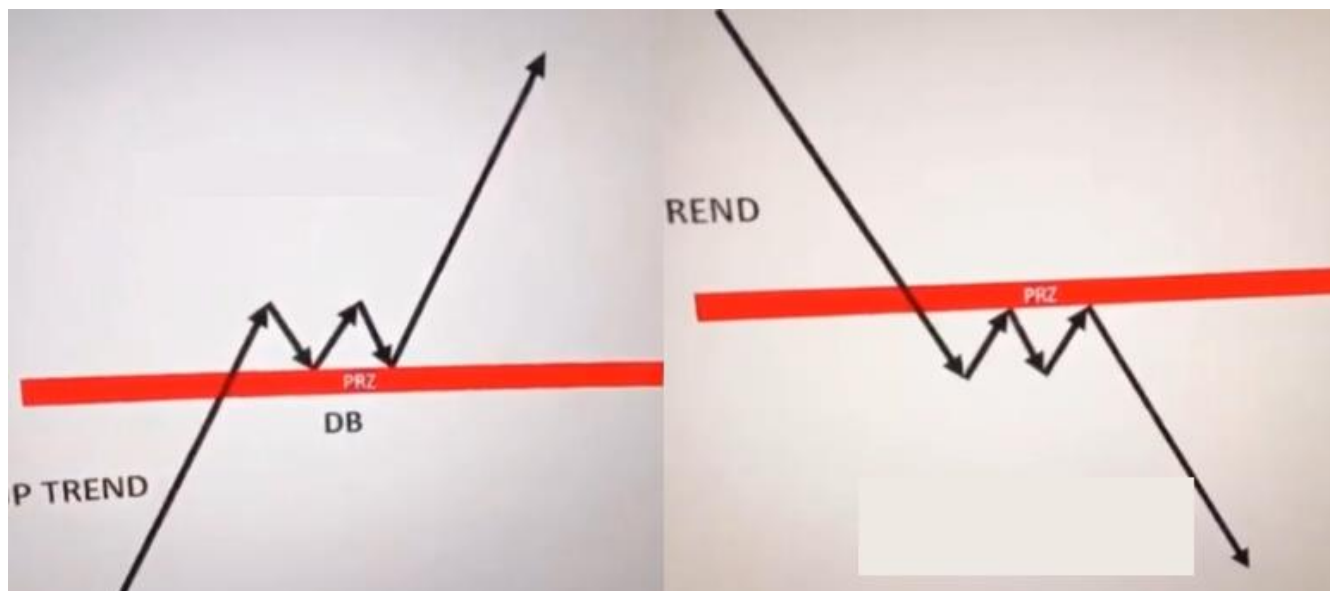


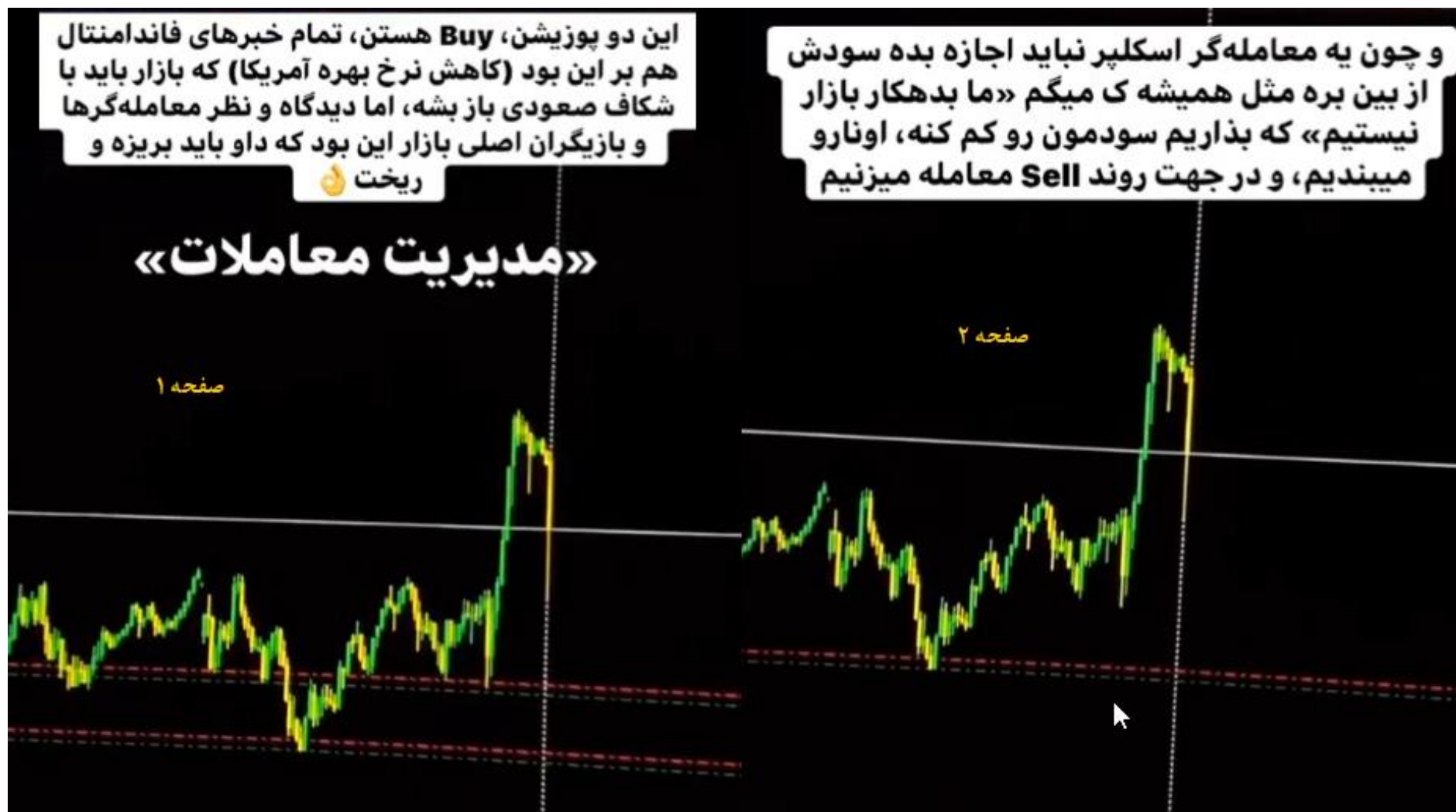
هایلایت هشتم : ورود اشتباه با الگوهای کلاسیک

در این ۲ عکس می بینیم که وقتی الگویی کلاسیکی داره تشکیل میشه ما نباید بر خلاف جهت روند با اون معامله کنیم چون ۸۰ درصد تلاش ها برای برگردوندن روند در روندها شکست می خورن . استفاده صحیح از الگوها این شکلیه :



این دو تا الگو بالایی چون خلاف جهت روند هستند نباید این شکلی معامله کنیم . شکل درست اصلی تصویر پایین :



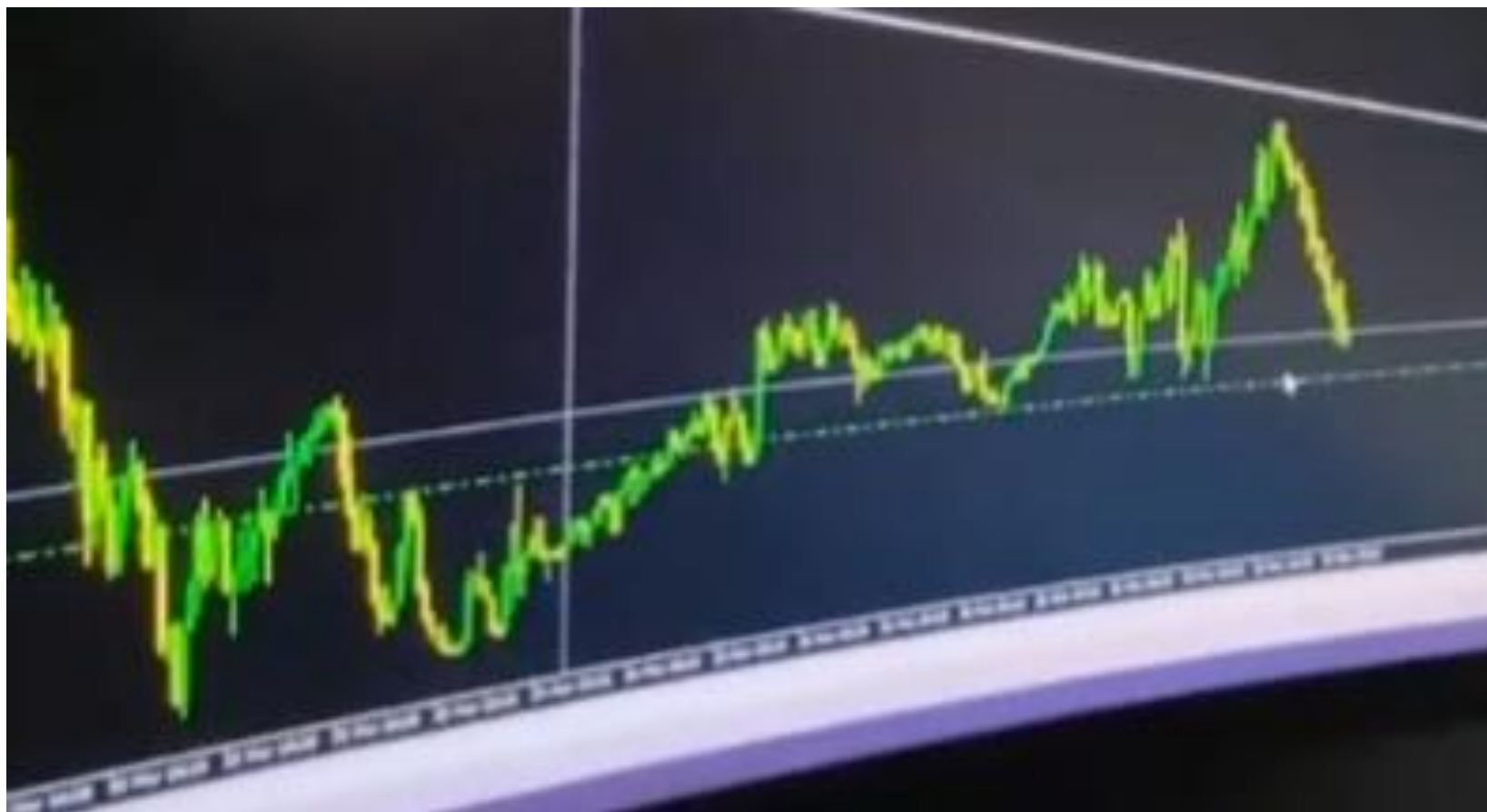


*** با استفاده از عکس بالا نتیجه می‌گیریم صرفاً اینکه لایو بازار چه اتفاقی داده میفته اون رو مد نظر بگیریم و صرفاً اخبار فاندامنتالی برای ما خیلی قابل توجه نیست. دو خط قرمزی که می‌بینید اول پوزیشن بای بودن ولی دیدگاه در عرض مدت کوتاهی برگشته که پوزیشن بای رو با پوزیشن سل عوض کردیم و دیدگاهمون رو به فروش تغییر دادیم.

معامله بعدی: الان در تصویر زیر یک ستاپ ریزشی رو می بینیم . همون طور که می بینیم یک اسپایکی که تو دل کانال ریزشی داریم و حتی سقف کانال رو شکسته ؛ اما چون ۸۰ درصد تلاش برای برگردوندن روند در روندها شکست می خورند ما به محض اینکه قیمت تو همون بالا گیر کرد و سیگنال ریزشی داد در جهت ستاپ ریزشی وارد معامله سل میشیم :



نحوه تفکر حرفه ای ها و بزرگان بازار. چرت زیر رو در تصویر داریم :



همون جوری که می بینیم ما به نتیجه می رسیم که باید در نمودار بالا وارد پوزیشن خرید بشیم ؛ ولی به خط سبز رنگ دقت کنید که جای استاپ لاس خیلی از بایرها هست ، ولی جایی مشخص برای گذاشتن استاپ هست چون خیلی از بایرها استاپ رو اونجا می زارن تا ادامه روند رو بگیرن ؛ ولی بازار با یک حرکت نزولی اول استاپ این افراد رو می زنه بعد به روند صعودی خودش ادامه میده . برای استاپ باید خیلی به این موضوع توجه داشته باشیم. (مثلا حد ضرر رو باید خیلی مدیریت شده قرار بدیم ؛ مثلا تو تصویر بالا که خیلی تابلوعه باید می بردیم پایین تر) .

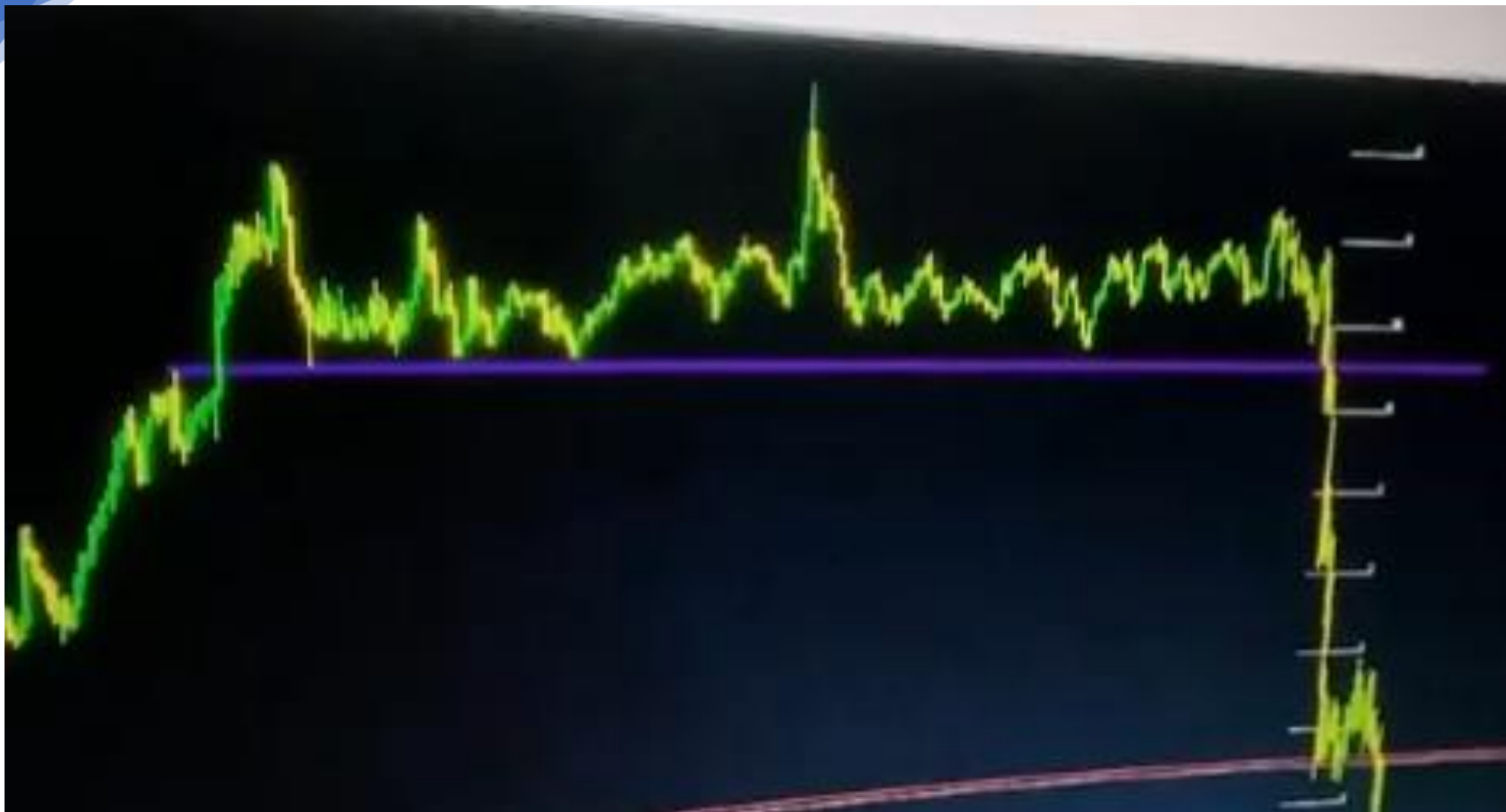


الان در تصویر زیر داخل همچنین تریدینگ رنجی تو خط وسط پوزیشن بای باز کردیم ؛ ولی به سقف که می رسه می بینیم که دیگه بازار شل میشه و سیگنال برگشت میده :



حالا از همون سطحی که قیمت برگشته بود شروع می کنه به ریزش که نزدیک حد ضرر ما شد ؛ که ما در این مواقع حد ضرر رو میاریم بالاتر یا پوزیشن رو دستی می بندیم .چرا ؟ چون حالا که قیمت تا نزدیک حد ضرر ما اومده پس قطعاً حد پایین تر هم میاد و ما لازم نیست دیگه ضرر بیشتری به بازار بدیم . (حد ضرر رو جایی دقیقاً وسط تریدینگ رنج بود)

نکته ۲ : در پوزیشن زیر قیمت دو روز روند ریزشی داشته (تو تصویر معلوم نیست) که اومده یک مقدار تریدینگ رنج شده طبق تصویر ؛ زمانی که حمله می کنه خط بنفش رو می شکنه و زیرش کلوز میشه این یعنی روند ادامه روند ریزشی قبلی هست و ما می تونیم ادامه روند ریزشی رو بگیریم.



.....

معامله لایو ۹ :

یک پوزیشن خریدی رو به شکل زیر باز کردیم ؛ دقت کن روند صعودی قبلی تا یک سقفی رفته ولی بعدش برگشته به بریک ایون خودش (استراتژی بریک ایون) و از همونجا بعد از اینکه برگشته به بریک ایون رفته بالا . الان این شکل تایم فریم ۵ دقیقه هست توی تصویر زیر :



حالا اگر تصویر بالا رو توی سقف قیمت بعد از مدتی بررسی کنیم نکات زیر برامون خیلی مهم میشه :



*** حالا اولین سوال مهمی که پیش مباد اینه چرا در تصویر بالا مربع قرمز رنگ رو بریک ایون در نظر گرفتیم که قیمت دوست داشت به همونجا برگرده ؟ چون در مواقعی پیش مباد که سطوح بریک شدنشون آنچنان برامون اهمیتی نداره .

ما بیشتر در سطوح نزدیک تر و به صورت اولویت روی کندل قبل که بریک شده معیار حرکت داریم ؛ به تصویر زیر دقت کنید تا کامل متوجه بشید (تصویر زیر همون چارت بالایی هست) :



همونطور که می بینیم سطوح رو با خط ابی مشخص کردیم ولی همون طور که گفتیم الویت بریک با کندل قبلی هست ؛ و کوچکترین خط ابی همونجایی هست که بریک اتفاق افتاده پس اونجا رو بریک ایون در نظر می گیریم .

*** حالا سوال دومین سوال مهم اینه که چرا توی تصویر بالا که با فلش ابی مشخص کردیم خروج کردیم و گفتیم که خروج بایرها و ورود سلر اتفاق افتاده و پشت بندش نتیجه گیری کردیم که قیمت به زودی میریزه ؟ چون : ۱- چندین نشونه برگشتی می بینم ، ۲- چند بار حمله به سطح قرمز رنگ بالایی می بینم ؛ ۳- به سقف قبلی رسیدیم ؛ ۴- قیمت اون بالا توی گوشه جمع شده (الگوی جمع شونده) می بینم ؛ ۵- اگر از کف ترند لاین می کشیدیم هم باز مشخص بود که قیمت باز میخاد بریزه و....

پس در کل در چارت بالا هم پوشانی چند اتفاق ما رو مجاب می کرد که جایی که با فلش مشخص کردیم از پوزیشن خرید بشیم .

حالا یک نکته جالب در چارت بالا اینکه اگر همونجایی که قیمت ریخته رو امتداد بدیم نقطه برگشت به بریک ایون ساعت های بعدی رو هم به ما میده . (قانون کلی این بود قیمت دوست داره به بریک ایون خودش برگرده یا بهش واکنش نشون بده) . روی کندل پین بار نزولی که بریک ایون روز قبل خودش رو تاچ کرده خیلی راحت می تونیم وارد پوزیشن بشیم .



این موضوع هم برای امواج و همچنین برای ریز موج ها هم کاملا قابل تشخیص و معامله هم هست ؛ الان به چارت زیر که نوعی ریز موج هست دقت کنیم :



همونطوری که می بینیم از جایی که با خط قرمز علامت زدیم بریک اوت اتفاق افتاده ولی در کندل های بعدی و موج بعدی دقیقا برگشته به همونجا و از همونجا ریخته .

به تصویر زیر و ناحیه قرمز رنگ که مشخص شده دقت کنید :



الان در ناحیه قرمز رنگ برای اولین بار می بینیم که حمله صورت گرفته ولی سریعا برگشته به زیر اون سطح آبی رنگ مهم و مجدد دوباره حمله می کنه اما سریعا برمی گرده به سطح PRZ؛ باز هم تلاش می کنه خودش رو اون بالا تثبیت کنه اما نمی تونه. بنابراین وقتی می تونیم بگیریم حمله ای تثبیت شده است که همونجا بمونه نه اینکه چند بار حمله کنه به اونجا، دودل باشه سریع برگرده.

معامله لایو ۱۱: نحوه معامله و مدیریت پوزیشن

یک چارتی رو مثل چارت شکل زیر داریم که همونطور که می بینیم ریزشی هست و سعی می کنه اون رو اصلاح کنه و با زدن سقف اول طبق تصویر؛ شروع می کنه به ۶ کندل ریزشی شروع می کنه به ریختن (و ریزش ممتد هست یعنی قیمت تلاش خودش رو می کنه بره بالا و هی می خوره تو سر قیمت) و ما اونجا بعد کندل ششم می تونیم پوزیشن سل رو بگیریم چون ریسک احتمال وقوع بسیار بالاست :



حالا اگر در چارت و تصویر بالا جایی که استاپ رو گذاشتیم و سناریو ما نقض بشه می تونیم در محل استاپ وارد پوزیشن بشیم :

سناریو اگر باطل بشه، روی استاپم وارد بای میشم



●●● حالا نحوه مدیریت پوزیشن : روش اول ۱- : در چارت بالا و همچنین اکثر مواقع اینه که وقتی چند پوزیشن در یک نقطه معاملاتی خاص باز می کنیم ، بهتره هر چی از اولین پوزیشن به سمت پوزیشن پایین تر می ریم حجم ها رو پایین تر بیاریم ؛ مثلا نقطه ورود اول بیشترین حجم ، نقطه ورود دوم حجم کمتر ، نقطه ورود سوم باز هم کمتر و به همین ترتیب .

روش دوم : طبق تصویر زیر که ادامه چارت قبلی هست می تونیم پوزیشن آخری رو فری کنیم به این واسطه که اگر بیاد قیمت یکم برگرده بالا ، فری خورده بشه ولی در عوض در محل خوردن فری ورود مجدد کنیم :



حالا بعد از اینکه فری کردیم می ریم تایم فریم پایین تر (در چارت بالا تایم فریم ۵ دقیقه هستیم میریم تایم فریم یک دقیقه ای) و دنبال کندل هایی می گردیم که ما رو مجاب می کنه میخاد یک اصلاح بزنه :



حالا در تصویر پایین رفتیم تایم فریم یک دقیقه ای و جایی تی پی رو قرار می دیم که بایرها استاپ رو در اون نقطه قرار دادن :



و به همین شکل با مارکت پیش میریم تا بهترین نتیجه رو بتونیم به دست بیاریم؛ حالا به چند نکته مهم پایان این بحث توجه کنیم:





تصویر دوم که کوچکتر هست رو در ویدیوها خیلی دقت کنید به شـ_____دت مهم بود.

در نهایت نکته اصلی برای ورود به پوزیشن این رشته استوری :



با تشکر فراوان از محمد حبیبی جهت گرد آوری این مجموعه .